



پوهنتون اسلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پرنامه ماسټري تفسير و حديث

جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی و تحقیقات علمی
ریاست پوهنتون های خصوصی

وصف جنت و نعمت های آن در قرآن کریم

(ریاست ماسټري)

محقق: عبدالروف "جیبی"

استاد پوهنځی، پوهاند دکتور محمد اسماعیل "السنه" پکتی

سال: ۱۳۹۸ هـ.ل - ۱۴۰۰ هـ.ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
برنامه ماستری تفسیر و حدیث



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصيلات عالی
ریاست پوهنتون های خصوصی

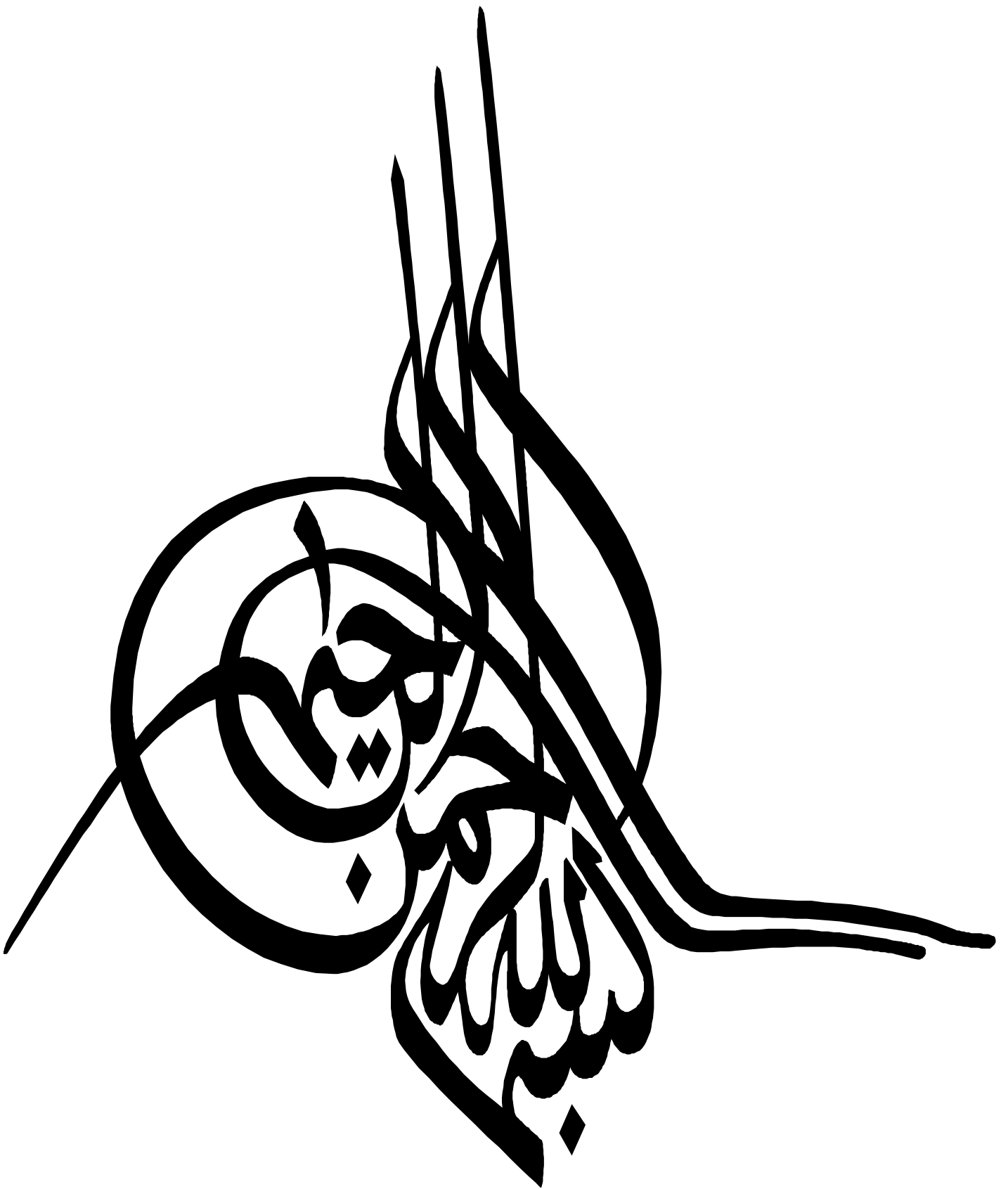
وصف جنت و نعمت های آن

در قرآن کریم

(رساله ماستری)

محصل: عبدالروف "حبیبی"
استاد رهنما: پوهاند دکتور محمد اسمعیل "لبیب، بلخی"

سال: ۱۳۹۸ هـ ش - ۱۴۴۰ هـ ق





پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورد ماستری

تصدیق نامه

محترم عبد الرؤف ولد اسد الله ID نمبر Sh-mst-95-171 محصل دور دوم تفسیر و حدیث از رساله ماستری خویش زیر عنوان: وصف جنت و نعمت های آن در قرآن کریم به روز پنجشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۳ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۵ (نمره به عدد) هشتاد و پنج (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور عبد الباری حمیدی	عضو هیات	
۲	پوهنوال امین الله معتصم	عضو هیات	
۳	دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی	استاد رهنما و رئیس جلسه	

معاون علمی

امر بورد ماستری

اهداء

این رساله را به

- مجاهدین ، شهدای صدر اسلام و رهروان شان.
- دعوت گران راستین و صادق در عصر ماضی و حاضر.
- ائمه مذاهب ، مفسرین ، محدثین ، و طلاب علم.
- علمای که رسانیدن علم را وجیبه خود دانسته و به آن مشغول اند.
- والدین گرامی و همه اعضای فامیل ام.
- اساتید عزیز و عالیقدرم .
- آنانی که در همه عرصه های مختلف از اسلام دفاع نموده و غلبه اسلام را هدف و غایه مبارزات خویش قرار داده اند تقدیم می دارم .

خلاصه تحقیق

1. رساله حاضر در بر گیرنده اوصاف جنت و همه نعمات آن میباشد که در روشنی آیات قرآن کریم ترتیب گردیده است.
2. این رساله بیانگر اوصاف کلی جنت از حیث ساختار ، زیبایی ها ، وسعت ، فنا و بقاء ، ابتداء و انتهاء و همه نعمات آن از حیث کیفیت ، لذت ، کثرت و غیره میباشد.
3. در قرآن کریم برای جنت پانزده نام ذکر گردیده که ذکر این نامها دلالت به ارزش و جایگاه آن دارد.
4. آنچه از تحقیق این رساله به دست می آید آنست که جنت فعلا در آسمان هفتم موجود بوده و فناء نمی شود.
5. الله متعال در جنت نعمت های باارزشی را برای بندگان خویش مهیا نموده که تا اکنون چشمی آن نعمات را ندیده و گوشی نشنیده و به قلب بشر خطور نکرده.
6. دیدار الله متعال از بزرگ ترین نعمات جنت بوده که برای مؤمنین وعده داده شده است ، همچنان سایر نعمات مانند حورعین ، حوض و کوثر ، میوه ها و غذاهای گوناگون ، مجالس دوستی و باهمی ، بازارها و باغها ، چشمه سارها و درختان و غیره
7. آنانی که خویش را از نعمات جنت محروم دانسته اند تلاش نهایی به خرج می دهند تا به هم فکran و هم سفران خویش افزوده و مسلمانان را نسبت به عقیده شان که جنت و نعمات آن نیز از موارد مهم آن محسوب می شود بیباور ساخته و از مسیر اصلی و راه سعادت منحرف ساخته به گودال بدبختیها گرفتار سازند.
8. جایگاه و اهمیتی که جنت دارد به اهمیت این رساله می افزاید چون همه اوصاف جنت و نعمت های آن در روشنی قرآن کریم به بحث گرفته شده است.
9. بعضی از گروه های ضمن آنکه قایل به فنای جنت و دوزخ اند از دیدار الله ﷻ نیز انکار نموده اند که در مباحث مربوطه به رد ادعای شان پرداخته شده است.

تشکری

حمد بی حد و حصر مر خدای را که توان بیان وصف جنت و نعمت های آن را در روشنی آیات قرآن کریم برای بنده گان خویش عنایت فرمود.

درد بی عدد بر روان سردار انبیاء که زمینه ساز برای امت اش گردیده تا علم آموخته و به واسطه آن خود را از شقاوت و بدبختی نجات بخشد.

تشکر از والدین گرامی ام که برای آموزش علم خصوصاً علوم شرعی مشوق ام بوده و حمایت ام کرده اند ، از الله متعال تمنا دارم که آنچه درین رساله از نعمات واوصاف جنت بیان گردیده نصیب شان بگرداند.

تشکر از برادران عزیز و همه اعضای فامیل ام که فرصت آموختن علم را برایم میسر ساخته و در همه عرصه ها بایشانی باز مرا همکاری نموده اند.

از همه اساتیدگرامی ام که در مراحل مختلف از ایشان آموخته ام جهان سپاس و تشکر می نمایم.

از اداره محترم پوهنتون سلام خصوصاً بخش ماستری که زمینه ساز برای نایل شدن بنده به این درجه تحصیلی گردیده اند تشکر می نمایم.

از جناب پوهاند دکتور محمد اسمعیل "لبیب" بلخی " که شخصیت علمی این کشور محسوب شده و از زبان و قلم خویش در راستای تربیت فرزندان این سرزمین تقدیم نموده اند و بنده را در راستای ترتیب و تحقیق این رساله با حوصله مندی کامل رهنمائی نموده اند جهان سپاس نموده برای شان طول عمر ، موفقیت های مزید و جنت فردوس را خواهانم.

فهرست موضوعات

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۲.....	اسباب اختیار.....
۳.....	سوالات تحقیق.....
۴.....	اهمیت.....
۵.....	شینه.....
۶.....	روش تحقیق.....
۸.....	خطه بحث.....
۱۰.....	فصل اول: مباحث مقدماتی و مفهوم شناسی.....
۱۰.....	مبحث اول: مفهوم جنت و نعمت.....
۱۰.....	مطلب: اول تعریف جنت.....
۱۰.....	الف: جنت در لغت.....
۱۱.....	ب: تعریف اصطلاحی جنت.....
۱۳.....	مطلب دوم: شناخت نعمت.....
۱۵.....	مبحث دوم: نام های جنت و وجه تسمیه آنها.....
۱۸.....	۱ فردوس.....
۱۹.....	۲ عدن.....
۲۱.....	۳ دارالسلام.....

۲۲.....	۴ مأوی
۲۳.....	۵ نعیم
۲۴.....	۶ خلد
۲۵.....	۷ مقعد صدق
۲۶.....	۸ مقام امین
۲۷.....	۹ طوبی
۲۷.....	۱۰ الحسنی
۲۸.....	۱۱ دارالمتقین
۲۸.....	۱۲ الغرفه
۲۸.....	۱۳ دارالمقامه
۲۹.....	۱۴ دارالقرار
۲۹.....	۱۵ دارالحيوان
۲۹.....	مبحث سوم: موقعیت زمانی و مکانی جنت
۲۹.....	مطلب اول: موقعیت مکانی جنت
۳۲.....	مطلب دوم: موقعیت زمانی جنت
۳۴.....	مطلب سوم: فناء و بقای جنت و دوزخ
۴۲.....	مبحث چهارم: ساختارهای جنت
۴۲.....	مطلب اول: قصرها و خیمه های جنت
۴۲.....	۱ قصرهای جنت

۴۴.....	۲ خیمه های جنت
۴۶.....	مطلب دوم: اتاقها ، دروازه ها ، و درجات جنت
۴۶.....	۱: دروازه های جنت
۵۰.....	۲: اتاق های جنت
۵۱.....	۳: درجات جنت
۵۷.....	فصل دو م: نعمت های جنت و وصف آنها
۵۷.....	مبحث اول: دیدارالله متعال و حوض کوثر
۵۷.....	مطلب اول: دیدارالله متعال
۵۸.....	۱ منکرین رؤیت الله ﷻ
۶۰.....	۲ جمهور اهل سنت
۶۵.....	الف: رؤیت همه خلایق درمحشر
۶۵.....	۱ دیدار همه خلایق در محشر
۶۵.....	۲ دیدار منافقین و مؤمنین
۶۶.....	ب : دیدار مؤمنین درجنت
۶۷.....	مطلب دوم: حوض و کوثر
۶۷.....	۱- حوض
۶۷.....	الف: شناخت حوض
۶۸.....	ب: وصف حوض
۷۶.....	۲- کوثر

- الف: شناخت کوثر..... ۷۶
- ب: وصف کوثر ۷۸
- مبحث دوم: حوران بهشتی و شبهات وارده در مورد ۸۲
- مطلب: اول حور بهشتی ۸۲
- الف: حور در لغت ۸۲
- ب: حور در اصطلاح ۸۴
- ج: اوصاف حور بهشت ۸۴
- مطلب دوم: شبهات در مورد حوران بهشتی و دفع آنها ۹۰
- الف: شبهات ۹۰
- ب: دفع شبهات ۹۱
- مبحث سوم: باغ ها و میوه های جنت ۹۴
- مطلب اول: باغ های جنت ۹۴
- مطلب دوم: میوه های جنت ۹۸
- مبحث چهارم: مشروبات جنت و منابع آنها ۱۰۰
- مطلب اول: مشروبات جنت ۱۰۰
- ۱ آب ۱۰۱
- ۲ شیر ۱۰۲
- ۳ عسل ۱۰۳
- ۴ شراب ۱۰۴

ب: منابع مشروبات جنت	۱۰۷
۱ چشمه های جنت	۱۰۷
۲ نهرهای جنت	۱۰۹
مطلب دوم: شبهات وارده در مورد شراب جنت و دفع آنها	۱۱۴
الف: شبهات	۱۱۴
ب: دفع شبهات	۱۱۴
مبحث پنجم: غذاهای جنت	۱۱۰
ظروف جنت	۱۱۹
فصل سوم: جنتی ها و چگونگی زندگی آنها	۱۲۱
مبحث اول: آنانی که جنتی هستند	۱۲۱
مبحث دوم: شروط داخل شدن به جنت	۱۲۴
مبحث سوم: تفاوت جنتیان از حیث امتیاز	۱۲۶
مبحث چهارم: چگونگی زندگی فردی و اجتماعی در جنت	۱۳۰
مطلب اول: جنتیان و سرنوشت قرابت‌های دنیوی آنها	۱۳۰
الف: والدین	۱۳۱
ب: فرزندان	۱۳۲
ج: همسران	۱۳۴
مطلب دوم: چگونگی زندگی جدید در جنت	۱۳۶
مبحث پنجم: تصویر کلی از نعمات جنت	۱۴۴

۱۴۷.....	پیشنهادات
۱۴۸.....	نتیجه گیری
۱۵۰.....	فهرست آیات قرآنی
۱۵۳.....	فهرست احادیث نبوی
۱۵۵.....	فهرست اعلام و گروه ها
۱۵۶.....	فهرست مصادر و مراجع

مقدمه

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله.¹
وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنَعْمَ أَجْرَ الْعَامِلِينَ.²
وأشهد أن نبينا ورسولنا محمداً صلى الله عليه وعلى آله وصحبه وسلم، الذي بلغ الرسالة، وأدى الأمانة ونصح الأمة، فما ترك من خير يقربنا من الجنة إلا وأمرنا به، وما من شر يقربنا من النار إلا ونهانا عنه، فترك الأمة على المحجة البيضاء ليلها كنهارها لا يزيغ عنها إلا هالك، اللهم صل وسلم وزد وبارك عليه في الأولين والآخرين، والملاً الأعلى إلى يوم الدين.

قال الله تعالى: {وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ}.³
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: عن ربه عزوجل: (أَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ، وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ).⁴

امابعد رساله حاضر تحت عنوان " وصف جنت و نعمت های آن در قرآن کریم " بیان گر همه لذایذ و زیبایی های جنتی است که برای برگزیده ترین و مخلص ترین بندهگان پروردگار ساخته و مهیا است.

مخلوقات و خصوصاً انسانها هرآنچه شبانه روزی تلاش می ورزند بخاطر آنست تا راحت و سعادت بدست آورند تا لحظات وایامی را در لذت و نعمت به سربرده و در نتیجه آنچه کسب نموده اند آینده خوب و بهتری داشته باشند.

مؤمنین همه سعی و تلاش شبانه روزی را به خرج می دهند، از بعضی لذایذی که شرع ممنوع قرار داده خود را محروم می سازند عبادات را در شرایط سخت انجام میدهند، فقرو مشکلات زندگی را به پیشانی باز می پذیرند، اوامر الله ﷻ را به جا آورده و از زنواهی خود را به دور نگه میدارند تا آنچه را برای شان بشارت داده شده بدست آورند.

¹سوره اعراف آیه ۴۳.

²سوره زمر آیه ۷۴.

³سوره آل عمران ۱۳۳.

⁴صحیح البخاری ج ۴ ص ۱۸ شماره ۳۲۴۴

الله قادر و توانا انسان ها را در روشنی و مسیر مستقیم قرار داده و راه های سعادت و شقاوت را برای شان واضح ساخته و عواقب همه اعمال انسان را برایش از قبل ترسیم نموده تا، انسان خود سرنوشت خود را تعیین و خود سبب ساز برای خوش بختی و بد بختی خود باشد.

بدین اساس الله ﷻ از جنت و نعمات آن و دوزخ و زشتی های آن با ذکر دلایل روشن و واضح، بنده گان خود را آگاه ساخته تا بتوانند برای آینده خویش تصمیم گیرنده باشند.

پس درین صورت انسان است که دوزخ و عذاب های آن را و یا جنت و نعمات آن را انتخاب می نماید.

دو زخیانی که خویشتن را خود به آتشی که هیزم آن سنگها و مردمان میباشند گرفتار نموده اند ممکن در دنیا از لذایذی استفاده نموده اند که الله ﷻ آن را در دنیا حرام قرار داده و یا اینکه این همه براهین و دلایلی را که انبیاء علیهم السلام آورده اند به آن کدام اهمیت و ارزشی قایل نبوده اند و یا گوشه های شنوا و چشم های بینا نداشته اند تا حق را درک کرده و برخورد تطبیق نموده از آن پیروی نمایند و یا کبر و تکبر سبب شده تا آنچه پرور دگار از عذابها بیم داده ترس و هراسی نداشته اند، بناء باید دوزخ برایشان مسکن و مأوی باشد.

اما مؤمنانی که جنت را اختیار نموده اند برای شان هست آنچه که بخواهند از خوردنی، نوشیدنی، تفریح، و سیاحت، قصرها و تخت ها، باغها و باغچه ها، حور عین و همسران نیک و صالح، محافل خوشی و اجتماعات با اقارب و دوستان، چشمه سارها و نهرهای از آب روان، شیر، عسل، شراب، زندگی بیغم و رنج، مرض و دردی و جود ندارد، کهن سالی و مرگی و جود ندارد.

زندگی و نعمات همه مطابق به ذوق اهل جنت آماده می باشد و هر آنچه انسان میل داشته و بخواهد به دسترس و میسر است.

سبب اختیار: هدف از تحصیل و فراگیری درس در نهاد های مختلف تعلیمی و تحصیلی ارتقای دانش و فهم دانش آموزان می باشد تا در رشته مربوطه معلومات حاصل نموده و در امورات مربوطه خود از آن استفاده نماید، ضمن فراگیری درس بحث ها و تحقیقات نیز از مسایل مهم به شمار می آید تا دانش آمو زان ضمن فراگیری دروس نظری به مسایل عملی و تطبیقی آشنایی پیداکنند که این فعالیتها شامل بحث های صنفی و پایان نامه ها میشود.

بدین ملحوظ در برنامه های ماستری جهت انکشاف روحیه تحقیق نزد محصلین و بلدیت کامل آنها با روش های تحقیق و استفاده از مصادر و مراجع رشته مربوطه ملزم به ترتیب یک رساله میباشند، این رساله باید بامعیار های علمی برابر بوده و زیر نظر استاد رهنما تهیه گردد.

بدر نظر داشت موارد فوق و لایحه وزارت محترم تحصیلات عالی بنده نیز بعد از تکمیل دوره پروگرام درسی از طرف اداره ماستری پوهنتون سلام به تحریر این رساله مکلف شدم تا با تحریر این رساله نصاب درسی خویش را تکمیل نمایم.

که اسباب اختیار موضوع طور خلاصه عبارت اند از:

- 1- تکمیل مکلفیت درسی برنامه ماستری.
- 2- جمع آوری آیات قرآنی در مورد جنت و نعمت های آن در یک رساله.
- 3- تفسیر و توضیح آیات مربوط جنت و نعمات آن در روشنی احادیث نبوی و اقوال علماء.
- 4- برجسته ساختن و بیان جایگاه و منزلت بنده گان مؤمن و صادق الله متعال در اسلام.
- 5- تقدیم یک رساله به زبان ملی برای آنانیکه شایق به معلومات در مورد جنت و نعمات آن هستند.
- 6- بیان آنچه الله ﷻ برای بنده گان مخلص و صادق خود مهیا نموده .
- 7- رد و جواب شبهات و مطاعنی که در مورد جنت و نعمات آن وارد گردیده.

سوال های تحقیق:

سوال کلیدی ۱: نصوص شرعی جنت و زیبایی های آن را چگونه تصویر نموده اند؟

سوالهای فرعی!

* با فراهم شدن کدام شرایط انسان مستحق جنت شده میتواند؟

* کدام اعمال و کردار است که انسان را طور مطلق و یا مقید از جنت محروم می سازد؟

* چگونه میتوان از جنت و نعمت های آن آگاهی پیدا کرد؟

* آیا جنت فعلا موجود است؟

* جنت در کجا واقع است؟

سوال کلیدی ۲: نصوص شرعی نعمت های جنت را چگونه تمثیل نموده اند؟

سوال های فرعی !

* نعمت های جنت را چگونه می توان شناخت؟

* بزرگترین نعمت جنت کدام است؟

* آیا نصوص شرعی به و صف و بیان نعمت های جنت پرداخته اند؟

* چگونه میتوان نعمت های جنت را شناخت؟

سوال کلیدی ۳: هدف از همه تلاش انسان ها برای اطاعت از اوامر و اجتناب از نواهی الله برای

چیست؟

سوال های فرعی !

* نصوص شرعی چه کسانی را جنتی معرفی نموده اند؟

* آیا انسان بعد از دخول به جنت باسختی ها و امتحانات مواجه میشود؟

* آیا در جنت غم و اندوه و جود دارد؟

* آیا جنت و نعمت های آن فنا میشود؟

اهمیت موضوع: رساله حاضر دارای اهمیت مادی و معنوی بوده ضمن آنکه تحریر این رساله برای بنده از لحاظ بلدیت بامصادر و مراجع و روش نوشتاری حایز اهمیت بوده همچنان دربخش ترغیب و تشویق نیز برای عامه مردم و اهل مطالعه مفید است چون موضوع آن بحث کلی در مورد جنت و نعمات آن میباشد که مسلمانان را از عاقبت عملکرد ایشان آگاه ساخته به امید واری ایشان می افزاید بدون شک جنت و نعمات آن برای مسلمانان هدف اصلی و نهایی همه تلاش های خستگی ناپذیر و تحمل همه مشقت ها و مشکلات و نایل شدن به همه فیوضات می باشد .

1- رساله حاضر به زبان دری ترتیب گردیده که هر شخص میتواند آن را مطالعه نموده و از آن استفاده نماید.

2- جنت و نعمات آن در روشنی آیات قرآنی به تصویر کشیده شده که از لحاظ دعوتی و معلوماتی یک رساله مفید میباشد.

- 3- ضمن آنکه این رساله در روشنی قرآن کریم ترتیب گردیده احادیث نبوی مربوط به جنت و نعمات آن نیز جمع آوری گردیده که در صورت ضرورت به آسانی میتوان به آن مراجعه نمود.
- 4- بعضی مسائلی که اختلافی بوده به شکل مختصر در روشنی دلایل قوی به حل آن پرداخته شده که خواننده به سهولت اخذ مطلب کرده میتواند.
- 5- شبهاتی که در مورد بعضی از نعمات جنت وارد گردیده به رد آنها پرداخته شده.

پیشینه تحقیق: علماء و محققین علوم اسلامی همه ابعاد جنت و نعمت های آن را به تحقیق و بررسی گرفته اند اما تحقیقات ایشان متفاوت بوده بعضی تنها مسئله رویت الله متعال را تحقیق نموده اند بعضی راه های رسیدن به جنت را تحقیق نموده اند عده یی نعمت های آن را تفسیر و بیان نموده اند که درینجا تنها از تألیفاتی ذکر بعمل می آید که اکثر بخش بزرگ آن را جنت و نعمت های آن تشکیل داده است که میتوان از کتب ذیل نام برد:

- 1- (وصف الجنة في القرآن و السنة) مولف ابوزید شافعی در 18 صفحه تحریر شده که طور خلص زیرهر عنوان یک حدیث و یا آیه را به شکل ترغیبی ذکر نموده است بدون شرح و بیان.
- 2- (وصف الجنة من الكتاب و السنة و الطريق الموصل إليها) تألیف قسم العلی بدار ابن خزیمه در ۲۰ صفحه این کتاب نیز کتاب مختصر میباشد که راه رسیدن به جنت و بعضی از اوصاف جنت و نعمت های آن را به زبان عربی ترتیب نموده است .
- 3- (الجنة و النار قسم العقيدة) در ۱۸۶ صفحه تنها جنبه های عقیدوی که شامل: خلق جنت ، صراط ، حساب ، فنای جنت ، و اختلافات فرقه های مختلف چون معتزله ، مرجئه ، خوارج .. را بحث نموده و در آخر کتاب بعضی مباحثی زیر عنوان انهارجنت ، اثمار الجنة ، درجات الجنة ذکر نموده که دارای سلسله خوبی است و تنها احادیث را در مورد جمع نموده.
- 4- (صفة الجنة) از ابونعیم اصفهانی که شامل احادیث جنت (جزء حدیثی) است .
- 5- (صفة الجنة) از ابن ابی الدنيا که از کتب اجزاء حدیثی است (جامع الحدیث) در ۳۶۱ صفحه است.
- 6- (نعیم الجنة) از زهیر حسن حمیدات در ۸۳ صفحه که تنها نعمت های جنت را بحث نموده .
- 7- عقاید بخش سمعیات مولف داد محمدنذیر کتاب درسی است که ضمن مسایل مربوط به سمعیات یعنی امور غیبی در رابطه به آخرت که جنت را نیز شامل میشود بحث نموده که اکثرا مسایل اختلافی را از دیدگاه های مختلف اهل سنت و فرقه های کلامی بحث تفصیلی و فلسفی نموده است.

8- الترغيب والترهيب (الصحيح والضعيف) دوکتاب است از مُحَمَّدناصرالدين البانى که احاديث صحيح وضعيف مربوط به جنت را جمع نموده است.

9- (الترغيب والترهيب) از عبدالعظيم بن عبدالقويم منذرى که ضمن مسایل فضایل و اخلاق موضوع جنت را نیز بحث نموده.

10- (کتاب صفة الجنة) ازحافظ ضياء الدين أبي عبد الله مُحَمَّد بن عبد الواحد حنبلي مقدسي جزء حدیثی است که احاديث مربوط به جنت و دوزخ را ذکرنموده است .

11- (کتاب بستان الواعظین ورياض السامعین) نیز بعضی احاديث ترغيب را درمورد جنت و دوزخ ذکرنموده است .

کتاب فوق که ذکر گردید وممکن کتب ورسایل زیادی تحریرشده باشد که من به آن ها دست نیافتم همه کتب مفید و دارای خصوصیات بخصوص میباشد که هر یکی نمایندگی از زحمات و اخلاص تحقیق کننده گان آنها مینماید.

پس تفاوت این رساله از سایر کتب ورسایل آنست که به زبان ملی نوشته شده که هموطنان ما از آن مستفید شده میتوانند ، همچنان ترکیز این بحث روی قرآنیست موضوع میباشد که در روشنی آیات قرآنی ترتیب گردیده و همه ابعاد جنت و نعمات آن را شامل میباشد چنانچه اکثر کتب فوق چنین نبوده بل یک بخش از امورات جنت را به بحث گرفته اند.

روش تحقیق: رساله حاضر بحث نظری و کتابخانه ئی بوده که جز از طریق مراجعه به قرآن کریم ، احاديث نبوی ، اقوال مفسرین و علماء نتیجه درست بدست نمی دهد بدین اساس کوشش صورت گرفته تادر ترتیب این رساله از شیوه های که جهت تحقیق ضرورت است استفاده نمایم:

1- معیار های موجوده ئی که در تحقیق رسایل از حیث مقدمه و موارد مربوط آن تقسیم بندی رساله به فصول ، مباحث ، مطالب و فروعات .. میباشد عملی نموده ام.

2- معیار های نوشتاری را مانند قوس ها ، شارحه ، کامه ، نقطه ، فاصله .. مراعت نموده ام .

3- در مطابقت به عنوان رساله اولاً سعی نموده ام تا در استدلال به آیات قرآنی مراجعه نموده و در روشنی آن موارد را واضح نمایم.

4- درتفسیر آیات و احیانا در تراجم عناوین از احاديث استفاده نموده ام.

5- در ترجمه و تفسیر آیات از کتب متعدد تفسیر استفاده نموده ام و ترجمه دری را اکثرا از تفسیر نور تألیف دکتور مصطفی خرم دل نقل نموده ام.

- 6- در ذکر احادیث اولاً به کتب صحیحین مراجعه نموده ام و در قدم دوم از سایر کتب حدیث نقل نموده ام .
- 7- در شرح احادیث از کتب شروح سنن استفاده نموده ام.
- 8- در ذکر و شرح تعریفات به کتب لغت مراجعه نموده ام.
- 9- در موارد اختلافی اقوال و دلایل همه جوانب را ذکر نموده و قول را جح را ذکر نموده ام.
- 10- آنچه شبهه‌اتی در مورد بعضی از نعمات جنت و جود داشته در روشنی دلایل و اقوال علماء به رد آنها پرداخته ام.
- 11- در بیان و شرح بعضی مسایل عقیدوی به کتب عقیده خصوصاً عقیده الطحاوی و شروح آن مراجعه نموده ام.

خطه بحث: و صف جنت و نعمت های آن در قرآن کریم

اهداء ، خلاصه بحث ، تشکری ، سوالات تحقیق ، مقدمه حمد و ثنا سبب اختیار موضوع ، اهمیت موضوع ، طریقه بحث ، و خطبه بحث.

فصل اول ، زیرعنوان مباحث مقدماتی و مفهوم شناسی که در بر گیرنده مباحث ذیل است: مبحث اول مفهوم جنت و نعمت ، مطلب اول تعریف جنت مطلب دوم شناخت نعمت ، مبحث دوم نام های جنت و وجه تسمیه آن ها ، مبحث سوم موقعیت زمانی و مکانی جنت مطلب اول موقعیت مکانی ، مطلب دوم موقعیت زمانی ، مطلب سوم فناء و بقای جنت و دوزخ. مبحث چهارم ساختار های جنت ، مطلب اول قصرها و خیمه های جنت ، مطلب دوم اتاق ها ، دروازه ها و درجات جنت.

فصل دوم ، زیر عنوان نعمت های جنت و و صف آن ها که شامل مباحث و مطالب ذیل میباشد: مبحث اول دیدار الله متعال ، حوض و کوثر ، مطلب اول دیدار الله متعال مطلب دوم حوض و کوثر ، مبحث دوم ، حور بهشتی و شبهات وارده در مورد ، مطلب اول حور بهشتی مطلب دوم ، شبهات وارده در مورد و رد آنها.

مبحث سوم ، باغ ها و میوه های جنت ، مطلب اول باغ های جنت ، مطلب دوم میوه های جنت ، مبحث چهارم مشروبات جنت و منابع آنها ، مطلب اول مشروبات جنت ، مطلب دوم شبهات وارده در مورد مشروبات جنت و دفع آنها ، مبحث پنجم غذاهای جنت.

فصل سوم زیرعنوان جنتی ها و چگونگی زندگی آنان که شامل موارد ذیل میباشد: مبحث اول آنانی که جنتی هستند ، مبحث دوم ، شرایط داخل شدن به جنت ، مبحث سوم ، تفاوت جنتیان از حیث امتیاز.

مبحث چهارم ، چگونگی زندگی فردی و اجتماعی جنتیان ، مطلب اول ، جنتیان و چگونگی قرابت های زندگی آنان. مطلب دوم چگونگی زندگی جدید.

مبحث پنجم ، تصویر کلی از نعمات جنت در آخر نتیجه گیری ، فهرست آیات قرآنی ، فهرست احادیث نبوی ، فهرست اعلام و گروه ها و فهرست مصادر و مراجع.

فصل اول

مباحث مقدماتی و مفهوم شناسی

مبحث اول: مفهوم جنت و نعمت

مبحث دوم: نامهای جنت و وجه تسمیه آنها

مبحث سوم: موقعیت زمانی و مکانی جنت

مبحث چهارم: ساختارهای جنت

فصل اول

مباحث مقدماتی و مفهوم شناسی

این فصل که شامل چندین مباحث، مطالب و فروع می‌باشد، موضوعات چون مفهوم لغوی و اصطلاحی جنت از دیدگاه‌های مختلف، نامهای جنت که شامل نامهای مشهور و غیرمشهور میشود، وجه نام‌گذاری، قصرها، خیمه‌ها، اتاقها، درجات، موقعیت زمانی و مکانی، دروازه‌ها... در پرتو آیات قرآنی و احادیث نبوی شریف ضمن نظریات مفسرین و محققین به بحث گرفته میشود.

مبحث اول: مفهوم جنت و نعمت

مطلب: اول تعریف جنت

الف: جنت در لغت

جنت در اصل کلمه مفرد است که، جمع آن جنات میباشد، اشتقاق لفظی کلمه جنت از ماده (ج، ن، ه) است.

بنابراین بودن اصل کلمه جنت، علمای زبان عربی جنت را چنین تعریف نموده اند:

(جنات جمع جنه وهی فی اللغة البستان فيه نخل وشجر وقيل البستان الذی تستر أشجاره أرضه).¹
ترجمه: "جنات جمع جنت است و جنت در لغت بمعنی باغ است که در آن درخت خرما و درختان دیگری باشد، و جنت به باغ گفته میشود که زمین آن به واسطه درختانش پوشانیده شده باشد".

(الجنَّةُ: البُستانُ، كُلُّ بُسْتَانٍ ذِي شَجَرٍ تَسْتَبِرُ بِأَشْجَارِهِ الْأَرْضُ).²

ترجمه: "جنت در لغت بمعنی بوستان (باغ) است و هر باغ که دارای درختان باشد که زمین اش بواسطه درختان اش پوشانیده شده باشد".

در زبان عربی که حرف های (ج، ن) یکجا شده باشد اکثراً معنی خفا و پوشیدگی را افاده میکند، چنانچه پری را جن مگویند، از آن جهت که از چشم انسانها پوشیده است؛ جنین را بدان جهت جنین میگویند که در شکم مادرش پنهان است، و سپر را (جُنَه) میگویند: بدان جهت که مرد را از حملات دشمن می پوشاند.³

¹ زیات: إبراهيم مصطفى أحمد الزيات. حامد عبد القادر، مُجَدِّ النجار. المعجم الوسيط دوجلدی.

ناشر: دار الدعوة، طبع دوم بیروت لبنان دارالمعرفه ج ۱ ص ۱۴۱.

² حسینی: محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسینی، ملقب به مرتضی، الزبیدی تاج العروس من جواهر القاموس
ناشر: دار الهدایة، طبع دار احیاء تراث بیروت ۱۹۸۴ م. ۴۰ جزء ج ۳۴ ص ۳۷۴.

³ مصری: محامی عبدالرؤف، معجم مفردات القرآن الطبعة الثانية ۱۳۶۷ هـ ش ۱۹۴۸ م. ج ۱ ص ۱۷۰.

در لغت دری نیز! زمانیکه جنت و بهشت گفته میشود مراد همان جنتی است که در زبان عربی مطلوب است که اکثراً بمعنی بوستان (باغ) بکار میرود و در اصطلاح مراد همان جنت آخرت میباشد.¹

ابوبکر جزائری رحمه الله جنت را در تفسیر ايسرالتفاسير چنین تعريف نموده است: (الجنات جمع جنة وهي البستان وسمي البستان جنة لأنه لكثرة أشجاره يجن أي يستر الكائن فيه ، وسمي الجنين في البطن جنيناً لاجتنانه واستتاره ببطن أمه)².

ترجمه: "جنات جمع جنت است و مراد از آن باغ است و باغ را بدان جهت جنت میگویند که اشیای موجود در آن را می پوشاند و جنین را بدان جهت جنین میگویند که در شکم مادر خود پوشیده و پنهان است."

(الجنة)³: (البستان). وجمعها جنات وسمي البستان جنة لأن كثرة الأشجار تستر أرضه).⁴

ترجمه: "جنت باغ را گویند و جمع آن جنات است یعنی باغها ، بخاطریکه درختان زیاد آن زمین آن را پوشانیده است."

ب: تعريف اصطلاحی جنت

زمانیکه ذکر از جنت شود بدون درنگ در فکر مخاطب ، همان جنتی که الله ﷻ برای بندگان خود وعده نموده است خطور میکند و هر خواننده یی که لفظ جنت را میخواند و یا نویسنده یی مینویسد و شنونده یی میشوند همان جنت موعود در ذهنش خطور میکند که در قرآن کریم و احادیث نبوی شریف به تفصیل ذکر گردیده است ، بدین اساس بین تعريف لغوی و اصطلاحی جنت تفاوت زیادی دیده نمیشود اما آنچه که علماء جنت را در اصطلاح تعريف نموده اند در اینجا ذکر مینمایم فرهنگ معین اینگونه تعريف نموده: "جنت عبارت از جای است ، خوش آب و هوا ، فراخ و آراسته ، دارای نعمات لذیذی که نیکو کاران پس از مرگ در آن مخلص باشند."⁵

¹ معین: دکتر محمد معین فرهنگ فارسی دو جلدی ، ناشر ، انتشارات ادنا ۱۳۸۱ ه ش کتابخانه ملی ایران ج ۲ ص ۱۲۴۳.

² الجزائری : جابر بن موسی بن عبد القادر بن جابر أبو بكر أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير
ناشر : مكتبة العلوم والحكم ، مدينة المنورة ، المملكة العربية السعودية ، الطبعة : الخامسة ، ۱۴۲۴ ه / ۲۰۰۳ م
ج ۲ ص ۱۲۹ .

³ سوره القلم آیه ۲۲

⁴ معجم مفردات القرآن ج ۱ ص ۱۷۱.

⁵ فرهنگ معین ج ۱ ص ۱۲۴۲.

جنت در الموسوعة العقديه چنین تعريف شده است: (الجنة هي الجزء العظيم ، والثواب الجزيل ، الذي أعده الله لأولياءه وأهل طاعته ، وهي نعيم كامل لا يشوبه نقص).¹

ترجمه: "جنت عبارت از همان پاداش بزرگی است که الله ﷻ برای دوستان و فرمانبرداران امرخود آماده ساخته ، که هیچ شبهه و نقصی در آن وجود ندارد" ، یعنی از همه نقص ها عاری بوده حتی شبهه نقص هم در آن وجود ندارد.

ابن عثيمين رحمه الله جنت را اینگونه تعريف نموده است (الجنة في الشرع هي الدار التي أعدها الله للمتقين فيها ما لا عين رأت ولا أذن سمعت ولا خطر على قلب بشر).²

ترجمه: "جنت در اصطلاح عبارت از خانه یی است که الله متعال ﷻ برای پرهیزگاران مهیا نموده است و در آن چیزهایی است که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به قلب بشر خطور کرده".

آنچه از مراجعه به تعريفات که در فوق ذکر شد و در تفسير کلمات (جنة و جنات) در تفاسير و شروح احاديث مراجعه شود همه باهم مرادف اند که در لغت همانا معنی ستروپنهان بودن را میدهد که جنت هم ازدید انسانها پنهان بوده و از مغیبات میباشد که جز آنچه از طریق وحی بیان شده فهم و درک آن در توان بشر نیست.

پس در اصطلاح: مراد از جنت همان مکان است که الله متعال برای مؤمنان و بنده گان پرهیزگار و مخلص خود مهیا نموده که وصف آن از حیث وسعت ، ساختار ، لذایذ نعمات ، زیبایی ... در توان انسان نیست ، چنانچه پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ آن را در یک حدیث قدسی وصف نموده اند : قَالَ اللهُ (أَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ ، وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ ، فَاقْرَأُوا إِنَّ شِئْنَكُمْ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ)³.

ترجمه: "از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده که پیامبر ﷺ از پرور دگار خود روایت نموده گفتند: الله متعال فرمودند: برای بنده گان نیکوکار و صالح خود آماده ساختیم آنچه را که تاکنون چشمی ندیده ، گوشی نشنیده و به قلب بشر خطور نکرده

¹ علوی: مجموعة من الباحثين ياشرف الشيخ علوي بن عبد القادر السقاف الموسوعة العقديه

ناشر: موقع الدرر السنوية على الإنترنت dorar.net ربيع الأول ١٤٣٣ هـ ج ٥ ص ٦٠

² عثيمين: مُجَدِّد بن صالح العثيمين الأسرة والمجتمع المكتبة الشاملة . ج ١ ص ٧٦ .

³ سورة سجده آية ١٧

⁴ بخاری : مُجَدِّد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه محقق: مُجَدِّد زهير بن ناصر الناصر ،

ناشر: دار طوق النجاة الطبعة: الأولى ١٤٢٢ هـ ، ج ٤ ص ١١٨ رقم ٣٢٤٤

(ابوهریره رضی الله عنه میگوید: بخوانید اگرخواستید ترجمه: "هیچ کسی نمی‌داند، در برابر کارهایی که (مؤمنان) انجام می‌دهند، چه چیزهای شادی آفرین و مسرت بخشی برای ایشان پنهان شده است".

(مَا أُخْفِيَ لَهُمْ) چیزهایی که برای آنان پنهان شده است (مراد مواهب عظیم و نعمتهای فراوانی) است که برای مؤمنان تهیه دیده شده است (قُرَّةَ أَعْيُنٍ): مایه روشنایی چشم مراد چیزهایی شادی آفرین و مسرت بخش است.¹

پیامبر ﷺ این حدیث قدسی را از الله متعال روایت نموده که الله متعال جنت را به پیامبرش معرفی نموده است که معتبرترین وصف میباشد که برای جنت ذکر شده است.

الله عزوجل میفرماید: (جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ).²

ترجمه: "جای پرهیزگاران همانا جنات عدن است که از زیر قصرهای آن نهرها جاری است و هرآنچه بخواهند برای شان مهیا میباشد والله متعال پرهیزگاران را چنین پاداش میدهد".

امام بخاری رحمه الله در صحیح خود روایت نموده: عن سهل بن سعد الساعدي قال: قال رسول الله ﷺ: (موضع سوط في الجنة خير من الدنيا وما فيها).³

ترجمه: "از سهل ابن سعد ساعدی روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند: به اندازه یک قمچین جای درجنت بهتر است از دنیا و همه هستی آن.

مطلب دوم: شناخت نعمت

نعمت مرکب از حروف (ن ع م ة) که در زبان عربی به آن (نعمة) گفته میشود، در لغت بمعنی (مال و ثروت، فراخی و وسعت، احسان و نیکی روزی معین، دارایی، رفاهیت و آسایش در زندگانی میباشد).⁴

مؤلف معجم الوسیط ذکر نموده: (النعمة: ما أنعم به من رزق و مال و غیره).⁵

ترجمه: "نعمت عبارت است از آنچه که داده شده از روزی، مال و غیره".

¹ خرم دل: دکتر مصطفی، تفسیر نور، ناشر نشر احسان، نوبت چاپ دهم ۱۳۹۳ هـ ش چاپ خانه اسوه، ج ۱ ص ۱۲۱۵.

² سوره نحل آیه ۳۱

³ صحیح البخاری ج ۳ ص ۱۱۸۷.

⁴ فرهنگ معین: ج ۲ ص ۱۹۵۲

⁵ المعجم الوسیط. ج ۲ ص ۹۳۵

معجم لغت عربی معاصر نعمت را اینگونه تعریف نموده: "نِعْمَةٌ (مفرد): ج نِعْمَاتٍ وَأَنْعُمٌ وَنِعَمٌ: حُسْنُ الْحَالِ وَالْمَالِ، مَا وَهَبَهُ اللَّهُ مِنْ رِزْقٍ وَمَالٍ وَغَيْرِهِمَا، خَيْرٌ يَصِلُ إِلَى الْمَرْءِ فِي دِينِهِ أَوْ دُنْيَاهُ وَعَكْسُهَا".¹

ترجمه: "نعمت مفرد است وجمع آن نعمات انعم و نعم میباشد بمعنی نیکو و خوب بودن انسان است از لحاظ داشتن مال و زندگی خوب، آنچه که الله عطا کرده باشد از رزق و مال و غیره، و یا عبارت است از خوبی که برای شخص در امور دینی و یادنیوی نصیب شده باشد".

اما مراد از نعمات جنت که درین بحث شامل میباشد همانا نعمات است که از هر لحاظ با سایر نعمات و نعمات دنیا تفاوت بی حد داشته و دارای خصوصیات و کیفیتی است که وصف آن در توان بشر نیست، بناء درینجا روی بعضی خصوصیات که در قرآن کریم و احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم ذکر شده بحث خواهیم نمود که شامل همه نعمات میشود که الله ﷻ برای بندگانش وعده نموده که شامل قصرها، خیمه ها، خوراکی ها، نوشیدنی ها، حور و غلمان، دیدار الله ﷻ، حوض کوثر و غیره میباشد چنانچه پیامبر بزرگوار ﷺ در حدیث قدسی روایت نموده که الله متعال فرمود: أَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ، وَلَا حَظَرَ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٍ (ترجمه: "برای بندگان نیکوکار خود آماده نموده ام آنچه را تا هنوز چشمی ندیده و گوشی نشنیده و به قلب بشر گزر نکرده". الله متعال میفرماید: إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ).²

ترجمه: "پرهیزگاران در نزد پروردگار خویش، باغهای پر نعمت بهشت را دارند".
(أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ)³

ترجمه: "سابقون و اولون بنده گان مقرب الله هستند در میان باغهای پر نعمت بهشت جای دارند".
(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ)⁴

ترجمه: "و اگر اهل کتاب (اعم از مسیحیان و یهودیان، به جای دشمنی و حسد، به اسلام بگروند و) ایمان بیاورند و پرهیزگاری پیشه کنند، گناهانشان را میزدائیم (و زشتیها و بدبختی های گذشته ایشان را می بخشیم) و آنان را به باغهای پر نعمت بهشت داخل می سازیم".⁵

¹ عمر: د أحمد مختار عبد الحمید معجم اللغة العربية المعاصرة،

ناشر: عالم الكتب، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۹ هـ - ۲۰۰۸ م، عدد الأجزاء: ۴. ج ۳ ص ۲۲۴۳

² سوره قلم آیه ۳۴

³ سوره واقعه آیه ۱۱

⁴ سوره مائده آیه ۶۵

⁵ تفسیر نور ج ۱ ص ۲۷۰

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ).¹

ترجمه: "کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته را انجام داده اند، باغهای پر نعمت بهشت از آن ایشان است."

این همه نعماتی که الله ﷻ برای بنده گان پرهیزگار خود مهیا نموده جز اسم از هیچ لحاظ با نعمات دنیا قابل مقایسه نبوده و وصف آن در توان انسان نیست؛ پس چه دلیل باشد که انسانها ناسپاس از این نعمات محروم گردند جز عناد و سرکشی در برابر الله متعال و نافرمانی از آنچه انبیاء علیهم السلام برای هدایت بشر آورده اند.

مبحث دوم: نامهای جنت و وجه تسمیه آنها

بسبب شرف و اهمیتی که جنت دارد چندین نام برای آن در قرآن کریم ذکر گردیده است که شامل همه اوصاف و خصوصیات جنت میباشد، اگرچه مسمی باعتبار ذات یکی است اما اسم عام دربرگیرنده نعمت های میباشد که درین جنت وجود دارد، و کثرت نام دلالت به وسعت و اهمیت جنت و نعمات آن میکند که الله متعال برای بنده گان خود مهیا نموده است.

آنچه از اکثر آیات و احادیث به وضاحت معلوم میشود و علماء بر آن قایل اند آن است که نامهای جنت تنها منحصر به یک جنت نیست که بنام جنت یاد گردیده است بل (جنات) مختلف اند که از حیث درجه و مرتبه و از حیث وسعت و لذت از هم متمایز، و اهل هر جنت از حیث درجه و فضیلت با هم متفاوت اند که درینجا به شرح و تفصیل هر یکی می پردازیم!

باید گفت که برای جنت دو نوع نام ذکر شده که عده بی نامهای مشهور و اتفاقی است که اکثر علما به آن قایل اند اما نام های دیگر است که بعضی علماء با استنباط از آیات قرآنی ذکر نموده اند که هر یکی اول اجمالاً و بعد تفصیلاً به بحث گرفته میشود.

جنت، فردوس، دارالمقامة، مقام امین، عدن، دارالسلام، جنة المأوی، دارالحيوان، مقعد صدق، حسنی، غرفه، دارالمتقین، دارالقرار، خلد و نعیم که در آیه های ذیل ذکر گردیده اند!
(الجنة) در قول الله تعالی: (تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا)².

ترجمه: "این است بهشتی که ما آن را به بندگان خود به آن کسانی که پرهیزگار باشند می دهیم."
و در آیه: (وَنُودُوا أَنْ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)³.

¹ سوره لقمان آیه ۸

² سوره مریم آیه ۶۳

³ سوره اعراف آیه ۴۳

ترجمه: "از سوي فرشتگان ندا داده مي شود که : اين بهشت شما است (که در جهان به شما وعده داده شده بود ، و هم اينک) آن را به خاطر اعمالی (بایسته و کردارهای شایسته ای) که انجام داده اید به ارث مي برید ."

دار السلام درین قول الله تعالی : (لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ).¹
ترجمه: " برای آنان (که پندپذیر و تابع فرمان الله ﷺ اند) دارالسلام است که (بهشت پروردگار است و زدوده از آفات و بلايا بوده و غم و اندوه به آن راه ندارد و) از سوي پروردگار شان بدیشان تعلق مي گیرد و خداوند به سبب کاری که (در دنیا) انجام مي داده اند ، سرپرست و یاور آنان است .
(دار المقامة) درآیه کریمه (الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ).²

ترجمه: " خداوندي که در پرتو فضل و لطف خویش ، ما را در سراي اقامت و ماندگاري جاي داد .
در آن هیچ گونه رنج و مشقت جسماني و هیچ گونه ناتواني و خستگی روحاني به ما دست نمي دهد ."
جنة المأوی آیه: (عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى)³.

ترجمه: " بهشت که منزل (و مأواي متقيان) است در کنار آن (سدره المنتهی) است ."
جنات عدن آیه: (جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ)⁴ .
ترجمه: " باغهاي ماندگاري و جاودا نگيي که خداوند مهربان آن را به بنده گان خود وعده داده است و ايشان نادیده بدان ايمان دارند . وعده خدی متعال حتماً تحقق مي پذيرد (و روزي آنان بهشت الله ﷻ را دیده و بدان وارد مي گردند) ."

دار الحيوان قال تعالی: (وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ)⁵ .
ترجمه: " زندگي اين دنيا جز لهو و لعب نيست ، و زندگي سراي آخرت زندگي است ، اگر فهم و شعور داشته باشند (چرا که به دنبال زندگي جهان مرگ است ، ولي آخرت جاودانگي است) ."
(الفردوس): (أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ * الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)⁶ .
ترجمه: " آنان بهشت برين را تملک مي کنند و جاودانه در آن خواهند ماند ."

¹ سوره أنعام آیه ۱۲۷

² سوره فاطر آیه ۳۵

³ سوره نجم آیه ۱۵

⁴ سوره مریم آیه ۶۱

⁵ سوره عنکبوت آیه ۶۴

⁶ سوره مؤمنون آیه ۱۱-۱۰

امام بخاری در صحیح خود روایت نموده: قال النبي - ﷺ: (إذا سألتم الله الجنة فاسألوه الفردوس، فإنه وسط الجنة، وأعلى الجنة، وفوقه عرش الرحمن)¹.

ترجمه: "پیامبر ﷺ فرمودند: زمانیکه از الله ﷻ سوال میکنید پس جنت الفردوس را سوال کنید بخاطریکه فردوس وسط جنت است و بلندترین جنت و بالایش عرش الله متعال است."
(مقام امین): (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ)².

ترجمه: "پرهیزگاران در جایگاه امن و امانی بسر می برند."
(مقعد صدق): (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ* فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ)³
ترجمه: "قطعاً پرهیزگاران در باغها و کنار جوی باران بهشتی جای خواهند داشت در مجلس راستینی در پیشگاه پادشاه بزرگ و توانائی".

(جنات النعیم): (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ)⁴.⁵
ترجمه: "کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته و نیک را انجام دهند، باغهای پر نعمت بهشت از آن ایشان است".

که این نامهای را عده بی از مفسرین (فخرالدین، اصفهانی، الوسی، ابن قیم ..) در روشنی آیات قرآنی ذکر نموده اند که اعلی ترین آن جنت فردوس است چنانچه پیامبر ﷺ میفرماید: هرگاه جنت سوال نمودید جنت فردوس را سوال کنید.

شیخ دمشقی⁶ نیز در (معجم اسماء اشياء) هفت نام را برای جنت ذکر نموده است: جنة، جنة الفردوس، جنة عدن، جنة الخلد، جنة المأوی، دار السلام، دار المتقین.⁷
ابن قیم⁸ رحمه الله برای جنت یازده نام ذکر نموده که عبارت اند از: (جنت، فردوس، دارالخلد،

دارالمتقین، مقعد صدق، مقام امین، عدن، مأوی، دارالمقامة، دارالحيوان، النعیم)¹.

¹ صحیح البخاری ج ۹ ص ۳۵۴ شماره ۲۵۸۱

² سوره دخان آیه ۵۱

³ سوره قمر آیه ۵۴-۵۵

⁴ سوره لقمان آیه ۸

⁵ مختار: سید مختار نظرات في حديث حُفَّت الجنة بالمكاره و النار بالشهوات ناشر دمیاط مصر المكتبة الشاملة ج ۱ ص ۳

⁶ أحمد بن مصطفى اللبايبي الدمشقي فاضل، من أهل دمشق. له كتاب (لطائف اللغة) مأخذ الاعلام زرکلی ج ۱ ص ۲۵۸.

⁷ دمشقی: أحمد بن مصطفى اللبايبي معجم أسماء الأشياء، ناشر دار الفضيلة، مكان النشر القاهرة، ج ۱ ص ۶۸

⁸ ابن القيم: علامه شمس الدين مُحَمَّد ابن ابی بکر ابن ایوب زرعی دمشقی، فقیه حنبلی، مفسر، نحوی، اصولی، مجتهد مشهور به ابن قیم الجوزیه در سال ۶۹۱ هـ به دنیا آمده حدیث را از ابن شیرازی بن مکتوم .. شنیده و فقه را از ابن تیمیه فرا گرفته است و در سال ۷۵۱ هـ وفات نموده. مرجع: موسوعة مواقف السلف فی العقيدة والمنهج ج ۸ ص ۲۹۳

الوسی رحمہ اللہ در تفسیر خود روح المعانی میگوید: رحمت نیز نام از نامهای جنت است²
عده یی از علماء و مفسرین نامهای دیگری نیز از خلال آیات و احادیث برای جنت ذکر نموده اند که در
ذیل به تفصیل همه نامها میپردازیم:

۱ - فردوس: مشهور ترین نامی از نامهای جنت همان فردوس است که : کلمه فردوس در قرآن کریم
دومرتبه ذکر شده و علما آن را تعریفات مختلفی نموده اند که به شرح ذیل درین جا ذکر مینماییم:
(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا)³

ترجمه: " آنانیکه ایمان آوردند و اعمال شایسته را انجام دادند جنت فردوس منزلگاه ایشان است ".
(الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)⁴. ترجمه: " آنانیکه فردوس را مستحق شدند برای همیشه
در آن باقی میمانند ".

فراء میگوید: (الفردوس هو البستان بلغة الروم. قال الفراء: وهو عربي أيضاً. العرب تسمى البستان
الفردوس).⁵

ترجمه: " فردوس در لغت رومی باغ را گفته میشود ، فراء میگوید: فردوس لغت عربی است و عربها
باغ را فردوس میگویند ".

(الْفِرْدَوْسُ ، البستان قال الفراء هو عربي والفرديوس أيضا حديقة في الجنة).⁶

ترجمه: " فردوس باغ است فرا میگوید : و این کلمه عربی است و فردوس نام باغی است در جنت ".
معجم الوسيط فردوس را چنین معرفی مینماید: (الفردوس) البستان الجامع لكل ما يكون في
البساتين (مذكر وقد يؤنث) والمكان تكثر فيه الكروم والوادي الخصيب واسم جنة من جنات
الآخرة (ج) فراديس.⁷

¹ ابن قيم : حادي الأرواح إلى بلاد الأفراح مُجدد بن أبي بكر ابن قيم الجوزية ، ناشر: مطبعة المدني ، قاهرة باب ٢٣ ص ٢.
² الوسی: شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني (المتوفى: ١٢٧٠ هـ) روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع

المثاني

حقق: علي عبد الباري عطية

ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى ، ١٤١٥ هـ ج ٢ ص ٣١٧

³ سورة كهف آیه ١٠٧

⁴ سورة مؤمنون آیه ١١

⁵ فراء: أبو زكريا يحيى بن زياد الفراء معاني القرآن للفراء

ناشر: دارالمصرية للتأليف والترجمة ، مكان الطبع: مصر قاهره ج ٣ ص ١٨٨

⁶ رازی : مُجدد بن أبي بكر بن عبد القادر مختار الصحاح ناشر: مكتبة لبنان ناشرون بيروت الطبعة جديدة ١٤١٥ ج ١ ص ٥١٧

⁷ معجم الوسيط ، ج ٢ ص ٦٨٠

ترجمه: " فردوس باغی را گفته میشود که همه میوه های که درباغها میباشد در آن موجود باشد و جای را گفته میشود که در آن تاکهای انگور باشد و زمین آن خوب حاصل خیز باشد و فردوس نام است برای جنت از جنات آخرت و به فرادیس جمع میشود ".¹

در حدیثی که ترمذی رحمه الله در سنن خود از انس رضی الله عنه روایت نموده و البانی آن را صحیح شمرده پیامبر ﷺ فردوس را اینگونه معرفی نموده است: (عن أنس بن مالك رضى الله عنه: أن الربيع بنت النصر أتت النبي صلى الله عليه وسلم وكان ابنها الحارث بن سراقه أصيب يوم بدر أصابه سهم غرب فأتت رسول الله صلى الله عليه وسلم فقالت أخبرني عن حارثة لئن كان أصاب خيرا احتسبت وصبرت وإن لم يصب الخير اجتهدت في الدعاء فقال النبي صلى الله عليه وسلم يا أم حارثة إنها جنة في جنة وإن ابنك أصاب الفردوس الأعلى والفردوس ربوة الجنة وأوسطها وأفضلها).¹

ترجمه: " از انس ابن مالک رضی الله عنه روایت است که ربیع دختر نضر که فرزندش حارث فرزند سراقه در جنگ بدر به سبب اصابت تیری زخم برداشته بود ، نزد رسول الله ﷺ آمده گفت: ای رسول الله ﷺ! مرا از حال حارثه آگاه بساز! اگر خیر را دریافته که صبر کنم و اگر خیر را دریافته به دعا کوشش کنم! پیامبر ﷺ فرمود: ای ام حارثه! شأن از این قرار است که آنجا بهشتی است در بهشت و فرزند تو در فردوس اعلی رسیده است ، فردوس وسط جنت و عالی ترین و بهترین مکان جنت است.

از حدیث فوق معلوم میشود که فردوس بهترین مکان جنت است و جای است که الله ﷻ شهدای بدر را در آنجا قرار داده است ، و جایی است که همه میوه های که در بهترین باغ های دنیا و آخرت پیدامیشود در فردوس موجود است و دارای تاکها و درختان فروان میباشد".

۲- عدن: یکی از نامهای جنت است که در چندین آیه قرآن کریم بنام جنات عدن یعنی جنت های عدن نام برده شده است ، بعضی علماء به این نظر اند که عدن برای همه جنات اطلاق میشود بخاطریکه عدن بمعنی اقامه یعنی بودن میباشد و جنت جای زیستن برای اهل آن هست بدین سبب عدن گفته میشود ، اما آنچه از خلال آیات و احادیث معلوم میشود واضح میسازد که جنت عدن یکی از جمله سایر جنت ها می باشد.

تعریف عدن: عدن در لغت بمعنی همیشه بودن ، اقامت کردن و استقرار پیدا کردن در جایی را گویند.² راغب اصفهانی تعریف نموده است : عدن بمعنای استقرار و ثبات میباشد.

¹ ترمذی: مُجَدَّب بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلیبی ، سنن الترمذی
ناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت ، ، تحقیق: أحمد مُجَدَّب شاکر وآخرون ، ج ۵ ص ۳۲۷ ترمذی حدیث را حسن صحیح)
و شیخ البانی : صحیح گفته است . صحیح الجامع الصغیر وزیادته شماره ۷۸۵۲ - ۲۹۹۴ .
² فرهنگ معین : ج ۱ ص ۲۲۳۴

(عَدَنَ بِمَكَانٍ كَذَا أَيْ إِسْتَقَرَّ وَمِنْهُ أَلْمَعْدَنُ لِمُسْتَقَرِّ الْجَوَاهِرِ).¹

ترجمه: "عدن بمعنی استقرار و ثبات و ساکن شدن است ، چنانچه گفته میشود (عَدَنَ) یعنی جای گرفت و استقرار پیدا کرد در فلان جا ، که معدن را به سبب موجود بودن و استقرار جواهر در آن معدن میگویند."

اما مراد از جنات عدن که در آیه های متعدد قرآن کریم در سوره های مختلف ده مرتبه ذکر گردیده است که همه توصیف از جنت عدن و نعمات آن دارد و اوصاف مؤمنان را بیان میدارد که کدام اشخاص با کدام خصوصیات میتوانند مستحق جنت عدن شناخته شوند که سوره ها عبارت انداز: (التوبة ۷۲ / الرعد ۲۳ / النحل ۳۱ / الکهف ۳۱ / مریم ۶۱ / طه ۷۶ / فاطر ۳۳ / ص ۵۰ / غافر ۸ / الصف ۱۲ و البینة ۸).²

ابن ابی شیبہ از مجاهد روایت نموده: (عَنْ مُجَاهِدٍ رَوَى عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَرَأَ عَلَى الْمُنْبَرِ: (جَنَّاتُ عَدْنِ) ³. فَقَالَ: وَهَلْ تَدْرُونَ مَا جَنَّاتُ عَدْنِ؟ قَالَ: قَصْرٌ فِي الْجَنَّةِ لَهُ خَمْسَةُ آلَافِ بَابٍ، عَلَى كُلِّ بَابٍ خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ أَلْفًا مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا نَبِيٌّ، هَنِيئًا لِصَاحِبِ الْقَبْرِ، وَأَشَارَ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَصَدِيقِ هَنِيئًا لِأَبِي بَكْرٍ، وَشَهِيدِ وَأَتَى لِعُمَرَ بِالشَّهَادَةِ ثُمَّ قَالَ: وَالَّذِي أَخْرَجَنِي مِنْ مَنْزِلِي، إِنَّهُ لَقَادِرٌ عَلَيَّ أَنْ يَسُوقَهَا إِلَيَّ).⁴

رواه الحارث بن أبي أسامة موقوفًا، ورواه ثقات.⁵

ترجمه: "ابن ابی شیبہ از مجاهد نقل نموده که روزی حضرت عمر بالای منبر آیه جنات عدن را تلاوت نموده گفت! آیا میدانید که چیست جنات عدن؟ گفت: قصری است در جنت که دارای پنج هزار دروازه است و در هر دروازه آن بیست و پنج هزار حور عین می باشد که در آن دروازه ها داخل نمیشود مگر پیامبر و اشاره نمود به طرف قبر رسول الله ﷺ و گفت گوارا باد برای صاحب قبر و داخل نمیشود مگر صدیق و گفت: گوارا باد به ابی بکر رضی الله عنه و داخل نمیشود مگر شهید! شهادت کجا و عمر کجا؟ بعد فرمود: آن ذاتی که مرا از منزل بیرون نمود قادر است که مرا به آن (جنت) برساند."

¹ اصفهانی: حسین بن محمد بن المفضل المعروف بالراغب الأصفهانی أبو القاسم مفردات الفاظ القرآن للراغب الأصفهانی ناشر / دار القلم. دمشق؛ ج ۲ ص ۵۷.

² محمد خضر: أ.د. محمد زكي محمد خضر معجم كلمات القرآن الكريم الطبعة: محرم ۱۴۲۶هـ - مصدر الكتاب: www.al-mishkat.com.words ج ۵۰ ص ۳

³ سوره توبه آیه ۷۲

⁴ ابن ابی شیبہ: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العباسي الكوفي. (۱۵۹. ۲۳۵ هـ)، مُصَنَّفُ ابْنِ أَبِي شَيْبَةَ

تحقيق: محمد عوامة. الطبعة الدار السلفية الهندية القديمة. تروميم الأحاديث يتوافق مع طبعة دار القبله. ج ۱۳ ص ۱۲۶

⁵ بويصيري: أبو العباس شهاب الدين أحمد بن أبي بكر بن إسماعيل بن سليم بن قايماز بن عثمان (المتوفى: ۸۴۰هـ) إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة ناشر: دار الوطن للنشر، الرياض الطبعة: الأولى ۱۴۲۰ هـ ج ۷ ص ۱۵۹.

۳- دارالسلام: یک نام ازنامهای جنت دارالسلام است ، سلام در لغت بمعنی آشتی ، صلح ، خیر ، تعظیم ، تحیت ، امنیت و آرامش میباشد.¹

اما دارالسلام که یکی ازنامهای جنت است درقرآنکریم دراین دوآیه ذکرگردیده است (لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ).²

ترجمه: " آنها(پرهیزگاران) مستحق دارالسلام (جنت) اند ، به نزدپروردگارشان ، والله دوست شان هست نسبت به آنچه انجام میدهند."

(وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ).³

ترجمه: " الله ﷻ بنده گان خودرا به طرف دارالسلام میخواهد وکسی را که بخواهد به راه راست هدایت میکند.

ابوحفص دمشقی در تفسیرآیه ازقتاده نقل نموده که گفت: مراد از السلام درآیه فوق الله ﷻ میباشد و (خانه) الله ﷻ که جنت است میباشد".⁴

ابن قیم جوزی رحمه الله میگوید: (وقد سماها الله الجنة بدارالسلام في قوله لهم دار السلام عند ربهم و قوله والله يدعوا إلى دار السلام ، وهي احق بهذا الاسم فإنها دار السلامة من كل بلية وآفة ومكروه وهي دار الله واسمه سبحانه وتعالى السلام الذي سلمها وسلم اهلها).⁵

ترجمه: " الله ﷻ جنت را به دارالسلام مسمی گردانیده است (برای پرهیزگاران نزدپروردگان شان سلامتی است ، وفرموده الله تعالی والله میخواهد آنها رابه طرف سلامتی) وجنت بهتر است که به این نام یادشود بخاطریکه جای است امنیت ازهمه آفت ها ، بلاها ، وزشتی هاو سلام خانه الله است واسم الله است که الله سالم نگهداشته است جنت واهل آن را ازهمه امراض وآفات".

مراد از(السلام) که همانا سلامتی دایمی وحقیقی میباشد جزدرجنت بوده نمیتواند چنانچه مولف مفردات الفاظ قرآن ذکرنموده است: (والسلامة الحقيقية ليست إلا في الجنة ، إذ فيها بقاء بلا فناء ، وغنى بلا فقر و عز بلا ذل ، وصحة بلا سقم).⁶

¹ فرهنگ معین : ج ۱ ص ۱۰۹۸.

² سوره انعام آیه ۱۲۷

³ سوره رعد آیه ۲۵.

⁴ دمشقی : أبو حفص عمر بن علي ابن عادل الدمشقي الحنبلي اللباب في علوم الكتاب ناشر : دار الكتب العلمية بيروت ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م ، الطبعة : الأولى.

⁵ ابن القيم : مُجَدَّب بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية تفسير القرآن الكريم جمع وترتيب / مُجَدَّب أوييس الندوي ، مكتبة الشاملة. ج ۲ ص ۱۷۲

⁶ مفردات الفاظ قرآن ج ۱ ص ۴۹۳

ترجمه: "وسلامت حقیقی جزدرجنت بوده نمیتواند بخاطریکه بقای آن فنا و غنای آن فقرو عزت آن ذلت وصحت آن مرض ندارد".

۴- المأوی: نام دیگری که برای جنت ذکرگردیده است همانا مأوی هست که مأوی در لغت بمعنی پناهگاه میباشد یعنی جای بودوباش و زندگی کردن.

اما مراد از (جنة المأوی) که درقرآن کریم ذکرگردیده جایی است که الله ﷻ برای ملائکه، شهداء، پرهیز گاران و اولیاء خود وعده نموده چنانچه ابوبکر الجزائری در ایسرالتفاسیر ذکر نموده است (عندها جنة المأوی: أي تأوی إليها الملائكة وأرواح الشهداء والمتقين أولیاء الله).¹

ترجمه: "بهشت که منزل (و مأوی متقیان) است در کنار آن است. یعنی فرشتگان به طرف آن پرواز میکنند همچنان ارواح شهداء، ارواح پرهیزگاران و دوستان الله ﷻ به طرف آن به بالامیروند".

مولف بحرالمدید از ابن عطیه نقل نموده میگوید: المأوی: جنة من الجنان. قال ابن عطية سمیت جنة المأوی لأن أرواح المؤمنین تأوی إليها.²

ترجمه: "مأوی جنتی ازجنتها است ابن عطیه میگوید: بدان جهت که ارواح مؤمنین به آن جای می گیرند".

جنة المأوی درقرآن کریم سه مرتبه درسوره های (السجده والنجم) ذکرگردیده است چنانچه الله متعال میفرماید: (أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)³.

ترجمه: "و اما کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، باغهای بهشت که جای زندگی است، از آن ایشان خواهد بود، به عنوان محل پذیرائی (خدا از ایشان) در برابر کارهایی که (در دنیا) انجام می داده اند.

(عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى * عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى).⁴

ترجمه: "نزد سدره المنتهی، بهشتی که (منزل متقیان) است درکنار آن است".

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى).⁵

ترجمه: "و اما آن کس که از جاه و مقام پروردگار خود ترسیده باشد، و نفس را از هوی و هوس

¹ الجزائری: جابر بن موسی بن عبد القادر بن جابر أبو بکر الجزائری أیسر التفاسیر لكلام العلي الكبير

ناشر: مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، المملكة العربية السعودية، الطبعة: الخامسة، ۱۴۲۴هـ ج ۵ ص ۱۸۹.

² فاسی: أحمد بن محمد بن المهدی بن عجبیة الحسنی الإدربی الشاذلی الفاسی أبو العباس البحر المهدید

ناشر: دار الكتب العلمية. بیروت، الطبعة الثانية / ۲۰۰۸ م. ۱۴۲۳ هـ. ج ۵ ص ۵۹۵

³ سوره سجده آیه ۹

⁴ سوره نجم آیه ۱۴-۱۵

⁵ سوره نازعات ۴۰-۴۱

بازداشته باشد . قطعاً بهشت وی را جایگاه است ."

ابن ابی شیبہ رحمه الله در مصنف خود از عبدالله بن عباس روایت نموده است! عن ابن عباس قال: (سَأَلْتُ كَعْبًا: مَا سِدْرَةُ الْمُنتَهَى؟ فَقَالَ: سِدْرَةٌ يَنْتَهِي إِلَيْهَا عِلْمُ الْمَلَائِكَةِ ، وَعِنْدَهَا يَجِدُونَ أَمْرَ اللَّهِ لَا يُجَاوِزُهَا عِلْمُهُمْ وَسَأَلْتُهُ عَنْ جَنَّةِ الْمَأْوَى؟ فَقَالَ: جَنَّةٌ فِيهَا طَيْرٌ حُضْرٌ ، تَرْتَقِي فِيهَا أَرْوَاحُ الشُّهَدَاءِ).¹ ترجمه: "ابن عباس رضی الله عنه فرمود! از کعب سوال نمودم که سدره المنتهی چیست ؟ کعب گفت: درختی است که علم ملائکه تا آنجا منتهی میشود یعنی بالاتراز آن اجازه رفتن را ندارند ، و در همان جا امرالله را می یابند و بالاتراز آن چیزی را نمیدانند ؛ ابن عباس رضی الله عنه میگوید: از کعب در مورد جنة المأوی پرسیدم ؟ کعب گفت : جای است که در آن پرنده گان سبز است جای است که ارواح شهداء در آنجا بالامیروند ."

(ابن قیم رحمه الله در تفسیر خود از عایشه رضی الله عنها ذکر نموده که گفت: مراد از مأوی درآیه (عند هاجنة المأوی) جنتی است از جنت ها).²

۵- نَعِيمٌ: از اسمای جنت یک اسم آن نعیم است که نعیم در لغت بمعنی وسعت ، فراوانی و آسایش میباشد.

و مراد از (جنات النعیم) که در سوره های متعدد قرآن کریم ذکر گردیده است عبارت از همان مکان میباشد که همه نعمات با همه لذایذ و کیفیت در آن موجود است. (جنات النعیم): (وهو اسم جامع لجميع الجنات و ما تشتمل عليه من النعيم الظاهر والباطن).³

ترجمه: "جنات نعیم اسم است برای همه جنت ها که دارای نعمات ظاهری و باطنی میباشد. جنت نعیم جای است که در آن باغ های پر از میوه و مکان است دارای نعمت های فراوان و گوناگون". (أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ).⁴

ترجمه: "و آنان (السابقون) پیشگامان درگاه رب العزت هستند و در میان باغهای پر نعمت بهشت جای دارند".

جنات النعیم در قرآن کریم هشت مرتبه در سوره های مائده ، یونس ، حج ، لقمان ، الصافات ، الواقعة ، القلم و الشعرا ذکر گردیده است که هفت مرتبه جمع (جنات النعیم) و یک مرتبه در سوره الشعراء مفرد (جنة النعیم) ذکر شده است.¹

¹ مصنف ابن ابی شیبہ ج ۱۳ ص ۵۰ بیهقی "صحیح" گفته ؛ القضاء والقدر ج ۱ ص ۱۰۰ شماره ۵۷۶

² تفسیر القیم ج ۲ ص ۱۴۸

³ حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَالنَّارُ بِالشَّهَوَاتِ ج ۱ ص ۴.

⁴ سوره واقعه آیه ۱۲.

۶- خلد: یکی از نامهای جنت خُلد است ، خلد در لغت بمعنی بقا و دوام میباشد و جنت را بدان جهت خلد میگویند که اهل آن برای همیشه در آن جا میباشند.²

مؤلف مفردات الفاظ القرآن ذکر نموده است (والخلود في الجنة: بقاء الأشياء على الحالة التي عليها من غير اعتراض الفساد عليها) قال تعالى: (أولئك أصحاب الجنة هم فيها خالدون).³

ترجمه: "مراد از همیشه بودن در جنت ماندن بودن چیزی که مرض و فساد بالایش وارد نشود چنانچه الله متعال فرموده: آنان اصحاب جنت هستند و برای همیشه در آنجا میباشند."

همچنان ذکر نموده (الخلود: هو تبری الشيء من اعتراض الفساد ، وبقاؤه على الحالة التي هو عليها ، وكل ما يتباطأ عنه التغيير والفساد تصفه العرب بالخلود).⁴

ترجمه: "همیشه بودن بمعنی عاری بودن چیزی است از وارد شدن فساد و باقی بودنش در حالتیکه قبلاً قرار داشته و هرآن چیزی را که از تغییر و فساد دور باشد در زبان عرب به آن خلود میگویند."

اما مراد از جنة الخلد که در قرآن کریم ذکر شده همان جنتی است که الله ﷻ برای متقیان وعده نموده است چنانچه در سوره الفرقان آمده است: (قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا * لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا *).⁵

ترجمه: " (ای پیامبر! بدیشان) بگو: آیا این (سرنوشت دردناک) بهتر است ، یا بهشت جاویدانی که به پرهیز گاران وعده داده شده است ؟ (بهشتی که برابر وعده الهی توسط انبیاء علیهم السلام) هم پاداش (اعمال دنیوی) آنان است و هم جایگاه و قرارگاه (دایمی) ایشان (همان بهشتی که) هرچه بخواهند ، در آنجا موجود و برای آنان فراهم است ، و برای همیشه در آنجا خواهند ماند ، این نعمتها و عده خدا بوده است ، وعده ای که (مؤمنان برابر رهنمود یزدان در کتابهای آسمانی) تحقق آن را از خدا خواسته اند. مراد از « ذَلِكَ » سرنوشت بدوزخ است." ⁶

و جنت الخلد همان مکان است که پیامبر ﷺ در آن جا اقامت می گزیند چنانچه ابن ابی شیبه در مصنف خود روایت نموده است (حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ ، عَنِ الْأَعْمَشِ ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ ، قَالَ سَأَلَ عَبْدُ اللَّهِ : مَا الدُّعَاءُ الَّذِي دَعَوْتُ بِهِ لَيْلَةَ ، قَالَ لَكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : سَلْ تُعْطَهُ ، قَالَ : قُلْتُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا لَا يَرْتَدُّ ، وَنَعِيمًا لَا يَنْقُذُ ، وَمُرَافَقَةً نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ فِي أَعْلَى دَرَجَةِ الْجَنَّةِ

¹ سوره: (مائده آیه ۶۵/ یونس آیه ۹/ حج آیه ۵۶/ صافات آیه ۴۳/ واقعه آیه ۱۲/ قلم آیه ۳۴ لقمان آیه ۸. شعراء آیه ۸۵).

² جوهری: الجوهری الصحاح في اللغة <http://www.alwarraq.com> ، ج ۱ ص ۱۸۱

³ سوره یونس آیه ۴۶.

⁴ مفردات الفاظ القرآن ج ۱ ص ۳۱۱

⁵ سوره فرقان آیه ۱۶-۱۵

⁶ تفسیر نور ج ۱ ص ۱۰۱۴

جَنَّةِ الْخُلْدِ)¹.

ترجمه: " حدیث بیان کرد ابومعاویه از اعمش از ابی اسحق از ابی عبیده که گفت: از عبدالله ابن مسعود سوال کرده شد! کدام دعا بود که شبی پیامبر ﷺ برایت گفت بخواه داده میشود! ابن مسعود گفت: گفتم پروردگارا میخواهم از تو ایمانیکه دایم باشد ونعمتی که گزرا نباشد و همراهی پیامبرت محمد صلی الله علیه وسلم را در جنة الخلد".

آنچه ذکر شد بیانگر آن است که آیات واحادیث فوق صراحت دارد که جنت الخلد وهمه جنات به سبب تقوی بدست می آید والله متعال به بنده گان صادق ومخلص خود جنت ونعمات آن را باهمه لذت وکیفیت مهیا نموده است.

۷- مقعد صدق: نام دیگر از نامهای جنت مقعد صدق است ، هدف از مقعد صدق همانا مکانی است که الله ﷻ برای بندگان پرهیزگار و صادق خود وعده نموده است چنانچه فرموده است.

(إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ * فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ)².

ترجمه: " قطعاً پرهیزگاران در باغها و کنار جویبار های بهشت جای خواهند داشت : در مجلس راستینی که هیچ گناه و لغوی وجود ندارد در پیشگاه پادشاه بزرگ و توانائی که آفریدگار همه کائنات است یعنی متقین در مجلسی که جز صدق و راستی هیچ دروغ بیهوده گویی و گناهی وجود ندارد و در آنجا پادشاهی مطلق الله متعال ﷻ حکم فرماست و فضای گوارا ومملو از محبت است که درینجا مبالغه است یعنی الله ﷻ بسیار قدرت مند است.

و مقعد صدق جایی است که پیامبر ﷺ به ابودجانه بیان نموده است ! (عن جابر بن عبد الله رضي الله عنه قال: (بيننا رسول الله ﷺ يوما في مسجد المدينة ، فذكر بعض أصحابنا الجنة ، فقال له النبي ﷺ: يا أبا دجانه ، أما علمت أن من أحبنا ، وامتحن بمحبتنا أسكنه الله تعالى معنا) وتلا هذه الآية: (في مقعد صدق عند ملك مقتدر).³

ترجمه: " از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که گفت ! روزی با پیامبر ﷺ در مسجد مدینه بودیم کسی از جمله ما یاد از جنت نمود! پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: ای ابادجانه! آیامیدانی کسیکه مارا

¹ مصنف ابن ابی شیبہ ج ۶ ص ۱۴۰.

² سوره قمر آیه ۵۵-۵۴

³ اصفهانی : أبو نعیم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران معرفة الصحابة لأبي نعیم الأصبهانی ناشر: دار الوطن للنشر ، الرياض ، الطبعة: الأولى ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م ، تحقیق عادل بن یوسف العزازی ، ج ۲۰ ص ۷۵ رقم ۶۱۶۴

دوست داشته باشد وبامامحبت داشته باشدالله ﷺ باما همنشین میگرداند ، بعدازاین سخن این آیه را تلاوت نمود (فی مقعدصدق عندمليق مقتدر)¹.

ابن قیم رحمه الله درتفسیراین آیه مبارکه میگوید: (الله ﷻ جنت خودرا به مقعدصدق مسمی گردانیده است بدان سبب که همه نیکی ها وخوبی ها درآن جا موجود است)².
امام قرطبی رحمه الله درتفسیر این آیه چنین ذکرنموده است (فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ) أي مجلس حق لا لغو فيه ولا تأثيم وهو الجنة (عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ) (أي يقدر على ما يشاء)³.
ترجمه: "مجلسی که درآن هیچ لغو وگناهی نیست که آن جنت است در حضور ملک وپادشاه که دارای قدرت کامله هست وهر آنچه بخواهد به انجامش قادراست".

۸- مقام امین: مقام امین جایی است برای متقیان یعنی کسانیکه ازواوامرالله ﷻ اطاعت نموده اند وازنواهی آن اجتناب نموده اند جای شان درمقام امین است ومقام امین جای است که درآن هیچ نوع غم واندوهی وجودندارد.

علامه سیوطی رحمه الله میگوید: (مرادازمقام امین جای است که درآن مرگ وعذاب وجود ندارد ونه پیری وکهن سالی وجود دارد ، ونه گرسنگی وتشنگی ، ونه درآنجا وسوسه شیطان وجوددارد ، بل ازهمه جوانب مکان است که کاملاً مملوازامنیت وسلامت)⁴.

ومراد ازمقام امین درقرآن کریم همانا جنت است که الله متعال فرموده: (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ * فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ *)⁵.

ترجمه: " به تحقیق پرهیزگاران درمقام (جایگاه) امن بسر می برند ، درجایی که جنت ها وچشمه سارها وجود دارد ".

ابن قیم رحمه الله در تفسیر آیه میگوید: (مرادازمقام امین درآیه مبارکه جنت است ومقام امین جایی اقامت است وجایی است که ازهمه زشتی ها ، وآفات درامن بوده وهمه صفات امنیت در آن جمع شده باشد واز زوال ، خراب و نقص مصئون باشد که جنت این صفات را دارا است)⁶.

¹سوره قمرآیه ۵۵

²تفسیرالقیم ج ۲ص ۱۷۹

³قرطبی: أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين ، الجامع لأحكام القرآن. ناشر: دار عالم الكتب ، الرياض ، المملكة العربية السعودية ، الطبعة : ۱۴۲۳ هـ / ۲۰۰۳ م ج ۱۷ ص ۱۵۰

⁴سیوطی : عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الدر المنثور ناشر: دار الفكر - بيروت ۱۹۹۳ ، عدد الأجزاء : ۸. ج ۷ ص ۴۲۰

⁵سوره دخان آیه ۵۲-۵۱

⁶تفسیرالقیم ج ۲ص ۷۶

۹- طوبی: (الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا فِي) ¹

ترجمه: کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته می‌کنند خوشا به حال ایشان و چه جایگاه زیبایی دارند."

ابن کثیر رحمه الله در تفسیر آیه می‌گوید: (مراد از (طوبی) (در آیه جنت است). ²

طبری رحمه الله در تفسیر خود به روایت از ابن عباس رضی الله عنه نقل نموده که می‌گوید: (طوبی) اسم جنت است در زبان حبشی؛ و از سعید بن مشجوع نقل نموده که گفته: (طوبی) اسم جنت است در زبان هندی.

دکتر مصطفی خرم دل در تفسیر آیه سه قول را ذکر نموده اول اینکه: (الَّذِينَ) بدل از (الَّذِينَ) در آیه قبلی است و یا مبتدا و خبر آن جمله دعائی (طُوبَى لَهُمْ) است. (طُوبَى): اسم خاص بهشت است. یا این که مصدر است و به معنی نیک و زیبا است، و یا اسم تفضیل و مؤنث (أَطْيَبُ) است و به معنی پاکیزه‌ترین و زیباترین. (طُوبَى لَهُمْ): بهشت یا زیباترین سرانجام از آن ایشان است. خوشا به حال ایشان! «مَأْبٍ»: محل بازگشت ³.

۱۰- الحسنى: الله تعالى می‌فرماید: (لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) ⁴.

ترجمه: "کسانی که کارهای نیکو می‌کنند، منزلت نیکو (یعنی بهشت) از آن ایشان است و افزون (بر آن هم که مغفرت و رضوان است) دارند، و غبار غم و اندوه بر پیشانی ایشان نمی‌نشیند و خواری و رسوائی نمی‌بینند. آنان اهل بهشتند و جاودانه در آن می‌مانند."

فخرالدین رازی رحمه الله می‌گوید: (الْحُسْنَىٰ اسْمُ الْجَنَّةِ)

ترجمه: "(حسنی) اسم جنت است" ⁵.

۱۱- دارالمتقين: قول الله تعالى: (وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ) ⁶

¹سوره رعد آیه ۲۹.

²ابن کثیر: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ۷۷۴هـ)، تفسير القرآن العظيم محقق: سامي بن محمد سلامة،

ناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م، عدد الأجزاء: ۸ ج ۴ ص ۴۵۵

³تفسیر نور ج ۱ ص ۶۳۱

⁴سوره یونس آیه ۲۶

⁵رازی: أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي مفاتيح الغيب التفسير الكبير،

ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الثالثة - ۱۴۲۰هـ ج ۲۵ ص ۷۴

⁶سوره النحل آیه ۳۰

ترجمه: " و (برعکس کافران) هنگامی که به پرهیزگاران گفته می‌شود: پروردگارتان چه چیزی (بر پیغمبر خود) نازل کرده است؟ می‌گویند: خیر و خوبی را (که قرآن نام دارد و متضمن سعادت دنیا و آخرت می‌باشد آنان بدین وسیله از زمره نیکوکاران بشمار می‌آیند و) به نیکوکاران در این جهان نیکی می‌رسد (و زندگی خوشی نصیبشان می‌گردد) و سرای آخرت (ایشان از این سرای) بهتر خواهد بود و جهان (جاویدان) پرهیزگاران بهترین (و زیباترین) جهان می‌باشد ".¹

۱۲- الغرقة: قول الله تعالى: (أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا).¹

ترجمه: " (به اینان بالاترین درجات و عالی‌ترین منزلگاههای بهشت داده می‌شود در برابر صبر و استقامت شان (بر انجام طاعات و دوری از منکرات) و در آن (جایگاههای والای بهشت ، از هر سو) بدانان درود و سلام گفته می‌شود".

ابوحیان اندلسی رحمه الله در تفسیر بحرالمحیط می‌گوید: " غرغه اسم جنت است و یا اسم است برای عالی مرتبه ترین جنت ، همچنان از بن عباس نقل نموده که می‌گوید: غرغه خانه هایی است در جنت که از زمرد و یاقوت ساخته شده است ".²

(الْغُرْفَةُ) قسمتهایی فوقانی ساختمان و طبقات بالای منازل ، ساختمان بلند . در اینجا مراد منازل و درجات عالی بهشت است).³

۱۳- دار المقامة: قول الله تعالى: (الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نُصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ).⁴

ترجمه: " خداوندی که در پرتو فضل و لطف خویش ، ما را در سرای اقامت و ماندگاری جای داد در آن هیچ گونه رنج و مشقت جسمانی و هیچ گونه ناتوانی و واماندگی روحانی به ما دست نمی‌دهد".

۱۴- دار القرار: قول الله تعالى: (يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ).⁵

ترجمه: " ای قوم من ! این حیات دنیوی کالای ناچیزی (و توشه اندکی و خوشی گذرائی) است ، و آخرت سرای ماندگاری و استقرار است ".

ملأعلی قاری رحمه الله در مرقاة المفاتیح می گوید : دارالقرار نامی از نامهای جنت است.¹

¹ سوره الفرقان آیه ۷۵

² اندلسی: أبو حیان محمد بن یوسف بن علی بن یوسف بن حیان أثير الدين البحر المحيط في التفسير محقق: صدقي محمد جميل ، ناشر: دار الفكر - بيروت ، الطبعة ۱۴۲۰ هـ ج ۸ ص ۱۳۴ .

³ تفسیر نو ج ۱ ص ۱۰۳۳

⁴ سوره فاطر آیه ۳۵

⁵ سوره غافر آیه ۳۹

۱۵- دارالحيوان: دار الحيوان نیز نامی از نام های جنت است چنانچه الله متعال میفرماید: (وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ).² ترجمه: "زنده گی این دنیا جز لهو و لعب نیست ، و زنده گی سرای آخرت زنده گی است ، اگر فهم و شعور داشته باشند".

مؤلف فتح البیان در تفسیر آیه میگوید: (أَي الْحَيَاة الدَّائِمَةُ الْخَالِدَةُ الَّتِي لَا مَوْتَ فِيهَا)³ ترجمه: "مراد از حیوان زندگی دائمی و همیشگی است که مرگی در آن وجود ندارد". چرا که به دنبال زنده گی جهان مرگ است ، ولی آخرت جاو دانگی است . جنت را دارالحيوان بدان جهت گویند که جای زنده گی همیشه گی است و مرگ در آن وجود ندارد.⁴

مبحث سوم: موقعیت زمانی و مکانی جنت

مطلب اول: موقعیت مکانی جنت

موضوع موقعیت جنت که در کجا واقع است مسئله مهمی است چون از مسایل مغیبات بوده و به جز از طریق وحی و اخبار پیامبر ﷺ فهم آن ناممکن است بناء درین مطلب بعد از مراجعه به آیات قرآنی در روشنی تفسیر آیات و اقوال علماء واضح خواهد شد که جنت در کجا موقعیت دارد.

ألوسی رحمه الله میگوید: (فَالصَّحِيحُ أَنَّ الْجَنَّةَ فَوْقَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَسُقْفُهَا الْعَرْشُ وَأَنَّ النَّارَ فِي الْأَرْضِ السَّابِعَةِ).⁵

ترجمه: "درست آن است که جنت بالای آسمان هفتم است و سقف آن عرش است و دوزخ در زمین هفتم است .

ابونعیم اصفهانی ذکر نموده: (عَنْ أَبِي يَحْيَى عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ : قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ: أَيْنَ الْجَنَّةُ؟ قَالَ: فَوْقَ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ)⁶.

ترجمه: "از ابی یحیی روایت است که مجاهد گفت : به ابن عباس گفتم: جنت در کجا است ؟

¹ قاری: علی بن (سلطان) مُحَمَّد ، أبو الحسن نور الدین الملا الهروی (المتوفى: ۱۰۱۴ هـ) مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح ناشر: دار الفکر ، بیروت - لبنان ؛ الطبعة: الأولى ، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۲ م ج ۹ ص ۳۵۷۸

² سوره العنکبوت آیه ۶۴

³ حسینی: أبو الطیب مُحَمَّد صَدِيقْ خَانِ بْنِ حَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ لُطْفِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ الْبَخَارِيِّ فَتْحُ الْبَيَانِ فِي مَقَاصِدِ الْقُرْآنِ ناشر: المکتبة العصرية للطباعة والنشر ، صيدا - بيروت ، عام النشر: ۱۴۱۲ هـ ج ۱۰ ص ۲۱۶.

⁴ فقیه: عبدالله الفقیه فتاوی الشبکه الإسلامية من مرکز الفتوی بموقع الشبکه الإسلامية www.islamweb.net بإشراف د. عبدالله الفقیه جمادى الاولى عام ۱۴۲۷ هـ ، ج ۳ ص ۲۴۸۹ .

⁵ ألوسی: نعمان بن محمود بن عبد الله ، أبو البركات خير الدين ، جلاء العينين في محاكمة الأحمدين ناشر : مطبعة المدني ، عام النشر: ۱۴۰۱ هـ - ۱۹۸۱ م . ج ۱ ص ۴۸۰

⁶ اصفهانی : صفة الجنة أبو نعیم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهانی (المتوفى: ۴۳۰ هـ) ، محقق: علي رضا عبد الله ، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق / سوريا ، عدد الأجزاء: ۲×۳ . ج ۱ ص ۱۵۶

ابن عباس رضی الله عنه گفت جنت بالای آسمان هفتم است " .
(عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ ، أَنَّهُ قَالَ: " الْجَنَّةُ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ ، وَيَجْعَلُهَا حَيْثُ شَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَجَهَنَّمُ فِي الْأَرْضِ السَّابِعَةِ)¹.

ترجمه: " ابونعیم اصفهانی حدیث دیگری را از طریق عطیه از ابن عباس روایت نموده که ابن عباس گفت: جنت در آسمان هفتم است و در روز قیامت هر جا که الله تعالی بخواهد قرار میدهد ، وجهنم در زمین هفتم است " .

شمس الدین حنبلی رحمه الله در شرح حدیث (الجنة مائة درجة ما بين كل درجتين ما بين السماء والأرض).

ترجمه: " جنت صد درجه است و فاصله بین هر درجه به اندازه فاصله بین زمین و آسمان است " ذکر نموده میگوید: (از این حدیث معلوم میشود که جنت در نهایت درجه بلندی قرار دارد که بدون شک آن آسمان هفتم است .

همچنان در تفسیر آیه (وَلَقَدْ رَأَى نَزْلَةَ أُخْرَى * عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى)².
او که بار دیگر (در شب معراج) وی را دیده است ؛ نزد سدره المنتهی ، بهشت که منزل (و مأوی متقیان) است در کنار آن است ، میگوید : (ثابت است که سدره المنتهی بالای آسمان هفتم قرار دارد و سدره المنتهی بدان جهت میگویند که هرامریکه از جانب الله ﷻ صادر میشود در همانجا گرفته میشود و هر آنچه بالامیرود در همانجا گرفته میشود)³.

امام طحاوی رحمه الله در مورد موقعیت جنت آیه (عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى * عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى)⁴.
را ذکر نموده میگوید: (دلیل علی أن الجنة فوق السماء السابعة حيث يشاء الله فهي موجودة الآن)⁵.
ترجمه: " این آیه دلیل بر آن است که جنت بالای آسمان هفتم است آنگونه که الله بخواهد و فعلا موجود است .

پس باید گفت: آنچه مفسرین و علماء به آیه فوق واحادیث استدلال نموده میگویند آن است که جنت بالای آسمان هفتم است موقعیت دارد همچنان فعلا آماده و موجود است .

¹ مرجع سابق ، ج ۱ ص ۱۵۳ رقم ۱۳۲

² سوره نجم آیه ۱۵-۱۴

³ حنبلی: شمس الدین ، أبو العون مُجَدِّد بن أحمد بن سالم السفارینی لوامع الأنوار البهية وسواطع الأسرار الأثرية
ناشر: مؤسسة الخافقين ومكتبتها - دمشق ، الطبعة: الثانية - ۱۴۰۲ هـ - ۱۹۸۲ م ، ج ۲ ص ۲۳۷

⁴ سوره نجم آیه ۱۵-۱۴

⁵ جبرین: عبد الله بن عبدالرحمن الجبرین (المتوفى: ۱۴۳۰ هـ) شرح العقيدة الطحاوية المكتبة الشاملة ج ۳ ص ۲۵۵

احمد بن حنبل رحمه الله درمسند خود حدیث را درین مورد ذکر نموده: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَصَامَ رَمَضَانَ فَإِنَّ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ هَاجِرًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ جَلَسَ فِي أَرْضِهِ الَّتِي وُلِدَ فِيهَا قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفَلَا تُخْبِرُ النَّاسَ قَالَ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مِائَةَ دَرَجَةٍ أَعَدَّهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ فَإِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَسَلُّوهُ الْفِرْدَوْسَ فَإِنَّهُ وَسْطُ الْجَنَّةِ وَأَعْلَى الْجَنَّةِ وَفَوْقَ عَرْشِ الرَّحْمَنِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنْهُ تَفَجَّرُ أَوْ تَنْفَجِرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ شَكَّ أَبُو عَامِرٍ)¹.

ترجمه: " از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر ﷺ فرمودند: کسیکه به الله و رسولش ایمان بیاورد ، نماز را ادا نماید ، و روزه ماه رمضان را بگیرد ، برخداست که وی را داخل جنت بسازد اینکه هجرت کرده باشد در راه الله ﷻ و یا اینکه نشسته باشد در زمینی که در آن به دنیا آمده است ، اصحاب گفتند: ای پیامبر الله ﷻ آیا خبرندهم مردم را پیامبر ﷺ گفت درجنت صدمرتبه است که الله ﷻ آن را مهیا نموده است برای کسانی که در راهش جهاد میکنند که بین هر درجه به اندازه زمین و آسمان فاصله وجود دارد ، زمانی که از الله خواستید پس فردوس را بخواهید بخاطریکه فردوس وسط جنت و بلندترین آن است و بالای عرش رحمن عزوجل قرار دارد که از آن نهرها جاری میشود در (تفجر و تفجر) ابوعامر شک نموده که کدام لفظ را از ابی هریره شنیده است ."

درآیه مبارکه: (فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ)².

اما شیطان موجب لغزش آنان شد و ایشان را از آنچه در آن بودند (که بهشت بود) خارج ساخت و (در این هنگام) به آنان گفتیم: همگی (به زمین) فرود آئید ، در حالی که بعضی دشمن بعضی خواهید بود ، و برای شما تا مدتی در زمین جا و قرارگاه و فرایند و بهره گیری است.

الله ﷻ برای آدم و حوا علیهم السلام نیز ، امر نموده است که پابین شوید که این دلالت دارد که جنتی که آدم و حوا در آن سکونت داشتند در بالا بوده که مراد از بالا همانا آسمان میباشد و هیچ یکی درین مورد نظری ندارد که جنت در جای دیگری باشد.

مطلب دوم: موقعیت زمانی جنت

¹ ابن حنبل : أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: ٢٤١هـ) مسند الإمام أحمد بن

حنبل

ناشر: دار الحديث — القاهرة الطبعة: الأولى ، ١٤١٦ هـ -

محقق: شعيب الأرنؤوط وآخرون ج ١٤ ص ١٤٣ رقم ٨٤١٩.

² سوره بقره آیه ٣٦

مراد از موقعیت زمانی جنت درین بحث همانا مسئله و جود و عدم وجود جنت میباشد که آیا جنت فعلاً موجود است و یا بعداً ایجاد میگردد ، و اگر جود دارد آیا فانی شدنی است و یا خیر .

موقف اهل سنت و جماعت درین مورد واضح بوده و از دلایل متعدد و اقوال علماء به وضاحت معلوم میشود که جنت فعلاً موجود است و انتها نیز ندارد ، چنانچه آیات و احادیث زیادی در مورد صراحت دارد: (سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ).¹

ترجمه: "بر یکدیگر پیشی بگیرید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن همسان بزرگی آسمان و زمین است برای کسانی آماده شده است که به خدا و پیغمبرانش ایمان داشته باشند. این ، عطاء الله ﷺ است ، و به هر کس که بخواهد آن را می دهد ، و الله ﷻ دارای عطاء بزرگ و فراوان است ."

درآیه فوق لفظ (أعدت) که بمعنی مهیا و آماده است ذکر شده یعنی جنت آماده و مهیا است ، برای کسانی که ایمان دارند به الله و پیامبرانش .

و فرموده الله ﷻ: (وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ).² ترجمه: " و (با انجام اعمال شایسته و نیکو) به سوی آمرزش پروردگارتان ، و بهشت بشتابید و بر همدیگر پیشی بگیرید به آنچه که بهای آن (برای مثال ، همچون بهای) آسمانها و زمین است (و چنین چیز با ارزشی) برای پرهیزگاران تهیه دیده شده است ."

از آیات فوق واضح میشود که جنت فعلاً موجود است چون لفظ (أعدت) ذکر شده یعنی مهیا و آماده شده و همچنان در سبقت و مسابقه معمول است جهت چیزی مسابقه میشود که موجود باشد نه بخاطر آنچه وجود آن نباشد به طرف نامعلوم مسابقه صورت بگیرد .

امام طحاوی رحمه الله در (العقيدة الطحاوية) موقف اهل سنت و جماعت را چنین بیان نموده است: (والجنة والنار مخلوقتان لا تقنیان أبداً ولا تبیدان ، فإن الله تعالى خلق الجنة والنار قبل الخلق ، وخلق لهما أهلاً ، فمن شاء منهم إلى الجنة فضلاً منه ، ومن شاء منهم إلى النار عدلاً منه)³.

ترجمه: " جنت و دوزخ هر دو آفریده شده اند نه فناء میشوند و نه از بین میروند ؛ الله تعالی جنت و دوزخ را قبل از پیدایش مخلوقات آفریده است ، و اهل برای هر دو آفریده و کسی را که به جنت داخل میسازد احسان و فضل اش است و کسی را که به دوزخ داخل میسازد عدل اش است ."

¹ سوره حدید آیه ۲۱

² سوره آل عمران ۱۳۳

³ طحاوی : العلامة حجة الإسلام أبو جعفر الوراق الطحاوي بمصر العقيدة الطحاوية المكتبة الشاملة ج ۱ ص ۲۱

در شرح این قول امام طحاوی ابن ابی العزالحنفی میگوید: (إن الجنة والنار مخلوقتان) فاتفق أهل السنة على أن الجنة والنار مخلوقتان موجودتان الآن، ولم يزل أهل السنة على ذلك¹

ترجمه: "جنت و دوزخ آفریده شده هستند و اهل سنت اتفاق دارند، براینکه جنت و دوزخ هر دو آفریده شده و فعلا موجود هستند و همین موقف اهل سنت میباشد".

آنچه معتزله ذکر نموده اند برفنای جنت و دوزخ و موت اهل آن ها به آیه (كل شيء هالك الاوجهه)². ترجمه: "همه چیزها فانی و هلاک شدنی است بجز ذات الله ﷻ" استدلال کرده اند، امام طحاوی رحمه الله میگوید: استدلال معتزله به این آیه درست نیست بدان جهت که این هلاک برآن جمله مخلوقات میباشد که الله ﷻ هلاک را بر آنها نوشته کرده، اما جنت و دوزخ برای بقا هستند، همچنان عرش که سقف جنت میباشد برای بقا است نه آنچه معتزله فکر نموده اند³.

جنت و دوزخ فعلا موجود می باشد چنانچه احادیث ذیل نیز در مورد صراحت دارد: عن ابی هريرة رضى الله عنه أن رسول الله ﷺ قال: (إذا جاء رمضان فتحت ابواب الجنة وغلقت ابواب النار وصفت الشياطين).⁴

ترجمه: "از ابی هریره روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند: زمانیکه رمضان می آید دروازه های جنت باز میشود و دروازه های دوزخ بسته میشود و شیطان ها به زنجیرها بسته میشوند".

(عن ابی هريرة رضي الله عنه قال: بيننا نحن عند رسول الله صلى الله عليه وسلم إذ قال بينا أنا نائم رأيتني في الجنة فإذا امرأة تتوضأ إلى جانب قصر فقلت لمن هذا القصر فقالوا لعمر بن الخطاب فذكرت غيرته فوليت مدبرا فبكي عمر وقال أعليتك أعاريا رسول الله).⁵

ترجمه: "از ابی هریره روایت است که گفت ماهمراه پیامبر ﷺ بودیم، پیامبر ﷺ فرمودند: من در خواب دیدم که در جنت هستم در آنجا زنی را دیدم که در کنار قصری و ضوء میکرد، پرسیدم این قصر از کیست؟ گفتند از عمر بن الخطاب، درین حال غیرت عمر بن الخطاب به یاد آمد و بازگشتم، زمانیکه عمر رضی الله عنه این سخن پیامبر ﷺ را شنید گریست و گفت آیا در برابر تو غیرت میکنم یا پیامبر الله ﷻ".

¹ حنفی: ابن أبي العز شرح العقيدة الطحاوية

ناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة الرابعة، ۱۳۹۱ ج ۱ ص ۴۲۰

² سوره قصص آیه ۸۸

³ شرح العقيدة الطحاوية ابن أبي العز ج ۱ ص ۴۲۳

⁴ قشیری: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري صحيح مسلم ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت،

تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي ج ۵ ص ۳۳۷ شماره ۱۷۹۳.

⁵ صحيح البخاری ج ۸ ص ۲۹۹. شماره ۳۲۴۲

(عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : (إِذَا مَاتَ أَحَدُكُمْ ، فَإِنَّهُ يُعْرَضُ عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْعِدَاةِ وَالْعَشِيِّ ، فَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، فَمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَمِنْ أَهْلِ النَّارِ).¹

ترجمه: " از عبدالله فرزند عمررضی الله عنهما روایت شده که گفت : رسول الله ﷺ فرمودند: زمانیکه یکی از شما فوت کند جای نشست وی درهنگام صبح و شب برایش نشان داده میشود ، اگر جنتی باشد جنت برایش نشان داده میشود و اگر دوزخی باشد دوزخ برایش نشان داده میشود." پس باید گفت: جنت قبلا ایجاد شده و برای همیشه بوده و می باشد ، اما آنچه فرقه های دیگری قایل اند با معنی و مفهوم آیات قرآنی و احادیث نبوی و عقل سازگار نمی باشد.

مطلب سوم: فناء و بقای جنت و دوزخ

موضوع فناء و بقای جنت یکی از موضوعات مهم در بخش عقیده بوده که بعضی از فرقه ها قایل به فناء آن اند درحایکه این نظرایشان (فناى جنت و دوزخ) بامخالفت جمهور اهل سنت و جماعت واقع شده اما موقف جمهور اهل سنت همانا بقای جنت و دوزخ است ، درین بحث نظریات علماء باذکردلائل به بررسی گرفته میشود! جنت و دوزخ برای همیشه (ابد) بوده و فنا نمی شونداین نظر جمهور اهل سنت است.

امام بخاری رحمه الله از ابی سعید خدری روایت نموده که رسول الله ﷺ فرمود: (يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ خُلُودٌ فَلَا مَوْتَ وَيَا أَهْلَ النَّارِ خُلُودٌ فَلَا مَوْتَ).²

ترجمه: " ای اهل جنت ، جنت برای همیشه است و مرگی وجود ندارد ، ای اهل دوزخ دوزخ برای همیشه است و مرگی وجود ندارد."

عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: (يقال لأهل الجنة: يا أهل الجنة خلود لا موت ، ولأهل النار ، يا أهل النار خلود لا موت).³

ترجمه: " از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ﷺ فرمود: برای اهل جنت گفته میشود یا اهل جنت برای همیشه هستید و مرگ نیست و برای اهل دوزخ گفته میشود ای اهل دوزخ برای همیشه در دوزخ هستید و مرگ نیست "

¹ صحیح البخاری ج ۱ ص ۱۷۷ شماره ۳۲۴۰

² صحیح البخاری ج ۶ ص ۱۱۸

³ صحیح البخاری ج ۱ شماره ۶۵۴۵

الموسوعة العقديه در رابطه به بقای دوزخ بعد از این عنوان: (أهل النار الخالدون فيها الذين لا يرحلون ولا يبیدون هم الكفرة والمشرکون).¹ ده ها آیت واحادیث را در رابطه به بقای دوزخ ذکر نموده که این بحث گنجایش ذکر همه آن را ندارد.

آیه های ذیل نیز در مورد صراحت دارد: (لا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ).²

ترجمه: آنان هرگز در آنجا مرگی جز همان مرگ نخستین (که در دنیا چشیده اند و بعد از آن زنده شده اند) نخواهند چشید، و خداوند آنان را از عذاب دوزخ به دور و محفوظ داشته است.

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا).³ ترجمه: "بی گمان کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، باغهای بهشت جایگاه پذیرائی از ایشان است. جاودانه در آنجا می مانند و تقاضای نقل مکان از آنجا را نمی نمایند (و حاضر نیستند آن را با چیزی عوض کنند)".

جهم ابن صفوان⁴ رهبر گروه معطله میگوید: جنت و دوزخ فانی شدنی بوده و فنا میشوند، ابو هذیل علاف⁵ از بزرگان معتزله میگوید: اهل جنت و دوزخ از حرکت باز میمانند و به سکون دائمی باز میگردند که این بمعنی فنای آن میباشد.

اهل سنت این قول ایشان را رد نموده میگویند این نظر با آیات صریح قرآنی واحادیث نبوی شریف سازگار نیست: عبدالغنی مقدسی رحمه الله میگوید: (در این نظر با ایشان هیچ یکی از سلف، ائمه و علما هم نظر نیستند؛ و جمهور امت مخالف بوده و همه اتفاق دارند که جنت و دوزخ برای همیشه بوده و فنا نمی شوند و این نظر (فناء) جنت و دوزخ از هیچ یکی از سلف و خلف امت شنیده نشده؛ آنچه در رابطه به فنای جنت و دوزخ ذکر شده، اقوال ضعیف و مرجوح بوده و ضمن آن با دلایل قطعی قرآن و سنت تعارض دارد، بخاطری که، وجود جنت و دوزخ برای همیشه وابد با دلایل قطعی ثابت است).⁶

¹ الموسوعة العقديه ج ۵ ص ۱۵۴

² سوره دخان آیه ۵۶.

³ سوره كهف آیه ۱۰۷ - ۱۰۸

⁴ جهم بن صفوان ۱۲۸ هـ أبو محرز سمرقندی از بزرگان گروه جهمیه میباشد؛ وی صفات الله ﷺ را انکار نموده و قرآن را

مخلوق میدانست، در زمان صغار تابعین هلاک شده و از وی چیزی روایت نشده. لسان المیزان ج ۲ ص ۵۰۰

⁵ أبو هذیل علاف بصری: مُحَمَّد بن هذیل علاف از بزرگان معتزله میباشد وی میگوید: نعمت های جنت و عذاب دوزخ ختم شده و اهل جنت از حرکت باز میمانند قسمی که نطقی هم کرده نمیتوانند، همچنان وی از صفات الله ﷺ مانند علم و قدرت منکر بوده است. سیر اعلام النبلاء ج ۲۰ ص ۳۸. [۲۲۱ - ۲۳۰ هـ.

⁶ مقدسی: عبد الغني بن عبد الواحد بن علي بن سرور المقدسي الجماعيلي الدمشقي الحنبلي الاقتصاد في الاعتقاد،

* ابن قیم رحمه الله ضمن آنکه در کتاب خود در مورد فناى دوزخ نظريات زيادى را ذکر نموده اما ميگويد: (إن القول بفناء الجنة والنار قول مبتدع لم يقله أحد من الصحابة ولا التابعين ولا أحد من أئمة المسلمين).¹

ترجمه: " آنچه در مورد فناى جنت و دوزخ گفته شده سخن اهل بدعت است ، و اين سخن را هيچ يکي از صحابه ، تابعين ، و ائمه مسلمانان نگفته اند ."

* ابن جبرين در رابطه به تفسير آيه: (وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَيَا الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُودٍ)².

ترجمه: " و اما کسانی که (به سبب انجام کارهاي نیکو) خوشبخت شده اند (وارد بهشت گشته و) در بهشت جاودانه مي مانند ، مادام که آسمانها و زمين برپا است ، مگر اين که خدا بخواهد (و اهل توحيد بزهکار را وارد بهشت نسازد و به دوزخشان دراندازد و بعدها بيرونشان آورد و به بهشتشان برد. خداوند به افراد خوشبخت) عطيه عظيمي مي دهد که گسيختني (و کاستي پذيرفتني) نيست ."

ميگويد: در رابطه به استثناء در آيه مبارکه سلف اختلاف نموده اند: ۱: بعضی گفته اند مراد مدت بودن در دوزخ است ۲: عده يی گفته اند: مراد بودن در موقف است ۳: عده يی ديگری گفته اند مراد مدت بودن در موقف و بودن در قبر است.³

* مولف تفسير فتح البيان از ابن عباس نقل نموده: (عن ابن عباس في قوله (إلا ما شاء ربك) قال: فقد شاء ربك أن يخلد هؤلاء في النار ، وأن يخلد هؤلاء في الجنة).⁴

ترجمه: " ابن عباس رضی الله عنه در مورد فرموده الله ﷻ (إلا ما شاء ربك) ميگويد: به تحقيق الله متعال خواسته تا کفار را در دوزخ برای هميش نگهدارد و اهل ايمان را در جنت "

* امام قرطبي رحمه الله در مورد آيه (لَا يَبِثْنَ فِيهَا أَحْقَابًا) ميگويد: (أَيُّ مَا كَثُرْنَ فِي النَّارِ مَا دَامَتِ الْأَحْقَابُ ، وَهِيَ لَا تَنْقَطِعُ ، فَكُلَّمَا مَضَى حُطْبٌ جَاءَ حُطْبٌ. وَالْحُطْبُ بِضَمِّتَيْنِ: الدَّهْرُ وَالْأَحْقَابُ الدُّهُورُ. وَالْحِقْبَةُ بِالْكَسْرِ: السَّنَةُ ، وَالْجَمْعُ حِقْبٌ ،⁵

ناشر: مكتبة العلوم والحكم ، المدينة المنورة ، المملكة العربية السعودية ، الطبعة: الأولى ، ١٤١٤هـ/١٩٩٣م ج ١ ص ١٧٩.

¹ حادى الارواح ج ١ ص ٣٥١.

² سورة هود آيه ١٠٨.

³ شرح العقيدة الطحاوية ؛ ابن الجبرين ج ٦٦ ص ١٠.

⁴ فتح البيان في مقاصد القرآن ج ٦ ص ٢٥٢.

⁵ الجامع لأحكام القرآن ج ١٩ ص ١٧٧.

ترجمه: " یعنی درنگ کننده هستند در دوزخ تا زمانیکه احقاب است و احقاب قطع نمیشود زمانیکه یک حقب ختم شود حقب دیگری می آید ، و حقب به ضم حا وق به معنی زمانه است و احقاب یعنی زمانه ها و حقب به کسر حا به معنی سال است که جمع حقب یعنی سال ها است " .

* مولف ایسر التفاسیر در تفسیر آیه میگوید: (حقب به زمانه بی گفته میشود که انتها ندارد).¹

* امام سیوطی رحمه الله میگوید: (حقب زمان مشخص نیست بل زمانیکه یک حقب ختم شد حقب دیگر آغاز میشود).²

* دکتر مصطفی خرم دل در تفسیر آیه «إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ» میگوید: (مراد همیشگی و ابدیت است .

یا این که (ما) به معنی (مَنْ) است و استثناء موحدین گنهگار از ضمیر (سَعِدُوا) است که سالها بعد از چنین افراد خوشبختی از دوزخ خارج و به بهشت می آیند « عَطَاءً » عطیه بخشش مفعول مطلق است و تقدیر چنین است : يُعْطِيهِمْ عَطَاءً . عطاء مصدر یا اسم مصدر و به معنی (إعطاء) است حال مفعول مقدر و تمییز از نسبت هم بشمار آورده اند « غَيْرَ مَجْدُودٍ » غیر مقطوع ناگسستنی همیشگی و پیاپی).³

آنچه در رابطه به فنای (دوزخ) از شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله⁴ نقل شده عده بی از علماء نقل آن را از شیخ رحمه الله صحیح نمی دانند ، وعده بی دیگر آن را موقف شیخ میدانند ، در حالی که ابن قیم رحمه الله در کتاب "حادی الارواح" نظر ابن تیمیه را در مورد اینگونه ذکر نموده: (قول من يقول بل يفنيها ربها وخالقها تبارك وتعالى فانه جعل لها أمدا تنتهي إليه ثم تقنى ويزول عذابها قال شيخ الإسلام: وقد نقل هذا القول عن عمر وابن مسعود وأبي هريرة وأبي سعيد وغيرهم وقد روى عبد بن حميد وهو من اجل أئمة الحديث في تفسيره المشهور حدثنا سليمان بن حرب حدثنا حماد بن سلمة عن ثابت عن الحسن قال: قال عمر: لو لبث أهل النار في النار كقدر رمل عالج لكان لهم على ذلك يوم يخرجون).⁵ ترجمه: " آنانیکه قایل به فنای دوزخ اند میگویند: بل خالق ومدبران برای آن اجلی قرارداد کرده که وقت آن میرسد وفانی میشود وعذاب آن نیز زایل میشود (شیخ الاسلام میگوید: این قول (فنای دوزخ) از عمر ، ابن مسعود ، ابی هریره ، ابی سعید خدری وغیره نقل شده ، که عبد بن

¹ ایسر التفاسیر ج ۵ ص ۵۰۳ .

² الدر المنثور ۸ ج ۱۴ ص ۱۸۸ .

³ تفسیر نور ج ۱ ص ۵۸۰ .

⁴ ابن تیمیه متولد ۶۶۱-متوفی ۷۲۸ هـ ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام بن عبدالله بن ابی القاسم الحرانی دمشقی الحنبلی شیخ الاسلام ، علامه ، مفتی ، مفسر فقیه شخصیت علمی که بنام بحر علم و شیخ الاسلام مشهور میباشد ؛ گرفته شده از تذکرة الحفاظ للذهبي ج ۴ ص (۱۴۹۶ - ۱۴۹۷).

⁵ حادی الارواح ج ۹ ص ۱۲

حمید از علما و امامان بزرگ حدیث این قول را در تفسیر مشهور خود نقل نموده: عبد بن حمید میگوید: حدیث بیان کرد سلیمان بن حرب، حدیث بیان کرد حماد بن سلمه از ثابت از حسن که گفت: عمر رضی الله عنه فرمود: اهل دوزخ چقدر زمان طولانی را در آن سپری کنند روزی از آن بیرون میشوند: (رمل عالج) ریگ زاریکه تمام عربستان را احاطه کرده). کنایه از فراوانی است."

در مورد اثری که در فوق منسوب به حضرت عمر رضی الله عنه ذکر شد در موسوعه شیخ البانی رحمه الله اینگونه ذکر گردیده باب بیان خطأ نسبة عمر رضي الله عنه للقول بفناء النار عن عمر رضي الله عنه أنه قال: (لو لبث أهل النار في النار كقدر...).

[ضعفه الإمام (البانی) وذكر تصحيح ابن القيم له مبيئاً خطأه ثم قال]: سامح الله ابن القيم وغفر له، فإنه بتصحيحه لمثل هذا الأثر عن عمر رضي الله عنه يفتح باباً كبيراً لبعض الفرق الضالة يلجؤون فيه إلى تأييد ضلالهم، كالقاديانية، فإن من خالاهم).

ترجمه: "باب است در بیان آنچه فنای دوزخ از روی خطا به عمر رضی الله عنه نسبت داده شده.

از عمر رضی الله عنه روایت شده که گفت ... الخ

(امام (البانی)¹ این قول را ضعیف شمرده خطای ابن قیم را تصحیح نموده میگوید: خداوند ابن قیم را مغفرت کند! وی با صحیح شمردن این اثر از عمر رضی الله عنه دروازه بزرگی را برای بعضی فرقه های گمراه باز کرده، که بخاطر تأیید گمراهی خود به این چنین اقوال پناه ببرند مثل فرقه قادیانی که چنین خصلت دارند).

همچنان در موسوعه ذکر شده: (ومن أدلة القائلين ببقائها [أي النار] وعدم فنائها: قوله: {وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ} ² {لَا يُفْتَرُّ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ} ³. {فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا} ⁴. {خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا} ¹. {وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ} ²).

¹ محمد ناصر الدین البانی رحمه الله از جمله شخصیت های علمی و ممتاز جهان اسلام و صاحب مدرسه متمیز در علم حدیث بوده که سبب غنای علم حدیث گردیده تعداد زیادی از طلاب علم و شاگردان مکتب حدیث از تألیفات وی مستفید گردیده اند البانی رحمه الله در سال ۱۳۳۲ هـ در قریه موسوم به اشقودره البانیا چشم به دنیا گشوده و علوم را از علمای دمشق و شخصیت های بزرگ آن زمان فراگرفته الله متعال محبت علم حدیث را به وی نصیب گردانید که در علم حدیث و درسه آن اکثر از عمر خود را صرف نموده. در مسلک فوق نسبت به همه معاصرین اش دست بالا داشته و به صدها تألیفات از خود به جا گذاشته، مانند ارواء الغلیل فی تخریج احادیث منار السبیل، سلسله الاحادیث الصحیحه، سلسله الاحادیث الضعیفه ... شیخ رحمه الله در سال ۱۴۱۹ هـ جایزه ملک فیصل در بخش دراست اسلامی را بدست آورده، البانی رحمه الله در سال ۱۴۲۰ هـ وفات نموده. گرفته شده از سایت (الموسوعة العربية العالمية <http://www.mawsoah.net>)

² سوره مائده آیه ۳۷.

³ سوره زخرف آیه ۷۵.

⁴ سوره نبا آیه ۳۰.

[فعلق الإمام قائلاً]: قلت: وهذه الأدلة قاطعة في بقاء النار وأهلها فيها من الكفار، بخلاف أدلة القول الذي قبله [أي القول بفنائها] ، فليس فيها شيء صريح، كما بسطه الإمام الصنعاني في "رفع الأستار"، فكن رجلاً يعرف الحق بدليله وليس بالرجال، فكل أحد يؤخذ من قوله ويرد إلا النبي ﷺ³.
ترجمه: "واز دلائل آنانی که میگویند: دوزخ باقی است وفانی نمی شود این است ترجمه: " برای شان عذاب دایم است ".

ترجمه: "عذابشان کاسته نمی شود و سبک نمی شود، و آنان در میان عذاب، اندوهناک ناامید و خاموش می مانند"

ترجمه: "پس بچشید! ما هرگز چیزی جز عذاب و درد و رنج، برایتان نمی افزایم."
"آنان برای همیشه در آنجا میمانند" ترجمه: "و آنان از آنجا بیرون کرده نمی شوند".

بنابر دلائل فوق امام تعلیق نموده میگوید: واین دلائل قطعی است، در مورد بقای دوزخ و اهل آن (کفار) در آن، برخلاف سخنی که قبلاً در مورد فناء آن گفته شد، که چیزی صریحی در آن وجود نداشت، چنانچه امام صنعانی در "رفع الاستار" آن را شرح داده است، باید شخص چنین باشد که حق را به دلیل بشناسد نه به اشخاص و نه قسمی که گفته خود را بگیرد و بر پیامبر ﷺ رد نماید).
عده یی از علما همین قول را بر موقوف ابن تیمیه رحمه الله دلیل گرفته اند؛ اما عده یی دیگر آن را رد نموده میگویند از شیخ الاسلام در مورد فناء دوزخ سخنی ثابت نبوده و وی قایل به بقای دوزخ است: عبدالعزیز راجحی ذکر نموده: (القول الصحيح أن شيخ الإسلام يقول: إن الجنة والنار مخلوقتان دائمتان لا تفتیان أبداً ولا تبدان، وهو ثابت وواضح)⁴.

ترجمه: "قول درست آن است که شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله میگفت: جنت و دوزخ هر دو خلق کرده شده و برای همیشه میباشند نه فنا میشوند و نه از بین میروند، و این گفته ثابت و واضح از شیخ الاسلام است".

* محمد بن عبدالله سمهری بعد از تحقیق رساله (ردمن قال بفناء الجنة والنار) چنین ذکر نموده: (موقف شيخ الإسلام من مسألة فناء النار لا يوجد لشيخ الإسلام - فيما أعلم - نص واضح جلي في هذه

¹ سوره انعام آیه ۱۲۸.

² سوره حجر آیه ۴۸.

³ البانی: محمد ناصر الدین موسوعة العلامة محمد ناصر الدین البانی

ناشر: مرکز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية صنعاء - اليمن الطبعة: الأولى، ۱۴۳۱ هـ - ۲۰۱۰ م، ج ۹ ص ۴۹۱

⁴ راجحی: عبد العزيز بن عبد الله بن عبد الرحمن الراجحي شرح كتاب السنة للبرهاري

ناشر: موقع الشبكة الإسلامية؛ المكتبة الشاملة ج ۵ ص ۱۱

المسألة، ولكن له هذه الرسالة التي ألفها جواباً عن سؤال وجه إليه، فأجاب بذكر آراء غيره من العلماء في ذلك).¹

ترجمه: "در مورد فنای جنت و دوزخ از شیخ الاسلام سخن واضح و آشکار نیافتیم اما این رساله در جواب سوالی که به وی راجع شده بود تألیف نموده و آرای علمای دیگر را در آن ذکر نموده است." (الموسوعة العقديّة) موقف واقوال علما را به رد فنای دوزخ ذکر نموده که از ابن تیمیه نیز یک قول نقل نموده که شیخ میگوید: (وقد اتفق سلف الأمة وأئمتها وسائر أهل السنة والجماعة على أن من المخلوقات ما لا يعدم ولا يفنى بالكلية، كالجنة).

ترجمه: "شیخ الاسلام رحمه الله گفت: به تحقیق سلف امت و امامان و سایر اهل سنت و جماعت بر آن اند که! برخی از مخلوقات اند که طور کلی نابود نمی شوند و فنا نمی پذیرند همانند جنت..). اگرچه در این قول کلمه (نار) ذکر نشده اما در موسوعه این قول ابن تیمیه را دلیل به موقف وی در مورد عدم فنای جنت و دوزخ ذکر نموده است.

(قال الإمام الحافظ ابن حزم - رحمه الله: (الجنة حق، والنار حق، و أنهما مخلوقتان مخلدتان هما ومن فهيمها بلا نهاية... كل هذا إجماع من جميع أهل الإسلام، ومن خرج عنه خرج عن الإسلام).² ترجمه: "حافظ ابن حزم رحمه الله میگوید: جنت و دوزخ هر دو برحق اند و هر دو مخلوق و برای همیشه میباشند آنها و آنچه در آنها هست نهایت ندارد و این اجماع همه اهل اسلام است و کسیکه از این اجماع خارج باشد از اسلام خارج است).

* (قال الإمام الحافظان أبو حاتم وأبو زرعة رحمهما الله: (أدركنا العلماء في جميع الأمصار حجازاً وعراقاً و شاماً و يمناً فكان من مذهبهم، الجنة حق والنار حق، وهما مخلوقان لا يفنيان أبداً).³ ترجمه: "امام حافظ ابوحاتم و امام ابوزرعه رحمهم الله میگویند: علما را در همه شهرها دیدیم و ملاقات نمودیم: در حجاز، شام، عراق و یمن که مذهب همه ی شان آن بود که جنت و دوزخ حق است و مخلوق میباشند و برای همیشه هستند. بنابر اقوال علماء و دلایلی که قبلاً ذکر گردید باید گفت که جنت و دوزخ برای همیشه بوده و فناء ندارند.

¹ حرانی: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني الرد على من قال بفناء الجنة والنار تحقيق:، محمد بن عبد الله السميري ناشر: دار بلنسية الرياض، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م.

² ابن حزم: علي بن أحمد بن سعيد بن حزم ظاهري أبو محمد تولد: ٣٨٣ / وفات ٤٥٦ المحلي تحقيق: لجنة إحياء التراث العربي.

ناشر: دار الآفاق الجديدة؛ مكان نشر: بيروت ج ١ ص ١١

³ موسوعة العقديّة المكتبة الشاملة ج ٥ ص ١٤٧.

ابوجعفر طحاوی رحمه الله در (العقيدة الطحاوية) میگوید: (الجنة والنار مخلوقتان ، لا تفنیان أبداً ولا تبیدان ، فإن الله تعالى خلق الجنة والنار قبل الخلق ، وخلق لهما أهلاً ، فمن شاء منهم إلى الجنة فضلاً منه ، ومن شاء منهم إلى النار عدلاً منه)¹.

ترجمه: "جنت و دوزخ هر دو آفریده شده اند نه فنا میشوند و نه از بین میروند ؛ الله تعالى جنت و دوزخ را قبل از پیدایش مخلوقات آفریده است و باشندگانی برای هر دو آفریده و کسی را که به جنت داخل میسازد احسان و فضل اش است و کسی را که به دوزخ داخل میسازد عدل اش است."

مبحث چهارم: ساختار جنت

بناها ، ساختمان ها و قصرهای بزرگ و مجللی بر روی این کره خاکی وجود دارند ولی این بناها هراندازه با شکوه و بزرگ و از نظر زیبایی و نقش و نگار بی نظیر باشند ، نمی توانند با کاخ ها و ساختمان های بسیار زیبایی که برای سکونت و آرامش مؤمنین در بهشت بنا شده ، قابل مقایسه باشند و تنها شباهتی که باهم دارند در نام و اسم است ، در بهشت چنان کاخ های مجلل و با شکوهی ساخته شده که چشم ها با دیدن عظمت و زیبایی آنها خیره می شود ، قصرهایی که مؤمن وقتی داخل آن می شود ، به آرامش روحی و آسایش و آرامش ابدی می رسد و چشم هایش از زیبایی آنها روشن و خنک می شود ، چرا چنین نباشد! مگر نه این است که خداوند متعال خیمه های بسیار بزرگی از مروارید و قصرهایی باشکوه از طلا و نقره در بهشت بنا نموده و پرده های اطاق هایش از فاخرترین پارچه ها و همسران مؤمنین در آنجا از بهترین و زیباترین زنان و مردانش از جوانترین و خوش هیكل ترین مردان هستند؟ غذاهای بهشت از لذیذترین غذاها و نوشیدنی هایش از گواراترین نوشابه ها است ، چنان نعمت هایی در بهشت وجود دارد که نمونه هایش در این دنیا نیست و در فکر و اندیشه هیچ کسی خطور نکرده است.

درین مبحث که از ساختار جنت بحث میشود شامل قصرها ، خیمه ها ، دروازه ها ، اتاق ها و طبقات جنت میباشد با همه خصوصیات که دارند به تفصیل معرفی میشوند.

مطلب اول: قصرها و خیمه های جنت

¹العقيدة الطحاوية ج ۱ ص ۲۱

۱ - قصر های جنت: جنت دارای قصرهای مجلل و زیبایی است که الله متعال برای بندگان خود مهیا ساخته است ، که بندگان مخلص و پرهیزگار الله متعال در آن به شرمی برند بدون شک زندگی در جنت زندگی مانند دنیا نخواهد بود ، چرا؟ که جنت جای است از همه لحاظ لذت بخش ، چون در آنجا همه نیکی ها و خوبی ها تمام شده و بالاتر از آن هیچ کسی مکان آرام نعمات لذیذ و فضای گوارا نمیخواهد و وجود هم ندارد پس جنت جای است که الله ﷻ کسانی را در آن جای داده است که از ایشان راضی بوده و همه طاعات و اعمال شان مقبول درگاه الله متعال قرار گرفته و امتحان را موفقانه سپری نموده اند و انسانهای جنتی نیز از الله خود با احسانی که بایشان نموده راضی اند.

از آن نعمات که الله برای انسانها مهیا نموده یکی هم شامل قصرها میشود که در اینجا به تفصیل روی آن بحث میشود! امام بخاری رحمه الله در صحیح خود حدیثی را در رابطه به قصر عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت نموده: (عن ابی هریره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ بَيْنَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذْ قَالَ بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ رَأَيْتُنِي فِي الْجَنَّةِ فَإِذَا امْرَأَةٌ تَتَوَضَّأُ إِلَيَّ جَانِبِ قَصْرِ فَقُلْتُ لِمَنْ هَذَا الْقَصْرِ فَقَالُوا لِعُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ فَذَكَرْتُ غَيْرَتَهُ فَوَلَّيْتُ مُدْبِرًا فَبَكَى عُمَرُ وَقَالَ أَعَلَيْكَ أَغَارٌ يَا رَسُولَ اللهِ).¹

از ابی هریره روایت است که گفت: ماهمراه پیامبر ﷺ بودیم! پیامبر ﷺ فرمودند: من در خواب دیدم که در جنت هستم در آنجا زنی را دیدم که در کنار قصری وضوء میکرد ، پرسیدم این قصر از کیست ؟ گفتند از عمر ابن الخطاب ، درین حال غیرت عمر ابن الخطاب به یاد آمد و بازگشتم ، زمانیکه عمر ابن سخن پیامبر ﷺ را شنید گریست و گفت! آیا در برابر تو غیرت میکنم ای پیامبر الله ﷺ.

از حدیث فوق معلوم میشود که قصرها در جنت وجود دارد چون عمر رضی الله عنه یکی از خلفای اربعه و صحابی بزرگوار است که الله ﷻ برایش قصر را مهیا نموده پس شأن انبیاء علیهم السلام چه خواهد بود بدون شک برای انبیاء علیهم السلام همه نعمات جنت میسر است که قصر یکی از نعمات جنت میباشد که برای متقیان وعده داده شده چنانچه الله متعال میفرماید :

(لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ عُرفٌ مِّنْ فَوْقِهَا عُرفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِّنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللهُ لَا يُخْلِفُ اللهُ الْمِيعَادَ).²

ترجمه: " و اما کسانی که از (عذاب) پروردگارشان (خویشان را) پرهیزند ، آنان (در بهشت برین جای دارند و) دارای قصرها و کاخهایی هستند که بالای یکدیگر ساخته شده اند و در زیر آنها نهر ها جاری است . این وعده را خدا می دهد و خدا خلاف وعده نمی کند .

مؤلف تفسیر نور میگوید مراد از کلمه « عُرفٌ » درآیه مبارکه منازل برافراشته و خانه های سر به فلک

¹ صحیح البخاری ج ۸ ص ۲۹۹ شماره ۳۲۴۲

² سوره زمر آیه ۲۰

کشیده و بالاخانه‌ها و کاخها میباشد¹.

همچنان الله متعال برای مؤمنان میفرماید: (يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)².

ترجمه: "(اگر این تجارت را انجام دهید الله) گناهانتان را می‌بخشاید و شما را به باغهای بهشتی داخل می‌گرداند که از زیر (کاخها و درختان) آن جویبارها روان است و شما را در منازل و خانه‌های خوبی جای می‌دهد که در باغهای بهشت جاویدان ماندگار واقع شده‌اند رستگاری بزرگ همین است".
شیخ خرم دل میگوید: مراد از کلمه « مَسَاكِينَ طَيِّبَةً »: خانه‌های خوب، قصرهای مجلل و کاخهای زیبا و دلربا است".

همچنان الله متعال مؤمنان را خطاب نموده میفرماید: (وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)³.

ترجمه: "الله ﷻ به مردان و زنان مؤمن بهشت را وعده داده است که در زیر (کاخها و درختهای) آن جویبارها روان است و جاودانه در آن می‌مانند، و مسکنهای پاکی را در بهشت جاویدان بدانان وعده داده است (که جای ماندگاری همیشگی و زندگی ابدی است). از همه مهمتر خداوند خوشنودی خود را بدیشان وعده داده است که (خوشنودی خدا بالاتر از هر چیز است. پس پیروزی بزرگ برای شان همین است"⁴.

۲ - خیمه‌های جنت

جنت دارای خیمه‌های زیبا و وسیعی است که در بعضی روایات وسعت آن شصت میل⁵ و در بعضی سی میل و در بعضی هفتاد میل ذکر شده که در آنها حوران بهشتی زندگی میکنند چنانچه الله متعال میفرماید: (حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ؛ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ)⁶.
ترجمه: "سیاه چشمانی که هرگز از خیمه‌ها بیرون نمی‌شوند، پس کدامیک از نعمتهای پروردگار خود را تکذیب و انکار می‌کنید".

¹ تفسیر نور ج ۱ ص ۱۳۸۹

² سوره صف آیه ۱۲

³ سوره توبه ۷۲

⁴ تفسیر نور ج ۱ ص ۱۷۳۱

⁵ صحیح البخاری ج ۱۱ ص ۲۱ شماره حدیث ۳۰۰۴

⁶ سوره الرحمن آیه ۷۳

(حُورٌ): که جمع حَوَاء ، مراد زنان سیاه چشم است ، (مَقْصُورَاتٌ) : جمع مقصورة ، محدود . مخدّره و محجّبه . زنانی که از خانه‌های خود بیرون نمی‌روند و اینجا و آنجا نمی‌گردند و چشم به نامحرمان نمی‌دوزند ، قصر نشینان (الْخِيَامِ) : جمع خَيْمَة ، خیمه‌ها ، بارگاهها پس چطور نعمت های پرودگار خود را تکذیب مینمایید و در زمره ناسپاسان داخل میشوید؟¹

عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَيْسِ الْأَشْعَرِيِّ ، عَنْ أَبِيهِ ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : (الْخَيْمَةُ دُرَّةٌ ، مُجَوَّفَةٌ طُولُهَا فِي السَّمَاءِ ثَلَاثُونَ مِيلاً ، فِي كُلِّ زَاوِيَةٍ مِنْهَا لِلْمُؤْمِنِ أَهْلٌ لَا يَرَاهُمْ الْآخَرُونَ) .²

ترجمه: " از عبدالله بن قیس اشعری رضی الله عنه روایت شده که وی از پدرش روایت نموده که پیامبر ﷺ فرمودند: خیمه جنت از مرواریدیکه داخل آن خالی (تراشیده) گی دارد میباشد و درازی آن در آسمان به اندازه سی میل میباشد که در هر گوشه آن برای مسلمان زوجه اش نشسته است و وسعت خیمه به حدی است که ، دیگران همسر شخص جنتی را به نسبت دوری دیده نمیتوانند ." در روایت دیگری که امام بخاری در همین باب از عبدالله ابن قیس ذکر نموده ، آمده (عَرْضُهَا سِتُونَ مِيلاً) ترجمه: عرض آن شصت میل است .

امام طبری رحمه الله در تفسیر خود ذکر نموده: (عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ ، فِي قَوْلِهِ : (حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ) .³ قَالَ : (الْخَيْمَةُ لَوْلُؤَةٌ أَرْبَعَةٌ فَرَاخٌ فِي أَرْبَعَةِ فَرَاخٍ لَهَا أَرْبَعَةُ آلَافِ مِصْرَاعٍ مِنْ ذَهَبٍ) .⁴ ترجمه: " از ابن عباس روایت شده که در تفسیر آیه (حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ) میگوید: در جنت خیمه های است که از مروارید ساخته شده که چهار فرسخ بر چهار فرسخ⁵ است که از چهار هزار پارچه طلا ساخته شده است .

ابن ابی عز حنفی رحمه الله در شرح عقیده الطحاوی جنت را چنین وصف نموده است: (و من الطبيعي أن الجنة التي يكون ترابها زعفران و طينها مسك أن تكون (خيامها لؤلؤاً و زبرجداً) و قصورها فهي غرف تطل على الأنهار فلا تسمع فيها ضجيج السيارات أو صراخ الأطفال ... و إنما تسمع صوت المياه المتفرقة في أنهار الجنة الأربعة) قال تعالى: (لا يسمعون فيها لغواً و لا تأثيماً * إلا قليلاً سلاماً سلاماً) .⁶

¹ تفسیر نور ج ۱ ص ۱۶۶۸

² صحیح البخاری ج ۴ ص ۱۱۷ رقم ۳۲۴۲

³ سوره الرحمن آیه ۷۲

⁴ طبری: مُجَدِّدُ بْنُ جَرِيرِ بْنِ يَزِيدِ بْنِ كَثِيرِ بْنِ غَالِبِ الْأَمَلِيِّ ، أَبُو جَعْفَرٍ تَفْسِيرُ الطَّبْرِيِّ = جَامِعُ الْبَيَانِ عَنِ تَأْوِيلِ آيِ الْقُرْآنِ

ناشر: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان ، الطبعة: الأولى ، ۱۴۲۲ هـ ج ۲ ص ۲۶۸

⁵ هر فرسخ مساوی است به شش هزار متر و یا شش کیلو متر ، فرهنگ فارسی معین ج ۲ ص ۱۳۲ .

⁶ سوره واقعه آیه ۲۵

ترجمه: در میان باغهای بهشت ، نه سخن بیهوده می شنوند ، و نه سخن گناه آلود. طبیعتاً جنت شکلی است که خاک آن زعفران و گل آن مشک و خیمه های آن مروارید و زمرد میباشد و قصرهای آن به درازی نهرها میباشد که در آنجا آواز حرکت موتر و سرو صدای اطفال ... شنیده نمیشود آنچه در آنجا شنیده میشود همانا صدای شرشره آب چشمه های چهار گانه جنت است چنانچه الله متعال فرموده: در میان باغهای بهشت ، نه سخن عبث و بیهوده می شنوند ، و نه سخن گناه آلود ، مگر سخن سلام ! سلام ! را . که مراد از سلام همانا سلامتی هست که اهل جنت به همدیگر تقدیم میکنند.

بعد از مراجعه به روایات فوق باید گفت: در جنت خیمه های زیبا و وسیع است که برای اهل جنت ساخته شده که در آنجا زندگی میکنند و هدف این نیست که تنها خیمه ها برای زندگی باشد بل در جنت هر آنچه که انسانها تمنا دارند برای ایشان میسر است و همه سلامتی و زیبایی در آن وجود دارد.

(نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ نُزُلًا مِّنْ عَفْوٍ رَّحِيمٍ).¹

ترجمه: " (و فرشتگان بدیشان خبر می دهند که) ما یاران و یاوران شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم و در آخرت برای شما هر چه آرزو کنید هست و هر چه بخواهید برایتان فراهم است. اینها به عنوان پذیرائی از سوی خداوند آمرزگار و مهربان است (مَا تَدْعُونَ) آنچه طلب کنید برای تان است.

مطلب دوم: اتاقها، دروازه ها و درجات جنت

۱- دروازه های جنت

دروازه که در اصل همانا راه وارد شدن به منزل ، شهر ، دفتر .. میباشد و یا معنی بکار میرود چنانچه در عربی باب گفته میشود مثل باب الصلاة ، باب الزکاة .. بخاطریکه اکثر کتب حدیث و فقه .. به اساس ابواب ترتیب میباشد و ترتیب ابواب قسمی بوده که بعد از باب طهارت باب صلاة و بعد از باب صلاة باب زکاة ... می آید و به واسطه آن باب بحث قبلی ختم شده و به بحث بعدی آغاز میشود درینجا نیز چنین است بخاطریکه بعد از ختم دنیا و حساب انسانها به دو گروه تقسیم میشوند گروه مستحق جهنم دانسته شده داخل جهنم و گروه مستحق جنت دانسته شده به جنت داخل میشوند

¹سوره فصلت آیه ۳۱-۳۲

که این داخل شدن از طریق دروازه هامیباشد بخاطریکه ابواب (دروازه) ها اشخاص موظفی دارند که از آن مراقبت نموده و هر شخص را مطابق به هدایت به ساحات مربوطه رهنمایی میکنند چنانچه از دروازه بانهای جنت بنام خزنه یاد شده است.

جنت دارای دروازه های است که درقرآن کریم ذکرشده است مثل باب الریان برای روزه داران اختصاص یافته وباب جهادبرای مجاهدین ، باب شهید ، برای شهدا ...

امام بخاری نقل نموده: (عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فِي الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ فِيهَا بَابٌ يُسَمَّى الرَّيَّانَ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا الصَّائِمُونَ).¹
(وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاؤُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ).²

ترجمه: " و کسانی که از (عذاب و خشم) پروردگارشان می پرهیزند ، گروه گروه به سوی بهشت رهنمون می شوند تا بدان گاه که به بهشت می رسند ، بهشتی که در واژه های آن (به احترامشان به رویشان) باز است بدین هنگام نگاهبانان بهشت بدیشان می گویند : درودتان باد ! خوب بوده اید و به نیکی زیسته اید ، پس خوش باشید و داخل بهشت شوید و جاودانه در آن بمانید " .

ترجمه: " ازسهل بن سعدرضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ﷺ فرمود: درجنت هشت دروازه است ودرآن یک باب است که بنام ریان یاد میشود وبجز ازروزه داران کسی درآن داخل نمیشود .

دکترخرم دل درتفسیر آیه (وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا) میگوید: در حالی که درهای آن به رویشان باز است. حرف واو ، حالیه است ، همین عبارت در آیه (۷۱) بدون واو است ، چرا که جهنم به منزله زندان است و در زندان هنگامی گشوده می شود که زندانی یا زندانیانی را بدانجا برسانند دروازه برای شان بازکرده میشود. ولی در این آیه حرف واو بیانگر جای خوب و باصفائی است که چون بزرگانی را بدانجا می برند که در پیش خدا ارجمندند ، به احترام ایشان درها قبلاً باز شده و آماده تشریف فرمائی و ورود ایشان است .

(عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أَنْفَقَ زَوْجَيْنِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ نُودِيَ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ يَا عَبْدَ اللَّهِ هَذَا خَيْرٌ فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّلَاةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّلَاةِ وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجِهَادِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الْجِهَادِ وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصِّيَامِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الرَّيَّانِ وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقَةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّدَقَةِ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَا بَنِي أُمَّتِ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا عَلَيَّ

¹ صحیح البخاری ج ۸ ص ۳۰۹ رقم ۳۲۵۷

² سوره زمر آیه ۷۳

مَنْ دُعِيَ مِنْ تِلْكَ الْأَبْوَابِ مِنْ ضَرُورَةٍ فَهَلْ يُدْعَى أَحَدٌ مِنْ تِلْكَ الْأَبْوَابِ كُلِّهَا قَالَ نَعَمْ وَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ¹.

ترجمه: "از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: کسیکه در راه الله ﷻ دوجوره مصرف کند در روز قیامت برایش صدازده میشود ای بنده الله ﷻ این بهترین بدل است از آن چه که تو مصرف نموده یی و کسیکه زیاد نمازگزار باشد از دروازه (باب الصلاة) دعوت میشود و کسیکه از جمله مجاهدین باشد از باب (دروازه) جهاد دعوت میشود و کسیکه صدقه دهنده باشد به وی از باب صدقه دعوت میشود و کسیکه زیاد روزه گرفته باشد به وی از باب الریان (روزه) داران دعوت میشود ابوبکر صدیق رضی الله عنه گفت: یا رسول الله ﷺ پدومادرم فدایتان چه نیازی است کسی را که از همه دروازه ها صدازده شود، آیا کسی است که از همه دروازه ها برایش صدازده شود؛ رسول الله ﷻ فرمود: بلی! و من امیدوارم که شما (ابوبکر رضی الله عنه) از همان جمله باشید).

در رابطه به زوجان نظریات مختلفی وجود دارد و اما آنچه راجح است همانا روایتی است که در شرح صحیح البخاری عمدة القاری ذکر نموده است: (عَنْ صَعْصَعَةَ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي ذَرٍّ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (مَنْ أَنْفَقَ زَوْجَيْنِ ابْتَدْرَتْهُ حِجْبَةُ الْجَنَّةِ) ثُمَّ قَالَ: (بَعِيرَانِ شَاتَيْنِ حِمَارَيْنِ دِرْهَمَيْنِ)²

ترجمه: "از صعصعه بن معاوی از ابی ذرغفاری رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: کسیکه زوجین را صدقه بدهد دروازه بانان جنت به دعوت وی پیشی میگیرند ابی صعصعه میگوید: ابی ذر گفت: دوشتر یا دوگوسفند یا دو مرکب و یا دو درهم. در روایات دیگر نیز چنین ذکر شده که مراد دوشتر و یا دو گوسفند.. میباشد".

(عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا جَاءَ رَمَضَانَ فُتِحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ)³.

ترجمه: "از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: زمانیکه ماه مبارک رمضان بیاید دروازه های جنت باز میشوند".

¹ صحیح البخاری ج ۴ ص ۵۶۹ شماره ۱۸۹۷

² عینی: أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسین الغیتابی الحنفی بدر الدین ، عمدة القاری شرح صحیح

البخاری

ناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت ، ج ۱۰ ص ۲۶۴ ؛ شیخ البانی صحیح گفته التعليقات الحسان علی صحیح ابن حبان ج ۷ ص ۶۵.

³ صحیح البخاری ج ۶ ص ۴۶۴ رقم ۱۷۶۵

چون روزه کفاره برای گناهان است و ماه توبه و بخشش است پس الله ﷻ درین ماه در وازه های جنت را برای بنده گان خود باز میکند.

(عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ حَمْسَهَا ، وَصَامَتْ شَهْرَهَا ، وَحَفِظَتْ فَرْجَهَا وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا قِيلَ لَهَا : ادْخُلِي الْجَنَّةَ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شِئْتِ) ¹
ترجمه: " از عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ﷻ فرمود: آن زنیکه پنج وقت نماز خود را ادا نماید ، و روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد ، عورت خود را حفاظت کند و از شوهر خود اطاعت نماید در روز قیامت به وی گفته میشود از هر دروازه ی جنت که میخواهید داخل جنت شوید."

بلی دلایل فوق همه واضح میسازد که جنت دارای دروازه هایی است که مسلمانان از آن در وازه ها داخل جنت میشوند اما سوال اینجا است که چه کسی اول داخل این دروازه ها میشود ؟ از روایات متعدد معلوم میشود اولین کسیکه این در وازه هارا باز میکند خاتم پیامبران محمد ﷺ است چنانچه در کتب حدیث ذکر گردیده (عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أتى باب الجنة يوم القيامة فأستفتح فيقول الخازن من أنت ؟ فأقول محمد فيقول بك أمرت لا أفتح لأحد قبلك). ²
ترجمه: " از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: من در روز قیامت به دروازه جنت آمده خواستار گشایش آن میشوم ، نگهبان آن به من میگوید چه کسی هستید شما ؟ من میگویم محمد هستم ! پس به من میگوید امر شدم که در وازه را به شما بازکنم و به هیچ کسی دیگری پیش از شما بازکنم."

(عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَنَا أَوْلُ مَنْ يَفْرَعُ بَابَ الْجَنَّةِ). ³

ترجمه: " از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ﷻ فرمود : در روز قیامت نسبت به همه پیامبران علیهم السلام امت من زیاد میباشد ، و من اولین کسی هستم که در وازه جنت را دق الباب میکنم."

در رابطه به تعداد در وازه های جنت و نامهای آنها نظریات مختلفی وجود دارد اما آنچه از احادیث به صراحت معلوم میشود داشتن هشت در وازه است که هشت در وازه جنت در احادیث متعدد ذکر شده در حالیکه نام چند دروازه در حدیث واضح ذکر شده مثل باب الریان ، باب الجهاد ، باب

¹ مسند أحمد بن حنبل ، ج ۱ ص ۱۹۱ شیخ البانی صحیح گفته صحیح الجامع الصغیر و زیاداته ج ۱ ص ۱۷۴ رقم ۶۵۵.

² صحیح مسلم ج ۱ ص ۴۵۴ شماره ۱۹۷

³ صحیح مسلم ج ۱ ص ۴۵۲ شماره ۲۹۰

الصدقه ، و ابواب دیگر ذکر نشده ، اما در رابطه به نامهای دروازه‌ها ابن بطال رحمه الله در شرح صحیح البخاری ذکر نموده شامل دروازه های ذیل است: باب الريان ، باب الصدقه ، باب الجهاد ، باب الواطئين ، باب التوبه ، باب كاظمين الغيظ والعافين عن الناس ، باب المتوكلين باب الحافظين فروعهم والحافظات ، باب الصابرين عن المصائب که مجموعاً (نه) باب میشود.¹

۲ - اتاقهای جنت

در مورد آراستگی و زیبایی فرش‌ها و زینت اطاق‌های جنت و استحکام بناء و منظره معماری آنها جای سؤال نیست ، چراکه این اتاق‌ها درجنت است و به امرالله ﷺ ساخته میشود و برای کسانی ساخته میشود که الله ﷻ ازاعمال و کردارآن‌ها در دنیا راضی بوده و مستحق چنین زیبایی میباشند ، الله متعال میفرماید: (وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ).²

ترجمه: "اموال و اولاد شما چیزهایی نیستند که شما را به ما نزدیک و مقرب سازند ، بلکه کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته و بایسته بکنند آنان (مقرب درگاه الهی بوده و) در برابر اعمالی که انجام داده‌اند پاداش مضاعف دارند ، و ایشان در طبقات بالا (یعنی در برترین منازل بهشت) در امن و امان بسر می‌برند".

این مؤده‌ها بواسطه پامبرﷺ نیز برای بنده گان الله متعال داده شده ، زیرا رسول رسول الله ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَتَرَاءُونَ أَهْلَ الْغُرَفِ مِنْ فَوْقِهِمْ كَمَا تَتَرَاءُونَ الْكُوكَبَ الدُّرِّيَّ الْغَائِرَ فِي الْأُفُقِ مِنَ الْمَشْرِقِ أَوْ الْمَغْرِبِ ، لِتَفَاضُلِ مَا بَيْنَهُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، تِلْكَ مَنَازِلُ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَبْلُغُهَا غَيْرُهُمْ ، قَالَ: بَلَى ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ، رِجَالٌ آمَنُوا بِاللَّهِ وَصَدَّقُوا الْمُرْسَلِينَ».³

ترجمه: "ساکنان بهشت قصرنشینانی را که در بالای سر آنان نشسته اند نگاه می‌کنند ، همانطور که به ستارگان تابناکی که در حال غروب در افق مشرق و مغرب هستند نگاه می‌نمایند ، چون این قصر نشینان دارای مقام و درجات بالاتر از افراد عادی هستند ، اصحاب گفتند: ای رسول خدا! حتماً این قصرها منزل پیغمبران می‌باشند ، غیر پیغمبران به چنین جاهایی نمی‌رسند؟

¹ قرطبی: أبو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك بن بطال البكري القرطبي شرح صحیح البخاری ج ۷ ص ۱۳.

ناشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض - ۱۴۲۳ هـ - ، الطبعة: الثانية ، تحقيق: أبو تيميم ياسر بن إبراهيم ، ج ۷ ص ۱۵

²سوره سبأ آیه ۳۷

³ صحیح البخاری ج ۱ ص ۱۱۹

پیامبر ﷺ گفت: آری ، قسم به ذاتی که جان من در دست اوست! ساکنین این منازل کسانی هستند که به خدا ایمان دارند و فرستادگان خدا را تأیید کرده اند."

امام ترمذی رحمه الله حدیثی را در مورد ذکر نموده: (عَنْ عَلِيٍّ ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَعَرَفًا تُرَى ظُهُورُهَا مِنْ بُطُونِهَا وَبُطُونُهَا مِنْ ظُهُورِهَا»¹).
از حضرت علی رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ﷺ فرمود: به تحقیق درجات اتاقتهاست که بیرون آن از داخل آن دیده میشود و داخل آن از بیرون آن.

۳- درجات جنت

درجه در لغت بمعنی: (پایه ، رتبه ، مقام و منزلت ، زینة و طبقه میباشد)².
(الدرجة هي الرتبة والمنزلة ، ومنها الدرج بمعنی السلم ، لأنه يُعلی علیه رتبة بعد رتبة ، وأكثر ما تكون كلمة الدرجة في القرآن بمعنی المنزلة الرفیعة ، ومن ذلك قوله تعالى: (وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ)³).

ترجمه: "درجه همانا مرتبه و منزلت میباشد که از آن جمله درج است که بمعنی زینة است بخاطریکه در آن بالامیشود رتبه بعد از رتبه و اکثر کلمات درجه در آن ذکر شده مراد جایگاه بلند میباشد چنانچه الله تعالی میفرماید: ودرجات بعض شان را نسبت به بعض دیگرشان بلند گردانیدیم."

اما هدف از درجات جنت همانا مقام و جایگاهی است که الله متعال برای بنده گان پرهیز گار و نیک خود وعده نموده است چنانچه در رابطه به پاداش مجاهدین میفرماید: (دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا)⁴.

ترجمه: "درجات بزرگی از جانب الله ﷻ (بدانان داده می شود) همراه با مغفرت و رحمت (فراوان الله و اگر لغزشهایی هم داشته اند) خداوند آمر زنده و مهربان است.

ابن قیم رحمه الله در مورد تفسیر (درجات منه) از امام طبری نقل نموده که گفت: "هي سبعون درجة ما بين الدر جتين عدو الفرس الجواد المضر سبعين عاما"⁵.

ترجمه: "مراد از درجات هفتاد درجه میباشد که در بین هردو درجه مسافه به اندازه بی هفتاد سال دوش اسپ خوش سیره ، چالاک تیز رفتار مسافه است ، یعنی مسافه بین یک درجه الی درجه

¹ سنن الترمذی تحقیق احمد شاکر ج ۴ ص ۶۷۳ شماره ۲۵۲۷ شیخ البانی حدیث را (حسن) گفته .

² فرهنگ معین ج ۲ ص ۳۱۳.

³ معجم اللغة العربية المعاصرة ج ۱ ص ۷۳۵

⁴ سوره نساء آیه ۹۶

⁵ حادی الارواح ۱۹ ص ۲

دیگر به اندازه یی است که تیز رفتار ترین و خوبترین اسب درهفتاد سال دوش به آن میرسد".

درجنت از حیث درجه بلند ترین آنها فردوس است عن عبادة بن صامت: أن رسول الله صلى الله عليه و سلم قال في الجنة مائة درجة ما بين كل درجتين كما بين السماء والأرض والفردوس أعلاها درجة ومنها تفجر أنهار الجنة الأربعة ومن فوقها يكون العرش فإذا سألتهم الله فسلوه الفردوس).¹
ترجمه: "از عباده بن صامت رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند: درجنت صد درجه است و فاصله میان دوجنت به اندازه فاصله بین زمین و آسمان است ، فردوس بلند درجه ترین آنها است و از آن نهرهای چهار گانه سرچشمه میگیرند و بالای آن عرش میباشد ، زمانیکه از الله میخواهید پس فردوس را بخواهید".

عن أبي هريرة قال : قال رسول الله صلى الله عليه و سلم في الجنة مائة درجة ما بين كل درجتين مائة عام).²

ترجمه: "از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده که گفت : فرمود رسول الله ﷺ : درجنت صد درجه است که فاصله در بین دو درجه صد سال است ".

الله ﷻ به کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند درجات بلند جنت را وعده میدهد که عبارت از جنات عدن است: (وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمَلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى * جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى).³

ترجمه: "و هر که با ایمان و عمل صالح به پیش پروردگارش حاضر شود ، چنین کسانی دارای مراتب والا و منازل بلندی هستند" (آن منازل و مراتب) باغهای (بهشت جاویدانی) است که جای ماندگاری است ، و در زیر (قصرها و درختهای) آن نهرها جاری است ، و جاودانه در آنجا میمانند و این (چنین چیز باارزشی) پاداش کسی است که (با ایمان و انجام طاعت) خویشتن را پاک و پاکیزه (از کثافات کفر و معاصی) کند.⁴

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَصَامَ رَمَضَانَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ جَاهِدًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ جَلَسَ فِي أَرْضِهِ الَّتِي وُلِدَ فِيهَا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفَلَا نُبَشِّرُ النَّاسَ قَالَ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مِائَةَ دَرَجَةٍ أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي

¹ سنن الترمذی ج ۴ ص ۶۷۵ شماره ۲۵۳۱ ترمذی گفته " حدیث حسن غریب " شیخ البانی صحیح " گفته

² سنن الترمذی ج ۴ ص ۶۷۴ شماره ۲۵۲۹

³ سوره طه آیه ۷۶-۷۵

⁴ تفسیر نور ، ج ۱ ص ۸۶۱

سَبِيلِ اللَّهِ مَا بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ فَإِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ فَاسْأَلُوهُ الْفِرْدَوْسَ فَإِنَّهُ أَوْسَطُ الْجَنَّةِ وَأَعْلَى الْجَنَّةِ أَرَاهُ فَوْقَهُ عَرْشُ الرَّحْمَنِ وَمِنْهُ تَفَجَّرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ).¹

ترجمه: "از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند: کسی که به الله و رسولش ایمان آورده نماز را برپا دارد، روزه ماه رمضان را بگیرد، برالله است که وی را داخل جنت بگرداند! در راه الله جهاد کرده باشد و یا در زمینی که تولد شده نشسته باشد، اصحاب گفتند: یا رسول الله! مردم را خوش خبری دهیم؟ رسول الله ﷺ گفت: هرآینه درجنت صد درجه است، الله ﷻ برای مجاهدینی که در راه الله جهاد میکنند مهیاء نموده است، بین هردو درجه به اندازه زمین و آسمان فاصله وجود دارد؛ زمانیکه از الله سوال نمودید فردوس را بخواهید چون فردوس وسط و بلند مرتبه ترین جنت است - گمان میکنم که فرمود - بلند تر از عرش رحمن است و از آن نهرهای جنت سرچشمه میگردد".
مُحَمَّدُ بْنُ فُلَيْحٍ از پدر خود روایت نموده که "بلند تر از آن عرش رحمن است".

الله ﷻ صفات مؤمنین را بیان نموده بعد از آن جایگاه آنها را نزد خود ذکر مینماید: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ).²
ترجمه: "مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود، دل‌هایشان هراسان می‌گردد: (و در انجام نیکیها و خوبیها بیشتر می‌کوشند) و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده می‌شود، بر ایمانشان می‌افزاید، و بر پروردگار خود توکل می‌کنند (و خویشتن را در پناه او می‌دارند و هستی خویش را بدو می‌سپارند".

آنان کسانی اند که نماز را چنان چه لازم است می‌خوانند و از آنچه بدیشان عطاء کرده ایم (مقداری را به نیازمندان) می‌بخشند.

آنان واقعاً مؤمن هستند و دارای درجات عالی، مغفرت الهی، و روزی پاک و فراوان، در پیشگاه خدای خود می‌باشند".³

الله متعال نعمت های زود گذر دنیا را نسبت به نعمات و درجات دایمی جنت مقایسه نموده به بنده گان خود میگوید: (مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا * وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا * كَلَّا نُمِدُّ

¹ صحیح البخاری ج ۹ ص ۳۵۴.

² سوره انفال آیات ۴-۲.

³ تفسیر نور ج ۱ ص ۴۲۸.

هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا * انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ
وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا¹.

ترجمه: "هر کس که دنیای زودگذر را بخوهد (و تنها برای زندگی آن کار کند)، آن اندازه که خود می‌خواهیم و به هرکس که صلاح می‌دانیم، هرچه زودتر در دنیا بدو عطاء خواهیم کرد به دنبال آن، دوزخ را نصیب او می‌کنیم که به آتش آن می‌سوزد، در حالی که (به سبب کارهایی که در دنیا کرده است) مورد سرزنش است و (از رحمت خدا) رانده و دور است و هر کس که (دنیای جاودانه) آخرت را بخوهد و برای (به دست آوردن) آن، تلاش نماید در حالی که مؤمن باشد، این چنین کسانی، تلاششان بی‌سپاس (و بی‌اجر) نمی‌ماند و ما هر یک از اینان (که آخرت را می‌طلبند) و از آنان (که دنیا پرستانند، در این جهان) از بخشایش پروردگارت (بهره‌مند می‌گردانیم و) کمک می‌رسانیم. چرا که در صورت رعایت اسباب و علل (بخشایش پروردگارت هرگز ممنوع نگشته است. بین چگونه برخی (از مردمان) را بر برخی دیگر (در همین دنیای ناچیز، به سبب تفاوت تلاش و کوشششان) برتری داده‌ایم و (یکی را شاه، دارا، دانا، و یکی را نوکر، نادار، نادان کرده‌ایم. و اما بدان که در دنیای مهم و ارزشمند) آخرت، درجات بزرگ‌تر و برتریهای سترگ‌تر است (و تفاوتها و فاصله‌ها بیشتر است؛ چرا که آنجا سرای جاویدان است و بهشت و درجات عظیم آن در میان است. پس ای انسان! برای آن به مسابقه پرداز و شبانه‌روز بکوش) ².

ابن ابی حاتم در تفسیر آیه (وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا)³. از سلمان فارسی رضی الله عنه نقل نموده که میگوید: (إن أهل الجنة بعضهم فوق بعض درجات الأعلى يرى فضله على من هو أسفل منه والأسفل لا يرى أن فوقه أحدا)⁴.

ترجمه: "اهل جنت بعض شان نسبت به بعضی دیگری دارای مراتب و درجات عالی اند و آنانیکه دارای مراتب عالی اند برتری خود را نسبت به مردمانیکه درجات پایین دارند می‌بینند و کسانی که دارای درجات و منازل پایین اند مردمان درجات بلند را دیده نمی‌توانند".

¹سوره اسراء آیه ۱۸-۲۱

²تفسیر نور. ج ۱ ص ۹.

³سوره اسراء آیه ۲۱.

⁴رازی: أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي، الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم تفسیر القرآن العظيم

ناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الثالثة - ۱۴۱۹ هـ ج ۷ ص ۲۳۲۳

بدون شک کسانی که در جنت دارای درجات پایین نیز هستند فکرمیکنند که بلند مرتبه ترین اشخاص هستند چون ناچیز ترین و ادنی ترین نعمت جنت از حیث کیفیت و لذت بالاتر از هر نعمت دنیا میباشد پس آنان فکر میکنند ممکن به درجه بلند جنت قراردارند.

چنانچه اهل دو زخ و کسانی که در کمترین عذاب گرفتار اند فکرمیکنند که شدید ترین عذاب به آنها اختصاص داده شده چون ضعیف ترین عذاب الهی شدید ترین و سخت ترین عذاب است که و صف آن از حیث شدت و قوت در توان انسان نیست.

فصل دوم

نعمت های جنت و وصف آنها

مبحث: اول دیدار الله ﷻ

مبحث دوم: حوران بهشتی و شبهات در مورد

مبحث سوم: میوه ها و باغهای جنت

مبحث چهارم: مشروبات جنت و منابع آنها

مبحث پنجم: غذاهای جنت

فصل دوم

نعمت های جنت و وصف آنها

مبحث اول: دیدار الله متعال، حوض و کوثر

مطلب اول: دیدار الله متعال

دیدار (رؤیت) الله ﷻ از بزرگترین نعمات جنت محسوب میشود، لذت و مسرت لحظه یی دیدار الله ﷻ درتوان بشرنمی گنجد، چنانچه وصف ادنی ترین نعمت جنت درتوان انسان نمیباشد، اما آنچه قابل بحث است، بعضی از فرقه ها از این دیدار منکرند و میگویند: دیدار الله ﷻ در آخرت ممکن نیست چون الله ﷻ برای موسی علیه السلام گفت: هرگز مرادیده نمیتوانی! اما جمهور اهل سنت برآنند که دیدار الله ﷻ برای مؤمنین میسر است و با چشمهای خویش پروردگار خویش را می بینند! پس آنچه در مورد اختلاف صورت گرفته؛ میتوان گفت: در مورد دیدار (رؤیت) الله ﷻ دو نظر کلی وجود دارد که جمهور اهل سنت و جماعت قایل به دیدار الله ﷻ میباشند؛ عده یی دیگری چون جهیمیه¹ معتزله²

1 - جهیمیه: جهیم بن صفوان سمرقندی موسس این فرقه بوده و او کسی بود که نفی و تعطیل صفات و همچنین عقاید باطل دیگری را بنا گذاشت، جهیم بعد از اینکه به علت شک به پروردگارش چهل روز نمازش را ترک کرد و شیطان بر قلب او نقش بر بست، عده ای را بدنبال خود کشانده گفت: الله وجود مطلق است!! و تمامی صفات وی را منکر شد. از دروغهایی که آنها به دین بستند: فناپذیر بودن بهشت و جهنم، و اینکه ایمان فقط معرفت است، و کفر فقط جهل است، و در حقیقت هیچ فعلی برای کسی وجود ندارد بجز الله و افعال مردم حالت مجازی دارد و علم الله حادث است. شرح عقیده الطحاوی لابن جبرین ج ۱۰ ص ۱۰۰.

2 معتزله از فرقه های مشهور اسلامی میباشد که بنامهای اصحاب عدل و توحید نیز یاد گردیده، ملقب به قدریه و عدلیه نیز میباشند، وجه تسمیه ایشان آنست که در یکی از روزها در مجلس درس از حسن بصری در مورد مرتکب کبیره سوال شد که واصل بن عطاء نیز در آن مجلس حضور داشت، حسن در مورد فکر میکرد قبل از آنکه حسن چیزی بگوید واصل بن عطاء گفت: من نمیگویم که مرتکب کبیره مؤمن است و یا کافر بل منزله بین منزلتین است، بعد از آن از مجلس برخاسته و به ستون مسجد دوری اختیار نمود، حسن بصری گفت "اعتزل عنا" یعنی از ما دوری گزید همان بود که به معتزله شهرت یافتند، معتزله فرقه های متعددی است که اتفاق به اصول پنجگانه سبب اجتماع شان گردیده که اصول ایشان عبارت است از: توحید، وعد و وعید، منزله بین منزلتین، امر به معروف و نهی از منکر موسس این فرقه واصل بن عطاء میباشد که عمرو بن عبید نیز در تأسیس این گروه با وی همکار بوده فرقه متذکر دیدار الله ﷻ را در دنیا و آخرت انکار میکنند همچنان میگویند: نیکی از الله است و بدی از خود انسان میباشد و الله در انجام آن هیچ نوع دخل و غرضی ندارد. اصول و تاریخ فرق الاسلامیه ج ۵ ص ۵۳. <http://www.almeshkat.net>

بعضی از خوارج^۱ و عده یی از امامیه^۲ که با ایشان هم نظراند از دیدار الله ﷻ در جنت انکار نموده میگویند: دیدار الله ﷻ برای هیچ کسی ممکن نمی باشد.^۳

در ذیل نظریات و اقوال هردو طرف را با ذکر دلایل ایشان مورد بحث قرار میدهم!

۱- منکرین رؤیت: گروهی که با رؤیت الله ﷻ در آخرت مخالف اند ایشان در مورد ضمن تأویلات زیاد به این آیه ها استدلال دارند: {لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ}^۴. ترجمه "چشم ها آن را دیده نمیتوانند و او چشم ها را می بیند". {وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ^۵ {

ترجمه: " هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت؛ موسی عرض کرد، پروردگارا! (خویشتن را) به من بنمائی تا تو را ببینم، پروردگار برایش گفت: تو مرادیده نمیتوانی.

منکرین به این آیات استلال نموده میگویند الله ﷻ به موسی علیه السلام گفت (لَنْ نَرَاكَ)^۶. هرگز مرادیده نمیتوانی.

^۱ خوارج: این اسم به همه آنانی اطلاق میگردد که علیه آن امامی که امت بر امامت آن اتفاق کرده اند خروج نموده باشد، برابر است که این خروج علیه خلفای راشد، صحابه و بریکی از آنان باشد و یا بعد از آنان زمان تابعین و امام از ائمه مسلمین در زمانه های دیگری باشد. اما این نام (خوارج) علم برای آنانی گردیده که اولین بار علیه حضرت علی رضی الله در جنگ صفین خروج کردند که بیست فرقه بودند و بر قول (تکفیر) علی و عثمان و اصحاب جمل، صفین و حکمین و هرآن کسی که به فیصله حکمین راضی شده اند جمع میگردد، گروه فوق باجوانب مختلف جنگ های شیدی را انجام دادند که سخت ترین جنگ در برابر ایشان حجاج بن یوسف نموده است.. الملل والنحل ج ۱ ص ۱۱۴.

^۲ امامیه: این فرقه که بنام اثنی عشریه و جعفریه نیز یاد میگردد عبارت از گروه شیعه هستند که معتقد به امامت و معصومیت امامان خویش می باشند آنان امام اولین خویش علی رضی الله عنه را دانسته و آخرین آنها مهدی بن حسن عسکری را میدانند، آنان میگویند امام باید معصوم باشد و همه امامان خویش را معصوم میدانند، عصمت امام یکی از اصول اعتقادی ایشان میباشد و فقهی بنام فقه جعفری دارند که به جعفر صادق منسوب میباشد. www.wikiferaq.org

^۳ الجنة والنار ج ۱ ص ۱۰۴.

^۴ سوره انعام آیه ۱۰۳.

^۵ سوره اعراف آیه ۱۴۳.

^۶ سوره اعراف آیه ۱۴۳.

فرقه های ذکر شده میگویند: دیدار الله ﷻ در توان بشر نیست و هیچ دلیلی جهت ثبوت رؤیت وجود ندارد.

علماء در مورد استدال مانعین به (لَنْ تَرَانِي) میگویند: مراد از نفی رویت دیدار دنیا است، یعنی در دنیا توان دیدار الله ﷻ را نداری، چنانچه الله ﷻ از یهود و مشرکین خبر میدهد: {وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ} ¹.

ترجمه: "ولی آنان به سبب آنچه که قبلا فرستاده اند هرگز آرزوی مرگ را نمی کنند والله از حال ظالمان آنچه میکنند آگاه است".

زمخشری رحمه الله، ² از آیه بر عدم آرزوی مرگ از اهل کتاب استدلال کرده میگوید: دیدار الله ﷻ شرعا وقدر در آخرت محال و ناممکن است. اما آنچه زمخشری رحمه الله استدلال نموده هیچ گاه دلیل به عدم تمنای مرگ آنان نمی باشد چون درین آیه گفته شده که آنان هرگز آرزوی مرگ را نمی کنند اما در آیه دیگر آمده که اهل دوزخ آرزوی مرگ را می کنند: {وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ} ³.

ترجمه: "آنان فریاد کنان میگویند: ای مالک! پروردگارت ما را بمیراند و نابودمان گرداند (تا بیش از این رنج نبریم و از این عذاب دردناک آسوده شویم. مالک بدیشان) می گوید: شما (اینجا) می مانید (و مرگ و میر و نیستی و نابودی در کار نیست)".

در آیه اولی مراد دنیا است و آیه دومی آخرت، پس معلوم میشود که مراد (لَنْ تَرَانِي) عدم استطاعت رویت در دنیا میباشد. آخرت، چون در آیه دومی اهل دوزخ که یهود نیز از زمره آنان است تمنای مرگ را میکنند.

ابن قیم رحمه الله از شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله نقل نموده که گفت: (آیه لاتدرکه الابصار هرگز به نفی رویت دلالت نمیکند، بل معنایش چنین است: چشم ها به الله ﷻ احاطه کرده نمیتوانند و الله ﷻ صاحبان چشم هارا احاطه میکند).

¹ سوره بقره آیه ۹۵.

² زمخشری: وی ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد، علامه و یکتن از بزرگان معتزله میباشد، ملقب به زمخشری، خوارزمی، نحوی که تألیفات مشهور وی (الکشاف) و (المفضل) میباشد، در بغداد از نصر بن البطر و دیگران شنیده حج نموده و در آنجا (مکه) مجاورت اختیار نمود. و در سال ۵۳۸ هـ وفات نموده "سیر اعلام نبلاء" ج ۳۹ ص ۱۴۵.

³ سوره زخرف آیه ۷۷.

پس باید گفت! دیدار الله ﷺ در دنیا عقلاً جائز و ممکن است، شرعاً ممنوع و ناممکن میباشد، چنانچه موسی علیه السلام مورد خطاب قرار گرفت، اما در صورتیکه دیدار الله ﷺ در دنیا عقلاً ممکن باشد در آخرت بطریقه اولی ممکن است چون الله ﷺ میفرماید: {فَكشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ} ¹.

ترجمه: "و ما پرده از چشمان تو به کنار زده ایم و امروز چشمانت کاملاً تیزبین شده اند."

یعنی دید چشمان درجنت تیزتر و قوی تر میباشد بخاطریکه کدام عیب، نقص، پیری، و غباری وجود ندارد که سبب کاهش دید چشم شود، همچنان ازدید معنوی قوی نیز برخوردار میباشد چنانچه آیه فوق ذکر گردید. ²

فرقه های مخالف جمهور اهل سنت نصوص صریح را برای آرای خویش تفسیر قرار داده و از تعبیرات بی جای خویش در برابر قرآن، سنت و اجماع امت دفاع نموده و اصرار دارند، در جواب ایشان باید گفت! آیا پیامبری که الله ﷺ با وی تکلم نموده و او را همسخن خود قرارداد؛ برای دیدار خود لایق نمی بیند؟ بدون شک جواب بلی خواهد بود! پس باید گفت! مراد از لحن ترانی این است که مرادیده نمیتوانی! بخاطری کوه که جماد است با همان بزرگی توان دیدن مرا ندارد یعنی اگر کوه با همان بزرگی توان تابش نور مرا داشت تونیز مرا خواهی دید، زمانیکه موسی علیه السلام به کوه نظر کرد بیهوش گردید.

درآیه آمده هرگز مرادیده نمیتوانی نیامده که برای ابد و همیشه مرادیده نمیتوانی.

آیا خوارج، معتزله و دیگر منکرین رویت به امر الله ﷺ دانانتراند که آن رانفی میکنند و یا پیامبری که الله ﷺ وی را مأمور به تبلیغ کتاب و احکام خویش قرار داده است؟

۲- جمهور اهل سنت: صحابه، تابعین ائمه دین، اهل حدیث و متکلمین همه اتفاقاً به رویت الله ﷺ قایل بوده به آیات قرآنی و احادیث صحیح متفق علیه و متواتر استناد دارند: {وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ} ¹.

¹ سوره ق آیه ۲۲.

² مغامسی: أبو هاشم صالح بن عواد بن صالح تأملات قرآنیة

ناشر: موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net> ج ۱۲ ص ۷.

ترجمه: " در آن روز چهره‌هایی شاداب و شادانند. به پروردگار خود می‌نگرند ".

امام فخرالدین رازی رحمه الله در تفسیر کلمه (ناضرة) میگوید: (الفاظ مفسرین در تفسیر این کلمه مختلف است ، اما همه معنای واحد را افاده میکنند که تعبیرات شان عبارت از درخشان ، تابان ، روشن ، خرسند ، تابناک ، تروتازه ، شادمان .. میباشد).²

ابن کثیر رحمه الله³ در مورد دیدار الله متعال ، بعد از ذکر احادیث و دلایل مفصل در تفسیر این آیه چنین میگوید: (وَقَدْ ثَبَّتَتْ رُؤْيَهُ الْمُؤْمِنِينَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الدَّارِ الْآخِرَةِ فِي الْأَحَادِيثِ الصَّحِيحِ ، مِنْ طُرُقٍ مُتَوَاتِرَةٍ عِنْدَ أَيْمَةِ الْحَدِيثِ ، لَا يُمَكِّنُ دَفْعُهَا وَلَا مَنَعُهَا).⁴

ترجمه: رؤیت الله ﷻ در روز آخرت برای مؤمنین به احادیث صحیح و متواتر نزد امامان حدیث ثابت است که رد کردن و دفع آن دلایل امکان پذیر نیست.

¹ سوره قیامه آیه ۲۲-۲۳.

² مفاتیح الغیب ج ۳ ص ۷۳۰.

³ ابن کثیر قرشی (۷۰۰ - ۷۷۴هـ) عماد الدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر بصری دمشقی صاحب تفسیر قرآن عظیم که بنام (تفسیر ابن کثیر) مشهور است میباشد ، وی در بصره به دنیا آمده بعد از وفات پدرش همراهی برادرش در سال ۷۰۶ به دمشق سفر نموده در آنجا از علما شنیده و از ایشان علم را فرا گرفت ، ابن کثیر رحمه الله ذخیره علم و ادب محسو میشد ، از علمای بزرگ زمان خود علم آموخته به القاب عالم بزرگ ، ثقه ، متقن و محقق ملقب گردید ، وی دارای اطلاع وسیع در تفسیر ، حدیث ، و تاریخ محسوب بود ، تألیفات زیادی مانند البدایه والنهایه ، تفسیر قرآن العظیم که از بهترین کتب تفسیر بحساب می آید به جا گذاشته وی بعد از آن که چشمانش نابینا شد وفات نموده و در دمشق به خاک سپرده شده ؛ الموسوعة العربية العالمية <http://www.mawsoah.net>؛

⁴ تفسیر ابن کثیر ج ۸ ص ۲۷۹.

امام طحاوی^۱ رحمه الله درمو رد باذکر عنوان (رؤية الله حق) چنین تصریح نموده: (والرؤية حق لأهل الجنة بغير إحاطة ولا كيفية، كما نطق به كتاب ربنا: (وجوه يومئذ ناضرة إلى ربها ناظرة).^۲

ترجمه: "رؤیت الله ﷻ بدون کیفیت واحاطه برای اهل جنت یقینی وثابت است، چنانچه کتاب پروردگار ما به آن سخن گفته (در آن روز روهای ترو تازه به طرف پروردگار خویش نظر کننده هستند".

علی ابن اسماعیل^۳ درمورد چنین میگوید: (وأجمعوا على أن المؤمنين يرون الله عزو جل يوم القيامة بأعين وجوههم على ما أخبر به تعالى في قوله: {وجوه يومئذ ناضرة إلى ربها ناظرة} ^۴، وقد بين معنى ذلك النبي ودفع كل أشكال فيه بقوله للمؤمنين ترون ربكم عيانا وقوله ترون ربكم يوم القيامة كما ترون القمر لا تضامون في رؤيته).^۵

ترجمه: "امت اتفاق دارند که مؤمنین در دروز قیامت پرور دگار خویش را به چشم سرخویش می بینند، چنانچه الله ﷻ به آن خبر داده است: ترجمه (روهای ترو تازه به پروردگار خویش بیننده هستند) رسول الله صلی الله علیه وسلم معنی آیه را واضح ساخته واشکال را ازان دفع کره وگفته: پروردگار خویش را در روز آخرت میبینید! وفرموده رسول الله که میگوید: پروردگار خویش را در قیامت

^۱ امام طحاوی، أبو جعفر (۲۳۸ - ۳۲۱هـ). أحمد بن محمد بن سلامة أبو جعفر طحاوي. منسوب به طحاء یکی ازقرای مصر میباشد، محدث، فقیه واز مشهورترین تألیفاتی که شهرت کسب کرده عقیده الطحاوی میباشد، وی فقه شافعی را از کاکایش مزنی آموخت بعدازآن فقه حنفی را از احمد بن ابی عمران فراگرفته ومذهب حنفی را اختیار نمود، بعد به شام سفرنموده واز علماء حدیث را در بیت المقدس، غزه، عسقلان ودمشق شنیده وفقه را از ابی حازم عبدالحمید فراگرفت، بعد ازان به مصر بازگشته وریاست اصحاب ابی حنیفه به وی سپرده شد وی از یونس بن عبدالاعلی، هارون بن ابی سعید، محمد بن عبدالله بن حکم وغیره روایت نموده از وی پرسش علی، سلیمان بن احمد طبرانی، یوسف بن قاسم میانجی وغیره روایت نموده اند امام طحاوی تألیفات زیادی مانند مشکل الآثار، شرح معانی الآثار، اختلاف فقهاء .. به جا گذاشته درسال ۳۲۱هـ وفات یافته ودرمصر دفن گردید "الموسوعة العربية العالمية <http://www.mawsoah.net>".

^۲ عقیده الطحاوی ج ۱ ص ۲۶.

^۳ علی بن اسماعیل بن ابی بشر اسحاق بن سالم بن اسماعیل بن عبدالله بن موسی بن بلال بی ابی برده بن ابی موسی عبدالله بن قیس اشعری (بصری) ابو الحسن از علمای متکلمین صاحب تصانیف زیادمیباشد، فرقه اشعریه به وی منسوب میباشد دربصره دنیا آمده ودر بغداد سکونت داشت بالای معتزله، شیعه، جهمییه، خوارج .. رد کرده است سال ۳۳۰در بغداد وفات نموده ازتألیفات وی الفصول فی الرد علی الملحدين والخارجين عن الملة، خلق الاعمال، الرد علی المجسمة، الرد علی ابن الراوندي فی الصفات والقرآن، التبيين عن أصول الدين میباشد. گرفته شده از طبقات الشافعیین ج ۷ ص ۳۵.

^۴ سوره قیامه آیه ۲۲-۲۳.

^۵ علی بن اسماعیل: رسالة إلى أهل الثغر

ناشر: مکتبه العلوم والحکم دمشق الطبعة الأولى ۱۹۸۸ تحقیق: عبدالله شاکر محمد الجنیدی ج ۱ ص ۲۳۹.

چنان خواهید دید که در دیدنش هیچ مشکلی نیست چنانچه در دیدار مهتاب شب چهاردهم کدام مشکل و مانعی نمی بینید." اسماعیل ابن مُجَدِّد^۱ در کتاب الحجة چنین نقل نموده: (عن أبي بكر الصديق - رضي الله عنه - في قوله تعالى: (لذین أحسنوا الحسنی و زیادة) قال: الحسنی: الجنة، والزیادة: النظر إلى وجه الله عز وجل).^۲

ترجمه: "از ابو بکر صدیق رضی الله عنه روایت شده که گفت: (برای آنان است جنت و افزون بر آن) میگوید: مراد از حسنی جنت است و مراد از زیاده نظربه وجه الله متعال است.

* ابن قیم رحمه الله اقوال جمهور علماء را در مورد رؤیت الله ﷻ به تفصیل جمع نموده که اقوال بعضی از ایشان ذکر میگردد: (امام دارالهجرة مالک بن انس^۳ رحمه الله میگوید: (انسانها روز قیامت با چشم خود بسوی پروردگار عزوجل شان می نگرند).^۴

* امام شافعی رحمه الله^۵ آیه {كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ} را ذکر نموده میگوید: (از آنجا که الله ﷻ خودش را از کسانی که بر آنها غضب کرده است، پنهان می دارد، پس از روی رضایتش

^۱ اسماعیل بن مُجَدِّد: (۴۵۷ - ۵۳۵ هـ). اسماعیل بن مُجَدِّد بن فضل بن علی قرشی طلیحی تیمی اصفهانی ابوالقاسم ملقب به قوام السنه از اعلام حفاظ محسوب میشود وی امام در تفسیر، حدیث، ولغت بوده و از شیوخ سمعانی در حدیث میباشد از تألیفات اش الجامع فی التفسیر در سی جلد، الايضاح فی التفسیر در چهار جلد، همچنان دلائل النبوه، التذکره تقریباً درسی جلد، سیر سلف...، شرح صحیحین و غیره میباشد الاعلام للزکلی ج ۱ ص ۳۲۳.

^۲ اصبهانی: أبو القاسم اسماعیل ابن مُجَدِّد بن فضل بن تیمی ۴۵۷/۵۳۵ هـ الحجة فی بیان المحجة و شرح عقیده أهل السنة ناشر دار الراية ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۹ م مکان النشر السعودية / الرياض ج ۲ ص ۵۲۴.

^۳ مالک بن انس بن مالک بن ابی عامر بن عمرو، اصبحی حمیری ابوعبدالله مدنی فقیه، امام دارالهجرة از کبار اتباع تابعین در سال ۹۳ هـ تولد و در سال ۱۷۹ هـ وفات نموده بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی، ابن ماجه از وی حدیث روایت نموده اند. امام ذهبی از وی بنام امام دارالهجرة، رأس المتقین، و کبیر المثلین یاد نموده امام بخاری گفته اصح الاسانید از مالک از نافع از بن عمر است. سیر اعلام النبلاء ج ۱ ص ۴۳

^۴ جوزیه: ابن القيم رحمه الله (بزرگترین نعمت بهشت رؤیت خداوند ﷻ) مترجم ابوعمر و تهرانی ج ۱ ص ۶۴

www.aqedeh.com

^۵ امام شافعی ابوعبدالله مُجَدِّد بن ادیس بن عباس بن عثمان بن شافع بن سائب بن عبیدالله بن یزید بن هشام بن حارث بن عبدالمطلب بن عبدمناف جد رسول الله ﷺ است امام رحمه الله در سال ۱۵۰ هـ در غزه یا عسقلان و یامین و یامنی تولد گردیده در مکه نشأت نموده و در سن هفت سالگی قرآن را حفظ نموده و در سن ده سالگی موطأ را حفظ نموده، فقه را از مسلم بن خالد زنجی مفتی مکه فراگرفت که از طرف وی اجازه فتوی برایش داده شد در حالی که پانزده سال عمر داشت وی امام در فقه و حدیث میباشد شاگردان زیادی دارد تألیفات مشهورش الرساله الام... میباشد. گرفته شده از "حسن المحاضرة فی تاریخ المصر والقاهرة" ج ۱ ص ۳۰۳.

^۶ سوره مطففین آیه ۱۵

اولیائش [می توانند] او را ببینند، ربیع گفت: ای ابا عبدالله! آیا آنرا باز گو کنیم؟ گفت: بله، خداوند توسط آن [آیه] بر گردن ما دین قرار داده است، و اگر مُحَمَّد بن ادریس یقین نداشت که او مسلماً الله ﷺ را خواهد دید، به عبادت او نمی پرداخت.

همچنان امام شافعی رحمه الله میگوید: آیه دلیل بر آن است که اولیاء الله ﷺ روز قیامت با چشم سرپروردگار خویش را ببینند)¹.

از ابن ماجشون رحمه الله² در مورد اصرار جهمیة در نفي رؤیت سؤال شد او گفت: (این صحبتها) پایان نمی گیرد و شیطان بحدی آنها را گمراه ساخته که این قول الله ﷺ: {وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ * إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ} ³ را انکار کرده و می گویند: هیچ کس روز قیامت الله ﷺ را دیده نمیتواند)⁴.

بخاری رحمه الله در صحیح خود روایت نموده: عَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَنَزَّرَ إِلَى الْقَمَرِ لَيْلَةَ يَغْنِي الْبَدْرَ فَقَالَ: (إِنَّكُمْ سَتَرُونَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرُونَ هَذَا الْقَمَرَ لَا تَضَامُونَ فِي رُؤْيَيْهِ)⁵.

ترجمه: "از جریر ابن عبدالله رضی الله عنه روایت است که گفت: روزی با پیامبر ﷺ نشسته بودیم! پیامبر ﷺ به طرف مهتاب شب چهاردهم دیده فرمود: شما درجنت پرور دگارخویش را می بیند چنانچه این مهتاب را می بینید و در دیدنش هیچ نوع مانع و مشکلی برای تان نیست". این حدیث که متفق علیه است قوی ترین و صریح ترین دلیل برای دیدار الله ﷺ درجنت میباشد که هیچ مجال برای تاویل در آن وجود ندارد.

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که میگوید: (پروردگار تان را نمی بینید تا مرگ را نچشید)⁶. قول ابی هریره رضی الله عنه بیان کننده آن است که دیدار الله ﷺ در دنیا میسر نیست و بعد از مرگ برای مؤمنین نصیب میشود.

پس به این نتیجه میرسیم که دیدار الله ﷺ در دنیا ناممکن و شرعاً ممنوع بوده و کسی که دعوی رویت الله ﷺ را در دنیا نماید گمراهی بیش نیست بخاطریکه به عدم رؤیت دلایل صراحت دارد.

¹ بزرگترین نعمت بهشت رؤیت خداوند ﷺ ج ۱ ص ۶۶

² ابن الماجشون ابن ماجشون ۲۱۲ هـ عبدالملک بن عبدالعزیز بن عبدالله تیمی فقیه مذهب مالکی بوده و در فصاحت شهرت داشته وی از مفتیان عصر خود بوده در آخر عمر نابینا گردیده . الاعلام للزرکلی ج ۴ ص ۱۶.

³ سوره قیامت آیه ۲۲-۲۳

⁴ بزرگترین نعمت بهشت (رؤیت خداوند) ج ۱ ص ۵۶

⁵ صحیح البخاری ج ۲ ص ۳۸۹.

⁶ بزرگترین نعمت بهشت (رؤیت خداوند) ج ۱ ص ۶۶.

اما دیدار الله ﷻ در جنت از جمله بزرگترین نعمات بوده ، چنانچه الله ﷻ میفرماید (لهم مايشائون فيها ولدینا مزید)¹ ترجمه: " برای ایشان است آنچه که بخواهند و افزون بر آن ".
دیدار الله ﷻ ثابت و حتمی میباشد که انکار و توجیه آیات و احادیث صحیح ممکن نبوه جز برای کسانیکه پیرو هوا و خواهشات خود بوده و هیچ دلیل هم نزد شان وجود ندارد.
بنابردلایل و اقوال فوق دیدار الله ﷻ ثابت و برای اهل جنت میسر است اما در مورد اینکه دیدار در کدام مکان و کدام زمان صورت خواهد گرفت در ذیل به تفصیل آن می پردازیم!
در مورد اینکه دیدار الله ﷻ در کجا و چه وقت صورت میگیرد علماء در روشنی دلایل قایل بر آنند که این دیدار در دو مرحله متفاوت صورت میگیرد ، یکی دیدار همه خلایق میباشد در محشر و دوم دیدار مؤمنین است در جنت.

الف- رؤیت همه خلایق در محشر

رؤیت در محشر در سه مرحله مختلف صورت خواهد گرفت:

- ۱- رویت همه خلایق در محشر: چنانچه به شأن الله ﷻ مناسب است ؛ این دیدار برای کفار ، دیدار حسرت ، پشیمانی ، عذاب و اندوه بوده و برای مؤمنین لذت ، سرور و تنعم میباشد.²
 - ۲- دیدار منافقین و مسلمانان: این دیدار خاص به منافقین و مؤمنین است ، چنانچه گفته شد! برای مؤمنین لذت بخش است و برای منافقین حسرت قهر و ندامت ؛ این دیدار به منافقین تخصیص داده شده به سبب نفاق شان که با الله ﷻ خدعه و فریب نموده اند چنانچه الله ﷻ میفرماید: (يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ)³.
- ترجمه: " (آنان به زعم خویش) الله ﷻ و کسانی را فریب میدهند که ایمان آورده اند ، در حالی که جز خود را نمی فریبند و لی نمی فهمند ".

دیدار منافقین و کفار از شیخ الاسلام نقل شده که میگوید: در مورد دیدار منافقین و کفار در قیامت اختلاف است اما آنچه اتفاقی است آن است که منافقین و کفار الله ﷻ را می بینند قسمی که دیدار ایشان دیدار عذاب و ذلت است چون بعد از آنکه الله ﷻ را می بینند الله ﷻ خود را از دید آنها پنهان

¹ سوره ق آیه ۳۵.

² سلمی: عبد الرحیم بن صمایل العلیانی السلمی شرح العقیة الواسطیة
ناشر: موقع الشبكة الإسلامية

³ <http://www.islamweb.net> ج ۱۴ ص ۹

³ سوره بقره آیه ۹.

میسازد که این سخت ترین عذاب برای کفار میباشد؛ همچنان میگوید کفار الله ﷻ رابعد از انتهای محشر دیده نمیتوانند بخاطری که آنان از اهل جحیم میباشد¹.
3- تنها دیدار مؤمنین است که این دیدار خاص برای مؤمنان میباشد.²

ب - دیدار مؤمنین درجنت: دیدار مؤمنین درجنت همان دیدار است که بر علاوه یی سایر نعمات جنت، برای مؤمنین تخصیص داده شده، چنانچه الله ﷻ میفرماید: {لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ}³.

ترجمه: "هرچه بخواهند در بهشت برای آنان هست، و افزون بر آن".
{لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ}⁴.

ترجمه: "آنانیکه کارهای نیک انجام میدهند برای شان جنت است و علاوه بر آن"⁵.

مراد از (مزید و زیاده) در آیات فوق دیدار الله ﷻ است چنانچه این تفسیر از رسول الله ﷺ نقل شده. همچنان از اصحاب کرام: ابی بکر صدیق، حذیفه بن یمان، ابی موسی اشعری، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس.. و از تابعین: عبدالرحمن بن ابی لیلی، سعید بن مسیب، حسن، عامر بن سعد بجلی، قتاده، ابی اسحق سبعی، ضحاک، مجاهد، عبدالرحمن بن سابط، ابوسنان.. چنین نظر داشته اند.⁶

در نتیجه باید گفت! آیا تفسیر این آیات را جهیمیه و معتزله و غیره بهتر میدانند که نفی رویت نموده اند و یارسول الله ﷺ که قرآن برایش نازل شده و مسئولیت تفسیر و تبلیغ آن را دارد که میگوید: (إنکم سترون ربکم) و آیدرین حدیث کدام مجال برای تأویل است و حدیث دیگری که در فوق ذکر شد، چنانچه رسول الله ﷻ فرموده: شما پروردگار تان را چنان به راحتی مبی بینید که مهتاب شب

¹ شرح العقيدة الواسطية ج ۱۴ ص ۹

² رازی: أبو القاسم هبة الله بن الحسن بن منصور الطبري الرازي اللالكائي (متوفى: ۴۱۸هـ) شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة

ناشر: دار طيبة - السعودية الطبعة: الثامنة، ۱۴۲۳ هـ ج ۳ ص ۵۹۸.

³ سوره ق آیه ۳۵.

⁴ سوره یونس آیه ۲۶.

⁵ شرح لمعة الاعتقاد ج ۴ ص ۳.

⁶ شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة ج ۳ ص ۵۰۳

چهاردهم را می بینید و در دیدنش کدام مزاحمتی وجود ندارد، پس چگونه قابل تأویل و توجیه می‌باشد.

این همه دلایل (آیات قرآنی، احادیث نبوی، اقوال صحابه، تابعین، مفسرین، وائمه) در مورد رویت الله ﷺ صراحت دارد، والله ﷻ این دیدار را برای همه مؤمنین و عده نموده و ان شاء الله نصیب میگرداند.

مطلب دوم: حوض و کوثر

۲- حوض

الف - شناخت حوض

* معجم لغت عربی معاصر حوض را چنین تعریف نموده: حَوْض [مفرد]: ج أحواض وحِياض وحِیضَان: مجتمَعُ المَاءِ من المَطَرِ أو غیره.¹

ترجمه: "حوض مفرد است جمع آن احواض، حیاض و حیضان می آید، و آن عبارت از مجتمع آب باران و غیره می‌باشد."

* تاج العروس تعریف نموده: "الْحَوْضُ" مَعْرُوفٌ وَهُوَ مُجْتَمَعُ الْمَاءِ . وَحَوْضُ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّذِي يَسْقِي مِنْهُ أُمَّتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَكَى أَبُو زَيْدٍ : سَقَاكَ اللَّهُ بِحَوْضِ الرَّسُولِ وَمِنْ حَوْضِهِ .² ج حِياضٌ وَأَحْواضٌ .²

* (الحوض مفرد و جمعه حیاض و أحواض، والحوض: هو مجمع الماء).³

ترجمه: "حوض لفظ مفرد است و جمع آن حیاض و احواض می‌آید و حوض جایی را میگویند که آب در آن جمع شود."

¹ معجم اللغة العربية المعاصرة ج ۱ ص ۵۸۲.

² تاج العروس من جواهر القاموس ج ۱ ص ۴۶۰۸.

³ نووی: صحیح مسلم بشرح النووي
ناشر: دار الكتاب العربي بیروت - لبنان ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م ج ۷ ص ۶۴.

حوض کلمه مفرد وبه جای مشهوری که آب در آن جمع میشود اطلاق میگردد؛ و حوض رسول الله ﷺ آنست که امتان اش در روز قیامت از آن آب مینوشند، چنانچه ابوزید حکایت نموده: خداوند ﷺ از حوض رسول اش ترا سیراب بگرداند؛ جمع آن حیاض واحواض میباشد.

ب - وصف حوض: حوضیکه از جانب الله ﷻ برای رسول گرامی اسلام ﷺ عطاگردیده در میدان عرصات میباشد و دارای محاسن و خوبی های است که وصف آن جز به طریق وحی صحیح درتوان انسان نمیباشد، بناء آنچه که به واسطه وحی صحیح بیان گردیده و بعضی علماء در مورد آن با استنباط از مصادر نظریات ارایه نموده اند در ذیل به تفصیل آنها پرداخته میشود عَنْ ثَوْبَانَ أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ (إِنِّي لَبِعُفْرِ حَوْضِي أَذُودُ النَّاسَ لِأَهْلِ الْيَمَنِ أُضْرِبُ بِعَصَايَ حَتَّى يَرْفُضَ عَلَيْهِمْ فَسُئِلَ عَنْ عَرْضِهِ فَقَالَ مِنْ مَقَامِي إِلَى عَمَانَ وَسُئِلَ عَنْ شَرَابِهِ فَقَالَ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ يَغُتُّ فِيهِ مِيزَابَانِ يَمْدَانِهِ مِنَ الْجَنَّةِ أَحَدُهُمَا مِنْ ذَهَبٍ وَالْآخَرُ مِنْ وَرَقٍ)¹.

ترجمه: "از ثوبان رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: من درکنار حوض خود بوده و مردم را بخاطریمنی ها توسط عصاچوب خود منع میکنم، تا آنها خوب آب فراوان بنوشند؛ سوال شد که عرض آن چه قدر است؟ پیامبر ﷺ گفت: از این جای من الی عمان.² از آب آن سوال شد گفت: از شیرسفید و از عسل شیرین تراست و دو ناوه (نل) از جنت به آن وصل شده که یک ناوه از طلا است و دومی از نقره".

ملاعلی قاری رحمه الله³ در شرح این حدیث میگوید: (جریان آب به واسطه ناوه ها بسیار به شدت و قوت جریان دارد که قطع نمیشود و همیشه جاری میباشد، و مراد از نهر جنت، همانا کوثر است؛ ممکن که ناوه طلایی از عسل باشد و ناوه نقره یی از شیر و یا ناوه عسل از طلا باشد و ناوه آب از نقره).⁴

¹ صحیح مسلم ج ۱۱ ص ۴۲۳.

² عمان پایتخت اردن که از مدینه منوره تقریباً هزار کیلومتر مسافه دارد. فرهنگ فارسی معین ج ۲ ص ۹۷۰.

³ ملاعلی قاری متوفی ۱۰۱۴ هـ: علی بن (سلطان) مُحَمَّد، نورالدین ملاء هروی، مشهور به قاری از فقهای مذهب حنفی واز شخصیت های علمی زمان خود بوده درهرات به دنیا آمده ودرمکه مکرمه اقامت گزیده ودرهمانجا وفات نموده است قاری رحمه الله از خود آثار و تألیفات زیادی به جا گذاشته مانند: تفسیرالقرآن درسه جلد، الاثمار الجنيه فی اسماء الحنفیه، الفصول المهمه در فقه، بدایة السالک، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح... "الاعلام للزرکلی ج ۵ ص ۱۲.

⁴ قاری: علی بن (سلطان) مُحَمَّد، أبو الحسن نور الدین الملا الهروي القاري (المتوفی: ۱۰۱۴ هـ) مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح

ناشر: دار الفکر، بیروت - لبنان؛ الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۲م؛ عدد الأجزاء: ۹ ج ۸ ص ۳۵۳۷.

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ ، قَالَ : (خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمًا وَنَحْنُ فِي الْمَسْجِدِ وَهُوَ عَاصِبٌ رَأْسَهُ بِخِرْقَةٍ فِي الْمَرَضِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ ، فَأَهْوَى قِبَلَ الْمِنْبَرِ فَاتَّبَعْنَاهُ ، فَقَالَ : وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ، إِنِّي لَقَائِمٌ عَلَى الْحَوْضِ السَّاعَةَ)¹ . درجه حدیث² .

ترجمه: " از ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت شده که میگوید : روزی در مسجد بودیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم سرخود را با تکه یی بسته نمود ، هنگامیکه از همان مرض وفات نمود ، به طرف منبر حرکت نمود ، ما نیز به تعقیبش رفتیم فرمود : قسم به آن ذاتی که نفس من به ید اوست ، همین فعلا من بالای حوض خود ایستاده ام ."

عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ يَوْمًا فَصَلَّى عَلَى أَهْلِ أُحُدٍ صَلَاتَهُ عَلَى الْمَيِّتِ ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَى الْمِنْبَرِ فَقَالَ (إِنِّي فَرَطٌ لَكُمْ وَأَنَا شَهِيدٌ عَلَيْكُمْ وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَنْظُرُ إِلَى حَوْضِي الْآنَ وَإِنِّي أُعْطِيتُ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِ الْأَرْضِ)³ .

ترجمه: " عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت نموده: که روزی رسول الله ﷺ بیرون شده وبراہل احد دعا کرد ، مانند دعایی که بر میت میشود ، بعد از آن به منبر باز گشته گفت: من من نشانه راه شما می باشم و من بر شما گواه هستم ، قسم به الله که من فعلا حوض خود را می بینم و به من کلید های خزانه های زمین داده شده ."

احادیث فوق به وجود حوض صراحت دارد که حوض در میدان عرصات قیامت میباشد و فعلا موجود است چنانچه پیامبر ﷺ میگوید (وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَنْظُرُ إِلَى حَوْضِي الْآنَ)⁴ .

ترجمه: قسم به الله که من هم اکنون حوض خود را بیننده هستم . همچنان حدیث ثوبان رضی الله عنه صراحت دارد که حوض در میدان عرصات میباشد .

¹ مصنف ابن ابی شیبہ ج ۱۱ ص ۴۴۰ .

² (رواه أبو بكر بن أبي شيبة ورواته ثقات وهو في الصحيحين بنقص ألفاظ) بويصيري : شهاب الدين أحمد بن أبي بكر بن إسماعيل البوصيري (المتوفى : ۸۴۰هـ) انحف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة طبعة : دار الوطن ۱۴۲۰هـ ج ۷ ص ۵۹ .

³ صحيح البخاري ج ۵ ص ۱۲۴ .

⁴ صحيح البخاري ج ۵ ص ۱۲۴ .

امام نو وی رحمه الله میگوید: (این حدیث کاملاً به وجود ظاهری و حقیقی حوض صراحت دارد و حوض مخلوق و فعلاً موجود است).¹

آب حوض بواسطه ناوه ها از کوثر منشأ میگیرد ، در شرح قصیده اللامیه از ابن تیمیه رحمه الله چنین نقل شده: (الحوض الذي نتكلم عنه هو حوض للنبي ﷺ الذي يكون يوم القيامة تجتمع عليه أمته وحدها ويشربون منه ، وهذا الحوض - على الصحيح - بعد الصراط ، وأصل مائه من الجنة ؛ فإن الله عز وجل أعطى النبي ﷺ نهراً عظيماً في الجنة يسمى نهر الكوثر ، وهذا النهر يشخب منه ميزابان يصبان في هذا الحوض ، والنهر في الجنة ، والحوض في عرصات القيامة قبل دخول الجنة ، فبعد أن يمر الناس على الصراط - وكل الأمم سوف تمر على الصراط).²

ترجمه: " و حوضی که مادر موردش سخن میگویدیم: آن حوض رسول الله ﷺ است که در روز قیامت میباشد و امتان آش به آن جمع شده از آن آب مینوشند ، قول صحیح آن است که این حوض بعد از صراط است که منبع آب آن از جنت است که الله ﷻ نهر بزرگ را در جنت به رسول الله صلی الله علیه وسلم داده آن کوثر است و از آن دو ناوه به این حوض جریان دارد ؛ نهر در جنت است و حوض در عرصات قیامت ، قبل از دخول به جنت ، بعد از آن که مردم از صراط عبور می کنند در حالیکه همه امتان از آن عبور خواهند کرد."

بنا به قول ابن تیمیه رحمه الله که حوض بعد از صراط در عرصات میباشد که بعد از عبور موفقانه مردم از صراط از آن حوض آب می نوشند ، البته آنان کسانی اند که الله ﷻ در مورد شان فیصله رستگاری و کامیابی صادر نموده است و آنانیکه مورد غضب الله ﷻ قرار گرفته اند و نتیجه اعمال شان زشت بوده از آن مستفید نمیشوند.

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهَا قَالَتْ: (كُنْتُ أَسْمَعُ النَّاسَ يَذْكُرُونَ الْحَوْضَ وَلَمْ أَسْمَعْ ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا كَانَ يَوْمًا مِنْ ذَلِكَ وَالْجَارِيَةُ تَمْشُطُنِي فَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ فَقُلْتُ لِلْجَارِيَةِ اسْتَأْخِرِي عَمِّي قَالَتْ إِنَّمَا دَعَا الرَّجَالَ وَلَمْ يَدْعُ النِّسَاءَ فَقُلْتُ إِنِّي مِنَ النَّاسِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنِّي لَكُمْ فَرَطٌ عَلَى الْحَوْضِ

¹ عتیبی: عیسی بن عبدالرحمن . المباحث المختصرة في حوض النبي

ناشر: موقع مكتبة صيد الفوائد ؛ <http://www.saaaid.net/book/index.php> ج ۱ ص ۳ .

² شرح القصيدة اللامية لابن تيمية ج ۴ ص ۸

فَيَايَا لَا يَأْتِيَنَّ أَحَدُكُمْ فَيَذَبُ عَنِّي كَمَا يُذَبُّ الْبَعِيرُ الضَّالُّ فَأَقُولُ فِيْمَ هَذَا فَيَقَالُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدَثُوا
بَعْدَكَ فَأَقُولُ سَحَقًا¹.

ترجمه: "ازام المؤمنین ام سلمه رضی الله عنها روایت شده که گفت: روزی سخنان مردم را درمورد
حوض شنیدم درحالیکه از رسول الله ﷺ درمورد چیزی شنیده بودم؛ روزی بود که دختری موهایم
راشانه میزد، صدای رسول الله ﷺ را شنیدم که گفت: ای مردم!! من به آن دختر گفتم بعدا این کار
را انجام بده و مرا رها کن وی گفت: برای مردان صدا کرده شده نه زنان گفتم: من از مردان هستم!
بعد از آن شنیدم که رسول الله ﷺ فرمود: من پیش از شما به حوض میرسم و کسی از شما می آید
و از من مانند شتری که راه گم کرده با شد رانده میشود، من میگویم چرا رانده شد؟ برایم گفته
میشود! نمیدانی که بعد از تو چه کارهایی را انجام داده اند، من میگویم دورباد.

پس باید گفت: آنانیکه بعد از رسول الله ﷺ مرتکب اعمال میشوند که با سنت و روش رسول الله ﷺ
سازگار نیست آنان از آن حوض رانده میشوند.

اولین کسانی که به حوض وارد میشوند فقرای مهاجرین خواهند بود امام ترمذی رحمه الله از ثوبان
رضی الله عنه روایت نموده: "عن ثوبان عن رسول الله ﷺ قال: " (حوضی من عدن إلى عمان البلقاء ماؤه
أشد بياضاً من اللبن وأحلى من العسل وأكوابه عدد نجوم السماء من شرب منه شربة. لم يظمأ بعدها
أبداً. أول الناس وروداً عليه فقراء المهاجرين الشعث رؤو سا الدنس ثياباً، الذين لا ينكحون،
المتنعمات ولا يفتح لهم السدد).²

ترجمه: "ثوبان از رسول الله ﷺ روایت نموده که گفت: اندازه حوض من از عدن تا عمان بقاء است،
آب آن از شیر سفید و از عسل شیرین است پیاله های آن به اندازه ستاره های آسمان زیاد است،
کسیکه از آن یک مرتبه بنوشد دیگر هرگز تشنه نمیشود، اولین کسانی که به آن وارد میشوند پراگنده
موهای مهاجرین هستند که موهای گرد آلود و لباسهای کهنه به تن دارند، بازان که در ناز و نعمت
زندگی کرده اند ازدواج کرده نتوانسته اند و دروازه های امر را به روی شان بسته بوده".

این حدیث ضمن وارد شدن اولین گروه مؤمنین برحوض جایگاه هجرت و مهاجرین را برجسته
میسازد و آنانی را که بخاطر اعلائی کلمة الله و نصرت دین اسلام و دفاع از رسول گرامی اسلام،
در برابر هر نوع مشقت تاپای جان و دور از همه لذایذ دنیا ایستاده گی کرده اند تا اسلام را برای
جهانیان برسانند بیان میدارد، هجرت و جهاد فرزندان صدیق اسلام را به دیده قدر نگرسته و بدله

¹ صحیح مسلم ج ۱۱ ص ۴۱۴.

² سنن الترمذی ج ۴ ص ۴۸. شیخ البانی "صحیح" گفته.

هایی بی نهایت ارزش مند برای ایشان مهیا نموده و در قرآن از آنان بنام مردمان صادق و مردمانی که تنهارضای الله ﷺ را میخواهند یاد گردیده: (لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (8)).¹

ترجمه: "همچنین غنائم از آن فقراي مهاجريني است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده اند.

آن کسانا ني که فضل الله ﷺ و خوشنودي او را مي خواهند و الله ﷺ و پیغمبرش را ياري مي رسانند که ایشان صادقان اند."

از اوصاف حوض کثرت گیلاس ها و جریان آب آن میباشد که کثرت گیلاس های آن بالاتر از اندازه ستاره گان آسمان است ، و آب آن به حدی و فراست که هیچ گاه قطع نمیشود : عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا آيَةُ الْحَوْضِ (قَالَ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَأَيَّتُهُ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ وَكَوَاكِبِهَا أَلَا فِي اللَّيْلَةِ الْمُظْلِمَةِ الْمُصْحِيَةِ آيَةُ الْجَنَّةِ مَنْ شَرِبَ مِنْهَا لَمْ يَظْمَأْ آخَرَ مَا عَلَيْهِ يَشْخَبُ فِيهِ مِيزَابَانِ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ لَمْ يَظْمَأْ عَرَضُهُ مِثْلُ طُولِهِ مَا بَيْنَ عَمَانَ إِلَى أَيْلَةَ مَاؤُهُ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ).²

از ابی ذر رضی الله عنه روایت است که به پیامبر ﷺ گفتیم: ظروف حوض چیست؟ پیامبر ﷺ گفت: " سوگند به آن ذاتیکه نفس محمد درید اوست ظروف حوض از ستاره ها و ستاره های بزرگ آسمان (هنگام که آسمان در شب تاریک خالی از ابر باشد) زیاد است کسیکه از آن بنوشد هرگز تشنه نمیشود ، آب آن از جنت به واسطه دو ناوه جریان داشته و عرض آن مثل طول آن است ، مسافه آن از عمان الی ایله میباشد؛ آب آن سفید تر از شیر و شیرین تر از عسل است.

قاضی عیاض³ رحمه الله میگوید: (احادیث حوض صحیح است ؛ ایمان داشتن به آن از جمله فرائض میباشد ، و باورد داشتن به آن علامه ایمان است احادیث حوض نزد اهل سنت و جماعت به ظاهر

¹ سوره انفال آیه ۸.

² صحیح مسلم ج ۱۱ ص ۴۲۲.

³ قاضی عیاض بن موسی بن عیاض بن عمرو بن یحیی بستی ابوالفضل از علمای غرب و امام اهل حدیث در زمان خود بوده وی آگاه ترین شخص در شناخت انساب عرب و کلام شان بوده قضای سبته را به عهده داشته که در همانجا در سال ۵۴۴ هجری به دنیا آمده. بعد از آن قضای غرناطه را به وی سپرده شد ، تصانیف زیادی دارد که مشهورترین تصنیف اش الشفاء بتعریف حقوق مصطفی و شرح صحیح مسلم میباشد درمراکش وفات یافته . سیر اعلام النبلاء ج ۳۱ ص ۲۰۴.

حمل میشود و مجالی برای تأویل و اختلاف نیست به حدتواتر رسیده تعداد زیاد ازصحابه روایت کرده اند).¹

عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (إِنَّ أَمَامَكُمْ حَوْضًا مَا بَيْنَ نَاحِيَّتَيْهِ كَمَا بَيْنَ جَزْبَاءَ وَأَذْرَحَ).²

ترجمه: "از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: درپیش روی شما حوضی است که مسافه دوطرف آن به اندازه مسافه جربا و أذرح³ است.

عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ: قَالَ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى قَتْلِي أُحْدِثُمَّ صَعِدَ الْمِنْبَرَ كَالْمُودِعِ لِلْأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ فَقَالَ إِنِّي فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ وَإِنَّ عَرْضَهُ كَمَا بَيْنَ أَيْلَةَ إِلَى الْجُحْفَةِ إِنِّي لَسْتُ أَخْشَى عَلَيْكُمْ أَنْ تُشْرِكُوا بَعْدِي وَلَكِنِّي أَخْشَى عَلَيْكُمْ الدُّنْيَا أَنْ تَنَافَسُوا فِيهَا وَتَقْتَتِلُوا فَتَهْلِكُوا كَمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ: قَالَ عُقْبَةُ فَكَانَتْ آخِرَ مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمِنْبَرِ).⁴

ترجمه: "از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت شده که گفت: روزی رسول الله ﷺ بر شهدای احد دعامیکرد بعد از آن بر منبربالا شد، گویاکه با زنده گان و مرده گان خداحافظی میکند، گفت: من قبل از شما بالای حوض حاضر میباشم، هرآینه عرض آن بفاصله ایله و جُحفه است، من بیم آن را ندارم که شما بعد از من شرک بورزید بل بیم آن دارم که بخاطر دنیا سبقت بجوئید وهمدیگر را قتل کنید و هلاک شوید چنانچه مردمان قبل از شما هلاک شدند؛ عقبه بن عامر رضی الله عنه میگوید: آن آخرین دیدن بود که من رسول الله ﷺ را بالای منبر دیدم.

بدر الدین عینی رحمه الله میگوید: (مراد از سخن پیامبر ﷺ آنست که قبل از شما در آن جا آماده گی میگیریم تا از شما پذیرائی نمایم، و مراد از تنافس، دنیارا تنها به خود طلبیدن است و این حدیث به وجود حقیقی حوض صراحت دارد).⁵

¹ فتحُ البيان في مقاصد القرآن ج ۱۵ ص ۴۱۱.

² صحيح مسلم ج ۱۱ ص ۴۱۶.

³ دو قریه ای است در شام که به اندازه مسیر سه شبانه روز ازهم مسافه دارند. فرهنگ فارسی معین ج ۲ ص ۱۱۷۸.

⁴ صحيح مسلم ج ۱۱ ص ۴۱۶.

⁵ عمدة القاري شرح صحيح البخاري ج ۸ ص ۱۵۷.

با وجود همه دلایل که ذکر شد خوارج و معتزله از وجود حوض منکر هستند و دلیل شان همان است که میگویند هرآن چیزیکه از مغیبات با عقل سازگار نباشد باید تأویل شود و به زعم ایشان که وجود حوض با عقل سازگاری ندارد عبدالله بن زیاد نیز با آنها در مورد هم نظر است.¹

حافظ ابن کثیر رحمه الله روایت نموده: (روزی انس بن مالک رضی الله عنه در حالی بر عبدالله بن زیاد وارد شد که وی با فرزندش در مورد حوض گفتگو داشتند ، آنان از انس رضی الله عنه در مورد وجود حوض سوال کرده گفتند! در مورد وجود حوض چه میگوی؟ ما پیرزنی از زنان مدینه را میبینیم ، هر نماز را که میخواند از الله میطلبد که وی را بر حوض محمد ﷺ وارد نماید ، انس بن مالک از این انکار آنها تعجب نمود چون عام و خاص مسلمین بروجود حوض ایمان دارند حتی پیرزنی در هر نماز دعاء میکند تا خداوند ﷻ از آب آن حوض نصیب اش بگرداند اما ابن زیاد از وجود آن منکر است)².

آنانیکه از وجود حوض منکراند باید گفت !

سنت صراحت دارد چنانچه رسول الله ﷺ فرموده: کوثر حوض است که پرورد گارم آن را به من عطا فرموده.

احادیث در مورد حوض به تواتر لفظی و معنوی رسیده است.

احادیث حوض در کتب صحاح و متفق علیه ذکر شده.

از خلفاء راشدین و فقهای صحابه وجود آن به تواتر نقل شده.

همه امت ایمان به حوض را جزء ایمان به آخرت میدانند پس چگونه میتوان انکار کرد.

پس حوضیکه در عرصات هست آن جزء کوثر است که از کوثر دوناوه به حوض عرصات آمده است و کوثر نهری است در جنت که خاص به رسول الله ﷺ تخصیص داده شده و همه امت به آن اتفاق دارد ، جز آنانی که خود را از آن محروم شمرده اند ، کسی از وجود آن انکار نکرده است.³

¹ شرح العقيدة الطحاوية ج ۲ ص ۸.

² المباحث المختصرة في حوض النبي ﷺ . ج ۱ ص ۳ .

³ سلمی: عبد الرحيم بن صمايل العلياني دراسة موضوعية للحائية ولمعة الاعتقاد والواسطية

ناشر: الشبكة الإسلامية؛ ج ۱۴ ص ۷. <http://www.islamweb.net>

در مورد اینکه آیا حوض تنها به خاتم الأنبياء مُحَمَّد رسول الله ﷺ اختصاص داده شده و یا سایر انبیاء دارای حوض هستند : نصوص واقوال به آن دلالت دارد که همه انبیاء دارای حوض هستند چنانچه مولف تبسیط العقائد میگوید : (يجب الإيمان بأن لكل رسول حوضاً يردّه الطائعون من أمته ، وأن حوض النبي ﷺ أكبرها وأعظمها. طوله مسيرة شهر ، مربع الشكل له ميزابان يصبان فيه من الكوثر. ماؤه أشد بياضاً من اللبن ، وأحلى من العسل ، كيزانه أكثر من نجوم السماء ، من شرب منه شربة لا يظمأ بعدها أبداً).¹

ترجمه: "ایمان داشتن به اینکه همه رسولان حوض دارند و آن امتانی که از ایشان متابعت و پیروی نموده اند بر آن حوض ها وارد میشوند ، اما حوض نبی ﷺ بزرگترین و وسیع ترن همه حوض هاست که طول آن به اندازه مسیر یک ماه سفر بوده و مربع میباشد ، دو ناوه از کوثر جنت به آن وصل گردیده ، آب آن شیرین تر از عسل و سفید تر از شیر است و پیاله های آن نسبت به ستاره های آسمان زیاد است و کسی که یک مرتبه از آن بنوشد هرگز تشنه نمیشود".

ترمذی رحمه الله حدیثی را در مورد نقل نموده : عَنْ الْحَسَنِ ، عَنْ سَمُرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : (إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوْضًا وَإِنَّهُمْ يَتَبَاهَوْنَ أَيُّهُمْ أَكْثَرُ وَارِدَةً ، وَإِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ وَارِدَةً).²

ترجمه: "حسن از سمره رضی الله عنه روایت نموده که گفت: رسول الله ﷺ فرمود: برای هر پیامبر حوضی است و هر یکی به کثرت امت خود افتخار میکند و من امید دارم که امت من نسبت به دیگران زیاد بر حوض من وارد شوند".

در مورد اینکه حوض در کجا موقعیت دارد علما اختلاف نموده اند : امام قرطبی رحمه الله در (التذکره) به تفصیل ذکر نموده است که عده یی علماء گفته اند حوض قبل از صراط و قبل از حساب اعمال است و عده یی گفته اند که بعد از صراط است که قول دوم صحیح است³ یعنی حوض بعد از صراط و بعد از حساب اعمال میباشد که بعد از حساب مردم بر آن وارد میشوند.

¹ حسن: حسن مُجَدُّ أَيْوُب (المتوفى: ١٤٢٩هـ) تبسیط العقائد الإسلامية ؛

ناشر: دار الندوة الجديدة ، بيروت — لبنان ؛ الطبعة: الخامسة ، ١٤٠٣ هـ - ج ١ ص ٢٨٨

² سنن ترمذی ج ٤ ص ٦٢٠. درجه حدیث: شیخ البانی " صحیح " گفته

³ شرح العقيدة الطحاوية ؛ عبد الرحيم بن صمايل العلياني السلمي ج ٢ ص ٣.

(حوض جزء از کوثر است که خاص برای نبی ﷺ میباشد و حوض در میدان عرصات و کوثر در جنت است که به واسطه ناوه ها آب از کوثر به حوض می ریزد).¹

در شرح کتاب توحید ابن خزیمه ذکر شده: (حوض قبل از صراط است و دارای دوناوه از طلا و نقره است که از کوثر به حوض جریان پیدا میکند).²

۲ - کوثر

الف: شناخت کوثر

معجم الوسیط کوثر را اینگونه تعریف نموده: (الكوثر) (العدد الكثير والخير العظيم والرجل السخي).³

ترجمه: "عدد زیاد، خیر بزرگ و مرد سخی را کوثر گفته میشود".

معجم لغت عربی معاصر تعریف نموده: كَوَّثَرَ [مفرد]: كَثِيرٌ مُتْرَاكِمٌ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ (انظر: ك و ث ر - كَوَّثَرَ).

ترجمه: "کوثر مفرد است و هرچیزیکه زیاد و فراوان باشد به آن کوثر گفته میشود".

1 - نهر في الجنة .

نهری است در جنت

2 - الخير الكثير في الدنيا والآخرة .

خیر زیاد در دنیا و آخرت

3 - الشَّراب العذب .

شراب شیرین

4 - السَّيِّدُ الكثير الخير الرجل الكثير العطاء.¹

¹ دراسة موضوعية للحائية ولمعة الاعتقاد والواسطية ج ١٤ ص ٧.

² عبد الغفار: مُجَّد حسن عبد الغفار شرح كتاب التوحيد لابن خزيمة

ناشر: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية ؛ <http://www.islamweb.net> ج ٢٧ ص ٢٠

³ معجم الوسيط ج ٢ ص ٧٧٧

بزرگ مردخیبر ویا مردی که بسیار سخی باشد.

همه معانی که برای کوثر در فوق ذکر شد درست بوده و منافاتی وجود ندارد اما راجح همان قول است که مراد نهر کوثر میباشد که در جنت واقع است.

مختارالصالح ذکر نموده " أَلْكُوْثُرُ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ " ².

ترجمه: " کوثرنهری است درجنت " .

مراد از کوثر درآیه مبارکه (إِنَّا أَعْطَيْنَكَ أَلْكُوْثُرَ) ³.

ترجمه: " ای پیامبر به تو کوثر دادیم " .

اگرچه عده یی از علماء میگویند: مراد خیرکثیر ، قرآن کریم ، نبوت ، امت مسلمه .. میباشد اما راجح قول اول است.

اگرچه موارد دیگری نیز ضمن نهر جنت به معنی کوثر افزوده شود کدام تناقضی ندارد بل همه قابل جمع و تلیق میباشد چنانچه رسول الله ﷺ جامع همه خصوصیات بوده وهمه آنهابرایش عطاگردیده است.

در کتاب کشف المشکل من حدیث صحیحین ذکر گردیده مفسرین در معنی کوثر به شش قول اند:

(اول: نهری است درجنت که در حدیث متفق علیه ذکر است . دوم : خیرکثیر که به رسول الله ﷺ داده شده . سوم : حسن گفته مراد علم وقرآن است . چهارم : عکرمه گفته : نبوت است . پنجم : عطاء میگوید : حوض رسول الله ﷺ است . ششم: پیروان و امتان پیامبر ﷺ است . این قول از ابوبکر ابن ابی عیاش است . اما جز قول اول به اقوال دیگر اعتماد کردن صحیح نیست ، بخاطریکه حدیث صحیح در مورد صراحت دارد که برای تأویل مجال نیست) ⁴.

بناء بردلایل فوق واحادیثی که در بحث حوض ذکر شد میتوان گفت که مراد از کوثر همان نهر است که درجنت است و خاص به رسول الله ﷺ تخصیص داده شده.

ب - وصف کوثر

¹ معجم لغة العربية المعاصرة ج ۳ ص ۱۹۰۹ .

² مختار الصحاح ج ۱ ص ۲۶۶

³ سوره کوثر آیه ۱ .

⁴ جوزی: جمال الدین أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی (المتوفی: ۵۹۷هـ) کشف المشکل من حدیث الصحیحین المحقق: علی حسین البواب ؛ ناشر: دار الوطن - الرياض ج ۲ ص ۴۱۶ .

آنچه از آیه (الْكَوْثَرُ) احادیث متفق علیه و در مورد از سخنان مفسرین و شراح حدیث معلوم میشود کوثر عبارت از همان نهر است که در جنت برای رسول الله ﷺ داده شده چنانچه الله ﷻ میفرماید: { إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ }¹

ترجمه: " ای پیامبر! برایت کوثر دادیم "

یعنی کوثر نهری است در جنت که الله ﷻ برای محمد مصطفی ﷺ عطاء فرموده است.

چنانچه صحیحین احادیثی را در مورد ذکر نموده اند: عَنْ أَنَسٍ قَالَ بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ بَيْنَ أَظْهُرِنَا إِذْ أَعْفَى إِعْفَاءَةً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مُتَبَسِّمًا فَقُلْنَا مَا أَضْحَكَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَنْزِلَتْ عَلَيَّ آيَةً فَقَرَأْتُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ { إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَأْنِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ }²

ثُمَّ قَالَ أَتَدْرُونَ مَا الْكَوْثَرُ فَقُلْنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ فَإِنَّهُ نَهْرٌ وَعَدَنِيهِ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ خَيْرٌ كَثِيرٌ هُوَ حَوْضٌ تَرِدُ عَلَيْهِ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ آيَتُهُ عَدَدُ النُّجُومِ فَيُخْتَلَجُ الْعَبْدُ مِنْهُمْ فَأَقُولُ رَبِّ إِنَّهُ مِنْ أُمَّتِي فَيَقُولُ مَا تَدْرِي مَا أَحَدَّتْ بَعْدَكَ³.

ترجمه: " از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت : روزی با پیامبر ﷺ بودیم که بالایش خواب خفیفی آمده بعد از آن سر خود را بلند نموده تبسم نمود! گفتیم! چه چیزی باعث خنده بی شما شد یا رسول الله ﷺ ، گفت : همین اکنون سوره بی بر من نازل شد ! بعد از آن خواند بسم الله الرحمن الرحيم: ای پیامبر ﷺ به تو کوثر دادیم! پس نماز بخوان و برای پروردگارت قربانی بکن هر آینه ، دشمن کینه توز تو بی خیر و بی برکت و بی نام و نشان خواهد بود.

بعد از آن گفت: آیا میدانید که چیست کوثر ؟ گفتیم الله و پیامبرش بهتر میدانند گفت: آن نهری است که پروردگارم آن را به من وعده داده است بر آن خیر زیادی است و آن حوضی است که امتان من روز قیامت بر آن وارد میشوند ظروف آن به اندازه ستاره گان است بنده بی از آن رانده میشود میگویم پروردگارا این از امت من است به من گفته میشود چه میدانی که بعد از تو چه کاری را ایجاد کرده است) .

علامه ابن کثیر رحمه الله در مورد کوثر ذکر نموده : (آنچه در وصف حوض وارد شده آنست که دو ناوه از کوثر به آن وصل شده ظروف آن در کثرت به اندازه ستاره های آسمان است)¹.

¹ سوره کوثر آیه ۱ .

² سوره کوثر آیه ۱ .

³ صحیح مسلم ج ۲ ص ۳۶۴ .

در شرح سنن ابی داود آمده آنچه (احادیث متفق علیه به آن صراحت دارد که حوض درعرصات و کوثر درجنت است؛ کوثر چیز دیگر است و حوض چیز دیگر، کوثر اصل است و حوض فرع).²

عَنْ أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَمَّا عُرِجَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى السَّمَاءِ قَالَ أَتَيْتُ عَلَى نَهْرٍ حَافَتَاهُ قِبَابُ اللَّوْؤُ مُجَوِّفًا فَقُلْتُ مَا هَذَا يَا جَبْرِيْلُ قَالَ هَذَا الْكُوْثَرُ.³

ترجمه: "از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: زمانیکه رسول الله ﷺ بالا طرف آسمان رفت، گفت: نهری را دیدم که اطراف آن قبه های از مروارید میان خالی بود، از جبرئیل پرسیدم این چیست؟ گفت این کوثر است.

عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا؛ قَالَ: سَأَلْتُهَا عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: {إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ}⁴ قَالَتْ نَهْرٌ أُعْطِيَهِ نَبِيُّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَاطِئًا عَلَيْهِ دُرٌّ مُجَوِّفٌ أَيْتُهُ كَعَدَدِ الثُّجُومِ.⁵

ترجمه: "از عبیده روایت شده که: از عایشه رضی الله عنها در مورد {إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ} پرسیدم؟ عایشه رضی الله عنها گفت: نهی است که به پیامبر شهادت داده شده، دوطرف آن از مروارید های میان خالی ساخته شده و ظروف آن به اندازه ستاره های آسمان است.

احادیث فوق دلیل بر آن است که کوثر خاص به محمد ﷺ است چون درآیه مبارکه (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ) ترجمه: "ای پیامبر! به تو کوثر دادیم" نیز حصر و خطاب به پیامبر ﷺ است و دوم اینکه برای دیگرانبیاء دلیل وجود ندارد که کوثر داده شده باشد.⁷

عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ قَالَ فِي الْكُوْثَرِ (هُوَ الْخَيْرُ الَّذِي أُعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ قَالَ أَبُو بَشْرٍ قُلْتُ لِسَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ فَإِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ فَقَالَ سَعِيدٌ النَّهْرُ الَّذِي فِي الْجَنَّةِ مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي أُعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ).¹

¹ تفسیر ابن کثر ج ۷ ص ۳۸۴.

² بدر: عبد المحسن بن حمد بن عبد المحسن بن عبد الله بن حمد العباد البدر شرح سنن أبي داود؛

ناشر: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية؛ <http://www.islamweb.net> ج ۵۳۸ ص ۷.

³ صحيح البخارى ج ۱۵ ص ۳۴۳.

⁴ سورة كوثر آية ۱.

⁵ صحيح البخارى ج ۱۵ ص ۳۴۴.

⁶ سورة كوثر آية ۱.

⁷ سلمی: عبد الرحيم بن صمايل العلياني شرح العقيدة الطحاوية ج ۴ ص ۲.

از سعید بن جبیر رضی الله عنه از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که وی در مورد کوثر گفت: کوثر آن خیر است که الله ﷻ به پیامبر ﷺ عطا فرموده ابوبشر میگوید: به ابن جبیر گفتم! مردم گمان میکنند که آن خیر عبارت از نهر است که در جنت است سعید گفت: نهر که در جنت است از همان خیر کثیری است که الله متعال آنرا به پیامبرش داده است.

عَنْ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ: عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (بَيْنَمَا أَنَا أُسِيرُ فِي الْجَنَّةِ إِذَا أَنَا بِنَهْرِ حَافَتَاهُ قِبَابُ الدُّرِّ الْمَجُوفِ قُلْتُ مَا هَذَا يَا جَبْرِيلُ قَالَ هَذَا الْكُوْثَرُ الَّذِي أُعْطَاكَ رَبُّكَ فَإِذَا طِينُهُ أَوْ طَيْبُهُ مِسْكٌ أَذْفَرُ شَكِّ هُدْبَةٍ).²

امام بخاری در صحیح خود از انس بن مالک از رسول الله ﷺ روایت نموده که گفت: روزی در جنت می گشتم ناگاه بانهری مواجه شدم که اطراف آن از مروارید میان خالی بود، از جبرئیل علیه السلام پرسیدم که این چیست؟ گفت: این کوثر است که پرور دگارت برایت عطا فرموده، خاک آن یا بوی خوش آن از مشک خوش بوتر است، در مورد طینه یا طیبه هدبه شک کرده که کدام لفظ را شنیده است.

امام ترمذی رحمه الله روایت نموده: (عن عبد الله بن عمر قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الكوثر نهر في الجنة حافته من ذهب ومجراه على الدر والياقوت تربته أطيب من المسك وماؤه أحلى من العسل وأبيض من الثلج).³

از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله ﷺ فرمود: کوثر نهری است در جنت اطراف آن از طلا است و مجرای آن از یاقوت و مروارید، خاک آن خوش بو تر از مشک و آب آن شیرین تر از عسل و سفید تر از برف است.

عبدالمحسن البدر در شرح سنن ابی داود میگوید: (وهذا يدل على أن الكوثر نهر في الجنة، وأن فيه حوضاً، وجاء في بعض الأحاديث الصحيحة بيان أن الحوض يصب فيه ميزابان من الجنة، وعلى هذا فيكون الكوثر في الجنة والحوض في عرصات القيامة، وهو يمد ويصل إليه الماء من ذلك النهر الذي في الجنة وعلى هذا فيكون الحوض شيئاً والكوثر شيئاً آخر وليس شيئاً واحداً، والكوثر هو

¹ صحیح البخاری ج ۱۵ ص ۳۴۵.

² صحیح البخاری ج ۲۰ ص ۲۴۶.

³ سنن الترمذی ج ۵ ص ۴۴۹ امام ترمذی این حدیث را حسن صحیح گفته شیخ البانی رحمه الله بر "صحت" حدیث حکم کرده.

الأصل والحوض فرع منه ، والكوثر في الجنة والحوض إنما هو في عرصات القيامة ، والماء الذي في الحوض جاء من الكوثر كما جاء في ذلك الحديث عن رسول الله ﷺ¹.
ترجمه: " حدیث به آن دلالت دارد که کوثر نهی است درجنت ، ودرآن حوضی است ، در بعضی احادیث صحیح در بیان حوض آمده دوناوه درآن ازجنت وصل شده ، بدین اساس کوثر نهی است درجنت و حوض درعرصات قیامت است ، از نهی که درجنت است آب به حوض می ریزد حوض چیز دیگر و کوثر چیزی دیگر است هردو یکی نیست حوض فرع و کوثر اصل است کوثر در جنت است وحوض در عرصات قیامت میباشد و آبی که در حوض است از کوثر آمده است چنانچه در مورد از رسول الله ﷺ حدیث نقل شده".

حوض و کوثر از جمله امور غیبی بوده که بدون وحی الهی و قول رسول الله ﷺ شناخت اوصاف و ویژگیهای آن میسر نیست بنا برین در فوق دلایل تفصیلی ذکر شد که در روشنایی آن طور خلاصه میتوان گفت: کوثر درجنت قرار دارد و حوض درعرصات قیامت ، که بعد از عبور از صراط مردم بر آن وارد میشوند ، کوثر اصل است و حوض فرع² دو ناوه از کوثر به حوض جریان دارد ، حوض بسیار وسیع است ، آب آنها در سفیدی از شیر سفید و در شربنی از غسل شربین و در سردی از یخ سرد است خصوصیات آب هردو از لحاظ کیفیت یکی است چون آب حوض از کوثر میباشد.

کسی از آب آنها بنوشد هرگز تشنه نمیشود ، اطراف آنها از مروارید ساخته شده ، کوثر به خاتم النبیین محمد ﷺ اختصاص داده شده اما حوض به دیگر انبیاء نیز داده شده که در روز قیامت امتان ایشان بر آن وارد میشوند.

با ذکر دلایل و اقوال فوق میتوان گفت: حوض و کوثر دو نعمت از نعمات است که الله ﷻ برای رسول گرامی خود محمد مصطفی ﷺ عطا فرموده و حوض در میدان عرصات و بعد از صراط میباشد ، مسلمانان بعد از عبور از صراط بر آن وارد میشوند و هر کسی که از آن نوشید دیگر باتشنگی روبرو نمیشود ؛ دارای دوناوه است که از کوثر به آن وصل گردیده بسیار به شدت و قوت جریان داشته ، جریان آب آن هیچگاه قطع نمیشود.

¹ شرح سنن أبي داود؛ ج ۵۳۸ ص ۷. <http://www.islamweb.net>

² شرح عقيدة الطحاوية ج ۲ ص ۲ .

کوثر نهر است که در جنت موقیعت دارد و در وسط جنت میباشد ، خاص به رسول الله ﷺ تعلق دارد .
آب آن سفید تر از برف ، شربین تر از عسل ، طول و عرض آن به مسافه منزل سه شبانه روز و یا زیاد تر
از آن می باشد ، کسکه از آن بنوشد هرگز تشنه نمیشود و برای جنتیان اختصاص داده شده .

مبحث دوم: حوران بهشتی و شبهات وارده در مورد

مطلب اول حوران بهشتی

الف: حور در لغت

* معجم لغت عربی معاصر تعریف نموده: ح و ر ؛ حُور [جمع]: مفرد حَوراء: نساء الجنة " {حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ} ¹

حُور عین: نساء بیض أو شدیدات بیاض العین مع شدّة سواد الحدقة ، أو نساء واسعات العین مع شدّة بیاض لیباضها وسواد لسوادها " {مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ} ² .
ترجمه: " حور مرکب از حروف ح ، و ، ر ، جمع ، مفرد آن حورا ء میباشد چنانچه در آیه: سیاحشمان قصرنشینان درخیمه ها اند .

¹ سوره الرحمن آیه ۷۲ .

² معجم لغة العربية المعاصرة ج ۱ ص ۵۷۹ .

حورعین: عبارت است از زنان سفید ویا زنان سفید چشم که سیاهی چشمان شان بسیار سیاه است ویا زنان است دارای چشمان کلان که سفیدی چشمان شان نهایت سفید و سیاهی چشمان شان نهایت سیاه باشد.

چنانچه الله ﷺ فرموده: ترجمه: " این در حالی است که بر تختهای ردیف و کنار هم چیده تکیه زده اند ، و زنان سیاه چشم و درشت چشم زیبای بهشتی را همسرشان نموده ایم (و در کنارشان قرار داده ایم) " .

وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ (الْحُورُ السُّودُ الْحَدَقِ وَقَالَ مُجَاهِدٌ مَقْصُورَاتٌ مَحْبُوسَاتٌ فُصِرَ طَرْفُهُنَّ وَأَنْفُسُهُنَّ عَلَى أَزْوَاجِهِنَّ قَاصِرَاتٌ لَا يَبْغِينَ غَيْرَ أَزْوَاجِهِنَّ)¹.

ترجمه: " ابن عباس رضی الله عنه میگوید: حور زنانی را گویند که دارای چشمان سیاه و بزرگ اند " .

مجاهد میگوید: حور زنانی اند که چشمان و نفس های خود را تنها به شوهران خود نگهداشته اند و به هیچ کس دیگری نظر نمی کنند و میل ندارند.

ب: حور در اصطلاح: تعریف لغوی و اصطلاحی حور فرق زیادی ندارد آنچه علماء حور را تعریف نموده اند همانا یک معنی را افاده میکند که : حور عبارت از زنان بهشتی اند که چشمان بسیار زیبای که سفیدی چشمان شان نهایت سفید و سیاهی چشمان شان نهایت سیاه ، کاسه های چشمان شان بسیار کلان میباشد.

الحور: جمع حوراء ، وهي التي يكون بياض عينها شديد البياض ، وسواده شديد السواد والعين: جمع عیناء ، والعیناء هي واسعة العين.²

ترجمه: " حور جمع حوراء ، آنست که سفیدی چشمانش بسیار سفید و سیاهی چشمانش بسیار سیاه باشد و عین جمع عیناء آنست که دارای چشمان کلان باشد.

ج : اوصاف حوران بهشت

اوصاف حور عین در قرآن کریم بیان گردیده ، الله ﷻ در سوره الرحمن که از آن بنام عروس القرآن یاد

¹ صحیح البخاری ج ۱۵ ص ۱۳۹ .

² الموسوعة العقديہ ج ۵ ص ۱۳۸ .

میشود ضمن یادآوری از همه نعمات بزرگ و حایز اهمیت ، خصوصا جنت و نعمات آن که برای بنده گان صادق و مطیع خود مهیا نموده اشاره کرده و به وصف حور بهشتی پرداخته که با شیوه بسیار زیبا و عالی بیان نموده است.

درسوره واقعه حور به لؤلؤء مکنون (مروارید های شفاف و پنهان) تشبیه شده درسوره صافات آنان در لطافت ، ستر ، طراوت و زیبایی به بیض مکنون (پوست سفید داخلی تخم) تشبیه شده اند.

که در ذیل به تفصل اوصاف حوران بهشتی را بیان خواهیم نمود :

اللّٰهُ ﷻ میفرماید: (فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ).¹

ترجمه: " در باغهای بهشت زنانه هستند که پیش از جنتیان کسی از انسانها و جنیات با ایشان نزدیکی و مقاربت نکرده است."

همچنان میفرماید: (كَأَنَّهِنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ).²

ترجمه: " گویا که آنان ، یاقوت و مرجانند."

آنان به حد صفا و روشن هستند که هیچ اثر غبار بر آنها دیده نمیشود و هیچ دست به آنها اصابت نکرده مثلی که مروارید های دست نخورده صفا و با طراوت اند.

آنان در سفیدی و نرمی مانند پوست داخلی تخم هستند: (وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عَيْنٌ (48) كَأَنَّهِنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ (49)).³

ترجمه: همسرانی دارند با چشمانی زیبا و خمارآلود . مانند تخم های پنهان.

مراد از تخم های پنهان آنست که مرغ تخم را در زیر پروبالهای خود نکهدارد.

سعید ابن جبیر وسدی گفته اند: (مراد پوست سفید داخلی تخم میباشد که دست به آن اصابت نکرده باشد).⁴

(هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ).⁵

ترجمه: " آیا پاداش نیکی کردن جز نیکی دیدن خواهد بود " ؟

ابن کثیر رحمه الله میگوید: (مراد از احسان قصرها ، حور و رضایت الله ﷻ و آنچه که از چشمان مردم

¹ سوره رحمن آیه ۵۶.

² سوره رحمن آیه ۵۸.

³ سوره صافات آیه ۴۸-۴۹

⁴ فتح البیان فی مقاصد القرآن ج ۱۱ ص ۳۸۷

⁵ سوره رحمن آیه ۶۰.

پنهان است میباشد و از همه آنها بهتر و بزرگ تر دیدار الله ﷻ میباشد¹.
(فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ)².

ترجمه: "در میان باغهای بهشت ، زنان خوب و زیبا هستند".
الله ﷻ نیکی و حسن آنان را بیان میدارد پس کسیکه از طرف الله به حسن و زیبایی توصیف شود به کدام اندازه زیبا خواهد بود.
* ابن کثیر رحمه الله از قتاده نقل نموده که (مراد زنان صالح میباشدند که دارای اخلاق نیکو و روی زیبا هستند)³.

طبری رحمه الله از ابن زید نقل نموده که (مراد حورعین است)⁴.

الله ﷻ ضمن بیان اخلاق و زیبایی شان آنها را به ستر و عفت توصیف میکند چنانچه میفرماید: (حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ)⁵.

ترجمه: "سیاه چشمانی که هرگز از خیمه‌ها بیرون نمی‌روند".
مصطفی عدوی در تفسیر آیه میگوید: (از آیه معلوم میشود که اصل برای زنان قرار است در خانه و یا خیمه هایشان چون قرار در خانه برای زنان شخصیت میبخشد)⁶.
(لَمْ يَطْمِئِنَّ نِإْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ)⁷.

ترجمه: "پیش از آنان ، کسی از انسانها و پریها با ایشان نزدیکی و مقاربت نکرده است".
سعید ابن جبیر و عکرمه میگویند: (کسی همراهی شان قبلا خلوت نکرده است)⁸.

¹ تفسیر ابن کثیر ج ۷ ص ۵۰۶.

² سوره رحمن آیه ۷۰.

³ تفسیر ابن کثیر ج ۷ ص ۵۰۸.

⁴ تفسیر الطبری ج ۲ ص ۲۶۲.

⁵ سوره رحمن آیه ۷۲.

⁶ عدوی: أبو عبد الله مصطفی بن العدوی شلبایة المصري سلسلة التفسير لمصطفى العدوي

ناشر: الشبكة الإسلامية؛ ج ۴۷ ص ۱۳. <http://www.islamweb.net>

⁷ سوره رحمن آیه ۷۴.

⁸ مصنف ابن ابی شیبہ ج ۱۸ ص ۴۵۸.

آیه فوق بیان میدارد که آنان غیر از زنان دنیا هستند ، بخاطریکه کسی باایشان مقاربت وهمنشینی نکرده است قرطبی رحمه الله درتفسیر خود ازحسن بصری نقل نموده : (وَالْمَشْهُورُ أَنَّ الْحُورَ الْعَيْنَ لَسُنَّ ، مِنْ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَإِنَّمَا هُنَّ مَخْلُوقَاتٌ فِي الْجَنَّةِ ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ : (لَمْ يَطْمِئِنَّ إِنْسُ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ).¹

ترجمه: "مشهور آنست که حورعین از زنان اهل دنیانیستند و آنان مخلوقاتی اند درجنت بخاطری که الله ﷻ فرموده: "هیچ یکی از انس و جن آنان را لمس نکرده است)".

ابوهریره رضی الله عنه نیز برآن است که (حور از زنان دنیانیست بل مثل سایر نعمات جنت از نو آفرید میشوند).²

{ مُتَكَيِّنٌ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ }.³

ترجمه: "بهشتیان بر بالشتهای نگارین گرانبهایی سبز رنگ تکیه می‌زنند و بر فرشهای منقش بی‌نظیر بسیار زیبا ، می‌نشینند".

* ابومنصور ماتریدی⁴ میگوید: (هدف از " متکئین " بیان حد اعلی از راحت و تنعم است نه اینکه مراد درتکیه کدام فضیلت ومرتبه بی باشد ؛ و مراد ازخیام آن است ، هنگامیکه اهل بهشت بازمان شان باشند چشم دیگران آنان را دیده نمیتواند و آیه به آن دلالت دارد که اهل دین وایمان ، مردمان باغیرتی هستند که نه کسی به زنان ایشان و نه ایشان به زنان دیگران نظر میکنند).⁵

{ إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً }.⁶

* مولف تفسیر اللباب میگوید: (مراد می آفرینیم بدون ولادت و یا اینکه زنان دنیارا جوانی و زیبایی

¹ تفسیر قرطبی ج ۱۷ ص ۱۸۸ .

² مُجَدِّدٌ غَرِيبٌ : محمود مُجَدِّدٌ غَرِيبٌ : من علماء الأزهري الشريف سورة الواقعة ومنهجها في العقائد

ناشر: دار التراث العربي - القاهرة ؛ الطبعة: الثالثة - ۱۴۱۸ هـ ج ۱ ص ۵۷

³ سوره رحمن آیه ۷۶ .

⁴ مُجَدِّدٌ غَرِيبٌ : محمود ابومنصور ماتریدی از علمای متکلمین میباشد نسبت وی به ماتریدی بدان سبب است که ماترید قریه بی است در سمرقند که وی در آنجا به دنیا آمده ، تألیفات وی مانند التوحید ، اوهام المعتزله ، الرد علی القرامطه ، کتاب الجدل ، تأویلات اهل السنة وغیره میباشد در سال ۳۳۳ هـ در سمرقند وفات کرده است ، الاعلام للزرکلی ج ۷ ص ۱۹

⁵ ماتریدی: مُجَدِّدٌ غَرِيبٌ بن منصور الماتريدي (المتوفى: ۳۳۳ هـ) تفسیر الماتريدي (تأویلات اهل السنة)

ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت ، لبنان الطبعة: الأولى ، ۱۴۲۶ هـ - ج ۸ ص ۵۳۰

⁶ سوره واقعه آیه ۳۵ .

میدهم چون آنان را باکره میگردانیم ؛ وهمچنان آیه دلالت به آن دارد که آن ها بکرگردانیده میشوند واگر مخلوقات نو باشند بدون شک که آن ها دراصل بکرآفریده میشوند.¹

عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي قَوْلِهِ { إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً }² (قَالَ إِنَّ مِنَ الْمُنْشَأَاتِ اللَّائِي كُنَّ فِي الدُّنْيَا عَجَائِزَ عُمَشًا رُمَصًا)³

ترجمه: " آنانیکه آفریده میشوند پیرزنانی اند که دردنیا چشمان شان ضعیف وکم نور شده بود".
غمش و رمص زمانیکه چشم ها ضعیف شود و درگوشه های چشم چرک و سفیدی جمع شده و از چشم آب به سبب ضعیفی چشم ها جاری شود.

(دمشقی در مورد حور عین میگوید: حور دارای چشمان کلان که سفیدی چشمان شان بی نهایت سفید و سیاهی چشمان شان بی نهایت سیاه است درصفا و پاکی و طراوت مانند مروارید اند و یادرهمه جوانب و پاکیزگی جسم آنها مثل مروارید اند).⁴

اللَّهُ ﷻ از زندگی مملو از صمیمیت و راحت جنتیان اینگونه وصف مینماید: (وَلَحْمٌ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ (21) وَحُورٌ عِينٌ (22) كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ (23) جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (24) لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهَا (25) إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا (26)⁵).

ترجمه: و گوشت پرنده ای که بخواهند و آرزو کنند برای شان آماده است و حوران کلان چشم بهشتی. که مانند مروارید های میان صدفند در بدل کارهایی که می کرده اند، در میان باغهای بهشت ، نه سخن عبث و بیهوده می شنوند ، و نه سخن گناه آلود . مگر سخن سلام ! سلام ! را.
* سیدقطب رحمه الله میگوید: " دران فضای گوارا هیچ تشویش ازمرگ و انقضای نعمات وجود ندارد بل همه سلام و سلام است سلام فرشتگان سلام اهل جنت بریکدیگر و سلام پروردگار رحمن

¹ الباب فی علوم الكتاب ج ۱۸ ص ۴۰۱.

² سوره واقعه آیه ۳۵.

³ سنن الترمذی ج ۱۱ ص ۱۰۵ "ترمذی والبانى رحمهم الله حديث را ضعيف گفته اند".

⁴ دمشقي: أبو محمد عز الدين عبد العزيز بن عبد السلام بن أبي القاسم بن الحسن السلمي الملقب بسليمان العلماء

(المتوفى: ۶۶۰هـ) تفسير القرآن (وهو اختصار لتفسير الماوردي)

ناشر: دار ابن حزم - بيروت ؛ الطبعة: الأولى ، ۴۱۶هـ / ۱۹۹۶م ؛ عدد الأجزاء: ۳ ج 3 ص ۲۷۵.

⁵ سوره واقعه آیات ۲۶-۲۱.

برجنتیان میباشد¹.

*ابن قیم رحمه الله میگوید: (آنچه از زنان مطلوب است حسن معاشرت و حسن صورت است که حور عین هردوی آن را دارا هستند).

ابوحنیفه رحمه الله² میگوید: (والجنة والنار مخلوقتان اليوم، لا تقنیان أبداً ولا تموت الحورالعین أبداً)³.

ترجمه: "جنت و دوزخ فعلا مخلوق هستند، برای همیشه بوده فنا نمیشوند، حور عین هرگز نمی میرند." (كأمثال اللؤلؤ المكنون المصون في الصفاء والنقاء، شبهن باللؤلؤ المكنون وهو الذي لم تمسه الأيدي، ولا وقع عليه الغبار، والشمس والهواء فهو أشد ما يكون صفاء)⁴.

ترجمه: "حوران بهشتی مانند مروارید های در پنهان هستند، درصفا وشفاف بودن به مروارید پنهان تشبیه شده اند، بدان جهت که مروارید پنهان را دست نرسیده است، ودرآن اثر غبار، آفتاب و هوا دیده نمیشود ونهایت شفاف و صفا است.

آیات متبرکه همه اوصاف حوران بهشتی را به شیوه های مختلف بیان مینماید آنچه از آیات فوق احادیث نبوی واقوال مفسرین ذکرگردید؛ معلوم میشود که: حوران بهشتی ضمن سایر نعمات جنت یکی از نعمات ارزنده یی است که الله ﷻ برای بندگان خود به سبب اعمال نیکوی که انجام داده اند آفریده، آنان دارای چشمان بزرگ هستند که سفیدی چشمان شان در سفیدی بی نهایت سفید و سیاهی آن در سیاهی بی نهایت سیاه است، بدون شک دو متضاد که سفید و سیاه هست زمانیکه در اوج برسد چقدر زیبایی پیدا خواهد کرد، اما آنچه الله ﷻ از زیبایی چشم حور وصف نموده

¹ شاری: سید قطب إبراهيم حسين (المتوفى: ١٣٨٥هـ) في ظلال القرآن

ناشر: دار الشروق - بيروت - القاهرة؛ الطبعة: السابعة عشر - ١٤١٢ هـ ج ٦ ص ٣٤٦٤.

² أبو حنيفة (٨٠ - ١٥٠ هـ = ٦٩٩ - ٧٦٧ م) نعمان بن ثابت تيمي كوفي امام مذهب حنفي، فقيه، مجتهد، محقق، یکی از ائمه اربعه اهل سنت میباشد، اصل اش از فارس ودر کوفه تولد و نشأت نموده است وی ضمن آنکه پیشه تجارت داشته از سن کودکی به طلب علم پرداخته است، واکثر اوقات خود را به تدریس وافتاء وقف نموده بود عمر بن هبیره امیر عراقین از وی خواست تا مسلک قضاء را به عهده بگیرد اما وی اباورزید، ابومنصور سوگند یاد کرد که این کار (قضاء) را بالایت انجام میدهم اما وی سوگند یاد کرد که این کار را بر من تحمیل کرده نمیتوانی، بعد از آن منصور وی را محبوس ساخت تا آنکه وفات نمود.

علماء در مناقب امام کتابها نوشته و از ذکاوت، حسن استلال، سخاوت، تقوی، علمیت و شجاعت وی ذکر نموده اند امام شافعی رحمه الله میگوید مردم در فقه عیال ابوحنیفه اند. الاعلام للزرکلی ج ٨ ص ٣٦

³ الموسوعة العقدية ج ٧ ص ٤.

⁴ فتح البيان في مقاصد القرآن ج ١٣ ص ٣٦٤.

باید گفت که وصف آن درتوان بشر نیست ، زیبایی جسمی آنان به مراتب بالاتر از صدف در صفا و روشنی میباشد ، از هر نوع عیوب و امراض کاملاً پاک میباشد ، جز به شوهران خویش به هیچ کسی نمی بینند و میل و علاقه ئی هم ندارند ، هیچ جنی وانسی آنان را لمس نکرده و نمیکند به جز شوهران شان ، آنان در رنگ ، طراوت و صفا مانند یاقوت و مرجان اند ، در نرمی و نازکی از پوست داخلی تخم نرم تر و نازک تر اند.

حور عین باشوهران خویش هم سن و همسال میباشد ، جای آنان خیمه های وسیع و زیبایی است که از مروارید ساخته شده ، میتوانند از داخل آن خیمه ها همه جاها را نظاره کنند اما کسی دیگر نمیتواند که آنان را ببیند ، اشعار را زمزمه کرده میگویند: ما حوران زیبا هستیم و برای شوهران خوب و باعزت خویش هدیه شده ایم ، پس باید گفت حوران بهشتی و زنان بهشتی را نمیتوان از لحاظ (قد و قامت ، رنگ و زیبایی ، اخلاق و حسن معاشرت ، آواز...) جز نام با هیچ و یژگی زنان دنیا مقایسه کرد ، آنان مخلوقاتی اند که در جنت آفریده شده و هیچ عیب و نقصی بر آنان وارد نمیشود و هیچ غم و اندوهی ندارند.

عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِيهِ : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ (إِنَّ فِي الْجَنَّةِ خَيْمَةً مِنْ لَوْلُؤَةٍ مُجَوَّفَةٍ عَرْضُهَا سِتُّونَ مِثْلًا فِي كُلِّ زَاوِيَةٍ مِنْهَا أَهْلٌ مَا يَرَوْنَ الْآخِرِينَ يَطُوفُ عَلَيْهِمُ الْمُؤْمِنُونَ وَجَنَّاتٍ مِنْ فِضَّةٍ آيَتْهُمَا وَمَا فِيهِمَا).¹

ترجمه: "ابی بکر بن عبدالله بن قیس از پدرش روایت نموده که گفت : رسول الله ﷺ فرمودند: در جنت خیمه یی از مروارید میان خالی ساخته شده که عرض آن شصت میل است ، در کناره های آن زنانی اند که دیگر مردمان آنان را دیده نمیتوانند هنگامیکه شوهران شان بر آنها میگردند و دو جنت است که ظروف آنها و هر آنچه در آنها است از نقره میباشد ."

باز کرو بیان همه زیبایی ها و و یژگی های که الله ﷻ برای جنتیان مهیا نموده و نعمات باارزشی را برایشان عطا فرموده و زندگی با صفا و صمیمیت که جز سلامتی و سلامتی چیزی دیگری نیست میگوید: (قَبَائِيَّ آلَاءِ رَبِّكُمْ أَتُكذِّبَانِ).²

ترجمه: "پس کدامیک از نعمتهای پروردگار خود را تکذیب و انکار می کنید ؟!"

(تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ).³

¹ صحیح البخاری ج ۱۵ ص ۱۴۰.

² سوره رحمن آیه ۷۷.

³ سوره رحمن آیه ۷۸.

ترجمه: " نام پروردگار بزرگوار و گرامی تو ، چه مبارك نامی است !"
یعنی پروردگارت چه ذات ارحم الراحمین است چه احسان و لطف نموده ؛ آیا بدله همه این نعمات آنست که در برابر الله ناسپاسی شده و همه نیکی ها و نعمات را که برای انسانها مهیا نموده بازهم تکذیب کرد.

مطلب دوم: شبهات در مورد حور و دفع آن

الف: شبهات

آنا نیکه خویش را از رحمت الله متعال محروم و مطرود دانسته و امیدى به آخرت و نعمات جنت نداشتند ، میخواهند با ایراد شکوک اذهان مسلمانان را نیز از احسانات پروردگارشان دور نگاهداشته و به گمراهی سوق دهند ، بخاطریکه به خود هیچ کرده نتوانسته و کاملاً پیروان شیطان بوده و فرصت و مجال هم برای خود نمی بینند تا از لذایذ و لهو لعب دنیای زود گذر به طرف آخرت جاوید و باقی رو آورند بدین اساس در نهایت سعی دارند تا عوام را فریب داده و در برابر عموم مسلمانان از حسد و کینه کار گرفته تا به هم قطاران و همسفران خویش بیافزایند.

مستشرقین اعتراض نموده میگویند: الله ﷻ برای مؤمنان در جنت زنانی از حور عین میدهد درحالی که جنت جای شهوات حسی نیست.¹

(پاپاس فندر) میگوید: محمد ﷺ کوشش کرد با وعده بهشت پر از عیش و عشرت نفسانی مانند شراب و حور بهشتی مذهب و دین خود را مقبول اعراب سازد.²

آنان ضمن طعن و شبهه برا کثر مسایل در مورد نعمات ار زشمنند و بزرگ الهی در جنت که حور عین نیز از آن جمله است میگویند: (جنت در اسلام تنها برای شهوت ، لذت جستن و ازدواج است !! و به زنان هیچ توجهی صورت نگرفته بل اسلام تنها و تنها مردان را متنعم قرار داده و زنان را از همه نعمات محروم نگاهداشته است).³

¹ زقزوق : شبهات المشککین محمود حمدی زقزوق

وزیر الأوقاف بمصر ج ۱ ص ۱۱۹ ناشر: وزات اوقاف مصر. ۱۴۲۳ هـ
<https:// Fa. Shafaqna.com>.

³ محمد قطب شبهات حول الاسلام المكتبة الشاملة ج ۱ ص ۹۶.

ب: دفع شبهات

در جواب آنان باید گفت: جنت تنها برای لذایذ حسی آفریده نشده که تنها مسئله شهوت رانی باشد و بس بل موارد معنوی وجود دارد که به مراتب بالاتر از لذایذ حسی است مانند دیدار الله ﷻ ، زمانیکه اهل جنت الله ﷻ را می بینند همه نعمات جنت باهمه رنگ و زیبایی که دارد فراموش میگردد :

(لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ)¹.

ترجمه: " برای جنتیان جنت است و دیدار الله ﷻ ".

(وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ)².

ترجمه: " روهای زیبا و شاداب در آن روز به طرف پروردگارشان بیننده هستند ".

یعنی صاحبان روهای تروتازه که از خرسندی دیدار الله ﷻ و داخل شدن به جنت هیجان زده هستند الله ﷻ را نظاره میکنند ".

همچنان فضای گوارای بهشت ، سر سبزی و شادابی آن ، فضای امنیت و راحت آن و از هر طرف سلامتی و سلامتی: (لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهَا إِلَّا قِيلاً سَلَاماً سَلَاماً)³.

ترجمه: در جنت هیچ سخن بیهوده و گناه آلود را نمی شنوند بجز درود و سلامتی ".

عَنْ صُهَيْبٍ: عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ (إِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُرِيدُونَ شَيْئاً أُرِيدُكُمْ فَيَقُولُونَ أَلَمْ تُبَيِّضْ وُجُوهَنَا أَلَمْ تُدْخِلْنَا الْجَنَّةَ وَتُنَجِّنَا مِنَ النَّارِ قَالَ فَيَكْشِفُ الْحِجَابَ فَمَا أُعْطُوا شَيْئاً أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِنَ النَّظَرِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ عَزَّ وَجَلَّ)⁴.

ترجمه: " از صهیب رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: وقتیکه اهل جنت داخل جنت میشوند الله متعال برایشان میگوید: آیا چیزی میخواهید که برای تان زیاد کنم ! جنتیان میگویند: آیا روهای ما را سفید نگردانیده یی ! آیا داخل جنت نساخته یی ؛ از عذاب دوزخ نجات ما نداده یی ، رسول الله ﷻ گفت : بعد از آن حجاب دور میشود ، و هیچ چیزی داده نشده برای جنتیان که از نظربه پروردگارشان محبوب تر باشد ".

زمانیکه جنتیان کاملاً راضی میشوند و هیچ آرزوی دیگری در دل ندارند ؛ با دیدار الله ﷻ همه نعمات فراموش شان میشود ، پس حور نعمتی از نعمات جنت است و در دنیا نیز چنین است که ، هر چیزی

¹ سوره یونس آیه ۲۲.

² سوره قیامه آیه ۲۲.

³ سوره واقعه آیه ۲۶.

⁴ صحیح مسلم ج ۱ ص ۴۲۳.

هنگام ضرورت ارزش خود را دارد ، آب مهم ترین و ضروری ترین چیز است هنگام تشنگی ، زما نی که مؤمن برحوض و کوثر وارد میشوند از آب آن مینوشند بعد از شدت تشنگی میدان حشر و حساب و کتاب ، آیا لذت آن کم تر از حور است و یا جوی بارها و نهرهای جنت ، همچنان غذاهای لذیذی که از گوشت های پرنده گان رنگارنگ مطابق میل و ذوق جنتیان آماده شده هنگام گرسنگی کم تر از حور است ؟

پس باید گفت: نخیر! چنین نیست بل هر نعمت در جای خود ارزش خود را دارد حور ، شراب ، غذا ، میوه ... که بزرگترین نعمت جنت دیدار الله ﷻ میباشد.

اما موضوعی که دشمنان اسلام تشویش آن را داشته و میگویند: اسلام به زنان توجهی نداشته و آنان را از لذایذ محروم نگهداشته و تنها حور برای مردان اختصاص داده شده باید گفت ! هیچ گاه چنین نیست بل! زنان نیز مانند مردان در جنت دارای شوهر میباشد چنانچه در بحث (سرنوشت زنان بهشتی) واضح گردیده ، در جنت برای هر جنتی مرد و یازن بدون کدام ارجحیت هر آنچه آرزو کنند و به آن میل داشته باشند میسر و مهیاء است ضمن آنکه زنان توان انتخاب همسر را در بهشت دارند و از نعمات زنا شوهری برخوردارند آنان اکثرا شایق به مسایل تزئینی بوده اند که در جنت اکثر مسایل برای آنان مهیا و طبق ذوق شان برای شان زینت های گوناگون مهیا است ، حتی ظروف ، فرش ها ، خیمه ها ، تختها .. از طلا و نقره آماده شده و میباشد : (أَوَمَنْ يُنَشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ)¹.

ترجمه: " آیا کسی را که در لابلای زینت و زیور پرورش می یابد ، و به هنگام گفتگو و کشمکش در بحث و مجادله (به خاطر حیا و شرم و عاطفه نازکی که دارد) نمی تواند مقصود خود را خوب و آشکار بیان و اثبات کند (فرزند خدا می دانید و پسران را فرزند خود ؟ !)².

الله ﷻ برای زنان دنیا ، بی نهایت حسن و زیبایی عطا فرموده که بدون شک زنان به آن بسیار علاقه مند هستند ، در ده ها آیات و احادیث بیان اوصاف ، زیبایی و جوانی زنان بهشتی ذکر گردیده چنانچه در بحث (حوران بهشتی) به تفصیل بیان گردیده .

الله ﷻ میفرماید : (أَعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ)³.

¹ سوره زخرف آیه ۱۸ .

² تفسیر نور آیه ۱۹۴۰ .

³ سوره آل عمران آیه ۱۳۳ .

ترجمه: " برای پرهیزگاران مهیاشده". آیا درین آیه ذکر از مردان است ؟ و یامتقین تنها مردان خواهند بود ؟ بدون شک ! مردان و زنان و هرکسی از ایشان مزین به تقوی باشد شامل میباشد .

(وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا)¹.

ترجمه: " کسی که اعمال نیک انجام دهد و مؤمن باشد - خواه مرد و خواه زن - چنان کسانی داخل بهشت میشوند ، و کمترین ظلمی بر آنان نمی شود ."

یعنی بدون در نظر داشت جنسیت ، تذکیر و تانیث هر آنکسی که اعمال صالح و شایسته را انجام دهد مستحق جنت است و معیار تنها اعمال نیک و صالح میباشد .

پس جز فتنه انگیزی و ایجاد شک در اذهان مسلمانان ضعیف الایمان هیچ دلیلی برای آن و جود ندارد که تنها مردان از نعمات بهشت مستفید میشوند و یا حور فقط برای شهوت رانی برای مردان آفریده شده اند ، باید گفت: الله ذات عادل و مقتدری است که نظام عدل اش کامل و شامل بوده و همه افرادی که مستحق عطا و بخشش ذات اقدس الهی قرار بگیرد از نعمات مستفید میشوند .

مبحث سوم: باغها و میوه های جنت

مطلب اول: باغهای جنت

انسانها در دنیا بسیار علاقه مندی به سرسبزی ، زیبایی های طبعی ، شراره آب ، سایه درختان ، سایه بانهای مفشن و منقش ، نغمه بلبلان ، تاکها و درختان مثمر و غیرمثمر زینتی ... دارند ، دسترسی به این نوع باغها و باغچه ها در دنیا ممکن بوده و اگر بعضی ها به آن نیز دسترسی پیدا کرده نتواند ممکن کمتر از آن به دست داشته باشند ، اما از لحاظ مشکلات عدیده یی از حیث امنیت ، صحت مندی و مرض ، فقر ، تشویش های گوناگون ، حرص و حسد.. لذت حقیقی آن را درک کرده نمیتواند ، اما باغها و باغچه های جنت از این متفاوت بوده ، در آنجا سلامتی از همه آفات بوده و همه چیز آن لذت بخش بوده ، هیچ نوع کینه و بدبینی وجود ندارد ، هیچ قحطی و قیمتی و آفات و امراض عاید نمیکرد ، آنانی که مستحق جنت گردیده اند و مورد لطف پروردگار قرار گرفته اند در آن باغها و باغچه هانهایت در سرور و لذت در کنار هم بسر میبرند: { فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ }².

¹ سوره نساء ۱۲۴ .

² سوره روم آیه ۱۵ .

ترجمه: "گروهی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند ، آنان در باغ بهشت سرا سر در شادی و سرور می‌گردند (و آثار شادمانی در سراپای ایشان هویدا و پیدا است " .

امام سیوطی رحمه الله از ابن ابی حاتم نقل نموده که: مراد از روضه (باغهای جنت است)¹.

{وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا}.²

ترجمه: " سایه‌های (درختان) بهشتی بر آنان فرو می‌افتد ، و میوه‌های آنجا سهل الوصول و در دسترس شان قرار دارد " .

{إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ}.³

ترجمه: " بی‌گمان پرهیزگاران در میان باغها و چشمه‌ساران (بهشت) بسر می‌برند " .

الله ﷻ میفرماید: {وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ}.

ترجمه: " هر کسی که از مقام پروردگار خود بترسد ، باغهایی (در بهشت) دارد .

فراء در تفسیر آیه میگوید: (أنهما بستانان من بساتين الجنة).⁴

" جنتان " دوباغی است از باغهای جنت "

{وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ}.⁵ ترجمه: " بغير از باغهاي پيشين ، باغهاي ديگري وجود دارد " .

{ مُدْهَامَّتَانِ }⁶ ترجمه: " هر دو کاملاً سرسبز و خرم هستند (و از شدت سبزی و شادابی به سیاهی نزدیک شده اند) " .

یعنی درجنت باغهای وجود دارد که بر علاوه آن باغها ، باغهای دیگری نیز وجود دارد که هر یک از باغهای بعدی نسبت به باغهای قبلی که جنتی دیده بود سرسبز و زیباتر است ، زمانیکه سبزه و درختان در قوت خود باشد رنگ برگ درختان و سبزه زارها به طرف سیاهی میلان پیدا میکنند که باغهای جنت یکی نسبت به دیگر سرسبز و زیبا میباشد زمانیکه جنتی یک باغ را میبیند فکر میکند

¹ سیوطی: عبد الرحمن بن أبي بكر ، جلال الدين (المتوفى: ۹۱۱هـ) الدر المنثور

ناشر: دار الفكر - بيروت ۸ ج 6 ص ۴۸۶.

² سوره انسان آیه ۱۴ .

³ سوره ذاریات آیه ۱۵ .

⁴ معانی القرآن للفراء ج ۳ ص ۲۸۶ .

⁵ سوره رحمن آیه ۶۲ .

⁶ سوره رحمن آیه ۶۴ .

که بهترین باغ است اما زمانیکه باغهای دیگری را میبیند که زیبایی باغها ودرختان قبلی را فراموش میکند.

{مُتَّكِيْنَ عَلَى رَفْرِفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ} ¹

ترجمه: "بهشتیان بر بالشهای نگارین گرانبهای سبز رنگ تکیه می‌زنند و بر فرشهای منقش بی‌نظیر بسیار زیبا زندگی میکنند".

طبری رحمه الله میگوید: (مراد از رفرف نزد اهل تأویل باغهای جنت است). ²

سعید بن جبیر رحمه الله نیز میگوید: مراد از جنتان درآیه: {مُتَّكِيْنَ عَلَى رَفْرِفٍ خُضْرٍ} باغهای جنت است). ³

عن معاذ بن جبل قال : قال رسول الله ﷺ : (من أحب أن يرتع في رياض الجنة فليكثر ذكر الله). ⁴ درجه حدیث. ⁵

ترجمه: "از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: کسیکه خوش دارد درباغهای جنت تفریح کند الله ﷻ را زیاد ذکر کند".

¹ سوره رحمن آیه ۷۶

² تفسیر طبری ج ۲۲ ص ۲۷۳.

³ نجدی: فیصل بن عبد العزیز بن فیصل ابن حمد المبارک الحریملی النجدی (المتوفی: ۱۳۷۶هـ)

توفیق الرحمن فی دروس القرآن

ناشر: دار العاصمة ، المملكة العربية السعودية - الرياض ، دار العلیان للنشر والتوزیع ، القصیم الطبعة: الأولى ، ۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۶ م ، عدد الأجزاء: ۴ ج ۴ ص ۱۹۸.

⁴ المصنف لابن أبي شيبه ج ۸ ص ۷۹.

⁵ عراقی این حدیث را "صحیح" گفته. أبو الفضل زین الدین عبد الرحیم بن الحسین بن عبد الرحمن بن ابي بكر بن إبراهيم العراقي (المتوفی: ۸۰۶هـ) المغني عن حمل الأسفار في الأسفار ، في تخريج ما في الإحياء من الأخبار

ناشر: دار ابن حزم ، بیروت - لبنان الطبعة: الأولى ، ۱۴۲۶هـ - ۲۰۰۵ م ؛ عدد الأجزاء: ۱ ج ۱ ص ۳۴۹.

الله ﷺ به آنانیکه از او امرش اطاعت نموده اند و از نواهی خود را منع قرار داده اند چنین وعده میدهد: {أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ} ¹.

ترجمه: " برای پرهیزگاران پاداش اعمال شان بخشش پروردگارشان و باغهای (بهشتی) است که در زیر (درختان) آنها جویبارها روان است و جاودانه در آنجا ماندگارند ، و این چه پاداش نیکی است که بهره کسانی می گردد که اهل عمل هستند (ووفق فرمان الله ﷺ کار می کنند).

{ وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ * فَأَتَاهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ } ².

ترجمه: " ما چرا نباید به خدا و به حقیقتی که (پیامبران) برای ما آمده است ، ایمان نیاوریم ؟! و حال آن که (راه صواب نمایان و حق بی پرده عیان است و) امیدواریم که پروردگاران ما را با صالحان (به بهشت جاویدان) ببرد. پس الله ﷺ در برابر اعترافشان (به حق) باغهای (بهشت را) به عنوان پاداش بدیشان می دهد که در زیر (درختان) آن جویبارها روان است و آنان جاودانه در آنجا می مانند ، و این جزای نیکوکاران است.

عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ أَبُو الرَّبِيعِ رَفَعَهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفِي حَدِيثِ سَعِيدٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (عَائِدُ الْمَرِيضِ فِي مَخْرَفَةِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرْجِعَ). ³

ترجمه: " رسول الله ﷺ فرمودند: کسیکه از مریضی عیادت کند در باغهای بهشت میباشد تا زمانی که برگردد "

{وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ} ⁴.

ترجمه: " آنانیکه ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند در باغهای بهشت میباشد، نزد پروردگارشان هست آنچه که بخواهند ، این است کامیابی بزرگ "

در تفسیر تنویرالمقیاس ذکر شده: (کسانی که ایمان آورده و اعمال نیک انجام داده اند مانند ابوبکر و سایر صحابه در باغهای جنت میباشد). ¹

¹ سوره آل عمران آیه ۱۳۶

² سوره مائدة آیه ۸۴-۸۵.

³ صحیح مسلم ج ۱۲ ص ۴۳۶.

⁴ سوره شوری آیه ۲۲.

* طبری رحمه الله در تفسیر آیه میگوید: (کسانیکه ایمان آورده اند در باغهای جنت و نعمت های آن به سر می برند).²

* مولف فیض القدر ذکر نموده: (مراد باغهای جنت است یعنی کسانیکه بخاطر احوال پرسی مریض می رود تا زمانی که بازمیگردد در برابر هر قدمش الله ﷻ برایش ثواب میدهد که به همان اندازه وی از میوه های باغهای بهشت مستحق میشود).³

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا⁴.

ترجمه: " و اما کسانی را که (بدانچه به سویشان آمده است) ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند به باغهایی (از بهشت برین) وارد خواهیم ساخت که رودبارها در زیر (درختان) آنها جاری است . در آنجاها (زندگانشان هرگز پایان نمی گیرد و) جاودانه تا به ابد می مانند در آنجاها همسران پاکیزه ای (و به دور از آلودگیها و عیبها) دارند و آنان را (زندگی پرناز و نعمتی می دهیم و) به سایه (عزت و رفاهیت) گسترده ای داخل می گردانیم ."

مطلب دوم: میوه های جنت

{ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ }⁵.

ترجمه: " در آن باغها انواع میوه ها و از جمله خرما و انار است پس کدامیک از نعمتهای پروردگار خود را تکذیب و انکار می کنید ؟ !"

¹ فیروزآبادی : مجد الدین أبو طاهر مُحَمَّد بن یعقوب الفیروزآبادی (المتوفی: ۸۱۷هـ)

تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس ینسب: لعبد الله بن عباس - رضي الله عنهما - (المتوفی: ۶۸هـ)؛

ناشر: دار الکتب العلمیة لبنان؛ عدد الأجزاء: ۱ ج ۱ ص ۴۰۸.

² تفسیر طبری ج ۲۰ ص ۹۴۹.

³ مناوی: زین الدین مُحَمَّد المدعو بعبد الرؤوف المناوی القاهری (المتوفی: ۱۰۳۱هـ) فیض القدر شرح الجامع الصغیر

ناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر الطبعة: الأولى، ۱۳۵۶ ج ۹ ص ۸۴.

⁴ سوره نساء آیه ۵۷

⁵ سوره رحمن آیه ۶۸

میوه های فراوان و رنگارنگ باطعم لذت خوش آیند در دنیا وجود دارد که ، انسانها توان دسترسی به بعضی آنها را دارد و بعضی میوه هارا به سبب نداشتن ویا قیمت وقلت به دست آورده و خورده نمیتوانند ، درجنت میوه های است که ازکیفیت و لذت و طعم به مراتب بالاتراز میوه های دنیا بوده که جز نام به از لحاظ کیفیت و لذت میوه های دنیا با آنها مقایسه شده نمیتواند ، آن نعمات جنت بارنگهای گوناگون و طعم شیرین مطابق ذوق و میل جنتیان درهرزمان برایشان میسر است ، شاخه های درختان مطابق به ذوق آنها پیش تختها وسایه بانهای جنت به آنها نزدیک میشود وهیچ کمی و کاستی درمیوه ها وجود ندارد الله ﷻ میفرماید: { وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنُوءُ بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ }¹.

ترجمه: "مژده بده به کسانی که ایمان آورده اند و اعمال نیکو انجام داده اند ، این که ایشان را است باغهای (بهشتی) که در زیر درختان آن رود ها روان است . هرگاه بعضی از میوه های آنها بدیشان عطاء شود میگویند : بیشتر این نصیبمان گشته بود ، و همسان آن را آورده اند (چه چنین میوه هایی در جنس و شکل یکی بوده ، ولی طعم و مزه جداگانه ای دارند) . و در آنجا همسران پاک و بی عیبی داشته و در آنجا جاویدان خواهند ماند ." { وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ }². ترجمه: " (نوجوانان بهشتی برای آنان می گردانند) هر نوع میوه ای را که برگزینند ."

یعنی ازانواع میوه ها برای جنتیان پیش کش میشود به هر میوه یی که میل داشته باشند برای شان حاضر است بدون آنکه میوه ها خلاص شوند ویا زمانیکه به آن میل پیدا شود به تأخیر برسد بل چنین نیست درهرلحظه وساعتی که بخواهند مطابق خواست شان حاضر است چنانچه الله ﷻ میفرماید: { وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ * لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ }³.

ترجمه: " و در میان میوه های فراوان هستند ؛ که نه تمام می شود و نه منع می گردد . { حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا * وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا }⁴.

¹ سوره بقره آیه ۲۵ .

² سوره واقعه آیه ۲۰ .

³ سوره واقعه آیه ۳۲ .

⁴ سوره نبا آیه ۳۲

ترجمه: "باغهای سرسبز ، و انواع انگورهایشان مهیاست".
و دختران نوجوان و همسن و سالشان در خدمت شان قرار دارند".
{ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ }¹.

ترجمه: " در آنجا از هر میوه ای ، انواع و اقسامی موجود است.
هر میوه ئی را که بخواهند برایشان مهیاست ، از میوه های خشک و تازه ، میوه های درختی وز مینی ..
طبری رحمه الله میگوید: (مراد از زوجان از همه میوه ها انواع و اقسام وجود دارد).²
{ مُتَّكِيْنَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ }³.

ترجمه: " در آنجا (راحت و آسوده بر تختها) تکیه می زنند و میوه های فراوان و نوشیدنی های زیادی
را می طلبند (و خدمتکاران بهشتی فوراً خواست هایشان را برآورده می کنند)".
فخرالدین رازی رحمه الله میگوید: (متکین افاده کننده آنست که مردمان بهشتی مردمان عزیز
هستند چون خوراک در حالت تکیه و برتختها دلالت به آرامی و عزت میکند ، اگر انسان گرسنه باشد
به ایستاده گی میوه را میخورد و اگر ضرورت و کاری داشته باشد به عجله و غیرتکیه میخورد ، چنانچه
اطفال اکثر میوه را به ایستادگی میخورند اما اهل جنت میوه هار ابه حالت تکیه میخورند).⁴
آیات فوق چگونگی زندگی زیبا و مرفه جنتیان را بیان میکند ، ایشان تکیه کنان بر تختای منقش
وزیبا ، در باغهای سرسبز بهشت ، در کنار هم قرار گرفته خدمتگاران جوان در خدمت شان حاضر
و هرنوع میوه و مشروبات را که بخواهند برایشان آماده و با قدر و احترام خاص تقدیم میگردد ، میوه
های جنت هیچ گاه خلاص نشده و ذایقه و رنگ آن همیشه دلنشین و زیباست ، بعضی میوه های که
انسان به آنها در دنیا علاقه زیاد دارد قرآن کریم به شیوه های زیبا آنها را وصف نموده مانند انگور ،
انار ..

تنها آن نیست که برای جنتیان میوه های گوناگون و رنگارنگ آورده شود ، بل درختان و تاکهای زیبا
باسایه های خوشگوار در کنار شان قراردار ، هرزمانیکه بخواهند میتوانند از شاخهای درختان میوه را
بگیرند اما مراد از آوردن میوه هابرایشان نهایت به احترام و قدر شان دلالت میکند چون خدمتگاران
همیشه آماده به خدمت ایشان قرار دارند.

¹سوره رحمن آیه ۵۲

²تفسیر طبری ج ۲۲ ص ۲۴۲.

³سوره ص آیه ۵۱

⁴مفاتیح الغیب ج ۲۹ ص ۳۷۳.

مبحث چهارم: مشروبات جنت و منابع آنها

مطلب اول: مشروبات جنت

درجنت نهرها وجوی بارهای مختلفی از آب، شیر، شراب و عسل جاری است که از زیرقصرها و باغهای جنتیان جریان دارد؛ از آن جمله حوض درعرصات و کوثر درجنت از مهمترین آنها به حساب می آید چون حوض دروقت حساسی که مؤمنین سخت تشنه و خسته از صراط گذشته به آن وارد میشوند و کوثر نهری است که خاص به رسول گرامی اسلام مُحَمَّد مصطفی ﷺ اهدا گردیده است چون هدیه الهی برای رسول الله ﷺ است دارای ارزش و کیفیت بسیار عالی بوده که دربحث کوثر به تفصیل ذکر گردیده، همچنان نهرهای کوچک و بزرگ دیگری نیزوجود دارد که در ذیل هر یکی را به معرفی میگیریم:

۱- آب: در قرآن کریم از آب بحیث ماده حیات یاد گر دیده است الله ﷻ میفرماید: {وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ}.¹

ترجمه: "و همه چیز را به از آب زنده گردانیدیم".

پس آب برای موجودات حیه از ارزش بسزای برخوردار است، که بدون آن زراعت، سرسبزی، نظافت، زیبایی، آبادانی، تعمیرات و حتی زندگی وجود نمیداشته باشد، بناء به ارزش واهمیتی که آب دارد الله ﷻ از آن درجمله نعمات بزرگ جنت درسه مرحله یاد آوری نموده که حوض درعرصات، نهر کوثر درجنت که خاص به رسول الله صلی الله علیه وسلم عطاگردیده و سایر نهرها و چشمه سارهای جنت که الله ﷻ برای جنتیان عطا فرموده، که از زیرقصرها و باغچه های شان جریان دارد که دیدن صفای رنگ آن، لذت نوشیدن آن، و شنیدن شرشره آن برای جنتیان راحت و لذت میبخشد و اهل دوزخ دل به آرمان یک قطره آن میباشند اما برای شان به هیچ صورت، نه به خیرات و نه به بشردوستی و نه به خریدن میسر میشود چون دوزخیان از همه نعمات خود را قصدا محروم ساخته اند و از رحمت الله ﷻ دور هستند: {وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ}.²

¹ سوره انبیاء آیه ۳۰.

² سوره اعراف آیه ۵۰.

ترجمه: دوزخیان بهشتیان را صدا می‌زنند که مقداری از آب یا از چیزهایی که خداوند قسمت شما فرموده است به ما بدهید بهشتیان می‌گویند: خداوند آب و چیزهای بهشت را بر کافران حرام گردانیده است.

البته آب های جنت از همه اوصاف مکروه پاک است که نه گندیده و نه گرد آلود و نه گرم و نه بدبو است بل بی نهایت صفا و لذیذ است. { فِيهَا أَنْهَارٌ مِّنْ مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ }¹.
ترجمه: " در آن (جنت) آب است که گنده نشده است " .

طبری رحمه الله میگوید: (مراد از غیر آسن آبی است که دست به آن نرسیده باشد).² { وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمٌ أَجْرُ الْعَامِلِينَ }³.
ترجمه: " کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده باشند ، ایشان را در قصرهای عظیم بهشت جای می‌دهیم . کاخهایی که در زیر آنها جوی بارها روان است . جاودانه در آن بسر می‌برند پاداش آنان که (برای خدا) کار می‌کنند چه پاداش خوبی است " .

الله ﷻ آنانی را که ایمان آورده با جان و مال خویش در راه الله ﷻ جهاد نموده اند اینگونه مژده میدهد: {يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ }⁴.

ترجمه: " (اگر این تجارت را انجام دهید ، الله ﷻ) گناهانتان را می‌بخشاید ، و شما را به باغهای بهشتی داخل می‌گرداند که از زیر (کاخها و درختان) آن جویبارها روان است ، و شما را در منازل و خانه‌های خوبی جای می‌دهد که در باغهای بهشت جاویدان ماندگار ، واقع شده‌اند پیروزی و رستگاری بزرگ همین است .

۲- شیر: از جمله مشروبات جنت شیراست ، شیری که طعم آن هیچ تغییر نمی‌کند ، مانند شیر دنیا نیست که اگر اندک ترین گرمی بتابد بدبو و گندیده شود و یا رنگ آن تغییر کند و یا طعم آن تغییر کند ، بل شیر است که منبع و سر چشمه آن کوی مشک است که در نهایت خوش بو و خوش طعم است {وَأَنْهَارٌ مِّنْ لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ }⁵.

ترجمه: " و نهرهای از شیراست که طعم اش تغییر نکرده " .

امام طبری رحمه الله میگوید: (طعم شیر جنت بخاطر تغییر نمی‌کند که از پستان حیوان دوشیده نشده

¹ سوره محمد آیه ۱۵ .

² تفسیر طبری ج ۲۱ ص ۲۰۰ .

³ سوره عنکبوت آیه ۵۸

⁴ سوره صف آیه ۱۲ .

⁵ سوره محمد آیه ۱۵ .

که بعد از دوشیدن حالتش تغییر کند بل الله ﷻ درجوی بارها خلق کرده و به حالت اولی جاری می باشد)¹.

علامه صابونی رحمه الله در تفسیر آیه میگوید: (در جنت نهرهای شیراست که نهایت سفید، شیرین، روغنی و خوش ذایقه، هرگز با گذشت زمان تغییر نمیکند و فاسد نمیشود)².
سعید بن مسیب رحمه الله میگوید: (شیر جنت از بین سرگین و خون یعنی از شکم حیوانات خارج نمیشود)³.

۳- **عسل**: در جنت نهرهای عسل جاری است که مانند عسل های دنیا نیست هیچ گرد و غباری بر آن نه نهفته، ذایقه آن کاملاً لذیذ و شیرین، دارای بوی خوش و رنگ زیبا و دلنشین است، آن آلوده گی های، که عسل دنیا دارد عسل جنت از آن پاک و صفا است: {وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى}.⁴
ترجمه: "و نهرهای از عسل پاک و صفا است".

قرطبی رحمه الله در تفسیر آیه میگوید: (مراد از عسل مصفی آنست که نه بر آتش سرخ کرده شده و نه زنبور آن را آلوده ساخته بل کاملاً صاف و پاک است و ابن عباس رضی الله عنه میگوید: مراد از مصفی آن است که از شکم زنبور خارج نشده بل با دهان جمع کرده)⁵.
علامه صابونی رحمه الله میگوید: (مراد از عسل مصفی آنست که نهرهای عسل جاری است که نهایت صفا و شفاف، دارای بهترین رنگ و بو است و از شکم زنبور خارج نشده)⁶.

مزیت عسل نسبت به سایر مشروبات آنست که توسط منظم ترین گروپها که از طرف الله ﷻ مأمور هستند جمع آوری میشود همچنان عسل شفا است در قرآن کریم به صراحت از آن بنام شفاء یاد گردیده در حالیکه عسل دنیا از گل های دنیوی بوده و زنبور ها آن را اکثراً برای خوراکه خود و نسل

¹ تفسیر طبری ج ۲۱ ص ۲۰۰.

² صابونی: مُجَدَّ عَلِي الصابوني صفوة التفاسير؛

ناشر: دار الصابوني للطباعة والنشر والتوزيع - القاهرة؛ الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ -؛ عدد الأجزاء: ۱، ج ۳ ص ۱۹۳.

³ صفة الجنة ج ۲ ص ۱۵۷.

⁴ سوره مُجَدَّ آیه ۱۵.

⁵ تفسیر قرطبی ج ۱۶ ص ۲۳۷.

⁶ صفوة التفاسير ج ۳ ص ۱۹۴.

خود جمع آوری میکنند و ممکن عسل بعضی گل ها ذایقه خوب نداشته و حتی امکان آنست که عسل بعضی از گل ها مضر باشد قسمی که برای زنبور بوره و شربت داده میشود در صورتیکه خوراکه از گیاهان میسر نشود همان بوره و شربت بالای عسل تأثیر انداخته و کیفیت عسل را از بین می برد ، اما عسل جنت از هر لحاظ ممتاز و مفید و لذیذ است الله ﷻ از عسل و زنبور عسل اینگونه توصیف مینماید: {وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ * ثُمَّ كَلَّمِي مِنَ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَأَسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ} ¹.

ترجمه: پروردگارت به زنبوران عسل الهام کرد که از کوهها و درختها و داربستهائی که مردمان می سازند خانه‌هایی برگزینید . سپس از همه میوه‌ها بخورید و راههایی را بیمائید که خدا برای شما تعیین کرده است و کاملاً در اختیارند . از درون زنبور عسل ، مایعی بدست می آید که رنگهای مختلفی دارد.

در آن برای مردمان شفا نهفته است ، بی‌گمان در این (برنامه زندگی زنبوران عسل و ارمغانی که آنها به انسانها تقدیم می‌دارند که هم غذا و هم شفا است) نشانه روشنی (از عظمت و قدرت پروردگار) است برای کسانی که می‌اندیشند(و رازها و رمزهای زندگی آفریدگان از جمله جانوران را پیش چشم می‌دارند) ².

۴- شراب: زمانیکه نام از شراب گرفته شود مستقیماً در ذهن مخاطب چیزی خطور میکند که از آن بنام مادر پلیدی ها یاد میشود ، انسان را از انسانیت خارج میسازد ، عقل و شعور را از کار می اندازد ، بوی و تعفن سبب نفرت میشود ، باعث شرمندگی ، بی‌غیرتی و بی اعتباری انسان میشود و در آخر سبب غضب و نارضایتی الله ﷻ میگردد .

اما آنچه در اینجا مراد است شراب است که برای نوشنده لذت است و در نوشیدن آن رضای الله جل جلاله است و برای انسان های صدیق ، صالح و مطیع اوامر الله ﷻ مهیا شده ، نه به اشخاص پلید که آن شراب پلید را می نوشیدند بل برای کسانی است که از آن پلیدی های دو روزه خود داری کردند به امید شراب واقعی که لذت و عزت هر دو نهفته است ، الله ﷻ اینگونه وصف نموده:

{عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ * مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ * يَطُوفُونَ عَلَيْهِمْ وُلْدَانٌ مُّحَلَّدُونَ * بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ

¹ سوره نحل آیه ۶۹-۶۸

² تفسیر نور ج ۱ ص ۷۱۱.

مِنْ مَعِينٍ * لَا يُصَدِّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ }¹

ترجمه: "بهشتیان بر تختهای منقش ونهایت زیبایی که از زربافته شده می‌نشینند . روبه روی هم بر آن تختها تکیه می‌زنند . نوجوانانی گیلاس ها ، کوزه‌ها و جامهائی از رودبار روان شراب را بر آنها میگردانند.

که از نوشیدن آن ، نه سر درد میشوند ، و نه عقل و شعور خود را از دست می‌دهند."

{ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا }²

ترجمه: " نیکوکاران ، جامه‌های شرابی را به سر می‌کشند و می‌نوشند که آمیخته به کافور است . (این جامها پر می‌شود از) چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و هر جا که بخواهند با خود روان می‌کنند و می‌برند."

طبری رحمه الله میگوید: (کسانیکه از اوامر الله اطاعت نموده و از نواهی آن خود داری کرده اند از شراب جنت مینوشند ، و مراد از کأس هر ظرفی میباشد که در آن شراب باشد ، و تشبیه شراب به کافور به سبب لذت و گوارا بودنش است)³

سید قطب رحمه الله⁴ میگوید: (عرب ها شراب را با کافور و زنجبیل مخلوط میکردند تا لذت آن زیاد شود و آنان میدانستند که شراب جنت با کافور و زنجبیل مخلوط است ؛ درحالیکه شراب دنیا از هیچ لحاظ با شراب جنت قابل مقایسه نیست)⁵

{ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَاتٍ مِّنْ فَضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا * قَوَارِيرَ مِّنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا * وَيُسَقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا }⁶

ترجمه: " ظروف های طلایی شراب و گیلاس های زیبای شراب میانشان به گردش در می‌آید . گیلاس های منقش وصفای که از نقره‌اند ؛ (خدمتکاران بهشتی) آنها را به اندازه آن پرنموده اند ، در آنجا از

¹ سوره واقعه آیه ۱۹-۱۵ .

² سوره انسان آیه ۶-۵

³ تفسیر طبری ج ۲۳ ص ۵۳۹ .

⁴ سید قطب (۱۳۲۴-۱۳۸۷ هـ) سید قطب بن ابراهیم از جمله مفکرین اسلامی در قریه ئی موشا ، اسیوط مصر به دنیا آمده از دارالعلوم قاهره در سال ۱۳۵۳ هـ فارغ گردیده و در جریده الاهرام ایفای وظیفه نموده است ، همچنان بحیث مدرس در وزارت معارف تعیین گردیده بعدا بحیث مراقب فنی وزارت مقرر گردیده وی از شخصیت های برجسته اخوان المسلمین محسوب میگردد سید رحمه الله در سال ۱۳۸۷ هـ وفات نموده است . الاعلام للزرکلی ج ۳ ص ۱۴۷ .

⁵ فی ظلال القرآن ج ۶ ص ۳۷۸۱ .

⁶ سوره انسان آیه ۱۷-۱۵ .

جامه‌های شرابی بدیشان می‌دهند که آمیزه آن زنجبیل است".

خدمتگاران بهشتی گیلاس‌ها و کوزه‌های شفاف و طلائی که به اندازه میل و اشتیهای جنتیان پرموده اند بر آنها می‌گردند که در نوشیدن آن هرزمانی که طبع‌شان بخواد کدام مشکلی و کاستی وجود ندارد اگرچه ممکن است که بدون خادمان ازجوی بارها استفاده کنند و همچنان گیلاس‌ها نزدشان باشد اما خادمان که جوانان باسلیقه، خوش اخلاق، و مؤدب هستند بخاطر احترام و عزت‌شان آن شراب را برای‌شان می‌گردانند.

{ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَّخْتُومٍ * خِتَامُهُ مِسْكَ وَفِي ذَلِكَ فَلَيْتَاتٍ مِنَ الْمُتَنَافِسُونَ }¹

ترجمه: "به آنان از شراب زلال و خالصی داده می‌شود که دست نخورده و سربسته است. مهر آن از مشک است (و با دست زدن بدان، بوی عطر مشک در فضا پراکنده می‌شود). مسابقه دهندگان باید برای به دست آوردن این (چنین شراب و سایر نعمتهای دیگر بهشت) با همدیگر مسابقه بدهند و بر یکدیگر پیشی بگیرند".

{ عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ * يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ * بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ * لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ * وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عَيْنٌ }²

ترجمه: " (جنتیان) بالای تختهای آراسته و مزین، روبه‌روی یکدیگر می‌نشینند. گیلاس‌ها شراب برگرفته از نهرهای جاری شراب، گرداگرد آنان در گردش است. شراب سفیدرنگ و خوشگوار برای نوشندگان نه در آن زشتی‌های است و نه پلیدیها، و نه میخواران از آن به حالت تهوع در می‌آیند. (جنتیان) همسرانی دارند با چشمانی زیبا، بزرگ و خمارآلود".

الله ﷻ حالات جنتیان را و صف میکند درحالیکه آنان در تختهای زیبا و منقش درکنار هم نشسته اند برای‌شان شراب‌های سفید و پاکی که از همه عیوب و زشتی‌ها مانند بی‌هوشی دیوانه‌گی و پلیدی‌های که شراب دنیا درقبال دارد برایشان تقدیم میشود، این درحالیست که همسران ایشان باچشمان زیبا و خماری درکنارشان نشسته اند".

{ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزَفُونَ }³ يَقُولُ: (لَا تُصَدَّعُ رُءُوسُهُمْ)⁴.

طبری رحمه الله از مجاهد در تفسیر آیه فوق روایت نموده که میگوید: (جنتیان بانوشیدن شراب سرچرخ

¹ سوره مطففین آیه ۲۶-۲۵

² سوره صافات آیه ۴۸-۴۴.

³ سوره واقعه آیه ۱۹.

⁴ تفسیر طبری ج ۲۲ ص ۲۲۹.

وسردرد نمیشوند). یعنی مانند شراب دنیا نیست که انسان را بی اختیار و سرچرخ بسازد. ابن کثیر رحمه الله میگوید: (لا تصدع رؤسهم، ولا تنزف عقولهم، بل هي ثابتة مع الشدة المطربة واللذة الحاصلة، وروى الضحاك عن ابن عباس أنه قال: في الخمر أربع خصال: السكر، والصداع، والقيء والبول، فذكر الله خمر الجنة، ونزهها عن هذه الخصال)¹. ترجمه: "بانوشیدن شراب نه سردرد میشود و نه عقل خود را ازدست میدهد بل ضمن همه لذت و نشاطی که دارد انسان را بی اختیار نمی سازد".

ضحاک از ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده که میگوید: شراب دارای چهار خصلت است: بی هوشی، سردرد دی، قی، و بول؛ اما الله ﷻ شراب جنت را از این خصلت های ناپسند پاک گردانیده است.

یعنی شراب جنت مانند شراب دنیا نیست چون شراب دنیا در اصل حرام و ممنوع است و هرآنچه بوا سطره شرع حرام قرار داده شده حتما ضرر آن شدید بوده، شراب جنت حلال و از جمله نعمات مهم جنت به حساب می آید بدین اساس شراب جنت هیچ قباحت و ضرری ندارد بل همه لذت و بشاشت است که بانوشیدن آن احساس راحتی و صحت مندی بمیان می آید نه حالت بی خودی و یاوه گویی.

ب: منابع مشروبات جنت

جنت دارای مشروبات است که از لحاظ طعم، رنگ، خوشبوئی، طراوت و صفاء دراعلی ترین درجه قرار دارد، مشروبات جنت با مشروبات دنیا جزبه نام از هیچ لحاظ قابل مقایسه نیست، پس باید گفت: آنگونه که مشروبات جنت صفا و لذیذ است منابع آنها نیز از چنین کیفیت برخوردار است. منابع مشروبات جنت چشمه های زلال و پاک و نهرهای صفاو جاری است که اهل جنت با دیدن جریان آنها و نوشیدن آب آنها لذت می برند.

منابع مشروبات جنت طور عموم دونوع است یکی چشمه سارها و دوم نهرها که به تفصیل هریکی آنها می پردازیم.

۱- چشمه های جنت

در جنت چشمه های باطعم و رنگ های مختلف و جود دارد که بنده گان مقرب و نیکوکار الله ﷻ از آنها آب مینوشند، از چشمه سارهای جنت درقرآن کریم ضمن دیگر نعمات ذکر گردیده، البته چشمه

¹ تفسیر ابن کثیر ج ۷ ص ۵۲۰.

های مشهور عبارت اند: از کافور ، تسنیم و سلسبیل ؛ علاوه بر این چشمه ها مطابق خواست و آرزوی جنتیان چشمه سارهای دیگری نیز وجود خواهد داشت چنانچه مطابق ذوق جنتیان در نزدیک باغها و قصرهای شان نهرها و چشمه سارهای جاری میباشد ، الله ﷻ میفرماید: {فِيهِمَا عَيْنَانِ تَصَاحَتَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ} ¹

ترجمه: در آن باغها چشمه هایی اند که فواره کنان از زمین می جوشند.
پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار و تکذیب می کنید ؟ !
(إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ) ²

ترجمه: " بی گمان پرهیزگاران در میان باغها و چشمه ساران (بهشت) بسر می برند ".
الله ﷻ میفرماید: (عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا) ³

ترجمه: " در آن (جنت) چشمه یی است که سلسبیل نام دارد).
همچنان فرموده: { إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ } ⁴

ترجمه: " پرهیزگاران در زیر سایه ها و در کنار چشمه سارانند ".
{ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ } ⁵ ترجمه: " در آنجاها چشمه سارانی جاری است ".

{ إِنَّ الْأُبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا } ⁶
ترجمه: " نیکوکاران ، از جامهای شرابی می نوشند که آمیخته به کافور است " ⁷

چشمه ای که بندگان الله ﷻ از آن می نوشند و هر جا که بخواهند با خود روان می کنند و می برند ".
چشمه اولی بنام کافور یاد میشود که بنده گان نیکو کار الله ﷻ از آن مینوشند: { إِنَّ الْأُبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا } ⁸

¹ سوره رحمن آیه ۶۶

² سوره ذاریات آیه ۱۵

³ سوره انسان آیه ۱۸

⁴ سوره مرسلات آیه ۴۱

⁵ سوره رحمن آیه ۵۰

⁶ سوره انسان آیه ۶-۵

⁷ « کافور » : گیاه خوشبوئی است که عربها آن را به داخل شراب می ریختند تا خوش بو گردد ولی در اینجا اسم آبی است در بهشت . تشبیه آن به کافور از لحاظ سفیدی و خوشبوئی است . فرهنگ فارسی معین ج ۲ ص ۱۳۲۷ .

⁸ سوره انسان آیه ۶-۵

چشمه دوم بنام تسنیم است: تسنیم چشمه ئی است در جنت که بنده گان نیکوکار و مقرب الله ﷺ از آن مینوشند: {إِنَّ الْأُبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (22) عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (23) تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (24) يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ (25) خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (26) وَمِمَّا رَزَقْنَاهُ مِنْ تَسْنِيمٍ (27) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (28)}¹.

ترجمه: "بی گمان نیکان در میان انواع نعمتهای فراوان بهشت بسر خواهند برد. بر تختهای مجلل (بهشتی) تکیه می‌زنند و (به زیباییها و نعمتهای بسیار آنجا) می‌نگرند. (هرگاه بدیشان بنگری) خوشی و خرمی و نشاط نعمت را در چهره‌هایشان خواهی دید. به آنان از شراب زلال و خالصی داده می‌شود که دست نخورده و سربسته است. مَهر و دربند آن از مشک است (و با دست زدن بدان، بوی عطر مشک در فضا پراکنده می‌شود). مسابقه‌دهندگان باید برای به دست آوردن این (چنین شراب و سایر نعمتهای دیگر بهشت) با همدیگر مسابقه بدهند و بر یکدیگر پیشی بگیرند. آمیزه آن تسنیم است. «مِزَاج» : همزوج. آمیزه و آمیخته «تَسْنِيمٍ»: آبی که از بلندی فرو می‌ریزد. در اینجا اسم چشمه‌ای است در بهشت.

تسنیم چشمه‌ای است که مقربان (بارگاہ یزدان) از آن می‌نوشند". چشمه سوم بنام سلسبیل است: ² الله ﷻ میفرماید: {وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا (17) عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا}³.

ترجمه: "در آنجا از جامهای شرابی بدیشان می‌دهند که آمیزه آن زنجبیل⁴ است. (این جامها پر می‌شوند از) چشمه‌ای که در بهشت است و سلسبیل نامیده می‌شود. قرطبی در تفسیر خود از مجاهد نقل نموده که میگوید: (الزَّجْبِيلُ اسْمٌ لِلْعَيْنِ الَّتِي مِنْهَا مِزَاجُ شَرَابِ الْأُبْرَارِ. وَكَذَا قَالَ قَتَادَةُ: وَالزَّجْبِيلُ اسْمٌ الْعَيْنِ الَّتِي يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ صِرْفًا وَتُمَزَجُ لِسَائِرِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. وَقِيلَ: هِيَ عَيْنٌ فِي الْجَنَّةِ يُوجَدُ فِيهَا طَعْمُ الزَّجْبِيلِ).⁵

¹ سوره مطففین آیه ۲۸-۲۲

² سَلْسَبِيلُ : در لغت ، به معنی آب روان و خوشگوار است . در اینجا اسم خاص است . فرهنگ فارسی معین ج ۲ ص ۷۹۶

³ سوره انسان آیه ۱۸-۱۷ .

⁴ زَنْجَبِيلُ : اسم گیاهی است که در مناطق گرمسیر می‌روید . عربها زنجبیل را به خاطر آنکه نشاط آور ، محرک و خوشبو بودن در شراب می‌ریختند . فرهنگ فارسی معین ج ۲ ص ۸۱۰

⁵ تفسیر قرطبی ج ۱۹ ص ۱۴۲ .

ترجمه: "زنجبیل اسم چشمه یی است که شراب نیکو کاران به آن مخلوط میشود. و قتاده میگوید: زنجبیل اسم چشمه یی است تنها که مقربین (نزدیکان) از آن مینوشند و به سایر اهل جنت مخلوط کرده میشود؛ بعضی گفته اند چشمه یی درجنت است که طعم آن زنجبیل است).

از دلایل فوق برمی آید که درجنت چشمه های مشهوری است و همچنان چشمه های غیرمشهور که مطابق ذوق جنتیان درباغ و باغچه ها و قصرهای شان وجود دارد که آب آنها با کافور و زنجبیل خلط میباشد و آب خالص میباشد، در نهایت درجه صفا و خوش طعم و خوش ذایقه که بنده گان مقرب و نیکوکاران الله ﷻ از آنها مینوشند.

چنانچه الله ﷻ میفرماید: { فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ }¹

ترجمه: "در آن باغها چشمه هایی است که فواره کنان از زمین می جوشند".

۲- نهرهای جنت

جنت دارای نهر های است که از آنها آب ذلال جریان دارد اگرچه دراصل منبع آب چشمه میباشد که آب از آنها جریان پیدا کرده و از ملحق شدن چندین چشمه نهر ها و دریاها تشکیل میشود، ایجاب میکرد که تنها از چشمه ها بحیث منبع یاد آوری شود اما آنچه قرآن کریم واحادیث نبوی از نهر ها به تفصیل یاد آوری کرده و در اکثر جاها تنها ذکر نهر شده و بیان وصف آن شده بدین اساس نهر ها مستقل از چشمه سارها به بحث گرفته میشود که در جریان بحث موضوع روشن تر خواهد شد.

درجنت علاوه بر کوثر که از نهرهای مشهور جنت است و حوض عرصات بعد از صراط، که فرع کوثر میباشد، در قرآن کریم چهار نوع نهر ذکر شده: (مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّنْ مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّنْ لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنِ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ)².

ترجمه: " وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده است (چنین است که) در آن جوی بار هائی از آب (زلال و خالص) است که گندیده و بدبو نگشته است ، و رود بارهائی از شیرینی است که طعم و مزه آن متغیر نشده است ، و جوی بارهائی از شرابی است که سراپا لذت برای نوشندگان است و جوی بارهائی از عسلی است که خالص و پاک است ، و در آنجا آنان هرگونه میوه ای دارند ،

¹ سوره رحمن آیه ۶۶

² سوره محمد آیه ۱۵

و از آمزش پروردگارشان برخوردارند (آیا چنین کسانی) همانند کسانی اند که در آتش دوزخ جاویدان می‌مانند و از آب داغ و جوشان نوشانده می‌شوند ، (آبی که به محض نوشیدن) روده‌های ایشان را پاره پاره می‌کند و از هم جدا می‌کند ."

آیه مبارکه فوق از چهار نهر حکایت دار ، نهر آب صفا و زلال نوشیدنی ، نهر شیر ، نهر عسل و نهر شراب است .

عن حکیم بن معاویه عن أبيه: عن النبي صلى الله عليه و سلم قال (إن في الجنة بحر الماء و بحر العسل و بحر اللبن و بحر الخمر ثم تشقق الأنهار بعد).¹

از حکیم بن معاویه روایت است که وی از پدرش روایت نموده که رسول الله ﷺ فرمود: در جنت نهرهای از آب ، عسل ، شیر ، و شراب وجود دارد که از هر یکی آنها جوی بارهای دیگری جاری شده ؛ مراد از جوی بارهای دیگر جوی های است که اهل بهشت به خانه ها و باغ های خود وصل نموده اند .

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (إِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ فَسَلُّوهُ الْفِرْدَوْسَ فَإِنَّهُ أَوْسَطُ الْجَنَّةِ وَأَعْلَى الْجَنَّةِ وَفَوْقَهُ عَرْشُ الرَّحْمَنِ وَمِنْهُ تَفَجَّرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ).²

ترجمه: " از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده که گفت : رسول الله ﷺ فرمود: زمانیکه از الله ﷻ جنت را خواستید ، فردوس را بخواهید! بخاطریکه فردوس بلندترین جنتها و وسط جنت است ، در فوق آن عرش رحمن است و از فردوس نهرهای جنت جریان پیدا میکند ."

در شرح کتاب توحید امام بخاری رحمه الله ذکر شده که (منبع نهر های جنت از زیر عرش رحمن ، از جنت فردوس میباشد ، فردوس در آسمان است و زیر عرش رحمن ، چنانچه آب عادتاً از مکان بلند سرچشمه می‌گیرد ، نهرها نیز از فردوس و از زیر عرش جریان پیدا کرده است).³

(مراد از چهار نهر: (آب ، عسل ، شیر و شراب) به اعتبار نوع میباشد نه به اعتبار تعداد).⁴ یعنی چهار نوع نهر میباشد که نهر آب ، شیر ، شراب و عسل است اما از حیث تعداد چنانچه ذکر گردید زیاد است حتی از زیر قصرهای هر جنتی و از بین باغهای شان نهرها جریان دارد .

¹ سنن الترمذی ج ۴ ص ۶۹۹ امام ترمذی میگوید (حسن صحیح) و شیخ البانی به صحت آن حکم کرده .

² صحیح البخاری ج ۲۲ ص ۴۳۳ .

³ غنیمان: عبد الله بن محمد الغنيمان شرح كتاب التوحيد من صحيح البخاري

ناشر: مكتبة الدار ، المدينة المنورة الطبعة: الأولى ، ۱۴۰۵ هـ ؛ ج ۱ ص ۴۰۶ .

⁴ عبد الفتاح : معتر أحمد أحاديث وردت في العرش

ناشر: موقع مكتبة صيد الفوائد ؛ <http://www.saaaid.net/book/index.php> ؛ ج ۱ ص ۹ .

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَنْهَارُ الْجَنَّةِ تَخْرُجُ مِنْ تَحْتِ تِلَالٍ - أَوْ مِنْ تَحْتِ جِبَالٍ - مَسْكٌ".¹

ترجمه: "ابی هریره رضی الله عنه روایت نموده که رسول الله ﷺ فرمودند: نهرهای جنت از زیر کوههای مسک (مشک) سرچشمه میگیرند.

عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ: (الشهداء على بارق نهر بباب الجنة في قبة خضراء يخرج إليهم رزقهم من الجنة بكرة وعشيا).² درجه حدیث³

ترجمه: "از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ﷺ فرمودند: شهداء بدرخشدگی قبه های نهریکه بر دروازه های جنت قرار دارد میباشد و روزی شان صباحی و شام گاه برای شان ازجنت بیرون آورده میشود".

باذکر دلایل فوق باید گفت: درجنت نهرهای وجود دارد که لذت نوشیدن، دیدن فواره و جریان آب آن و شنیدن شراره آن همه برای جنتیان لذت بخش است الله ﷻ ضمن ذکرهمه نعمات از انهار جنت در قرآن کریم به شیوه های زیبا چندین مرتبه درسوره های مختلف قرآن کریم ذکر نموده و به پیامبر ﷺ خبر داده تا مؤمنین را از آن نعمات ارزنده خوش خبری دهد چنانچه میفرماید: {وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ}.⁴

ترجمه: "ای پیامبر ﷺ مژده بده به کسانی که ایمان آورده اند و اعمال نیکو انجام داده اند این که ایشان را ست باغهای (بهشتی) که در زیر درختان آن جوی بارهای روان جاری است".

{ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ }.⁵

ترجمه: "خداوند برای آنان باغهای (بهشت) را آماده کرده است که جوی بارها در (زیر کاخها و درختان) آن روان است و جاودانه در آن میمانند. این است پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ.

¹ ابن حبان: مُجَدَّبُ بْنُ حَبَانَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَبَانَ، البُستِي (المتوفى: ٣٥٤هـ) الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان

ناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت؛ الطبعة: الأولى، ١٤٠٨ هـ - ج ١٠ ص ٤٢٣. (شعيب الأرناؤوط ميگوید: إسناد حسن).

² ابن حبان: مُجَدَّبُ بْنُ حَبَانَ بْنِ أَحْمَدَ أَبُو حَاتِمِ التَّمِيمِي البُستِي صحيح ابن حبان

ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة الثانية، ١٤١٤ تحقيق: شعيب الأرناؤوط شعيب الأرناؤوط عليها ج ٩ ص ٤٧١.

³ سيوطي: الإمام جلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر بن مُجَدَّبُ بْنُ حَبَانَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَبَانَ، سابق الدين السيوطي؛ امام سيوطي حديث را "صحيح" گفته الجامع الصغير من حديث البشير النذير ج ٢ ص ٢٦. shamela.

⁴ سوره بقره آیه ٢٥.

⁵ سوره توبه آیه ٨٩

الله ﷺ بعد از ذکر آیات میراث ، در مورد آنانیکه از او امرش در سپردن حق به صاحب حق اطاعت نموده اند میفرماید: {تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ}.¹

ترجمه: " این (احکام راجع به یتیمان و وصیت و سهام مواریث) حدود الله ﷺ است و هر کس از الله ﷺ و پیغمبرش اطاعت کند ، الله ﷺ او را به باغهای (بهشت) وارد می کند که در آنها رود بارها روان است و (چنین کسانی) جاودانه در آن می مانند و این پیروزی بزرگی است."

یعنی کسانی که اموال ایتام را به ناحق قبضه نکرده اند و سهام مواریث را برای شان مطابق به امرالهی سپرده اند ، الله ﷺ آنها را به جنت داخل میسازد که از زیر باغ های آن نهرها جاری است و برای همیشه در آنجا میباشند ، پس چه بدله نیک است برای کسانی که ظلم نمی کنند و برای صاحب حق حق اش را میسپارند. و خداوند ﷻ چه بزرگ و مهربان است بر بنده گان صادق و عادل خود.

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (رُفِعَتْ إِلَى السِّدْرَةِ فَإِذَا أَرْبَعَةُ أَنْهَارٍ نَهْرَانِ ظَاهِرَانِ وَنَهْرَانِ بَاطِنَانِ فَأَمَّا الظَّاهِرَانِ النَّيْلُ وَالْفُرَاتُ وَأَمَّا الْبَاطِنَانِ فَنَهْرَانِ فِي الْجَنَّةِ).²

ترجمه: " از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت : رسول الله ﷺ فرمود: بالا برده شدم نزد سدره المنتهی ، در آنجا چهار نهر را دیدم ، دونهری که آشکارا و ظاهر بودند و دو نهری که پنهان بودند ، دو نهر ظاهر عبارت از نیل و فرات است و دو نهر پنهان در جنت اند.

عن أبي هريرة قال: قال رسول الله - ﷺ -: " سيحان وجيحان والفرات والنيل كل من أنهار الجنة ".³
ترجمه: " از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند : (سیحان ، جیحان ، فرات و نیل همه از نهرهای جنت اند)".

در مورد سیحان ، جیحان ، فرات و نیل از نهرهای جنت است! علماء نظریات مختلفی دارند: ابن عثیمین میگوید: (اضافت نهرها به جنت بسبب برتریت شان است نه آنکه حقیقتاً آنها از جنت

¹ سوره نساء آیه ۱۳

² صحیح البخاری ج ۱۷ ص ۳۲۲

³ صحیح مسلم ج ۱۳ ص ۱۴۲.

منشأ میگیرند؛ و یا این که حقیقتاً منشأ آنها از جنت است اما بسبب غلبه طبع آبهای دنیا بر آنها بنام نهرهای دنیا موسوم شدند)¹.

ملاعلی قاری رحمه الله میگوید: (منشأ گرفتن این نهرها از جنت درست نیست چون مواصفتی که نهرهای جنت دارند این نهرها ندارند، مانند: کسیکه از آب جنت بنوشد هرگز تشنه نمیشود اما این خصوصیت در این نهرها نیست بل مراد افضلیت آنها است چنانچه روز خوش را روز جنت میگویند و یا حلقات ذکر را باغ جنت گفته میشود)².

امام نووی رحمه الله میگوید: (صحیح آنست که حدیث به ظاهر حمل شود چون در حدیث اسراء آمده که نیل و فرات از جنت خارج میشود و در صحیح بخاری آمده که از سدرۃ المنتهی منشأ میگیرند)³.

در جنت نهرهای جاری وجود دارد که آبهای شفاف و شیرین از آنها جاری میباشد همچنان نهرهای شیر، عسل، شراب .. از نهرهای مشهور اند ضمن آنکه نهرهای بزرگی خاص به رسول الله ﷺ عطا گردیده مانند حوض و نهر کوثر؛ اما نهرهای سیحان، جیحان، نیل و فرات بنام نهرهای جنت یاد گردیده اند اما در مورد نظریات مختلفی ارایه گردید، احیاناً اگر نهرهای سیحان، جیحان .. نهر جنت باشد و یا خیر کدام مشکلی وجود ندارد چون نهرهای فراوان و لذیذی در جنت وجود دارد که جنتی ها از نوشیدن آنها لذت برده و از آب های آنها تشنگی خویش را مرفوع ساخته و از شراره آب آنها نیز لذت برده و سبب راحتی شان میگردد.

مطلب دوم: شبهات وارده در مورد شراب جنت و دفع آنها

¹ عثیمین: مُحَمَّد بن صالح بن مُحَمَّد العثیمین (المتوفی: ۱۴۲۱هـ) شرح ریاض الصالحین ناشر: دار الوطن للنشر، الرياض؛ الطبعة: ۱۴۲۶هـ؛ ج ۶ ص ۶۳۷.

² مرقاة المفاتیح ج ۲ ص ۵۹۰.

³ نووی: أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف النووی (المتوفی: ۶۷۶هـ) المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج

ناشر: دار احیاء التراث العربی - بیروت؛

الطبعة: الثانية، ۱۳۹۲ عدد الأجزاء: ۱۸. ج ۱۷ ص ۱۷۶.

الف: شبهات

دشمنان اسلام میگویند اسلام شراب را در دنیا حرام قرار داده و آنرا برای انسانها مضر معرفی نموده و سبب هلاکت و بر بادی انسان میداند درحالیکه درجنت نهرهایی از شراب جاری است!

ب: دفع شبهات

بلی اسلام شراب را در دنیا حرام گردانیده و از آن بنام ام الخبائث، مادر پلیدی ها و عمل شیطانی یاد کرده: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ} ¹.

ترجمه: "ای مؤمنان! شراب نوشی و قماربازی و بتان و تیرها (و سنگها و او راقی که برای بخت آزمایی و غیبگوئی به کار می برید، همه و همه از لحاظ معنوی) پلیدند و عمل شیطانی می باشند. پس از (این کارهای) پلید دوری کنید تا این که رستگار شوید".

همچنان از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند (کل شراب أسکر فهو حرام).² ترجمه: "هر نوشیدنی که مستی و بی هوشی ببار آورد حرام است".

همچنان از آن بنام گناه بزرگ یاد کرده و برای کسانی که از آن بنوشد حد قرار داده است اما تشویش مستشرقین و دشمنان اسلام بر آن است که درجنت نهر های از شراب جاری است! و برای جنتیان وعده داده شده است: {وَأَنْهَارٌ مِّنْ حَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ} ³.

ترجمه: "برای جنتیان نهرهای از شرابی که برای نوشندگان لذت می بخشد است".

اگر دقت صورت بگیرد ظاهر آیات و حدیث کاملا موضوع را واضح میسازد اینکه شراب دنیا کدام اضرا را درقبال دارد و شراب جنت کدام محاسن را درقبال دارد چنانچه الله ﷻ میفرماید: {لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنرَفُونَ} ⁴.

ترجمه: "ونه در شراب جنت تباهیها و گرفتاریهایی (همچون بیهوشی و سر درد و سایر مضرات و

¹ سوره مائده آیه ۹۰.

² قزوینی: محمد بن یزید أبو عبد الله القزويني سنن ابن ماجه الناشر: دار الفكر - بيروت تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي عدد الأجزاء: ۲ مع الكتاب: تعليق محمد فؤاد عبد الباقي والأحاديث مذيلة بأحكام الألباني عليها ج ۲ ص ۱۱۲۳ شيخ الباني "صحيح" گفته.
³ سوره محمد آیه ۱۵.

⁴ سوره صافات آیه ۴۷.

مفاسد) است و نه به سبب نوشیدن آن به حالت تهوع (و استفراغ و عرق و کثرت بول) در می آیند". آنچه اکثرا مشاهده میشود شراب نوشان دردنیا باهمه بی عزتی ها مواجه میشوند ، ازهیچ لحاظ خود را اداره کرده نمیتوانند ، کاملا بی اختیار ، ودرحالت غیر انسانی بسر میبرند ، بناء سبب واضح است شراب دنیا سراسر مضر از حیث مادیات و معنویات اما شراب جنت مفید و باعث لذت و راحت میباشد { يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ * بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ * لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنَزَّفُونَ }¹ ترجمه: "نوجوانانی ، همیشه نوجوان (برای خدمت بدیشان ، پیرامونشان در آمد و رفت هستند و شراب را) برای آنان می گردانند.

(برای آنان به گردش در می آورند) گیلای ها ، کوزه ها و جامهائی از جوی بارهای روان شراب.

از نوشیدن آن ، نه سر درد میشوند ، و نه عقل و شعور خود را از دست می دهند".

پس چطور قابل مقایسه خواهد بود شرابی که کاملا ضرر ، بی عزتی ، بی عقلی و همه را در بردارد و شرابی که کاملا لذت ، عزت ، و شادابی در پی دارد.

بناء شراب جنت از آن اضراریکه شراب دنیا داراهست کاملا پاک بوده و برای جنتیان مهیا شده و از جمله بهترین نعمات جنت محسوب میگردد.

سوال دیگری که وار میشود گویا درگفته قرآن تناقض وجود دار ، شراب دنیا حرام و شراب جنت حلال ؟ در جواب باید گفت: تناقض در صورتی است که شروط تناقض موجود باشد یعنی از شروط تناقض وحدت موضوع شرط است مثلا در همین قضیه اگر قرآن یک مرتبه گفته باشد شراب مسکر حرام است و مرتبه بعد گفته باشد شراب مسکر و مست کننده حلال است پس بدون شک تناقض است اما قرآن کریم گفته: شراب الکولی ، مسکر و مست کننده حرام است چون باعث زوال عقل انسانیت و شرافت و عزت انسان میشود اما شراب جنت شرابی است که نه اضرار جسمی و نه مفاسد فردی و اجتماعی و مستی و بی هوشی در پی دارد بل لذت و نشاط آور می باشد.

پس در کلام الهی هیچ تناقضی و جود نداشته و علت حرمت و حل واضح است "

مبحث پنجم: غذاهای جنت

در دنیا غذاهای گوناگون با طعم های لذیذ و خوش آیند ، هرآنچه که انسان بخواهد ممکن میسر شود و شاید کسی توانایی خوراک آن غذاها را نداشته باشد یا از نگاه قلت غذا یا نداشتن وجوه مالی و یا به سبب امراض و... اما درجنت چگونه خواهد بود ؟ جواب آنست که نخیر درجنت چنین نیست بل

¹ سوره واقعه آیه ۱۷ - ۱۹

غذاهای باطعم های لذیذ و خوش آیند کاملاً صحتی که هیچگاه به انسان ضرر نمی رساند ، خوردن آن هیچگاه باعث دل گرفتگی انسان نمیشود ، از حیث قیمت و قحطی هیچ تشویشی وجود ندارد همیشه مطابق ذوق و اشتهای جنتیان میسر و موجود میباشد الله ﷻ میفرماید: {وَأَمَدَدْنَاَهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ} ¹.

ترجمه: " پیوسته هر گونه میوه ای و گوشتی را که بخواهند در اختیارشان می گذاریم "

{وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ (20) وَلَحْمٍ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (21)} ².

ترجمه: " (نوجوانان بهشتی برای آنان می گردانند) هر نوع میوه ای را که بخواهند . و گوشت پرندگی که بخواهند و آرزو کنند "

میوه های گوناگون و رنگارنگ که لذت آن و رنگ آن همه یکی است ، مانند میوه های دنیانیست که رنگ آن خوش آیند باشد اما طعم و ذایقه آن تغیر باشد ، بل میوه های جنت چنین نیست همانگونه که رنگ آن زیبایی و طراوت دارد لذت آن نیز لذیذ و خوش ذایقه است .

گوشت پرندگی های زیبای بهشتی ، هر نوع پرندگی که انسان به آن میل داشته باشد برایش با پخت طبعی که هیچ نوع دود ، سوختگی ... دیده نمیشود آماده و خادمان جوان برایشان حاضر میسازد .

الله ﷻ میفرماید: {يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهُهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ} ³.

ترجمه: " برایشان کاسه ها و جامه های زرین به گردش انداخته می شو و هر چه دل بخواهد و هر چه چشم از آن لذت ببرد ، در بهشت وجود دارد ، و شما در آنجا جاودانه خواهید بود .

درخوراک غذاهای جنت ، هیچ نوع ممانعتی وجود ندارد .

هر نوع غذا که طبع انسان بخواهد و اشتها داشته باشد برایش میسر است الله ﷻ میفرماید: {كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ} ⁴.

ترجمه: " در برابر کارهایی که در زمانه های گذشته (دنیا) انجام داده اید . بخورید و بنوشید گوارا باد ! آنچه که شما هستید "

الله ﷻ آنچه برای شهدا از رزق مهیاء نموده میفرماید: {وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ

¹ سوره طور آیه ۲۲ .

² سوره واقعه آیه ۲۰-۲۱

³ سوره زخرف آیه ۷۱

⁴ سوره الحاقة آیه ۲۴

أَحْيَاءَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ¹ }

ترجمه: " و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند ، مرده شمارید ، بلکه آنان زنده اند و بدیشان نزد پروردگار شان روزی داده می‌شود ."

الله جل جلاله چگونگی معیشت ، راحت و رزق جنتیان را اینگونه وصف نموده: {لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا² }

ترجمه: " آنان در آنجا گفتار پوچ و بیهوده ای نمی‌شنوند ، غیر از درود و سلام را ، صبحگاهان و شامگاهان خوراک و طعام ایشان آماده است ."

ابومنصور ماتریدی از حسن نقل نموده که میگوید: چون عرب به غذای صبحانه و شبانه بسیار علاقه مند هستند بنام صبح و شام ذکر شده در حالیکه در جنت تاریکی و شب و صبح مانند دنیا نیست بل هر زمانی که به غذا اشتها داشته باشند برای شان مهیا و میسر است³ .

ابن کثیر رحمه الله میگوید: (در جنت شب و روزی وجود ندارد بل جنتیان همیشه در روشنی بسر می‌برند و هر آن به غذا میل داشته باشند برای شان حاضر میشود)⁴ .

ابوحفص دمشقی در تفسیر خود اللباب میگوید: (غذای جنتیان به اندازه صبح و شام آورده میشود نه آن که مراد شب و روز باشد چون جنت همیشه روشن است)⁵ .

الله ﷻ میفرماید: {أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ⁶ }

ترجمه: "آنان واقعا مؤمن هستند و دارای درجات عالی ، مغفرت الهی ، و روزی پاک و فراوان در پیشگاه خدای خود می‌باشند ."

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (أَوَّلُ زُمْرَةٍ تَلِجُ الْجَنَّةَ صُورَتُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ لَا يَبْصُقُونَ فِيهَا وَلَا يَمْتَخِطُونَ وَلَا يَتَعَوَّطُونَ أَنِيَّتُهُمْ فِيهَا الذَّهَبُ أَمْشَاطُهُمْ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةُ)⁷ .

ترجمه: " از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: اولین گروهی که داخل جنت میشوند روهای شان مانند مهتاب شب چهاردهم میباشد آنان نه آب دهن (قی) می‌کنند و نه آب بینی خویش را می‌افشانند و نه قضای حاجت دارند ظرفهای شان از طلاست ، شانه های شان از طلا و نقره ."

¹ سوره آل عمران آیه ۱۶۹

² سوره مریم آیه ۶۲

³ تفسیر ماتریدی ج ۷ ص ۲۴۸

⁴ تفسیر ابن کثیر ج ۵ ص ۲۴۷

⁵ اللباب فی علوم الكتاب ج ۹ ص ۱۴۱

⁶ سوره انفال آیه ۴

⁷ صحیح البخاری ج ۱۱ ص ۲۳

برای جنتیان هرآنچه بخواهند برای شان داده میشود که غذا و طعام نیز از آن جمله میباشد غذاهای جنت دارای طعم و لذت عالی بوده و در هر زمان و مکان برای جنتیان میسر میباشد، با خوردن غذاهای جنت، مردمان جنتی به قضای حاجت ضرورت ندارند چون آنان از بول و قضای حاجت پاک هستند، برای آنان غذاهای جنت، در ظرف های زیبا و منقشی که از طلا و نقره ساخته شده توسط جوانان خدمت گار آورده میشود.

ظروف جنت

ظروف جنت اکثرا از طلا و نقره میباشد، ضمن آنکه از طلا و نقره است زیبایی و نقش نگار خاصی دارد، امام بخاری از ابی هریره روایت نموده که رسول الله ﷺ فرمودند: (أَيُّهُمْ فِيهَا الذَّهَبُ).¹ ترجمه: "ظروف شان در آنجا از طلا میباشد".

در احادیث دیگر آمده که ظروف جنتیان از طلا و نقره میباشد.

ضمن همه زیبایی ها تعداد ظروف جنت بی حساب است چنانچه رسول الله ﷺ میفرماید: (وَأَكْوَابُهُ عِدَدُ نَجْمِ السَّمَاءِ)².

ترجمه: "گیلاس های حوض به اندازه ستاره های آسمان فراوان است".

{وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِأَنْبِيَةٍ مِّنْ فَضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا * قَوَارِيرَ مِّنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا }³.

ترجمه: "جامه های سیمین شراب و کاسه های صفا و زیبای شراب میانشان به گردش در می آید

کاسه های صفا و پاکی که از نقره اند خد متگاران بهشتی (آنها را درست به اندازه لازم پر نموده اند".

بدون شک کسانی که در چنان ناز و نعمتی که در بهشت به سرمیبرند ظروف غذا خوری و آب نوشی

و سایر ظرفهای شان نیز باید مانند سایر نعمات زیبا مفسن، منقش و با ارزش باشد.

¹ صحیح البخاری ج ۱۱ ص ۲۳

² سنن الترمذی ج ۴ ص ۴۸. شیخ البانی حدیث را "صحیح" گفته.

³ سوره انسان آیه ۱۶-۱۵.

فصل سوم

جنتی ها و چگونگی زندگی آنان

مبحث اول: چه کسانی مستحق جنت میباشند

مبحث دوم: شروط داخل شدن به جنت

مبحث سوم: تفاوت جنتیان از حیث امتیاز

مبحث چهارم: چگونگی زندگی فردی و اجتماعی در جنت

مبحث پنجم: تصویر کلی از نعمات جنت

فصل سوم: جنتی ها و چگونگی زندگی آنان

مبحث اول: آنانی که جنتی هستند

جنت در بدل اعمال صالح که شامل اطاعت از همه اوامر و اجتناب از همه نواهی الله قادر و توانا است برای اشخاص میسر میشود که آن او امر شامل عبادات بدنی و مالی ، جهاد فی سبیل الله بانفس و مال ، ادای زکات و صدقات ، مراعت امهات اخلاق ، امر به معروف .. میباشد و خود داری از منکرات ، خواهشات نفس اماره بالسوء ، وساوس شیطان ، دوری از شرک و شبهات شرک ، دوستی و موالات با کفار ، مشابهت با کفار در اعمال و عبادات ... شامل میباشد ، زمانیکه انسان همه امورات فوق را مطابق شرع الهی و سنت رسول گرامی اسلام ﷺ عملی نماید در زمره متقین و رستگاران محسوب میشود که ، الله ﷻ در مورد شان میفرماید: {وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ} ¹

ترجمه: " و (با انجام اعمال شایسته و نیک) به سوی آمرزش پروردگارتان ، و بهشتی بشتابید و بر همدیگر پیشی گیرید که ارزش آن همچون ارزش آسمانها و زمین است ، برای پرهیزگاران تهیه دیده شده است ."

{وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ} ²

ترجمه: " آن کسانی که ایمان آورده و اعمال نیکو انجام داده اند ، ایشان صاحبان جنت بوده و برای همیشه در آنجا میباشند ."

¹ سوره آل عمران آیه ۱۳۳

² سوره بقره آیه ۸۲

الله ﷻ اوصاف ، کسانی که جنتی و مستحق فردوس هستند در سوره مؤمنون به تفصیل ذکر نموده: { قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ * أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ * الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ }¹

ترجمه: "مسلماً مؤمنان پیروز و رستگاران کسانی که در نمازشان خشوع و خضوع دارند و کسانی که از اعمال بی‌هوده و یاوه و بی معنی روی گردانند و کسانی اند که زکات مال را می‌پردازند و عورت خود را حفظ می‌کنند مگر از همسران یا کنیزان خود، که در این صورت جای ملامتی ایشان نیست اشخاصی که غیر از این را دنبال کنند، متجاوز بشمار می‌آیند: (و زناکار می‌باشند) و کسانی که در امانت‌داری خویش امین و در عهد خود استوار بمانند.

و کسانی که مواظب نمازهای خود می‌باشند (و پیوسته آنها را در وقت خود اداء، و ارکان و اصول و خشوع و خضوع لازم را مراعات می‌نمایند) آنان مستحقان و به دست آورندگان (جنت) هستند؛ آنان جنت فردوس را تملک می‌کنند و جاودانه در آن خواهند ماند."

آیات فوق بیان گر آنست که وارثین حقیقی جنت آنانی اند که به الله ﷻ ایمان آورده و اعمال نیک را انجام میدهند که شامل همه امورات دین میشود: ایمان که شامل ایمان به همه اشیاء مؤمن به میشود، نماز، زکات...، خود داری از خواهشات نفس و شیطان، وفای عهد، خود داری از سخنان بی‌هوده و یاوه سرایی، خود داری از زنا...

{وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا }²

ترجمه: "و کسی که از الله و پیامبرش اطاعت کند، او همنشین کسانی خواهد بود که خداوند بدیشان نعمت داده است از پیغمبران و صادقان و شهیدان و نیکان، و آنان چه اندازه دوستان و همنشینان خوبی هستند!"³

یعنی آنانی که از الله و رسولش اطاعت نموده و مطابق ارشادات آنان عمل نماید همنشین مردمان مانند انبیاء صدیقین، شهداء و صالحین می‌باشند.

¹ سوره مؤمنون آیه ۱۱-۱

² سوره نساء آیه ۶۹.

³ تفسیر نور ج ۱ ص ۲۰۸.

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ (يَا أَبَا سَعِيدٍ مَنْ رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ).¹

از ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: کسیکه به ربوبیت و خالق بودن الله ﷻ و حقانیت دین اسلام و نبوت محمد ﷺ راضی شده آن را قبول نماید وی واجب الجنة است ".
عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْأَخْنَسِ أَنَّهُ كَانَ فِي الْمَسْجِدِ فَذَكَرَ رَجُلٌ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَامَ سَعِيدُ بْنُ زَيْدٍ فَقَالَ أَشْهَدُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ -ﷺ- أَنِّي سَمِعْتُهُ وَهُوَ يَقُولُ « عَشْرَةٌ فِي الْجَنَّةِ النَّبِيُّ فِي الْجَنَّةِ وَأَبُو بَكْرٍ فِي الْجَنَّةِ وَعُمَرُ فِي الْجَنَّةِ وَعُثْمَانُ فِي الْجَنَّةِ وَعَلِيٌّ فِي الْجَنَّةِ وَطَلْحَةُ فِي الْجَنَّةِ وَالزُّبَيْرُ بْنُ الْعَوَّامِ فِي الْجَنَّةِ وَسَعْدُ بْنُ مَالِكٍ فِي الْجَنَّةِ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ فِي الْجَنَّةِ ». وَلَوْ شِئْتَ لَسَمَّيْتُ الْعَاشِرَ. قَالَ فَقَالُوا مَنْ هُوَ فَسَكَتَ قَالَ فَقَالُوا مَنْ هُوَ فَقَالَ هُوَ سَعِيدُ بْنُ زَيْدٍ).² البانی صحیح گفته.³

از عبدالرحمن بن اخنس روایت است که میگوید: در مسجد بودم! مردی از علی رضی الله عنه یاد کرد! سعید بن زید برخاسته گفت: شهادت میدهم بر اینکه از رسول الله ﷺ در حالیکه من حاضر بودم از ایشان شنیدم که میگفت: ده تن در جنت هستند: رسول الله ﷻ در جنت است، همچنان ابوبکر در جنت است، عمر در جنت است، عثمان در جنت است، علی در جنت است، طلحه در جنت است، زبیر بن عوام در جنت است، سعد بن مالک در جنت است، عبدالرحمن بن عوف در جنت است، اگر خواسته باشید شخص دهم را نام ببرم! میگوید: گفتند کیست آن؟ سعید ساکت ماند؛ بعد گفتند کیست آن شخص؟ سعید گفت: آن شخص سعید بن زید است ".
حدیث ده تن از یاران باو فای رسول الله ﷻ و مجاهدین راستین را که بنام عشره مبشره مشهور اند و

در تاریخ اسلام از فداکاری های هریکی با خط ز رین نوشته شده و همه هستی خویش را بخاطر اعلاى کلمة الله صرف نموده اند یاد آوری نموده، در چندین حدیث از آنها بشکل اجمالی و انفرادی در مورد بشارت شان به جنت یاد آوری گردیده است که در زندگی برای ایشان بشارت جنت داده شده.

امام بخاری روایت نموده که رسول الله ﷻ میفرماید: (أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ الْجَنَّةِ كُلِّ ضَعِيفٍ مُتَضَعِّفٍ).⁴
ترجمه: " آیا شما را از اهل جنت آگاه بسازم! آنان اشخاص ضعیف و بسیار ناتوان اند ".

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ : عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَقْوَامٌ أَفْعِدْتُهُمْ مِثْلَ أَفْعِدَةِ الطَّيْرِ).¹

¹ صحیح مسلم ج ۹ ص ۴۶۶.

² سنن ابی داود ج ۴ ص ۳۴۳.

³ صحیح وضعیف سنن ابی داود ج ۱۰ ص ۱۴۹

⁴ صحیح البخاری ج ۱۵ ص ۲۱۸.

ترجمه: "از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: گروهی داخل جنت میشوند که قلب های شان مانند قلب پرنندگان است."

امام نووی رحمه الله² در شرح این حدیث میگوید: مطلب قلب جنتیان در نرمی و لطافت مانند قلب پرنندگان است، چنانچه پرنندگان نسبت به سایر حیوانات دارای ترس هستند؛ یعنی اقوام که بسیار میترسند مثل قول الله تعالی ((إِنَّهَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ))³.

ترجمه: "به تحقیق از بندگان کسانی که میدانند از الله بسیاری ترسند. یعنی مردمان دانان نسبت به سایر مردم از الله ﷻ می ترسند و آنرا بزرگ می شمارند.

مبحث دوم: شروط داخل شدن به جنت

برای مستحق شدن جنت باید چه کار های را انجام داد تا مورد لطف پروردگار قرار گرفته و به جنت اش داخل شد از آیات و احادیث ظاهر میشود که دو عنصر مهم برای داخل شدن جنت لازمی و ضروری است یکی ایمان و دوم عمل صالح در هر دو صورت اگر شخصی تنها مؤمن بوده و عمل خیر نداشته و از او امر الهی پیروی نکرده ایمان وی سبب دخول جنت شده نمیتواند و همچنان اگر شخصی تمام عمر خویش را در انجام عمل صالح سپری نماید به جنت داخل شده نمیتواند تا مؤمن نباشد: {وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا} ⁴.

ترجمه: "کسیکه اعمال نیکو انجام دهد برابر است از مردان باشد و یا زنان داخل جنت میشود و کمترین ظلمی برایشان نمیشود."

امام قرطبی رحمه الله در تفسیر این آیه میگوید: شرط داخل شدن در جنت ایمان است، نه عمل صالح بخاطریکه، مشرکین مکه اعمال نیک را انجام میدادند مانند خدمت کعبه، عزت و خدمت مهمان،

¹ صحیح مسلم ج ۱۳ ص ۳۸۳.

² النووي، أبو زكريا (۶۳۱-۶۷۶هـ، ۱۲۳-۱۲۷۸م). محيي الدين أبو زكريا يحيى بن شرف حوراني شافعي وى شخصيت متقى، حافظ، امام، امرکننده به معروف ونهى کننده از منكر، تارك لذت های دنیوی، شخصیت علمی بوده. نووی دارای تألیفات زیادی است مانند: المنهاج شرح صحیح مسلم، تهذیب الاسماء واللغات، الاذکار، رياض الصالحين که کتاب مشهوری است، الاربعون النووی وغيره؛ گرفته شده از: الموسوعة العربية العالمية <http://www.mawsoah.net>

³ سوره فاطر آیه ۲۸.

⁴ سوره نساء آیه ۱۲۸.

خدمت حجاج ، و تهیه آب و نان به آنان ، همچنان اهل کتاب بعضی اعمال صالحی را انجام میدادند چنانچه میگفتند: ما فرزندان خدا و دوستان خدا هستیم.¹

بناء بر قول امام قرطبی اعمال بدون ایمان سبب دخول جنت شده نمیتواند بل شرط عمل ایمان است .

آیات و احادیث بیان گر آنست که تنها ایمان هم سبب دخول جنت شده نمیتواند و جنت چیزی نیست که به آرمانها و آرزو ها بدست آید بل کار و زحمت میخواهد تا با از دست دادن جان ، بذل مال و توانایی انجام عبادات .. آن را بدست آورد ، و در صورت انجام اعمال خلاف شرع از آن محروم خواهد شد ، الله ﷻ میفرماید: {لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا}.²

ترجمه: " (جزا و پاداش ، و فضیلت و برتری) نه به آرزوهای شما و نه به آرزوهای اهل کتاب است. هرکس که کار بدی بکند در برابر آن کیفر داده می شود ، و کسی را جز خدا یار و یاور خود نخواهد یافت (تا او را کمک کند و از عذاب خدا محفوظ گرداند) " .

{ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ }.³

ترجمه: " آیا پنداشته اید که شما (تنها با ادعای ایمان) به بهشت درخواهید آمد ، بدون آن که خداوند کسانی از شما را مشخص سازد که به تلاش و پیکار برخاسته اند ، و بدون آن که خداوند بردبارانی را متمایز گرداند " .

آنچه شرط اساسی دخول جنت است مؤمن بودن است اما ایمان تنها وسیله دخول جنت شده نمیتواند باید اعمال نیک و شایسته انجام داد تا به سبب اعمال داخل جنت شد چون انسانها مکلف به انجام اوامر الله ﷻ بوده و مسؤولیت های برعهده ایشان است تا آنرا انجام دهند مانند جهاد ، حج ، زکات ، اخلاق نیکو .. چنانچه الله ﷻ از مجاهدین و مهاجرین اینگونه وصف مینماید: {الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ * خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ }.⁴

¹ تفسیر قرطبی ج ۵ ص ۳۳۹ .

² سوره نساء آیه ۱۲۳

³ سوره آل عمران آیه ۱۴۲

⁴ سوره توبه آیه ۲۳-۲۰ .

ترجمه: "کسانی که ایمان آورده‌اند و به مهاجرت پرداخته‌اند و در راه خدا با جان و مال جهاد نموده‌اند دارای منزلت والاتر و بزرگتری در نزدالله ﷺ اند، و آنان رستگاران و به مقصود رسیدگان می‌باشند.

پرور دگارشان آنان را به رحمت خود و خوشنودی (از ایشان که بزرگترین نعمت است) و بهشتی مژده می‌دهد که در آن نعمتهای جاودانه دارند.

همواره در بهشت ماندگار می‌مانند (و غرق در لذت و نعمتهای آن خواهند بود) بیگمان در در نزد الله ﷺ پاداش بزرگی (و فراوانی برای فرمانبرداران امر او) موجود است."

{وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُؤُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ} ¹.

ترجمه: "و کسانی که به خاطر پرور دگارشان شکیبایی می‌ورزند و نماز را چنان که لازم است می‌خوانند و از چیزهایی که بدیشان داده‌ایم به گونه پنهان و آشکار صدقه داده و خرج می‌کنند، و با انجام نیکیها بدیها را از میان برمی‌دارند. آنان (با انجام چنین کارهایی پسندیده‌ای) عاقبت نیک دنیا (که بهشت است) از آن ایشان است.

عن أبي هريرة قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (إذا صلت المرأة خمسها وصامت شهرها وحصنت فرجها وأطاعت بعلها دخلت من أي أبواب الجنة شاءت) ²

ترجمه: "از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: زمانیکه یک زن نمازهای پنج‌گانه را ادا نموده روزه ماه رمضان را گرفته، عورت اش را محافظت نموده و از شوهرش اطاعت نماید برایش گفته میشود از هر دروازه جنت که میخواهی به جنت داخل شو."

مبحث سوم: تفاوت جنتیان از حیث امتیاز

{الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ} ³.

ترجمه: "آنانی که ایمان آورده و در راه الله ﷺ هجرت نموده و با اموال و نفسهای خویش جهاد کرده‌اند برای ایشان در نزد پروردگار شان مرتبه و درجات بلندی است و ایشان سعادت مند و کامگار هستند؛

¹سوره رعد آیه ۲۲.

² صحیح ابن حبان، تحقیق: شعیب الأرنؤوط ج ۹ ص ۴۷۱ شعیب الأرنؤوط این حدیث را "صحیح" گفته

³سوره توبه آیه ۲۰.

پرور دگارشان آنان را به رحمت خود و خوشنودی و بهشتی مژده می‌دهد که در آن نعمتهای جاودانه دارند."

بعد از انبیاء علیهم السلام گروه‌های در راه الله ﷺ جانهای شیرین خویش را قربانی نموده اند و آنانی که هجرت نموده اند و بخاطر اعلاى کلمة الله خانه و کاشانه خویش را ترک نموده اند دارای درجات بلندی هستند چنانچه درآیه فوق تذکر رفت که برای آنان رحمت الله ﷺ و رضوانش بوده و همیشه درنعمات بسر می‌برند."

(أَفْضَلُ الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ ، وَلَا يَلْتَفِتُونَ وُجُوهُهُمْ حَتَّى يُقْتُلُوا ، أَوْ لِيكَ يَتَلَبَّطُونَ فِي الْعُرْفِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ ، يَضْحَكُ إِلَيْهِمْ رَبُّكَ ، فَإِذَا ضَحِكَ رَبُّكَ إِلَى عَبْدٍ فِي مَوْطِنٍ فَلَا حِسَابَ عَلَيْهِ).¹ امام سیوطی این حدیث را "صحیح" گفته)².

ترجمه: "افضل‌ترین شهداء کسانی می‌باشند که در صف اول، جهاد می‌نمایند، و روی خود را از جهاد برنمی‌گردانند، تا آن که کشته شوند، و آنها روی خود را متوجه جنگ خواهند نمود تا کشته شوند، و آنها در کاخ‌های بلند جنت جای داده می‌شوند، و خداوند به چهره‌های آنان تبسم می‌نماید و کسی که خداوند با او در جایی بخندد بر او هیچ حسابی نخواهد بود."

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (أَوَّلُ زُمْرَةٍ تَدْخُلُ الْجَنَّةَ عَلَى صُورَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَالَّذِينَ عَلَى إِثْرِهِمْ كَأَشَدِّ كَوْكَبٍ إِضَاءَةً قُلُوبُهُمْ عَلَى قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ لَا اخْتِلَافَ بَيْنَهُمْ وَلَا تَبَاغُضَ لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ زَوْجَتَانِ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا يُرَى مَخُّ سَاقِهَا مِنْ وَرَاءِ لَحْمِهَا مِنَ الْحُسْنِ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ بُكْرَةً وَعَشِيًّا لَا يَسْقَمُونَ وَلَا يَمْتَخِطُونَ وَلَا يَبْصُقُونَ أَنبِئُهُمُ الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ وَأَمْشَاطُهُمُ الذَّهَبُ).³

ترجمه: "از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: اولین گروه‌هایی که داخل جنت میشوند مانند مهتاب شب چهاردهم میباشند و کسانی که بعد از ایشان داخل جنت میشوند در روشنی مانند ستاره‌های بزرگ میباشند، آنان دارای قلب‌های پاکی هستند که هیچ حسد و دشمنی در قلب‌های شان دیده نمیشود؛ برای هر یکی از ایشان دو همسری میباشند آن قدر حسین هستند که

¹ طبرانی: سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمي الشامي، أبو القاسم (المتوفى: ۳۶۰هـ) المعجم الأوسط

ناشر: دار الحرمین - القاهرة عدد الأجزاء: ۱۰ ج ۳ ص ۲۸۶.

² سیوطی: عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: 911هـ) صحیح وضعیف الجامع الصغیر و زیادته

مع الكتاب: أحكام محمد ناصر الدين الألباني ج ۱ ص ۱۹۸۷ المكتبة الشاملة.

³ صحیح البخاری ج ۱۱ ص ۲۴.

مغز ساقهای شان از بالای گوشت ساق ایشان دیده میشود ، آنان نه مریض میشوند نه آب دهن میریزند و نه بینی های خویش را می افشانند ، ظروف شان از طلا و نقره و شانه های شان از طلا میباشد ."

یعنی گروه های که اول داخل جنت میشوند نسبت به گروه های که بعدا داخل جنت میشوند از حیث مرتبه مانند مهتاب شب چهاردهم و ستاره های روشن میباشد ؛ چون روشنی مهتاب چهاردهم نسبت به ستاره گان زیاد تر وقوی تر است.

عن المغيرة بن شعبة رضي الله عنه ، عن رسول الله ﷺ قال : (سأل موسى ﷺ ربه : ما أدنى أهل الجنة منزلة ؟ قال : هو رجلٌ يجيء بعد ما أدخل أهل الجنة الجنة ، فيقال له : ادخل الجنة . فيقول : أي رب ، كيف وقد نزل الناس منازلهم وأخذوا أحذاتهم ؟ فيقال له : أترضى أن يكون لك مثل ملكٍ من ملوك الدنيا ؟ فيقول : رضيتُ رب . فيقول : لك ذلك ومثله ومثله ومثله . فقال في الخامسة : رضيتُ رب . فيقول : هذا لك وعشرة أمثاله ولك ما اشتئت نفسك ولذت عينك . فيقول : رضيتُ رب . قال : رب فأغلاهم منزلة ؟ قال : أولئك الذين أزدت غرست كرامتهم بيدي وختمت عليها فلم تر عينٌ ولم تسمع أذنٌ ولم يخطر على قلب بشر . قال : ومصدقاه في كتاب الله عز وجل (فلا تعلم نفس ما أخفى لهم من قرة أعين)¹.

ترجمه: " از مغیره ابن شعبه رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت نموده که: " موسی علیه السلام از پرور دگارش سؤال نمود که در پائین ترین مرتبه اهل بهشت چه کسانی است؟ پروردگارش فرمود: آن مردیست که بعد از وارد شدن اهل بهشت به بهشت می آید و به او گفته می شود که به بهشت وارد شو ، می گوید: ای پروردگارم! چگونه وارد شوم که مردم به جایگاه های خویش فرو آمده و جا گرفته اند؟ و به او گفته می شود: آیا راضی می شوی که مانند سلطانی ، پادشاهی شاهان دنیا به شما داده شود؟ می گوید: پرور دگارا! راضی شدم. پس می فرماید: برای تو آن است و مانند آن و مانند آن و مانند آن و مانند آن و بار پنجم می گوید: پروردگارا! راضی شدم. سپس می فرماید: برای تو آنست و ده برابرش و برای توست آنچه که دلت آرزو نموده و به چشم لذت بخش می آید. می گوید: راضی شدم. (موسی) گفت: پروردگارم! پس در بالاترین مرتبه جنت چه کسانی هستند؟ می فرماید: آنها کسانی اند که نهال کرامت شان را که به دست خویش نشاندم و بر آن مهر زدم ، پس چشمی ندیده و گوشه نشینده و در اندیشه بشری خطور ننموده است.

¹ صحیح مسلم ج ۱ ص ۴۳۷.

و مصداق این روایت در کتاب خداوند موجود است که می فرماید: «هیچ کس نمی داند چه پادشاهی مهمی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده».

بنابراین، بهشت و طبقات و مرتبه‌های بلند و جایگاه‌های شایسته اش، برای کسی که دارای اندیشه‌ای بینا، و گوش‌شنوا باشد آماده شده اند.

پس رقابت برای به دست آوردن این همه نعمت‌های جاویدان در انجام طاعات و عبادات مورد ستایش و قبول الله ﷻ می باشد، و برای رسیدن به آن خوبی‌ها، لازم است که انسان‌های مؤمن با یکدیگر در کارهای خوب و اعمال شایسته مسابقه بدهند.

عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (إِنِّي لِأَعْلَمُ آخِرَ أَهْلِ الْجَنَّةِ دُخُولًا وَالْجَنَّةَ وَآخِرَ أَهْلِ النَّارِ خُرُوجًا مِنْهَا رَجُلٌ يُؤْتَى بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقَالُ اعْرِضُوا عَلَيَّ صِغَارَ ذُنُوبِهِ وَارْفَعُوا عَنْهُ كِبَارَهَا فَتُعْرَضُ عَلَيْهِ صِغَارُ ذُنُوبِهِ فَيَقَالُ عَمِلْتَ يَوْمَ كَذَا وَكَذَا وَكَذَا وَعَمِلْتَ يَوْمَ كَذَا وَكَذَا وَكَذَا فَيَقُولُ نَعَمْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكِرَ وَهُوَ مُشْفِقٌ مِنْ كِبَارِ ذُنُوبِهِ أَنْ تُعْرَضَ عَلَيْهِ فَيَقَالُ لَهُ فَإِنَّ لَكَ مَكَانَ كُلِّ سَيِّئَةٍ حَسَنَةً فَيَقُولُ رَبِّ قَدْ عَمِلْتُ أَشْيَاءَ لَا أَرَاهَا هَا هُنَا فَلَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضَحِكَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ¹).

ترجمه: "از ابی ذر رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: اولین کسی که داخل جنت میشود و آخرین کسیکه از آتش بیرون میشود میدانم! کسی است که در روز قیامت آورده میشود و گفته میشود کوچک ترین گناه اش را برایش پیشکش نمایید و گناه بزرگ اش را بردارید! پس گناه کوچک اش برایش آورده شده برایش گفته میشود! آن روز فلان فلان و فلان کار را کرده بودید و در فلان روز فلان و فلان و فلان کار را کرده بودید! شخص میگوید: بلی! وانکار کرده نمیتواند و از گناه های بزرگی که کره درهراس است تا برایش پیش کش نشود! برایش گفته میشود برای تودر در بدل هر گناه صغیره یک نیکی است! وی میگوید: پروردگارا من مرتکب کارهای شده ام که در اینجا نمی بینم؛ ابی ذر رضی الله عنه میگوید: رسول الله ﷺ با گفتن این سخن خنده کرد به حدی که دندان های نواجذ اش ظاهر شد".

{عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَصَامَ رَمَضَانَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ جَاهِدًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ جَلَسَ فِي أَرْضِهِ الَّتِي وُلِدَ فِيهَا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفَلَا نُبَشِّرُ النَّاسَ قَالَ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مِائَةَ دَرَجَةٍ أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي

¹ صحیح مسلم ج ۱ ص ۴۳۸.

سَبِيلِ اللَّهِ مَا بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ فَإِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ فَاسْأَلُوهُ الْفِرْدَوْسَ فَإِنَّهُ أَوْسَطُ الْجَنَّةِ وَأَعْلَى الْجَنَّةِ أَرَاهُ فَوْقَهُ عَرْشُ الرَّحْمَنِ وَمِنْهُ تَفَجَّرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ} ¹

ترجمه: "از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: آن شخصی که به الله ﷻ و به رسولش ایمان آورده نماز را برپا نماید ، و روزه ماه رمضان را گرفته باشد بر الله ﷻ است تاوی را به جنت داخل بگرداند ، جهاد نموده باشد در راه الله ﷻ و درسزمینکه تولد شده نشسته باشد ، گفتند: مردم را خوش خبری دهیم یا رسول الله ، رسول الله ﷺ گفت: هرآینه درجنت صد درجه است ، الله ﷻ برای مجاهدین آماده کرده ، فاصله بین دودرجه به اندازه مسافه آسمان وزمین است ، زمانیکه از الله ﷻ میخواستید فردوس را بخواید! بخاطریه آن و وسط جنت و بلند ترین جنت است بالای آن عرش رحمن است و از آن نهر های جنت سرچشمه میگیرند ."

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (إِنَّ الرَّجُلَ لُتُرْفَعُ دَرَجَتُهُ فِي الْجَنَّةِ فَيَقُولُ أَنِّي هَذَا فَيُقَالُ بِاسْتِعْفَارٍ وَلَدِكَ لَكَ) (إسناده صحيح . رجاله ثقات ²

ترجمه: "از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: درجه شخصی درجنت بالا شود ؛ وی میگوید: چطور درجه من اینگونه بالا شد ؟ برایش گفته میشود به سبب دعای فرزندت ."

ابن ماجه گفته سند این حدیث صحیح و رجال حدیث ثقات هستند.

از حدیث فوق معلوم میشود درجه انسانها به سبب دعا خصوصا دعای والدین وفرزندان بلند میشود و قابل تغییر است .

مبحث چهارم: چگونگی زندگی فردی و اجتماعی درجنت

مطلب اول: جنتیان و سرنوشت قرابت های دنیوی آنها

آنانیکه اهل جنت هستند واقارب و نزدیکان شان نیز جنتی باشند همه میتوانند که به طور فردی و اجتماعی درجنت زندگی کنند ، بخاطریکه برای جنتیان هیچ کمی و کاستی وجود ندارد و به هرآنچه که آنان میل و آرزو داشته باشند ازهر لحاظی که باشد برایشان میسر است ، بدون شک! دیدن اولاد ،

¹ صحیح البخاری ج ۹ ص ۳۵۴.

² سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۲۰۷.

والدین اقارب و دوستان از بزرگ ترین نعمات و ارزنده ترین خاطرات انسان میباشد ، بدین اساس الله ﷻ برای مؤمنین همه این مسایل را مهیا نموده که در مورد آیات و احادیث صراحت دارد !

{الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ *}.¹

ترجمه: " آنانی که بردارندگان عرش پروردگارت و آنانیکه گرداگرد آنند به سپاس و ستایش پروردگار شان سرگرمند و بدو ایمان دارند و برای مؤمنان طلب آمرزش می کنند و میگویند: پروردگارا ! مهربانی و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است پس در گذر از کسانی که (از گناهان دست می کشند و به طاعات و عبادات می پردازند ، و از راههای انحرافی دوری می گزینند و به راستای راهت) برمی گردند و راه تو را در پیش می گیرند ، و آنان را از عذاب دوزخ مصئون و محفوظ فرما .

پروردگارا ! آنان را به باغهای همیشه ماندگار بهشتی داخل گردان که بدیشان (توسط پیغمبران) و عده داده ای ، همراه با پدران خوب و همسران شایسته و فرزندان صالح ایشان . قطعاً تو قادر و توانا و دارای فلسفه و حکمت هستی .

و آنان را از بدیها نگهدار و تو هر که را در آن روز از کیفر بدیها نگهداری واقعاً بدو رحم کرده ای (و مورد الطاف خود قرار داده ای) و آن مسلماً رستگاری بزرگ و نیل به مقصود سترگی است " .

الف: والدین

آنانیکه اعمال شایسته را انجام داده و مستحق جنت شناخته شده اند ؛ همه داخل جنت میشوند ، بدین اساس اگر والدین شخص به جنت داخل شود پس به هر شکلی که بخواهند میتوانند زندگی کنند چون به هر آنچه که جنتی میل داشته باشد برایش مهیا و میسر است و هیچ مانعی وجود ندارد الله ﷻ میفرماید: {جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ * سَلَامٌ عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ *}.²

ترجمه: " (این عاقبت نیکو) باغهای بهشت است که جای ماندگاری است و آنان همراه کسانی از پدران و فرزندان و همسران خود بدانجا وارد می شوند که صالح (یعنی از عقائد و اعمال پسندیده ای

¹ سوره غافر آیه ۹-۷

² سوره رعد آیه ۲۴-۲۳

برخور دار بوده) باشند (و همگی در کنار هم جاودانه و سعادت‌مندانه در آن بسر می‌برند) و فرشتگان از هر سوئی بر آنان وارد (و به درودشان) می‌آیند .

درود تان باد ! به سبب شکیبائی و استقامتی که (بر عقیده و ایمان) داشتید . چه پایان خوبی (دارید که بهشت یزدان و نعمت جاویدان است) .

دکتر خرم دل در تفسیر « بِمَا صَبَرْتُمْ » می‌گوید: به سبب صبری که کردید و آن شکیبائی بر ناگواریها ، تحمل اذیت و آزارها ، مبارزه با هواها و هوسها ، استقامت بر عقیده و ایمان ، و غیره است)¹ .

{ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ }²

ترجمه: "پروردگارا ! آنان را به باغهای همیشه ماندگار بهشتی داخل گردان که بدیشان وعده داده‌ای ، همراه با پدران خوب و همسران شایسته و فرزندان نیک ایشان واقعا تو حاکم و قادر هستی " .

آنانی که ایمان آورده و اعمال نیک را انجام داده اند فرشتگان برای ایشان دعا می‌کنند تا الله ﷻ آنان را با اقارب شان در جنت داخل بسازد چنانچه رسولان از طرف پروردگاشان چنین خبر داده . اند .

ب: فرزندان

زمانی که شخص مسلمان داخل جنت شود آیا فرزندان وی نیز داخل جنت میشوند و یا خیر ؟ در مورد آیات و احادیث صحیح دلالت دارد ، در صورتیکه شخص مسلمان داخل جنت میشود الله ﷻ بخاطر رضایت و خرسندی آن درجه فرزندان را نیز بلند میگرداند ، تا آنها سبب راحتی و سردی چشم والدین خویش گردند و آنها را با والدین اش یکجا میگرداند ، مطلب اینکه اگر درجات آنها پایان تراز درجات والدین شان باشد درجه شان بلند گردانیده میشود ؛ اما در صورتیکه درجه آنها بالاومستحق جنت باشند بدون شک که آنها مانند سایر جنتیان هر آنچه آرزو کنند برایشان میسر میباشد که از آن جمله دیدار والدین از مهمترین مسایل میباشد ؛ همچنان اگر کسی خواهش فرزندان را بغیر از فرزندان دنیا ، در جنت داشته باشد و یا درد دنیا فرزندان نداشته و میخواهد در جنت از نعمت فرزندان مستفید شود الله ﷻ برای آنها فرزندان عطا میفرماید: در حالیکه مانند دنیا آن مشکلات و مشقاتی را که درد دنیا زنان حامله مواجه میشوند وجود ندارد مانند: مشکلات حاملگی ، امراض گوناگون ، درد و مشکل زایمان و غیره ، بل به سهولت و بدون همه مشکلات طبعی برای شان تولد فرزندان میسر

¹ تفسیر نور ج ۱ ص ۶۳۵ .

² سوره غافر آیه ۸ .

میباشد: عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (الْمُؤْمِنُ إِذَا اشْتَهَى الْوَلَدَ فِي الْجَنَّةِ ، كَانَ حَمْلُهُ وَوَضْعُهُ وَسِنَّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ ، كَمَا يَشْتَهِي)¹.

ترجمه: " از ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: اگر مؤمنی خواهش فرزند را در جنت داشته باشد الله ﷻ برایش فرزند میدهد به شکلی که حمل و تولد آن و عمر آن همه ظرف یک ساعت صورت میگیرد چنانچه مؤمن خواسته باشد ."

اللَّهُ ﷻ مِيفْرَمَايِدُ {وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِيٍّ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ * وَأَمَدَدْنَاَهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ * يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَعْوُ فِيهَا وَلَا تَأْنِيْمٌ * وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ * وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ * قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ * فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ * إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيْمُ * }².

ترجمه: " کسانی که خود شان ایمان آورده اند و فرزندان شان از ایشان در ایمان آوردن پیروی کرده اند (در بهشت) فرزندان شان را بدیشان ملحق می گردانیم (تا فرزندان عزیز خود را در کنار خود ببینند و از انس با آنان لذت بیشتر ببرند) بی آنکه ما اصلاً از عمل آن کسان چیزی بکاهیم (و از اندوخته پدران و مادران چیزی برداریم و به فرزندان شان بدهیم ، و یا بدین وسیله بر حسنات فرزندان بیفزائیم و یا گناهان شان را از این راه بزدائیم) . چرا که هر کس در گرو کارهایی است که کرده است . پیوسته هر گونه میوه ای و گوشتی را که بخواهند در اختیار شان می گذاریم .

آنان در آنجا جامه های شرابی را که نه بیهوده گوئی و یاوه سرائی در آن است و نه با گناه همراه است ، از دست یکدیگر می گیرند (و می نوشند و خوش می شوند) . پیوسته در گردا گرد آنان نوجوانان ایشان (برای خدمتگزاریشان) در چرخش و گردشند گویا آنان (در صفا و پاکی) مرواریدهای پنهان (در صدف) هستند . پرسش کنان روی به همدیگر می کنند (و هر يك از آنان از نعمتها و خوشیهای بهشت و الطاف بیکران یزدان با دیگری سخن می گوید) .

می گویند: ما پیش از این در میان خانواده و فرزندانمان بیمناک (از خشم خدا و حساب و کتاب و

¹ شیخ البانی این حدیث را " صحیح " گفته است ، سنن ابن ماجه ، تحقیق محمد فواد عبد الباقي ج ۲ ص ۱۴۵۲ .

² سوره طور آیه ۲۸-۲۱ .

جزا و سزای قیامت) بودیم.

سرانجام الله ﷻ در حق ما لطف و مرحمت فرمود ، و از عذاب سراپا شعله دوزخ ما را بدور داشت. ما پیش از این (در جهان ، تنها) او را میخواستیم و فقط وی را پرستش می کردیم واقعاً او رحیم و مهربان است.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : (إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَرْفَعُ دَرَجَةَ الْمُؤْمِنِ مَعَهُ فِي دَرَجَتِهِ وَإِنْ كَانَ لَمْ يَبْلُغْهَا فِي الْعَمَلِ لَيُقَرِّ بِهِمْ عَيْنُهُ) .¹ ²

ترجمه: " از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله ﷻ فرمودند: هرآینه الله ﷻ درجه فرزندان شخص مؤمن را به اندازه درجه والدین اش بلند میگرداند اگرچه درعمل از آنها کم تر باشند ؛ تا والدین همراهی فرزندان شان خوشحال باشند."

الله ﷻ نهایت مهربان و مشفق بر بندگان خود میباشد ، هرآنچه بنده گانش آرزو داشته باشند برای شان عطاء میفرماید: از جمله فرزند که انسان در دنیا نیز به آن احتیاج و علاقه مند بوده و زندگی یک خانواده با فرزند معنی دار میشود ، الله ﷻ لایق می بیند تا مؤمنین در جنت نیز با داشتن فرزندان زندگی زیبا و خوش آیندی داشته باشند ، بهمین سبب الله ﷻ میگوید : حتی اگر درجات فرزندان شخص جنتی کم تر از درجه جنت باشد نیز با والدین اش ملحق خواهند شد و برای آنانیکه در دنیا فرزند نداشته اند و یا داشته اند اما آرزوی فرزندان دیگری دارند الله مهربان برایشان فرزندان عطا میفرماید: به قسمی که حمل ، وضع حمل ، تولد و سن و سال همه در یک ساعت میسر میباشد.

ج: همسران دنیا

همسر شخص مسلمان در جنت نیز همرايش میباشد در صورتی که از اهل جنت باشد {جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ} ³

ترجمه: (این عاقبت نیکو) باغهای بهشت است که جای ماندگاری است و آنان همراه کسانی از پدران و فرزندان و همسران خود بدانجا وارد می شوند که صالح بوده باشند (و جملگی در کنار هم جاودانه و سعادت مندانه در آن بسر می برند) و فرشتگان از هر سوئی بر آنان وارد (و به درودشان)

¹ طحاوی : أحمد بن محمد بن سلامة أبو جعفر الطحاوي مشکل الآثار

ناشر: موقع جامع الحديث <http://www.alsunnah.com> ج ۳ ص ۷۸

² شیخ البانی " صحیح " گفته است السلسلة الصحيحة ج ۵ ص ۶۴۷.

³ سوره الرعد آیه ۲۳

می آیند" ¹.

مؤمنان در جنت با همسران خویش برتختهای منقش وزیبا درزیرسایه های جنت مسرور و خوشحال در کنارهم ، تکیه زنان در نعمت بسر می برند: الله ﷻ میفرماید: {هُمُ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ}. ² ترجمه: "ایشان با همسران شان در زیرسایه ها برتختها تکیه کنان میباشند".
مؤلف الموسوعة العقديّة در مورد ذکر نموده: (إذا دخل المؤمن الجنة ، فإن كانت زوجته سالحة ، فإنها تكون زوجته في الجنة أيضاً) ³.

ترجمه: "زمانیکه شخص مؤمن داخل جنت شود ، همسرش نیز در صورتیکه سالحه باشد همرايش می باشد".

{ادخلوا الجنة أنتم وأزواجكم تحبرون} (70). ⁴

ترجمه: "شما و همسرانتان به بهشت در آئید ، در آنجا شادمان ، مکرم و محترم خواهید بود".

{مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ}. ⁵

ترجمه: "این در حالی است که بر تختهای ردیف و کنار هم تکیه زده اند ، و زنان سیاه چشم و درشت چشم زیبایی بهشتی را همسرشان نموده ایم (و در کنارشان قرار داده ایم).
مصطفی خرم دل رحمه الله میگوید: (از این آیه و آیات دیگر قرآن برمی آید که تختها دورادور مجلس بزم و مقابل یکدیگر نهاده شده اند ، تا مجلس انس هر چه باشکوه تر باشد). ⁶

امام ابو جعفر طحاوی رحمه الله میفرماید: "آن زنیکه ازدواج کرده ، وفات نموده باشد در جنت باهمان شوهریکه باوی ازدواج کرده میباشد ؛ و زنیکه ازدواج کرده و شوهرش از وی وفات نموده باشد در جنت باهمان شوهری که از وی وفات نموده میباشد ؛ و زنیکه شوهرش وفات نموده ، باشوهر دیگر ازدواج نماید در جنت با آن شوهری میباشد که در دنیا آخرین شوهرش بوده است ، چنانچه از حدیثه رضی الله عنه روایت شده: (قال حدیثه - رضي الله عنه - لامرأته: إن شئت أن تكوني زوجتي في الجنة فلا تزوجي بعدي ؛ فإن المرأة في الجنة لآخر أزواجها في الدنيا. ولذلك حرم الله على أزواج النبي أن ینکحن

¹ تفسیر نور ج ۱ ص ۶۳۹.

² سوره یس آیه ۵۶.

³ الموسوعة العقديّة ج ۵ ص ۱۳۶

⁴ سوره زخرف آیه ۶۹- ۷۰.

⁵ سوره طور آیه ۲۰.

⁶ تفسیر نور ج ۱ ص ۱۶۰۸.

بعده ؛ لأنهن أزواجه في الجنة وَلِذَلِكَ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى أَزْوَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَنْزَوَّجْنَ بَعْدَهُ¹.

ترجمه: "حذیفه رضی اللہ عنہ به همسرش گفت ! اگر میخواهی که درجنت همسر باشی بعد از من با کسی ازدواج مکن ، چون زن درجنت باهمان شوهر خود میباشد که در دنیا آخرین شوهرش بوده است ، چون اللہ متعال بر همسران رسول اللہ ﷺ نکاح را بعد از رسول اللہ ﷺ حرام قرار داده ، بخاطری که آنان در جنت همسران رسول اللہ ﷺ هستند بناء اللہ متعال بر آنان حرام گردانیده که بعد از رسول اللہ ﷺ از دواج نمایند ."

عَنْ مَيْمُونِ بْنِ مِهْرَانَ ، قَالَ : (خَطَبَ مُعَاوِيَةَ أُمَّ الدَّرْدَاءِ فَأَبَتْ أَنْ تُزَوَّجَهُ ، قَالَتْ : سَمِعْتُ أَبَا الدَّرْدَاءِ ، يَقُولُ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : الْمَرْأَةُ لِأَخْرِ أَزْوَاجِهَا وَلَسْتُ أُرِيدُ بِأَبِي الدَّرْدَاءِ بَدَلًا)² ؛³

ترجمه: "میمون بن مهران روایت نموده که معاویه رضی اللہ عنہ از ام درداء خواستگاری ازدواج نمود ، ام درداء از ازدواج باوی خود داری نموده گفت : من از ابا درداء شنیده ام که میگفت: رسول اللہ ﷺ فرمودند: (زن درجنت ازهمان شوهر آخری خود میباشد) ومن کسی را بدل ابی درداء نمیخواهم ."

آنچه آیات و احادیث صراحت دارد میتوان گفت: کسانی که در دنیا باهم عقد نکاح کرده باشند در صورتی که هر دو درجنت باشند میتوانند مانند دنیا درجنت نیز همسرهمدیگر باشند و زندگی مشترک داشته باشند ، بدین اساس مردمان جنتی زنان دنیای خویش را در صورتیکه باشوهر دیگری ازدواج نکرده باشد ، همسرگرفته میتوانند.

مطلب دوم: چگونگی زندگی جدید درجنت

زندگی مملو از سرور و شادمانی ، عاری از همه غم ورنج ، درد و مرگ .. ! زندگی جنت با زندگی دنیا متمایز است در دنیا باید کارکرد و زحمت کشید ، در برابر همه مشکلات و نابسامانی ها صبر کرد ، با امتحانات مواجه شد و با شیطان و خواهشات نفسانی مبارزه کرد . با همه این مشکلات باید شرایط را

¹ شیخ البانی گفته (رجالہ ثقات ، روی ابی اسحق بالعنعنة). مشکل الآثار ج ۱ ص ۳۶۱ . و البیهقی فی سننہ الکبری ج ۷ ص ۶۹ رقم ۱۳۸۰۳ .

² عسقلانی: ابن حجر العسقلانی المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية

ناشر: دار العاصمة ، دار الغیث — السعودیة الطبعة: الأولى ، ۱۴۱۹ھ؛ ج ۲ ص ۱۱۰ .

³ شیخ البانی این حدیث را "صحیح" گفته است السلسلة الصحیحة ج ۳ ص ۲۷۵ .

تکمیل نماید که مستحق جنت شناخته شده و در امتحان پرور دگار درجه موفقیت را بدست آرد ،
زمانیکه در میزان محاسبه موفق بدرآمده و در جمله اصحاب یمین قرار گیرد ، شخص داخل جنت
میشود !

چون در دنیا با همه مشکلات دست و پنجه نرم کرده ، صبرنموده ، مبارزه کرده ، زحمت کشیده و الله
ﷻ را از خود راضی ساخته .

بناء! زندگی جدید را که در آخرت دارد زندگی است که هیچ مشکل و مشقتی وجود ندارد و زندگی
مطابق میل و رغبت و خواست وی میباشد همه چیزها برایش میسر است هیچ زحمتی بکار نیست
هیچ تشویشی و جود ندارد هیچ کمی و کاستی در انجام توجوه وی نیست هر آنچه بخواهد برایش
میسر و آماده است مرگ در سراغش آمدنی نیست الله ﷻ میفرماید: {يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ * لَا
يَذُقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ
1.}*¹

ترجمه: " آنان در آنجا هر میوه ای را که بخواهند (با کمال راحت) می طلبند (و مشکلاتی که در
بهره گیری از میوه های دنیا وجود دارد برای آنان وجود نخواهد داشت ، و از بیماریها و ناراحتیهای
که گاه بر اثر خوردن میوه ها در این دنیا پیدا می شود در آنجا وجود ندارد ، و همچنین بیمی از فساد
و کمبود و فزونی آنها نیست) و از هر نظر در امانند .

انان هرگز در آنجا مرگی جز همان مرگ نخستین (که در دنیا چشیده اند و بعد از آن زنده شده اند)
نخواهند چشید و خداوند آنان را از عذاب دوزخ به دور و محفوظ داشته است .
همه اینها فضل و بخششی از سوی پروردگار تو است . این رستگاری و خوشبختی بزرگی است (که
شامل حال پرهیزگاران می شود " .

{مُتَّكِنِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ }²

ترجمه: " بهشتیان بر فرشهایی تکیه می زنند و راحت میکنند که (چه رسد به رویه های آنها) آسترهای
آنها از ابریشم ضخیم است . و میوه های رسیده باغهای بهشت نزدیک و در دسترس است " .

{ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا }³

¹ سوره دخان آیه ۵۵-۵۷

² سوره رحمن آیه ۵۴

³ سوره مریم آیه ۶۲

ترجمه: " آنان در آنجا گفتار پوچ و بیهوده‌ای نمی‌شنوند ، لیکن درود (یزدان و فرشتگان و مؤمنان) را (می‌شنوند) صبحگاهان و شامگاهان (و تمام اوقات) خوراک و طعام ایشان آماده است ".
 برای جنتیان هر نوع غذای برای خوردن و مشروبات برای نوشیدن ، باغ و باغچه های برای نشستن و تفریح ، با انواع تختهای منقش و زرین ، جویبارهای صفا و گوارا با شراره ها و فواره های زیبا ، خادمان جوان و زیبا ، همسران پاک ، سالم از همه امراض و مکره ها ، لباسهای مفشن و رقیق از سندس و استبرق ، قصرهای دل کشا ، همه و همه و همه راحتی ها مهیا و آماده است از همه بالاتر درود و سلام پروردگارشان و رضایت الله ﷻ

{ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِنُونَ }¹

ترجمه: " جنتیان و همسران شان در زیر سایه بانها بر تختهای تکیه زنان نشسته اند ".

یعنی کاملاً در یک راحت با هم نشسته اند هیچ تشویش و کاستی وجود ندارد.

مراد از تکیه این نیست که در تکیه کدام فضیلت باشد بل نهایت درجه راحتی را بیان میکند.

{ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ } (68) { الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ } (69) { ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ } (70) { يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ } (71)².

ترجمه: " ای بندگان من ! امروز نه بیمی بر شما است (که عذاب و عقابی گریبانگیرتان شود) و نه غم و اندوهی دارید.

آن بنده گانی که به آیه‌های ما ایمان آورده‌اند و مسلمان و مطیع فرمان (آفریدگار خود) بوده‌اند.

شما و همسرانتان به بهشت درآئید ، در آنجا شادمان و شادکام و مکرم و محترم خواهید بود ".

جنتیان کاملاً و برای همیشه جوان میباشند چنانچه امام ترمذی روایت نموده: (عَنْ أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي قَوْلِهِ { إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً } { قَالَ إِنَّ مِنَ الْمُنْشَأَاتِ اللَّائِي كُنَّ فِي الدُّنْيَا عَجَائِزَ عُمْشًا رُمَصًا }³. ترجمه: " ترمذی رحمه الله از انس رضی الله عنه نقل نموده که رسول الله ﷺ فرمودند " مطلب از آیه آنست که زنانی که بسیار پیر شده اند که از چشمان شان آب و چرک می‌رود میباشد الله ﷻ آنان را جوان میگرداند درحالی که دارای چشمان سیاه و بزرگ اند نه قسمی که درد دنیا به سبب پیری دید چشم را ازدست داده بودند ".

¹ سوره یس آیه ۵۶

² سوره زخرف آیه ۶۸-۷۱

³ سنن الترمذی ج ۱۱ ص ۱۰۵.

جنتیان در سنین سی سال قرار میداشته باشند و هم سن و سال همدیگر میباشند: {عُرْبًا أُرَابًا} ¹.

ترجمه: "شيفتگان (همسر خود ، و همه جوان و شاداب و) همسن و سال هستند "

جنتیان همدیگر را زیارت میکنند از حال و احوال دیگران جويا میشوند مجالس مملو از محبت و الفت را دایر می کنند سخن میگویند آنچه در دنیا گذراینده اند به یاد می آورند شکر و ثنای الله متعال را ادام میکنند الله ﷺ در قرآن کریم از چگونگی زندگی فردی و اجتماعی شان اینگونه وصف شده.

{ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينَ * وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّٰ إِيَّاهُ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّتَقَابِلِينَ * لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ * } ². ترجمه : "بی گمان پرهیزگاران در میان باغها و چشمه ساران (بهشت) بسر می برند (پروردگارشان بدانان می گوید) با اطمینان خاطر و بدون هیچ گونه خوف و هراسی به این باغها و چشمه سارها درآئید.

و کینه توزی و دشمنی را از سینه هایشان بیرون می کشیم و برادرانه بر تختها رویاروی هم می نشینند.

در آنجا خستگی و رنجی بدیشان نمی رسد ، و از آنجا بیرون نمی گردند "

{ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّٰ تَجْرِي مِّنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءتْ رَسُولٌ رَّبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ } ³.

ترجمه: " هرگونه کینه ای را از دل هایشان می زدائیم (تا برادرانه در کمال صفا و صمیمیت در بهشت بسر ببرند) در زیر (قصرها و درختان) آنان جوی بارها جاری می گردد و می گویند: خدائی را سپاسگزاریم که ما را بدین (نعمت جاویدان و بی پایان) رهنمود فرمود و اگر الله ﷻ رهنمود مان نمی نمود ، ایمان نمی آوردیم . واقعاً پیغمبران پروردگارمان حق آوردند (و حق گفتند و به سوی حق همگان را رهبری نمودند . در اینجا از سوی فرشتگان خدا) ندا داده می شود که : این بهشت شما است (که در جهان به شما وعده داده شده بود و هم اینک) آن را به خاطر اعمالی (بایسته و کردارهای شایسته ای) که انجام داده اید به ارث می برید.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ : عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : (يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَقْوَامٌ أَفِيدَتْهُمْ مِثْلُ أَفِيدَةِ الطَّيْرِ) ⁴.

¹ سوره واقعه آیه ۳۷.

² سوره حجرات آیه ۴۵ - ۴۸.

³ سوره اعراف آیه ۴۳

⁴ صحیح مسلم ج ۱۳ ص ۳۸۳.

ترجمه: "ازابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: گروهی داخل جنت میشوند که قلب های شان مانند قلب پرندگان است."

امام نووی رحمه الله در شرح این حدیث میگوید: مطلب قلب جنتیان در نرمی و لطافت مانند قلب پرندگان است، چنانچه پرندگان نسبت به سایر حیوانات دارای ترس هستند؛ یعنی آنانیکه از الله ﷻ بسیار میترسند مثل قول الله تعالی ({ إِنَّهَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ })¹.
ترجمه: "به تحقیق از بندگان، کسانی که میدانند از الله بسیار می ترسند، یعنی مردمان دانان نسبت به سایر مردمان از الله ﷻ می ترسند و آنرا بزرگ می شمارند".

الله ﷻ از چگونگی اجتماعات، محبت و مجالس جنتیان چنین حکایت نموده: { وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (25) قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ (26) فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَّانَا عَذَابَ السَّمُومِ (27) إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ }².

ترجمه: " پرسش کنان روی به همدیگر می کنند و می گویند ما پیش از این در میان خانواده و فرزندانمان بیمناک (از خشم خدا و حساب و کتاب و جزا و سزای قیامت) بودیم.
سرانجام خداوند در حق ما لطف و مرحمت فرمود، و از عذاب دوزخ ما را بدور داشت.
ما پیش از این تنها الله ﷻ را یاد میکردیم و فقط وی را پرستش می کردیم. واقعاً او نیکوکار و مهربان است."³

{عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (21) إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا (22)}⁴.

ترجمه: "بر تن ایشان، لباسهای ابریشم نازک سبز و دیبای ضخیم است، و با دستبندهای سیمین، زیب و زینت شده اند، و پرور دگارشان بدیشان شراب پاک می نوشاند این پاداش (کارهای پسندیده دنیوی) شما است و (بدین وسیله) از تلاش و کوشش شما قدردانی و سپاس گزاری می شود".

{مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْكَانِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (13) وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذَلِيلًا (14)}¹.

¹سوره فاطر آیه ۲۸.

²سوره طور آیه ۲۵-۲۸.

³تفسیر نور ج ۱ ص ۱۶۱۱

⁴سوره انسان آیه ۲۱-۲۲

ترجمه: " در بهشت بر تختهای زیبا و مجلل تکیه می‌کنند ، و نه (گرمای) آفتابی و نه سوز سرمائی در آنجا می‌یابند ، سایه‌های (درختان) بهشتی بر آنان فرو می‌افتد و میوه‌های آنجا سهل‌الوصول و در دسترس شان قرار داده شده است ."

جنتیان بعد از اجتماع درجنت ازگذشته ها ، باور و یقین خویش و دسایس دشمنان خویش یاد میکنند چنانچه الله ﷻ از ایشان ذکر مینماید: {فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (50) قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ (51) يَقُولُ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُضْطَرِّينَ (52) إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ (53) قَالَ هَلْ أُنْتُمْ مُطَّلِعُونَ (54) فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ (55) قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدْتَ لَتُرْدِين (56) وَوَلَا نَعْمَةٌ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِّينَ (57) أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ (58) إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ (59) إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفُؤُزُ الْعَظِيمُ (60) لِيُمَثِّلَ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ}.²

ترجمه: " بعضی از جنتیان رو به بعضی دیگر می‌کنند و از یکدیگر می‌پرسند! یکی از آنان می‌گوید : من همنشینی داشتم می‌گفت : آیا تو از زمره کسانی هستی که باور می‌کنند به این که بعد از مرگ ، زندگی و رستاخیزی ، و حساب و کتابی ، و سزا و جزائی است آیا زمانی که مُردیم و خاک و استخوان شدیم ، آیا ما مورد بازخواست قرار می‌گیریم و سزا و جزا می‌بینیم ؟ ! (سپس آن بهشتی ، رو به دوستان بهشتی خود کرده) می‌گوید : آیا شما می‌توانید نگاهی (به دوزخ) بیندازید و او را بنگرید ؟ پس آن گاه خودش به طرف دوزخ می‌بیند و او را در وسط دوزخ می‌بیند . می‌گوید: به الله سوگند ! نزدیک بود مرا فریب داده و هلاکم بسازی . اگر نعمت (هدایت و توفیق) پروردگارم نمی بود ، من هم (اینک) از احضار شدگان (در دوزخ) می بودم . آیا ما دیگر نمی‌میریم ؟ !

"أَفَمَا نَحْنُ:" (وقتی که آن بهشتی ، عذاب دوزخ را می‌بیند ، و این همه نعمت و خوشی وصف ناشدنی بهشت را هم می‌نگرد ، به گونه تجاهل العارف و خیالی که خواب می‌بیند ، سؤال می‌کند: آیا واقعاً ما دیگر نمی‌میریم و جاودانه هستیم ؟ یا این که تحدّث به نعمت می‌کند . مگر مرگ نخستینی که داشتیم و ما هرگز عذاب داده نمی‌شویم . واقعاً این پیروزی بزرگی است)³ .

¹ سوره انسان آیه ۱۳ ، ۱۴

² سوره صافات آیه ۵۰ - ۶۱ .

³ تفسیر نور ج ۱ ص ۱۳۲۲ .

عن أبي هريرة رضى الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم (أهل الجنة جرد مرد كحل لا يفنى شبابهم ولا تبلى ثيابهم).¹

ترجمه: "از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: اهل جنت جوانانی اند که بر بدن ایشان مونیست، و هیچ پیری بر آنان وارد نشده و همیشه جوان هستند و لباسهای ایشان هیچ کهنه و فرسوده نمیشود."

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ وَأَبِي هُرَيْرَةَ؛ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ (يُنَادِي مُنَادٍ إِنَّ لَكُمْ أَنْ تَصِحُّوا فَلَا تَسْقُمُوا أَبَدًا وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَحْيُوا فَلَا تَمُوتُوا أَبَدًا وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَشَبُّوا فَلَا تَهْرَمُوا أَبَدًا وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَنْعَمُوا فَلَا تَبْأَسُوا أَبَدًا فَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ).

{ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ }².

ترجمه: "از ابی سعید خدری و ابی هریره رضی الله عنهما روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: زمانیکه اهل جنت به جنت داخل میشوند، آوازکننده یی صدامی زند! ای اهل جنت شما همیشه زنده هستید! مرگ برای شما نیست و برای شما صحت است و مریضی ندارید، برای شما جوانی است و هیچگاه پیرنمیشوید، و همیشه شما در نعمت هستید و از آن محروم نمیشوید، {در اینجا از سوی فرشتگان الله متعال} ندا داده می شود که: این بهشت شما است (که در جهان به شما وعده داده شده بود و هم اینک) آن را به خاطر اعمالی که انجام داده اید به ارث می برید."

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَسُوقًا يَأْتُونَهَا كُلُّ جُمُعَةٍ فَتَهُبُّ رِيحُ الشَّمَالِ فَتَحْتُو فِي وُجُوهِهِمْ وَثِيَابِهِمْ فَيَزِدَادُونَ حُسْنًا وَجَمَالًا فَيَرْجِعُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ وَقَدْ زِدَادُوا حُسْنًا وَجَمَالًا فَيَقُولُ لَهُمْ أَهْلُوهُمْ وَاللَّهِ لَقَدْ زِدَدْتُمْ بَعْدَنَا حُسْنًا وَجَمَالًا فَيَقُولُونَ وَأَنْتُمْ وَاللَّهِ لَقَدْ زِدَدْتُمْ بَعْدَنَا حُسْنًا وَجَمَالًا).⁴

¹ امام ترمذی این حدیث را "حسن غریب" گفته سنن ترمذی ج ۴ ص ۶۷۹.

² سوره اعراف آیه ۴۳.

³ صحیح مسلم ج ۱۴ ص ۳۷۶.

⁴ صحیح مسلم ج ۱۳ ص ۴۶۵.

ترجمه: "ازانس بن مالک رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: درجنت بازاری است که در هر جمعه جنتیان آنجا جمع میشوند، زمانیکه از جانب شمال هوای گوارا به روها ولباس های ایشان میوزد حسن و زیبایی شان افزون میشود، زمانی که به نزد خانواده های خویش درحالیکه حسن وجمال شان زیاد شده برمیگردند اهل شان برای شان میگویند، قسم به الله بعد از ما حسن وزیبایی شما زیاد شده، آنان میگویند: قسم به الله که حسن وجمال شما نیز زیاد شده."

به این معنی که جنتیان از همه چیز جنت لذت می برند و هرچیز جنت لذت و خوش آیند است، آب، غذا، هوا، بازار .. و حدیث به آن دلالت دارد که در جنت نیز زندگی اجتماعی، بازارها، سیاحت و تفریح و نظام خانواده وجود داشته و جنتیان از آن استفاده میکنند.

ملاعلی قاری رحمه الله در شرح حدیث میگوید: (این زیبایی به سبب رسیدن شمال های جنت است ویا به سبب انعکاس زیبایی خود شان ویا هم از اثر نعمت وراحتی ایشان که در آن بسر می برند).¹ یعنی ازهر حال ایجاب میکند که جنتیان با داشتن آن زندگی مرفه وراحت همانگونه زیبایی و شادابی داشته باشد.

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ فَيَقُولُونَ لَبَّيْكَ رَبَّنَا وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ فَيَقُولُ: هَلْ رَضِيتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: وَمَا لَنَا لَا نَرْضَى يَا رَبِّ وَقَدْ أُعْطِينَا مَا لَمْ نُعْطِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ؟ فَيَقُولُ أَلَا أُعْطِيكُمْ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ؟ فَيَقُولُونَ: يَا رَبِّ وَأَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ؟ فَيَقُولُ: أُحِلُّ عَلَيْكُمْ رِضْوَانِي فَلَا أَسْخَطُ عَلَيْكُمْ بَعْدَهُ أَبَدًا).²

ترجمه: "ازابی سعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: الله متعال به اهل جنت میگوید: ای اهل جنت! میگویند به خدمت حاضریم و بزرگ هستی پروردگارا! همه نیکی ها در دست بلاکیف تو است! الله متعال میفرماید: آیا راضی هستید؟ میگویند چطور راضی نباشیم! درحالیکه بهمانچه داده یی که به هیچ یک از مخلوقات ات نداده یی! میگوید: آیا بهتر از این برایتان ندهم؟ میگویند: پروردگارا چه چیزی از این بهتر خواهد بود؟ پروردگار میگوید: خوشنودی من بر شما حلال شد! که بعد از این هرگز بر شما به خشم نمی شوم."

از دلایل فوق معلوم میشود که زندگی جنتیان یک زندگی کاملاً راحت و لذت بخش است که از هر لحاظ سلامتی آنها را احاطه نموده، هر نوع مرگ، پیری، گرسنه گی، تشنه گی، سردی، گرمی، درد، بیم و وحشت ... وجود ندارد.

¹ مرقاة المفاتیح ج ۹ ص ۳۵۸.

² صحیح البخاری ج ۲۰ ص ۲۱۶.

در آنجا مجالس سرور و محبت را دایر میکنند از گذشته های دنیا و مشقات آن یاد آوری میکنند. هرآنچه بخواهند برایشان میسر هست ؛ و در نتیجه هیچ آرمان و خواستی در دل شان باقی نمی ماند که به آن نایل شده نتوانند و یا زیبایی ها و لذایذی که برای شان میسر نباشد.

مبحث پنجم: تصویر کلی از نعمات جنت

{قَبَائِيَّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ} ¹ ترجمه: " پس کدام یک از نعمت های پرور دگار تان را تکذیب و انکار میکنید! ".

نعمات جنت از حیث کیفیت و لذت بانعمات دنیا کاملا متغیر بوده که جزبه نام از هیچ لحاظ قابل مقایسه نمی باشند ، در جنت هیچ نوع قحطی و کمی وجود ندارد بل هرآنچه جنتیان بخواهند برای شان میسر و آماده هست (لهم مايشائون فيها ولدینا مزید) ² ترجمه: " برای ایشان است آنچه که بخواهند و افزون برآن ".

چشمه سار های زلال سلسبیل ، کافور و تسنیم در اعلی ترین حد صفا ، و زیبایی و جود دارد ، نهرهای گوناگون که با نوشیدن آن هرگز روی تشنه گی را کسی نمی بیند ، قصر های سربه فلک ، اتاقهای منقش و مفشن و زیبا ، خیمه های از مروارید خالص و صفا ، تاکها ها و باغچه های که از زیر آنها جوی بارهای روان باشر شره های آب که با شنیدن آن انسان لذت می برد ، میوه های مختلفی که جزبه نام از حیث کیفیت و لذت تا اکنون کسی ندیده و نظیرش پیدا نمیشود هرآنچه از سیب ، انگور ، انار... بخواهد آماده حتی اگر اراده خوردن داشته باشد شاخه های آن درختان نزد شخص نزدیک میشود ، جوی بارهای شیری که که از بین سرگین و خون بیرون نه شده بوی و ذایقه بد ندارد شراب شربنی که از همه زشتی ها و پلیدی ها کاملا پاک و در گیلان های زیبا و نظیف در اختیار جنتی ها قرار دارد ، عسلی که در قرآن بنام مصفی یاد شده در نهایت شفاف و خالص با داشتن طعم بی نظیر و بی مانند ، تختهای منقش ، فرشهای زیبا و نرم که از سندس و استبرق ساخته شده و با تارهای طلا گل دوزی شده ، خادمان جوان که آماده و عیار برای خدمت جنتیان قرار دارند ، بازار های زیبا و وسیعی که هرآنچه میل انسان باشد در آن موجود بوده و هیچ جگره و قیمتی در آن نیست ، زنان زیبا و کاملا جوان ، دارای اخلاق حمیده ، چشمان سیاه کلان ، موهای سیاه ، اندام سفید ، وقد آراسته و زیبا ، تنها رضایت شوهران خویش را میخواهند و به هیچ کسی دیگری میل و رغبتی ندارند بل

¹ سوره رحمن آیه ۶۶

² سوره ق آیه ۳۵.

درخیمه های زرین مروارید به انتظار شوهران خود نشسته اند { وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ * فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ * وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ * وَظَلِّ مَمْدُودٍ * وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ * وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ * لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ * وَفُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ * إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً * فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا * غُرُبًا أَثْرَابًا * لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ * }¹

ترجمه: " سمت راستیها ! چه سمت راستیهای؟! (اوصاف مواهب و نعمتهایشان در بیان نمی گنجد. در (سایه درخت) سدر بی خار راحت میکنند و در سایه درختان کیله بسر می برند که میوه هایش روی هم ردیف و سربه سر افتاده و در میان سایه های فراوان و گسترده و کشیده (خوش و آسوده اند) « ظِلِّ مَمْدُودٍ »: در سایه های فراخ و گسترده . غرض این است که بهشتیان دائماً در سایه های مطبوع و روح افزای دائمی و همیشگی بسر می برند و از رنج گرما در امانند.

و در کنار آبشارها و آبهای روان (بسر می برند که زمزمه آن گوش جان را نوازش می دهد و منظره آن چشم انسان را فروغ می بخشد) و آبهاییکه ریزان و روان ، همیشه جاری ، از بالا به پائین در حال ریزش و در میان میوه های فراوان هستند . که نه تمام می شود و نه منع می گردد . و در بین همسران ارجمند و گرانقدری که الله ﷻ آنان را به شکل و زیبایی خاص آفریده .

جنتیان و همسران شان باهم درس و سال برابر اند که سن ایشان سی الی سی و سه سال میباشد و به همدیگر مهر می ورزند و هیچ گاه کینه و حسد در میان شان واقع نمی شود"².

جنتیان با والدین و فرزندان و اقارب خود همه مجالس سرور و خوشی برپا کرده از روزها مشکلات و سختی های دنیا باهم یاد آوری کرده از احسانی که الله بایشان کرده ممنون اند.

جوانی هیچ مرض ، عیب ، و تشویشی وجود ندارد تنها سلامتی و سلامتی { لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا (25) إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا (26) }³.

ترجمه: " در میان باغهای بهشت ، نه سخن بیهوده می شنوند ، و نه سخن گناه آلود ، مگر سلام! و سلام ! یعنی سلامتی همدیگر و درود به همدیگر "

{ دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخْرَجُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ }⁴

ترجمه: "در بهشت دعای مؤمنان : پروردگارا ! تو منزهی و سلام آنان در آن درودتان باد ! و ختم دعا و گفتارشان : شکر و سپاس پروردگار جهانیان را سزا است ، می باشد.

¹ سوره واقعه آیه ۲۷-۳۸

² تفسیر قرطبی ج ۱۷ ص ۲۱۱

³ سوره واقعه آیه ۲۵-۲۶.

⁴ سوره یونس آیه ۱۰

از همه مهم تر رضایت الله ﷻ که کامیابی بزرگ است، بخاطریکه جنت وهرآنچه درآن است ملک الله ﷻ است پس ازکسیکه راضی باشد ازآن نعمات برای شان ار زانی مینماید: {فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ} ¹.

ترجمه: "پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب وانکار میکنید".

(تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ) (78).²

نام پروردگار بزرگوار و گرامی تو ، چه مبارك نامي است !

هرآنچه از همه اوصاف و خصوصیات جنت و نعمات آن بیان گردید همه رحمتی است از جانب الله عزیز و حکیم بربنده گان مؤمن ، صادق ، مخلص و متقی الله متعال که جنت و نعمات آن را با همه زیبایی ها ولذایذ آن نصیب وی گردانیده است .

¹ سوره رحمن آیه ۶۶

² سوره رحمن آیه ۷۸.

پیشنهادات

- 1- باید از تعمق بیش از حد در مسائل غیبات خصوصاً جنت و نعمات آن خود داری گردد.
- 2- برای عوام از ذکر اختلافات جزئی و غیر ضروری خود داری گردد.
- 3- نهاد های تحصیلی و علمی باید در مورد امورات غیبی تصویر واضح و واحدی بیان نمایند.
- 4- علماء و خطباء ضمن بیان زشتی های دوزخ و سختی های آن محاسن و زیبایی های جنت و نعمات آن را نیز بیان کنند.
- 5- محققین باید دسایس دشمنان اسلام اعم از کفار ، منافقین ، مستشرقین را زیر مطالعه داشته و شبهات آنها را جواب ارایه نمایند.
- 6- عده یی از خطباء در مسایل ترغیب اکثراً به احادیث ضعیف و موضوع رجوع مینمایند که باید در مسایل جنت و نعمات آن به احادیث صحیح و مقبول مراجعه شود.

نتیجه گیری

بیان اوصاف جنت و نعمات آن در قرآن کریم بیانگر بی نهایت مهربان بودن پرور دگار عالمیان است ، چون انسانها را ضمن آنکه از انجام همه اعمالی که سبب بد بختی انسان میشود منع نموده و راه و نتیجه همه عمل کرد های انسان را قبل از انجام برایشان روشن ساخته .

دشمنان اسلام با همه ابزار و وسایل سعی مینمایند تا در مورد اساسات شریعت شکوکی را ایجاد نمایند و عده بی از مسلمانان آگاهانه و یا ناآگاهانه از ایشان پیروی نموده و باعث بد بختی و هلاکت خویش میگرددند پس نظام عدل الهی است که چنین اشخاص را مورد عفو قرار میدهد و یا سزا و جزای که برای شان وعده داده گرفتار شان میکند .

۱ - الله ﷻ قرآن کریم را بحیث رهنماء و کتاب هدایت برای بشریت فرستاده تا انسانها به واسطه آن خویشتن را از عذاب هولناک جنهم بدور داشته و برای بدست آوردن جنت و نعمات آن تلاش خسته گی ناپذیر نمایند .

۲- جنت و نعمات آن از جمله مسایلی بوده که بدون وحی (قرآن و سنت) انسان قادر به فهم و درک آن نمی باشد بدین اساس الله ﷻ جهت تبلیغ و رسانیدن احکام پیامبران علیهم السلام را فرستاده .

۳- مصادر شریعت جنت و دوزخ را با همه خصوصیات آنها بیان نموده ، پس انسان است که کدام یکی را اختیار مینماید .

۴- انسان در گرو عمل خود بوده و خود در تعیین سرنوشت خود نقش اساسی دارد .

۵- دنیا و هرآنچه در آن است وسیله برای رسیدن به جنت میباشد .

۶- عدل الهی عام بوده و شامل همه میشود پس انسانها هستند که خود را سعید یا شقی میسازند .

۷- انسانهای خوشبخت آنانی اند که از اوامر الله اطاعت و از نواهی آن خود داری مینمایند که سعادت دارین نصیب هریک میگردد .

۸- ایمان و عمل صالح هیچ یک به تنهایی سرنوشت سازنده عمل بدون ایمان معنی و مفهومی ندارد و ایمان بدون عمل صالح سبب نجات انسان شده نمیتواند.

۹- مسلمانانیکه در راه الله ﷻ مشکلات و مشقات را سپری مینمایند برای هر عمل ایشان در آخرت مکفاتی و جود دارد .

۱۰- همه عیش و عشرت دنیا ارزش اندک ترین عذاب الهی را نداشته و اندک ترین نعمت جنت به مراتب بهتر از گذراندن همه مشکلات در دنیا میباشد.

پنجشنبه ۱۶/۱۲/۱۳۹۷ هـ ش مطابق ۳۰ جمادی الثانی ۱۴۴۰ هـ .

فهرست آیات قرآنی

شماره	متن آیت	سوره ونمبرآیت	صفحه
۱	يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ	البقره ۹	۶۵
۲	وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ	البقره ۲۵	۹۸
۳	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ	البقره ۸۲	۱۲۱
۴	وَلَنْ يَتَمَنَّوهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ	البقره ۹۵	۵۹
۵	وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ	آل عمران ۱۳۳	۳۲
۶	أُولَئِكَ جَزَاءُ هُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ	آل عمران ۱۳۶	۹۶
۷	أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ	آل عمران ۱۴۲	۱۲۵
۸	تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ	النساء ۱۳	۱۱۲
۹	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن	النساء ۵۷	۹۸
۱۰	وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ	النساء ۶۹	۱۲۲
۱۱	لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ	النساء ۱۲۳	۱۲۵
۱۲	وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ	النساء ۱۲۴	۹۳
۱۳	وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا	المائدة ۸۴	۹۶
۱۴	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ	المائدة ۹۰	۱۱۴
۱۵	لَا تَدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ	الانعام ۱۰۳	۵۸
۱۶	وَيُودُوا أَنْ تِلْكَ الْجَنَّةُ أَوْرَثُوهَا بِمَا كُنْتُمْ	الاعراف ۴۳	۱۴۲
۱۷	وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّن غَلٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمْ	الاعراف ۴۳	۱۳۹
۱۸	وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ	الاعراف ۵۰	۱۰۱
۱۹	وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي	الاعراف ۱۴۳	۵۸
۲۰	لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ	الانفال ۸	۷۲
۲۱	الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ	التوبه ۲۰	۱۲۵
۲۲	أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ	التوبه ۸۹	۱۱۲
۲۳	دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا	يونس ۱۰	۱۴۵

٢٧	يونس ٢٢	لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ	٢٤
١٢٦	الرعد ٢٢	وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا	٢٥
١٣	الرعد ٢٣	جَنَّاتٍ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ	٢٦
١٠٣	النحل ٦٨	وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا	٢٧
١٠١	الانبياء ٣٠	وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا	٢٨
١٢١	مؤمنون ١-١١	قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ	٢٩
٩٤	الروم ١٥	فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ	٣٠
١٢٤	الفاطر ٢٨	إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ	٣١
١٣٥	يس ٥٦	هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِنُونَ	٣٢
١٠٥	الصفات ٤٤	عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ	٣٣
٨٥	الصفات ٤٨	وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطُّرْفِ عِينٌ	٣٤
١٤١	الصفات ٥٠	فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ	٣٥
١٠٥	الصفات ٧٤	لَا فِيهَا عُوقٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ	٣٦
٩٩	ص ٥١	مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ	٣٧
١٣١	الغافر ٧	الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ	٣٨
١٣١	الغافر ٨	رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ	٣٩
٩٧	الشورى ٢٢	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ	٤٠
٩٣	زخرف ١٨	أَوْ مَنْ يُنشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ	٤١
١٣٨	زخرف ٦٨	يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ	٤٢
١٣٥	زخرف ٧٠	ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ	٤٣
١١٧	زخرف ٧١	يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا	٤٤
٥٩	زخرف ٧٢	وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ	٤٥
١٣٧	الدخان ٥٥	يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ	٤٦
١٠٢	محمد ١٥	وَأَنْهَارٌ مِّنْ لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ	٤٧
١٣٩	حجرات ٤٥	إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ	٤٨
٦٠	ق ٢٢	فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرِكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ	٤٩
٦٥	ق ٣٥	لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ	٥٠
٩٥	الذاريات ١٥	إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ	٥١
٨٣	الطور ٢٠	مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَرَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ	٥٢
١٣٣	الطور ٢١	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ	٥٣
١١٦	الطور ٢٢	وَأَمْدَدْنَاَهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ	٥٤

١٣٣	الطور ٢٥	وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ	٥٥
٩٩	الرحمن ٥٢	فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ	٥٦
١٣٧	الرحمن ٥٤	مُتَّكِّينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ	٥٧
٨٤	الرحمن ٥٦	فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ	٥٨
٨٤	الرحمن ٥٨	كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ	٥٩
٨٥	الرحمن ٦٠	هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ	٦٠
٩٥	الرحمن ٦٢	وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ	٦١
١٠٧	الرحمن ٦٦	فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ	٦٢
٩٨	الرحمن ٦٨	فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ	٦٣
٨٥	الرحمن ٧٠	فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ	٦٤
٤٤	الرحمن ٧٢	حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ	٦٥
٨٦	الرحمن ٧٦	مُتَّكِّينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانِ	٦٦
٤٤	الرحمن ٧٧	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ	٦٧
٩٠	الرحمن ٧٨	تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ	٦٨
١٠٤	الواقعه ١٥	عَلَى سُرُرٍ مَوْضُوعَةٍ	٦٩
١٠٦	الواقعه ١٩	لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ	٧٠
٩٩	الواقعه ٢٠	وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ	٧١
٨٨	الواقعه ٢١-٢٦	وَلَحْمٍ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ...	٧٢
٨٨	الواقعه ٢٦	لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لُعْوًا وَلَا تَأْتِيهَا إِلَّا قِيلًا سَلَامًا	٧٣
١٤٥	الواقعه ٢٧	وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ	٧٤
٩٩	الواقعه ٣٢	وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ	٧٥
٨٧	الواقعه ٣٥	إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً	٧٦
١٣٩	الواقعه ٣٧	عُرْبًا أُنثَابًا	٧٧
١١٧	الحاقه ٢٤	كَلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ	٧٨
٦٠	القيامه ٢٢	وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ	٧٩
١٠٤	سوره الانسان ٥	إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا	٨٠
١٤١	الانسان ١٣	مُتَّكِّينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا	٨١
١٠٥	الانسان ١٥	وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِانِيَّةٍ مِّنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا	٨٢
١٤٠	الانسان ٢٢	عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوا أَسَاوِرَ	٨٣
١٠٨	مرسلات ٤١	إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ	٨٤
٩٩	النبا ٣٢	حَدَائِقٍ وَأَعْنَابًا	٨٥

٨٦	كَلَا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ	المطففين ١٥	٦٣
٨٧	إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ	المطففين ٢٢	١٠٨
٨٨	يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ	المطففين ٢٥	١٠٥
٨٩	إِنَّا عَطَيْنَاكَ الْكُوْثِرَ	الكوثر ١	٧٧

فهرست احاديث نبوي

شماره	متن حديث	صفحه
١	إذا صلت المرأة خمسها وصامت شهرها وحصنت فرجها	١٢٦
٢	أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ الْجَنَّةِ كُلِّ ضَعِيفٍ مُتَضَعِّفٍ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ	١٢٣
٣	الشهداء على بارق نهر بباب الجنة في قبة خضراء	١١١
٤	أَفْضَلُ الشَّهَدَاءِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ	١٢٧
٥	المرأة لأخِرِ أزواجها ، ولست أريد	١٣٦
٦	الكوثر نهر في الجنة حافظه من ذهب ومجراه على الدر	٨١
٧	إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ فَيَقُولُونَ لَبَّيْكَ	١٤٣
٩	إِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ فَسَلُوهُ الْفِرْدَوْسَ فَإِنَّهُ أَوْسَطُ الْجَنَّةِ	١١١
١٠	إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَرْفَعُ دَرَجَةَ الْمُؤْمِنِ مَعَهُ فِي دَرَجَتِهِ	١٣٤
١١	إِنَّكُمْ سَتَرُونَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرُونَ هَذَا الْقَمَرَ لَا تَضَامُونَ فِي رُؤْيِيهِ	٦٤
١٢	إِنِّي لِبُعْثِرِ حَوْضِي أَدُودُ النَّاسِ لِأَهْلِ الْيَمَنِ أَضْرِبُ بِعَصَايَ حَتَّى يَرْفُضَ	٦٨
١٣	أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ يَوْمًا فَصَلَّى عَلَى أَهْلِ أَحُدٍ صَلَاتُهُ عَلَى ..	٦٩
١٤	إِنَّ الرَّجُلَ لَيُتْرَفَعُ دَرَجَتُهُ فِي الْجَنَّةِ فَيَقُولُ أَنَّى هَذَا	١٣٠
١٥	إِنِّي لَكُمْ فَرَطٌ عَلَى الْحَوْضِ فَإِذَا لَا يَأْتِيَنَّ أَحَدُكُمْ فَيَذُبُّ عَنِّي	٧١
١٦	إِنَّ أَمَامَكُمْ حَوْضًا مَا بَيْنَ نَاحِيَّتَيْهِ كَمَا بَيْنَ جَرْبَاءَ وَأَذْرَحَ	٧٣
١٧	إِنِّي فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ وَإِنَّ عَرْضَهُ كَمَا بَيْنَ أَيْلَةَ إِلَى الْجُحْفَةَ	٧٣
١٨	أَنْزَلْتُ عَلَيَّ أَنْفًا سُورَةَ فَقَرَأَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	٧٨
١٩	إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوْضًا وَإِنَّهُمْ يَتَّبَاهُونَ أَيُّهُمْ أَكْثَرُ وَارِدَةٌ	٧٥
٢٠	إِنَّ مِنَ الْمُنْشَأَتِ اللَّائِي كُنَّ فِي الدُّنْيَا عَجَائِزَ عُمَشًا رُمَصًا	٨٧
٢١	إِنَّ فِي الْجَنَّةِ حَيْمَةً مِنْ لَوْلُؤَةٍ مُجَوَّفَةٍ عَرْضُهَا سِتُّونَ مِيلًا	٩٠
٢٢	إِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تَرِيدُونَ شَيْئًا أَزِيدُكُمْ	٩٢
٢٣	إن في الجنة بحر الماء وبحر العسل وبحر اللبن وبحر الخمر	١١٠

٢٤	أَنْهَارُ الْجَنَّةِ تَخْرُجُ مِنْ تَحْتِ تِلَالٍ - أَوْ مِنْ تَحْتِ جِبَالٍ - مَسْك	١١١
٢٥	أَوَّلُ زُمْرَةٍ تَلِجُ الْجَنَّةَ صُورَتُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ	١١٨
٢٦	أَنْبَتُهُمْ فِيهَا الذَّهَبُ	١١٨
٢٧	إِنِّي لِأَعْلَمُ آخِرَ أَهْلِ الْجَنَّةِ دُخُولًا الْجَنَّةَ وَآخِرَ	١٢٩
٢٨	أَهْلِ الْجَنَّةِ جَرْدُ مَرْدٍ كَحَلِّ لَا يَفْنَى شَبَابِهِمْ	١٤٢
٢٩	الْمُؤْمِنُ إِذَا اشْتَهَى الْوَلَدَ فِي الْجَنَّةِ ، كَانَ حَمْلُهُ وَوَضْعُهُ	١٣٣
٣٠	إِنْ شِئْتَ أَنْ تَكُونِي زَوْجَتِي فِي الْجَنَّةِ فَلَا تَزُوجِي بَعْدِي	١٣٥
٣١	إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَسُوقًا يَأْتُونَهَا كُلُّ جُمُعَةٍ فَتَهْبُ رِيحُ الشَّمَالِ	١٤٢
٣٢	بَيْنَمَا أَنَا أَسِيرُ فِي الْجَنَّةِ إِذَا أَنَا بِنَهْرٍ حَافَتَاهُ قِبَابُ الدَّرِّ	٨٠
٣٣	حَوْضِي مِنْ عَدْنٍ إِلَى عَمَانَ الْبَلْقَاءِ مَاؤُهُ أَشَدُّ بِيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ	٧١
٣٤	خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمًا وَنَحْنُ فِي الْمَسْجِدِ وَهُوَ عَاصِبٌ ..	٦٩
٣٥	رُفِعَتْ إِلَى السِّدْرَةِ فَإِذَا أَرْبَعَةٌ أَنْهَارٍ نَهْرَانِ ظَاهِرَانِ وَنَهْرَانِ	١١٣
٣٦	سِيحَانٌ وَجِيحَانٌ وَالْفَرَاتُ وَالنَّيْلُ كُلٌّ مِنْ أَنْهَارِ الْجَنَّةِ	١١٣
٣٧	سَأَلَ مُوسَى ﷺ رَبَّهُ : مَا أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةٌ ؟	١٢٨
٣٨	عَشْرَةٌ فِي الْجَنَّةِ النَّبِيُّ فِي الْجَنَّةِ وَأَبُو بَكْرٍ فِي الْجَنَّةِ وَعُمَرُ فِي الْجَنَّةِ	١٢٢
٣٩	قَالَتْ نَهْرٌ أُعْطِيَهُ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ	٧٩
٤٠	لَأَنْبَتُهُ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ وَكَوَاكِبِهَا	٧٢
٤١	لَمَّا عُرِجَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى السَّمَاءِ قَالَ أَتَيْتُ عَلَى نَهْرٍ	٧٩
٤٢	مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَصَامَ رَمَضَانَ	٥٢
٤٣	وَأَكْوَابَهُ عَدَدُ نُجُومِ السَّمَاءِ	٧١
٤٤	وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَنْظُرُ إِلَى حَوْضِي الْآنَ	٦٩
٤٥	يَا أَبَا سَعِيدٍ مَنْ رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ	١٢٢
٤٦	يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَقْوَامٌ أَفِيدَتْهُمْ مِثْلُ أَفِيدَةِ الطَّيْرِ	١٢٣
٤٧	يُنَادِي مُنَادٍ إِنَّ لَكُمْ أَنْ تَصِحُّوا فَلَا تَسْقُمُوا أَبَدًا	١٤٢

فهرست اعلام وگروها

شماره	اسم	صفحه
۱	ابن القيم	۱۷
۲	ابن تيميه	۳۸
۳	ابن كثير	۶۱
۴	ابن الماجشون	۶۴
۵	أبو حنيفة النعمان	۸۸
۶	ابوجعفر الطحاوی	۶۲
۷	ابوهذيل العلاف	۳۶
۸	اسماعيل ابن محمد	۶۳
۹	النووي ، أبو زكريا	۱۲۴
۱۰	إمام الشافعي	۶۳
۱۱	أبو منصور الماتريدي	۸۷
۱۲	القاضي عياض	۷۳
۱۳	جهم ابن صفوان	۳۶
۱۴	جهميه	۵۷
۱۵	خوارج	۵۸
۱۶	دمشقي	۱۷
۱۷	زمخشري	۵۹
۱۸	سيد قطب بن إبراهيم	۱۰۵
۱۹	علي ابن اسماعيل	۶۲
۲۰	مالك ابن انس	۶۳
۲۱	محمد ناصر الدين الألباني	۳۹
۲۲	معتزلة	۵۷
۲۳	مُلا علي القاري	۶۸

فهرست مصادر ومراجع

قرآن كريم (مصحف شريف)

- (1) ابن ابى شيبة : أبو بكر عبد الله بن مُجَدِّد بن أبي شيبة العبسي الكوفي . (١٥٩ - ٢٣٥ هـ) ، مُصنّف ابن أبي شيبة الطبعة الاولى ١٤٣٠ هـ الرياض مكتبة الرشد.
- (2) ابن حبان : مُجَدِّد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي (المتوفى ٣٥٤ هـ) صحيح ابن حبان ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة الثانية ، ١٤١٤ هـ - ١٩٩٣ م
- (3) ابن حنبل : أحمد بن حنبل الشيباني ، محقق : شعيب الأرنؤوط وآخرون مسند الإمام أحمد بن حنبل ناشر : مؤسسة الرسالة الطبعة : الثانية ١٤٢٠ هـ ، ١٩٩٩ م.
- (4) ابن القيم : مُجَدِّد بن أبي بكر ابن قيم الجوزية متوفى ٥٧١ هـ حادي الأرواح الى بلاد الأفراح ناشر: مطبعة المدني ، القاهرة.
- (5) ابن القيم مُجَدِّد بن أبي بكر ابن قيم الجوزية (المتوفى: ٧٥١ هـ) تفسير القرآن الكريم ناشر: دار ومكتبة الهلال - بيروت ؛ الطبعة: الأولى - ١٤١٠ هـ..
- (6) ابن القيم مُجَدِّد بن أبي بكر بن ابن قيم الجوزية (المتوفى: ٧٥١ هـ) يزدگترين نعمت بهشت (رؤيت خداوندج) تخريج مُجَدِّد خالد عطار ترجمه ابو عمر تهراني www.aqeedeh.com
- (7) ابن حزم : علي بن أحمد بن سعيد بن حزم ظاهري أبو مُجَدِّد تولد : ٣٨٣ / وفات ٤٥٦ المحلى ناشر : دار الآفاق الجديدة ؛ مكان نشر : بيروت.
- (8) ابن كثير: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي تفسير القرآن العظيم (المتوفى: ٧٧ هـ) ناشر : دار طيبة للنشر ، الطبعة: الثانية ١٤٢٠ هـ
- (9) اصفهاني : حسين بن مُجَدِّد بن المفضل المعروف بالراغب الأصفهاني . مفردات الفاظ القرآن للراغب الاصفهاني ناشر: دار القلم . دمشق ؛ عدد الأجزاء / ٢ .
- (10) اصفهاني : أبو نعيم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهاني (المتوفى: ٤٣٠ هـ) صفة الحنة ، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق / سوريا
- (11) اصفهاني : أبو نعيم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران (المتوفى: ٤٣٠ هـ) معرفة الصحابة ناشر: دار الوطن للنشر ، الرياض ، الطبعة: الأولى ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م
- (12) أصبهاني أبو القاسم اسماعيل ابن مُجَدِّد بن الفضل التيمي ٤٥٧ هـ الححة في بيان المححة وشرح عقيدة أهل السنة ناشر: دار الازية سنة النشر ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م ، مكان النشر السعودية / الرياض .
- (13) ألباني: أبو عبد الرحمن مُجَدِّد ناصر الدين ، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم ، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠ هـ) صحيح وضعيف سنن أبي داود ناشر: إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندري ؛ مكتبة الشاملة

- (14) ألباني: أبو عبد الرحمن مُجَدُّ ناصر الدين ، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم ، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ) السلسلة الصحيحة الناشر: مكتبة المعارف – الرياض عدد الأجزاء: ٧.
- (15) ألباني: أبو عبد الرحمن مُجَدُّ ناصر الدين بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم ، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ) صحيح الجامع الصغير وزياداته لناشر: المكتب الإسلامي عدد الأجزاء: ٢
- (16) الجزائري: جابر بن موسى بن عبد القادر بن جابر أبو بكر الجزائري ، أسر التفاسير لكلام العلي الكبير ناشر: مكتبة العلوم والحكم ، المدينة المنورة ، المملكة العربية السعودية ، الطبعة: الخامسة ، ١٤٢٤هـ/٢٠٠٣م ،
- (17) أوسي: شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني (المتوفى: ١٢٧٠هـ) روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع
المثاني حقق: علي عبد الباري عطية
ناشر: دار الكتب العلمية – بيروت الطبعة: الأولى ، ١٤١٥هـ
- (18) أوسي: نعمان بن محمود بن عبد الله ، أبو البركات خير الدين ، حلاء العينين في محاكمة الأحمدين
ناشر: مطبعة المدني ، عام النشر: ١٤٠١هـ - ١٩٨١م
- (19) اندلسي: أبو حيان مُجَدُّ بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان أثير الدين البحر المحيط في التفسير
ناشر: دار الفكر – بيروت ، الطبعة: ١٤٢٠هـ ج ٨ ص ١٣٤ .
- (20) آل نعمان : شادي بن مُجَدُّ بن سالم آل موسوعة العلامة مُجَدُّ ناصر الدين الباني
ناشر: مركز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية وتحقيق التراث والترجمة ، صنعاء اليمن الطبعة: الأولى ، ١٤٣١هـ
- (21) بخارى : مُجَدُّ بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه ناشر: دار طوق النجاة الطبعة: الأولى ، ١٤٢٢هـ ، عدد الأجزاء: ٩
- (22) بدر: عبد المحسن بن حمد بن عبد المحسن بن عبد الله بن حمد العباد البدر شرح سنن أبي داود
ناشر: موقع الشبكة الإسلامية ؛ <http://www.islamweb.net>
- (23) بويصري: أبو العباس شهاب الدين أحمد بن أبي بكر بن إسماعيل بن سليم (المتوفى: ٨٤٠هـ) إتحاف الخيرة
المهيرة بزوائد المسانيد العشرة ناشر: دار الوطن للنشر ، الرياض الطبعة: الأولى ، ١٤٢٠هـ - ١٩٩٩م عدد الأجزاء: ٩.
- (24) ترمذي: مُجَدُّ بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي سنن الترمذي
ناشر: دار إحياء التراث العربي – بيروت ، ، تحقيق: أحمد مُجَدُّ شاكر
- (25) جوزي: جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن مُجَدُّ الجوزي (المتوفى: ٥٩٧هـ) كشف المشكل من حديث الصحيحين ناشر: دار الوطن – الرياض
- (26) جوهرى: إسماعيل بن حماد الجوهرى توفي سنة ٣٩٣هـ (١٠٠٢م) الجوهرى ، الصحاح في اللغة ، المكتبة الشاملة.
- (27) جبرين: عبد الله بن عبد الرحمن الجبرين (المتوفى: ١٤٣٠هـ) شرح العقيدة الطحاوية
<http://www.islamweb.net>
- (28) حسيني: محمّد بن محمّد بن عبد الرزاق الحسيني تاج العروس من حواهر القاموس أبو الفيض الملقّب بمرتضى ، ناشر دار الهداية ، عدد الأجزاء / ٤٠

- (29) حسيني : أبو الطيب مُحَمَّد صديق خان بن حسن بن علي ابن لطف الله الحسيني البخاري القنوجي ، فتح البيان في مقاصد القرآن . ناشر: المكتبة العصرية للطباعة والنشر ، صيدا - بيروت ، عام النشر: ١٤١٢ هـ
- (30) حنبلي : شمس الدين ، أبو العون مُحَمَّد بن أحمد بن سالم السفاريني ، لوامع الأنوار البهية وسواطع الأسرار الأثرية . ناشر : مؤسسة الخافقين ومكبتها - دمشق ، الطبعة : الثانية - ١٤٠٢ هـ - ١٩٨٢ م
- (31) حسن : حسن مُحَمَّد أيوب (المتوفى: ١٤٢٩ هـ) تيسيط العقائد الإسلامية ؛ ناشر: دار الندوة الجديدة ، بيروت - لبنان ؛ الطبعة: الخامسة ، ١٤٠٣ هـ -
- (32) حنفي : ابن أبي العز الحنفي شرح العقيدة الطحاوية الناشر: المكتب الإسلامي بيروت ، الطبعة الرابعة ١٣٩١ هـ
- (33) حراني : أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية الحراني ، الرد على من قال بفناء الحنة والنار . ناشر: دار بلنسية الرياض ، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م
- (34) خرم دل : دكتور مصطفى تفسير نور ناشر : نشر احسان ، محل چاپ چاپخانه اسوه ، چاپ دهم سال ١٣٩٣ هـ
- (35) دمشقى : أبو حفص عمر بن علي ابن عادل الدمشقي الحنبلي اللياب في علوم الكتاب . نشر : دار الكتب العلمية بيروت ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م ، الطبعة : الأولى
- (36) دمشقى : أحمد بن مصطفى معجم أسماء الأشياء ناشر دار الفضيلة ، مكان النشر القاهرة ، عدد الأجزاء ١ .
- (37) دمشقى : أبو مُحَمَّد عز الدين عبد العزيز بن عبد السلام بن أبي القاسم بن الحسن السلمي ، الملقب بسليمان العلماء (المتوفى: ٦٦٠ هـ) تفسير القرآن (وهو اختصار لتفسير الماوردي) . ناشر: دار ابن حزم - بيروت ؛ الطبعة: الأولى ، ١٤١٦ هـ / ١٩٩٦ م ؛ عدد الأجزاء: ٣ .
- (38) راجحى : عبد العزيز بن عبد الله بن عبد الرحمن الراجحى شرح كتاب السنة للبريهاري . ناشر: الشبكة الإسلامية المكتبة الشاملة .
- (39) رازى : مُحَمَّد بن أبي بكر بن عبد القادر الرازي مختار الصحاح . ناشر : مكتبة لبنان ناشرون - بيروت الطبعة طبعة جديدة ١٤١٥ - ١٩٥٥
- (40) رازى : أبو عبد الله مُحَمَّد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي الملقب بفخر الدين خطيب الري مفاتيح الغيب = التفسير الكبير ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت ، الطبعة: الثالثة - ١٤٢٠ هـ
- (41) رازى : أبو مُحَمَّد عبد الرحمن بن مُحَمَّد بن إدريس بن المنذر التيمي ، الحنظلي ، الرازي ابن أبي حاتم تفسير القرآن العظيم . ناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز - المملكة العربية السعودية ، الطبعة: الثالثة ١٤١٩ هـ .
- (42) رازى: أبو القاسم هبة الله بن الحسن بن منصور الطبري الرازي اللالكائي (المتوفى: ٤١٨ هـ). شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة ناشر: دار طيبة - السعودية الطبعة: الثامنة ، ١٤٢٣ هـ
- (43) زقزوق : شبهاث المشككين محمود حمدي زقزوق وزير الأوقاف بمصر ناشر: وزارت اوقاف مصر ١٤٢٣ هـ
- (44) زهره : مُحَمَّد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد المعروف بأبي زهرة زهرة التفاسير . ناشر: دار الفكر العربي عدد الأجزاء: ١٠ .
- (45) زيات : إبراهيم مصطفى . أحمد الزيات . حامد عبد القادر . مُحَمَّد النجار المعجم الوسيط . ناشر : دار الدعوة تحقيق / مجمع اللغة العربية ، عدد الأجزاء / ٢
- (46) سلمي : عبد الرحيم بن صمايل العلياني السلمي شرح القصيدة اللامية لابن تيمية . ناشر: موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>

- (47) سلمى: عبد الرحيم بن صمايل العلياني شرح العقيدة الواسطية ج ١٤ ص ٩
ناشر: موقع الشبكة الاسلاميه <http://www.islamweb.net>
- (48) سلمى: عبد الرحيم بن صمايل العلياني السلمى دراسة موضوعية للحائبة ولمعة الاعتقاد والواسطية
ناشر: موقع الشبكة الإسلامية: <http://www.islamweb.net>
- (49) سيوطي: الإمام جلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر بن مُجَدِّد بن سابق الدين السيوطي (٩١١ هـ) الجامع الصغير من حديث البشير النذير المكتبة الشاملة.
- (50) سيوطي: عبد الرحمن بن أبي بكر جلال الدين السيوطي (المتوفى: ٩١١ هـ) صحيح وضعيف الجامع الصغير وزيادته مع الكتاب: أحكام مُجَدِّد ناصر الدين الألباني. المكتبة الشاملة.
- (51) سيوطي: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي (المتوفى: 911 هـ)، الدر المنثور
ناشر: دار الفكر - بيروت ١٩٩٣ ، عدد الأجزاء: ٨.
- (52) شاري: سيد قطب إبراهيم حسين الشاربي (المتوفى: ١٣٨٥ هـ) في ظلال القرآن
ناشر: دار الشروق - بيروت - القاهرة؛ الطبعة: السابعة عشر - ١٤١٢ هـ
- (53) صابوني: مُجَدِّد علي الصابوني صفوة التفاسير؛
ناشر: دار الصابوني للطباعة والنشر والتوزيع - القاهرة؛ الطبعة: الأولى ، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م
- (54) طبراني: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي ، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠ هـ) المعجم الأوسط ناشر: دار الحرمين - القاهرة.
- (55) طبري: مُجَدِّد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي ، أبو جعفر الطبري تفسير الطبري =
ناشر: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان ، الطبعة: الأولى ، ١٤٢٢ هـ
- (56) طحاوي: العلامة حجة الإسلام أبو جعفر الوراق الطحاوي بمصر العقيدة الطحاوية المكتبة الشاملة.
- (57) طحاوي: أحمد بن مُجَدِّد بن سلامة أبو جعفر الطحاوي مشكل الآثار
ناشر: موقع جامع الحديث <http://www.alsunnah.com> .
- (58) عبد الغفار: مُجَدِّد حسن شرح كتاب التوحيد لابن خزيمة
ناشر: موقع الشبكة الإسلامية: <http://www.islamweb.net> .
- (59) عبد الفتاح: معتز أحمد أحاديث وردت في العرش
ناشر: موقع مكتبة صيد الفوائد: <http://www.saaaid.net/book/index.php> ؛
- (60) عتيبي: مؤلف: عيسى بن عبدالرحمن العتيبي. المباحث المختصرة في حوض النبي ﷺ
ناشر: موقع مكتبة صيد الفوائد: <http://www.saaaid.net/book/index.php> .
- (61) عثيمين: مُجَدِّد بن صالح العثيمين (المتوفى: ١٤٢١ هـ) الأسرة والمجتمع : مجموع فتاوى العثيمين المكتبة الشاملة .
- (62) عثيمين: مُجَدِّد بن صالح بن مُجَدِّد العثيمين (المتوفى: ١٤٢١ هـ). شرح رياض الصالحين
ناشر: دار الوطن للنشر ، الرياض ؛ الطبعة: ١٤٢٦ هـ
- (63) عدوي: أبو عبد الله مصطفى بن العدوي شلباية المصري سلسلة التفسير لمصطفى العدوي
ناشر: موقع الشبكة الإسلامية: <http://www.islamweb.net> .
- (64) علوي: الشيخ غلوي بن عبد القادر السقاف الموسوعة العقدية
ناشر: موقع الدرر السنوية على الإنترنت dorar.net عدد الأجزاء: ١١ ، ربيع الأول .

- (65) عمر: د أحمد مختار عبد الحميد عمر بمساعدة فريق عمل ، معجم اللغة العربية المعاصرة ناشر: عالم الكتب الطبعة: الأولى ، ١٤٢٩ هـ - ٢٠٠٨ م
- (66) عيني : أبو مُجَدِّ محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين عمدة القاري شرح صحيح البخاري ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت ، عدد الأجزاء: ٢٥ × ١٢ . ج ١٠ ص ٢٤٤
- (67) علي بن إسماعيل: رسالة إلى أهل الثغر علي بن إسماعيل بن أبي بشر إسحاق بن سالم بن إسماعيل ناشر: مكتبة العلوم والحكم دمشق الطبعة الأولى ١٩٨٨ تحقيق: عبدالله شاکر مُجَدِّ الجنيدي
- (68) عسقلاني: أبو الفضل أحمد بن علي بن مُجَدِّ بن أحمد بن حجر (المتوفى: ٨٥٢هـ) المطالب العلية بزوائد المسانيد الثمانية ناشر: دار العاصمة ، دار الغيث - السعودية الطبعة: الأولى ، ١٤١٩ هـ
- (69) عراقى: أبو الفضل زين الدين عبد الرحيم بن الحسين بن عبد الرحمن بن أبي بكر بن إبراهيم (المتوفى: ٨٠٦هـ) المغني عن حمل الأسفار في الأسفار ، ناشر: دار ابن حزم ، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى ، ١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٥ م
- (70) غنيمان: عبد الله بن مُجَدِّ الغنيمان شرح كتاب التوحيد من صحيح البخاري ناشر: مكتبة الدار ، المدينة المنورة الطبعة: الأولى ، ١٤٠٥ هـ .
- (71) فراء: أبو زكريا يحيى بن زياد الفراء معاني القرآن للفراء ناشر: دار المصرية للتأليف والترجمة ، مكان الطبع: مصر
- (72) فاسى: أحمد بن مُجَدِّ بن المهدي بن عجيبة الحسنى الإدريسي الشاذلي البحر المديد ناشر / دار الكتب العلمية . بيروت ، الطبعة الثانية / ٢٠٠٨ م . ١٤٢٣ هـ .
- (73) فيروزآبادى : مجد الدين أبو طاهر مُجَدِّ بن يعقوب الفيروزآبادى (المتوفى: ٨١٧هـ) تنوير المقباس من تفسير ابن عباس جمعه الفيروز آبادى و ينسب: لعبد الله بن عباس - رضي الله عنهما - (المتوفى: ٦٨هـ) ناشر: دار الكتب العلمية لبنان ؛ عدد الأجزاء: ١
- (74) قاري: علي بن (سلطان) مُجَدِّ أبو الحسن نور الدين الملا الهروي مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح (و ١٠١٤هـ) ناشر: دار الفكر ، بيروت - لبنان ؛ الطبعة: الأولى ، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م ؛ عدد الأجزاء: ٩
- (75) قرطبي: أبو عبد الله مُجَدِّ بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين الجامع لأحكام القرآن ناشر: دار عالم الكتب ، الرياض ، المملكة العربية السعودية الطبعة: ١٤٢٣ هـ
- (76) قرطبي: أبو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك بن بطلال البكري القرطبي شرح صحيح البخاري ناشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض - ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٣ م ، الطبعة: الثانية
- (77) قزويني: مُجَدِّ بن يزيد أبو عبد الله القزويني سنن ابن ماجة ناشر: دار الفكر - بيروت تحقيق: مُجَدِّ فؤاد عبد الباقي
- (78) قشيري: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري ، صحيح مسلم ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق: مُجَدِّ فؤاد عبد الباقي ، عدد الأجزاء: ٥
- (79) ماتريدي: مُجَدِّ بن مُجَدِّ بن محمود ، أبو منصور الماتريدي (المتوفى: ٣٣٣هـ) تفسير الماتريدي (تأويلات أهل السنة) ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت ، لبنان الطبعة: الأولى ، ١٤٢٦ هـ .
- (80) مُجَدِّ خضر: أ.د. مُجَدِّ زكي مُجَدِّ خضر معجم كلمات القرآن الكريم ، الطبعة: محرم ١٤٢٦ هـ - ناشر: www.al-mishkat.com.words ، قام بإعداده: نورعلي يف فردوسي ، بتاريخ: ٢٨/٠٧/٢٠٠٧ م

- (81) مصرى : المحامى عبدالرؤف معجم مفردات القرآن وهو قاموس مفردات القرآن وغريبه الطبعة الثانية ١٣٦٧هـ ش
- (82) مُجَدَّ غريب : محمود مُجَدَّ غريب من علماء الأزهر الشريف والموجه الديني لشباب جامعة القاهرة سورة الواقعة ومنهجها في العقائد ناشر: دار التراث العربي القاهرة ؛ الطبعة: الثالثة - ١٤١٨هـ
- (83) مختار: سيدمختار ، نظرات في حديث حُفَّت الحنة بالمكاه و النارُ بالشهوات ناشر: دمياط مصر المكتبة الشاملة.
- (84) معين : فرهنگ فارسی معین دو حلدی دکتر مُجَدَّ معین ، انتشارات ادنا ١٣٨١هـ ش کتابخانه ملی ایران
- (85) مغماسی : أبو هاشم صالح بن عوَّاد بن صالح المغماسي تأملات قرآنية
ناشر : موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>
- (86) مقدسى : عبد الغني بن عبد الواحد بن علي بن سرور الجماعلي دمشقي الحنبلي ، أبو مُجَدَّ ، تقي الدين الاقتصاد في الاعتقاد ناشر: مكتبة العلوم والحكم ، المدينة المنورة ، المملكة العربية السعودية ، الطبعة الأولى ، ١٤١٤هـ
- (87) مُجَدَّ قطب شبهات حول الإسلام ب ت ؛ المكتبة الشاملة.
- (88) مناوي: زين الدين مُجَدَّ المدعو بعبد الرؤوف المناوي القاهري (المتوفى: ١٠٣١هـ)
فيض القدير شرح الجامع الصغير
ناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر الطبعة: الأولى ، ١٣٥٦هـ
- (89) نجدي: فيصل بن عبد العزيز بن فيصل ابن حمد المبارك الحريملي (المتوفى: 1376هـ)
توفيق الرحمن في دروس القرآن
ناشر: دار العاصمة ، المملكة العربية السعودية - الرياض دار العليان للنشر والتوزيع ، القصيم الطبعة: الأولى ١٤١٦ هـ
- (90) نووي: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: ٦٧٦هـ) المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج ؛ ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت ؛ الطبعة: الثانية ، ١٣٩٢. عدد الأجزاء: ١٨.

Summary of Research

- This thesis includes paradise (Janna) and all its facilities and blessings, according to the direction and messages of holy Quran and Hadith.
- This thesis also defines the qualification of paradise (Janna) from different aspect like structure, beauty, largeness, continuity, perdution and permanence with the quality and pleasure of all blessing of Janna.
- The qualification of paradise (Janna) and its blessing can describe by holy Quran and Hadith.
- Janna is the important aim for every believer, earning Janna is possible by learning proper right learning and message of profits (PBUs).
- This topic focused on mentioned points and all issues are described by exact, clear and unique reasons. Also the weak and opposite reasons rejected with powerful reasons.
- While there are definite and consistent reasons for paradise related issues, some Islam named groups are implicitly denied, and orientalist groups don't believe paradise and completely reject.
- Those people loosed the paradise blessing they try to bring a type of conflict in the ideas of believers, turn them to their follower and partners and finally put them in to hell.
- Islam is the only holly religion by sending messengers and messages that teaches the right way for people and protect humanity from the decay.
- Paradise is the wage that Allah gives to believers.
- Those unbeliever groups beside unbelieving of paradise do not believe to the judgment day and meeting of Allah, so this theses rejected all theirs void idea and reasons.



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Directorate of Private
Universities



Salam University
Faculty of sharia and law
Department of Tafser and
Hadith

Paradise and its blessing in Holy Quran

(Master's thesis)

Student Name: Abdul Raoul "Habibi"

Professor: Dr. Mohammad Ismail "Labib, Balki"

Year:.....2019



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Directorate of Private
Universities



Salam University
Faculty of sharia and law
Department of Tafseer and
Hadith

Paradise and its blessing in Holy Quran

(Master's thesis)

Student Name: Abdul Razul "Habibi"

Professor: Dr. Mohammad Ismail "Labib, Balki"

Year: 2019